د خپرونی نمبر

٣٢٣
ع ———
٤٢٣

د افغانستان د خلکو
د دفاع وزارت
ستردرستیز
د ښوونې او روزنې ستر توب
د موزیک پوهنځی قوماندانی
د تدریساتو مدیریت

د موزیک تیوری

مؤلف

جګړن محمد حنیف

PROPERTY OF
ARIC
Established
1989

کابل - ۱۳۵۷

مقدمه

موزیک، عبارت ازهنر اصوال است، حقائقیکه دراطراف ما وجوددارند توسط همین هنر اصوات و بصورت هنری منعکس میگردند. حالات ، احساسات وتأثرات انسانها بوسیله آن بخش میگردد .

سخن گوئی توسط موزیک ، که گویندۀ زیبائی‌های زنده‌گی ، قهرمانی اشعار گذشته نزدیک وحادثات زمان قدیم است ، تنهاآنوقت قابل فهم برای همه‌میگردد - که‌هرجمله آن درست‌خوانده‌شده وتوسط اعصاب‌گوش‌ما، درست اخذ وفهمیده‌شده بتواند .

کتاب (تیوری) موزیک اولین کتاب است. که‌درآن‌گرامرموزیک، یعنی قوانین ابتدائی واساسی زبان موزیک تذکار میگردد .

این کتاب برای مکاتب موزیک وهمچنان برای گروپ هاودسته‌های‌هنری تخصیص داده‌شده است. اومیتواند برای اشخاص غیرفنی، شاگردان‌مدارس شبانه واشخاص‌شوقی ایکه بطورتنهائی یاگروپ وار، مقصد فراگرفته‌موزیک را داشته باشند. خدمت نماید.

درین کتاب درسی ، برای تمام اشخاص نوآموز ،تیوری علمی موزیک به‌اشکال مناسب آموخته میشود. برای مکاتب موزیک ، دسته‌های هنـری وکلتوری ، فرا گرفتن این صنف تیوری ، اهمیت مخـصوص را دارا است. آموختن اساسات تیوری موزیک، که درتماس مکمل باترقی نمودن گوش موزیک است، برای بوجود آوردن یک نوازندۀ لایق‌وهنرمنـد ، وهمچنان برای اجرا نمودن یک‌اثر موزیک بطوریکه‌لازم‌است، مساعدت میکند .

خصوصیت امتیازی ایکه توسط این کتاب تقدیم میشـود ، عبارت ازآن است که موضوعات تیوری ،همرای کار عملی ارتباط خیلی نزدیـک دارند . واین چیزی است که عملاً خواسته میشود .

PROPERTY OF ACKU 7386

PROPERTY OF ARIC Established 1989

فصل اول

میلودی و تحریر آن توسط نوت

۱— سمع و سواد موزیک:-

(شرط اولی موفقیت درآموختن تئوری موزیک - داشتن گوش حساس موزیک است - چون دراکثر موارد، گوش رهنمائی اساسی‌را درین مورد به عهده دارد .)

فراگرفتن تئوری موزیک باید با استعمال آله موسیقی صورت بگیرد، علاوتاً یک معاون دایمی دیگر نیز دروقت فراگرفتن قوانین موزیک وآشنائی به آن باآموزنده موجوداست که عبارت از آواز است .

۲— دوخاصیت اساسی صوت موزیک.

میلودی ئیراکه ما میشنویم ویاخود ما می‌نوازیم، عبارت از یک سلسله اصوات مرتب شده موزیک است فرق میان اصوات میلودی، ازهمه اولتر درارتفاع وقیمت آن ها قرار دارد . همین دو خاصیت موزیک است که امکان تشریح میلودی‌را توسط نوت ها میدهد .

برای اینکه چشم بتواند، بطوریکه جائی ارتفاع وقیمت صوت را اخذ کند درنوت‌ها - هردوی آن تذکار میگردد .

به این ترتیب - ثبت موزیک توسط نوت و کلیه آثار باارزش موزیک عبارت از تبدل پیدایش های سمعی وآموزش بصری‌است- خواننده نوت ها ،

یا آواز خوان ویا نوازنده عیناً برعکس پیدایش فوق را درپیشرو دارد، یعنی تبدیل نمودن اشکال و علامات نوت ها به اصواتیکه دارای ارتفاع وقیمت مختلف بوده وباهم از نظر مذکوره مشترک هستند. یعنی بوجود آوردن صوت نوت ها.

۴- نوت و عاملی نوت.

آهنگ های ساده مردم وهم تمام آثاربزرگ، توسط نوت تحریر میشود.
نوت :- عبارت ازیک شکل گرافیکی شرطی، برای نوشتن اصوات موزیک است نوت توسط یک حلقه ئیکه داخل آن سیاه ویا سفید میباشد ارائه و معرفی میگردد.

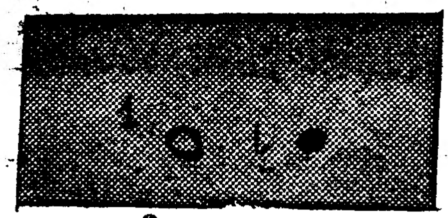

سیاه و سفید

و یا علامات علاوگی مختلف مثل یک الف وغیره راهمراه دارند.

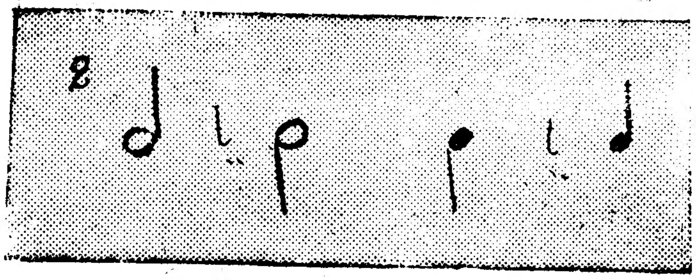

ویا دارای یک یادو ویا زیاده دنباله یا پیرتک میباشند.

ویادارای نقاط در پیشروی نوت میباشند.

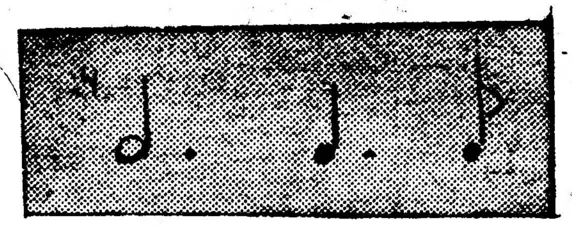

این اشکال بالای حامل نوت جا بجا میشوند .

چا مل نوت :- (پورته)

(عبارت از پنج خط مستقیم موازی و افقی میباشد. خطوط وبین های آن از پائین بطرف بالا حساب میشوند .)

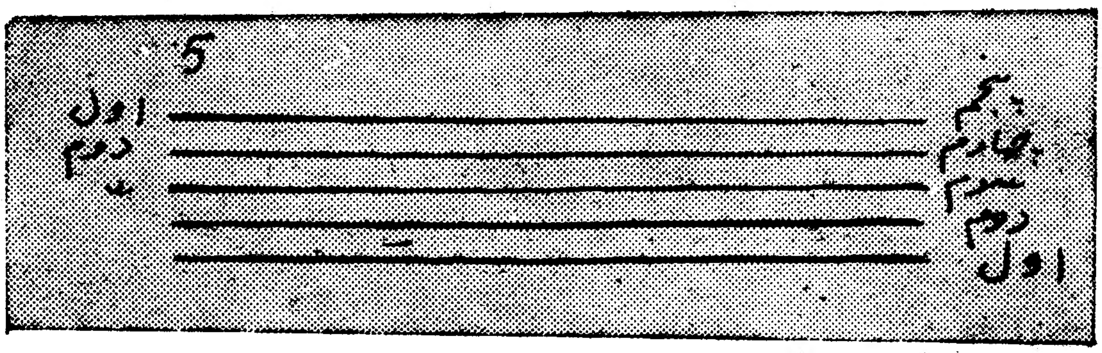

۴- تحریر نوت .

از همین جا آشنائی با نوت موزیک را شروع باید کرد .

اینک یک مثال ، از یک کمپوزیتور مشهور روسی بنام د . شسته کوبچ

مثل تمام آهنگ ها ، دقت مارا از همه اولتر موقعیت نوت‌ها ، در بالای حامل نوت بخود جلب میکنند .

۵- ارتفاع صوت .

گوش ما میتواند ارتفاع اصوات را ازهم دیگر تشخیص دهد - ازبلند ترین (نازکترین) تا پائین‌ترین (پروعمیق) .

ارتفاع صوت ، توسط نوت‌ها ، در بالای حامل نوت تعین میشود وموقعیت آن‌ها در بالای حامل نوت، سر نوت‌ها ، خطوط وعلامات اضافگی ایکه در نوت ها علاوه میشود ، ادامه یا قیمت صوت را نشان میدهد . تحریر نوت‌ها از نظر ارتفاع فرق آشکارا دارند. هرقدر ارتفاع صوت زیاد باشد همانقدر نوت‌ها در بالای حامل نوت بلندتر وهرقدر ارتفاع صوتی نوت‌ها پائین باشد. موقعیت نوت‌ها در بالای حامل نوت پائین تر میباشد .

نشاندادن نوت در بالای حامل نوت

نوت‌هائیکه دربالای خطوط حامل نوت‌قرار دارند :- مانندشکل(٧)

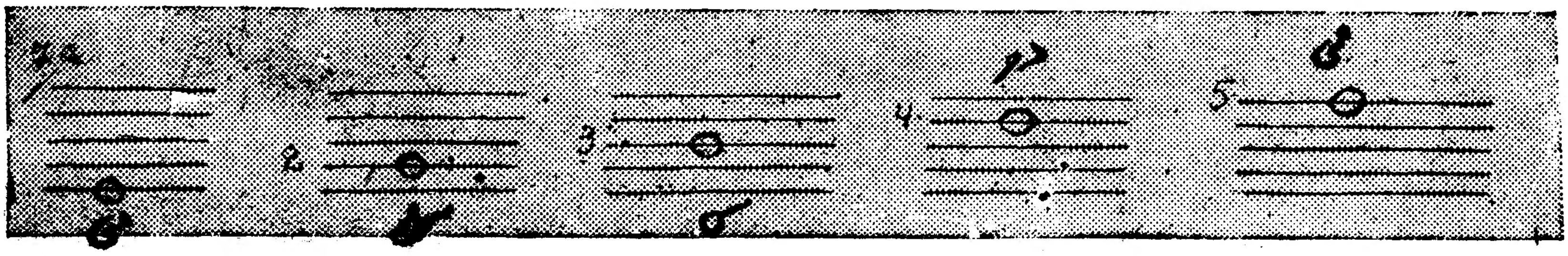

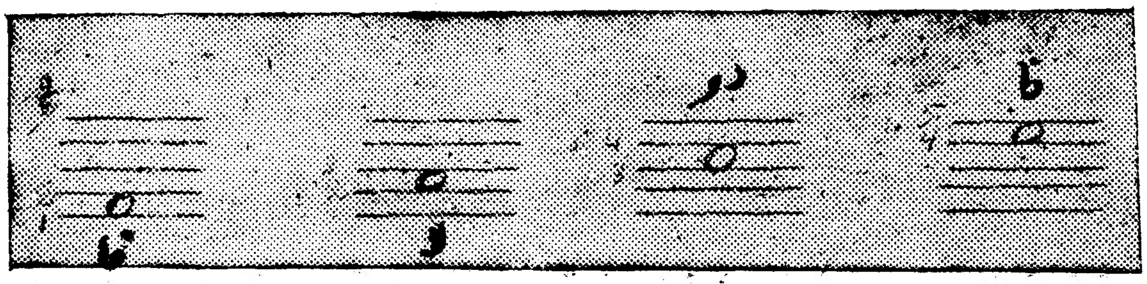

نوت‌هائیکه دربین خطوط قرار دارند ـ مانند شکل (٨)

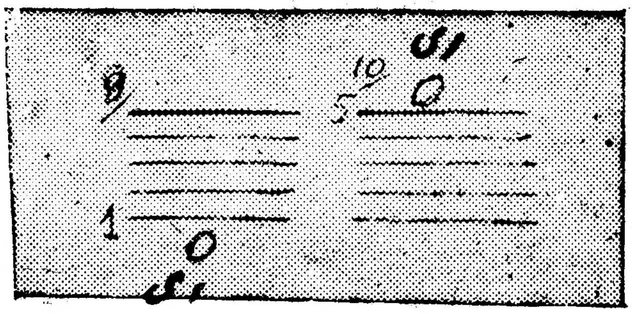

نوت هائیکه درپائین وبالای حامل‌نوت قرار دارند :- مانندشکل(٨) براي نشاندادن نوت های‌بلندتر وپائین‌تر ، دربالا وپائین حامل نوت ، از خطوط علاوگی استفاده می‌شود .

«وظیفه اول»

نشان بدهید ـ که نوت اول ونوت اخیر در بالای کدام یک خط حامل نوت قرار دارند

ام گلینکه (کمپوزیتور روسی)

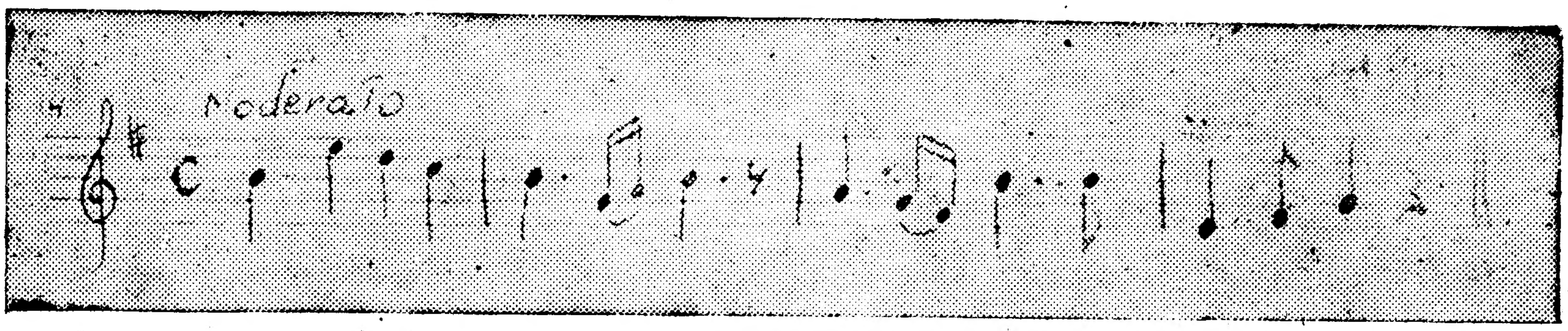

همچنان به بلندترین و پائین ترین صوت در بالای حامل نوت اشاره شود.

«وظیفهٔ دوم»

در این قسمت موقعیت نوت ها ئیکه بلندترین اصوات را نشان میدهد، همچنان نوت های اول واخیر در بالای کدام یک خط ازخطوط قرار دارند نشان بدهید.

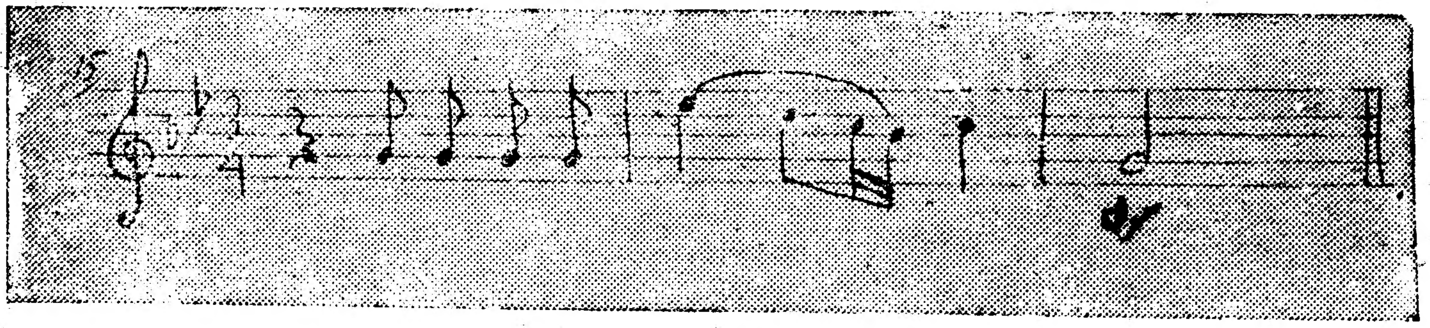

«کلید سول»

نوت ها ئیکه در بالای حامل نوت جابجا میشوند. درصورتی نام گذاری میشوند، که قبل ازآن ها علامه ایکه بنام کلید یاد میشود، گذاشته شده باشد - برای نوت ها ئیکه تقریباً مرتفع هستند کلید سول استعمال میشود.

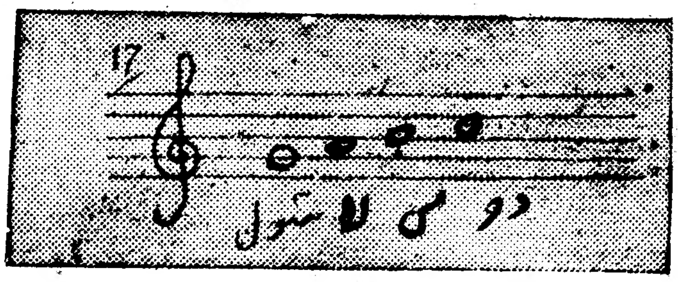

ترسیم کلید سول اصل خود را از حرف لاتین (G) (گی) که نوت سول رامعنی میدهد بدست آورده است، شروع این شکل ازخط دوم حامل نوت آغاز میگردد

« حروف نوت »

درموزیک اصوات مختلفی وجود دارد. ولی حروف اساسی آنها فقط هفت حرف است :-

Do , RE , Mi , FA , COL , LA , Ci
دو ره می فا سول لا سی

این هفت حرف الفبای موزیک، بطریق ذیل در بالای حامل نوت جا بجا میشود .

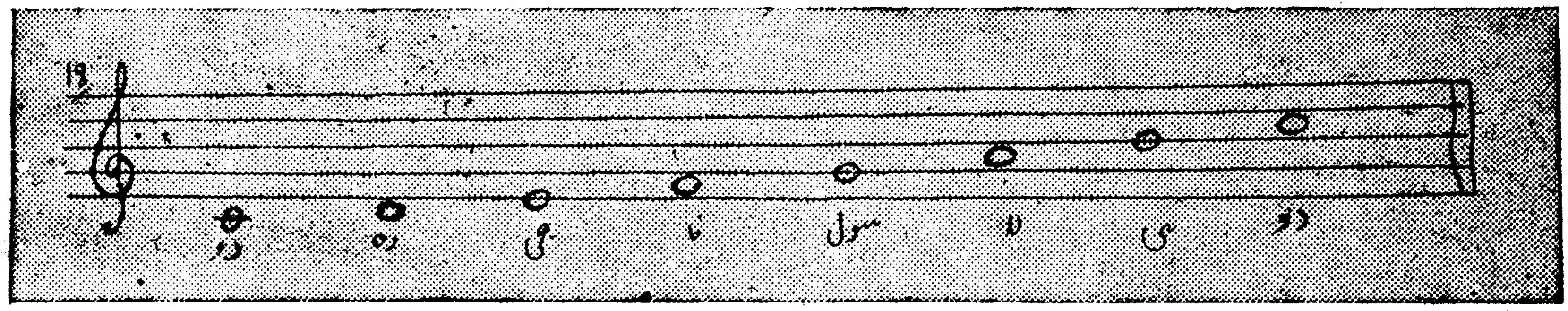

دربالای پرده های پیانو این هفت حرف موقعیت های ذیل رادارند .

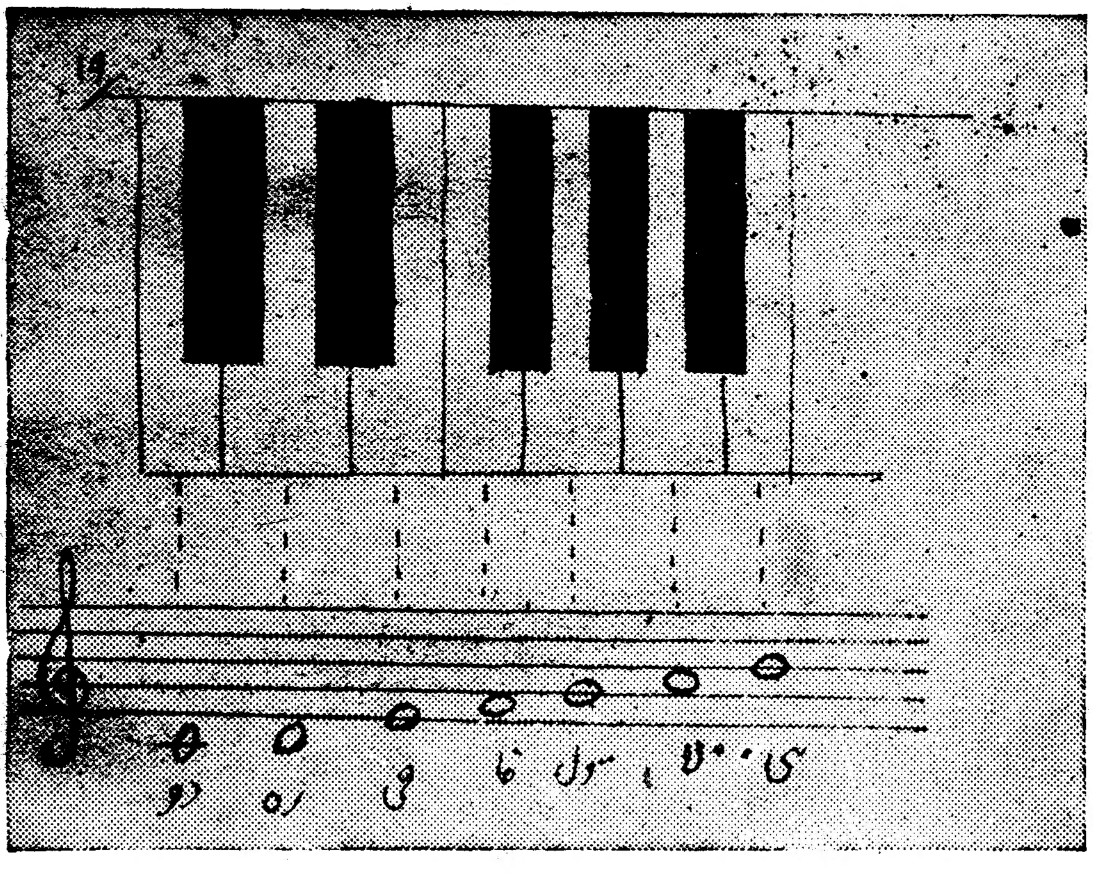

این هفت حرف بدون تغیر به عین ترتیب فوق بطرف بالا وپائین تکرار میشوند .

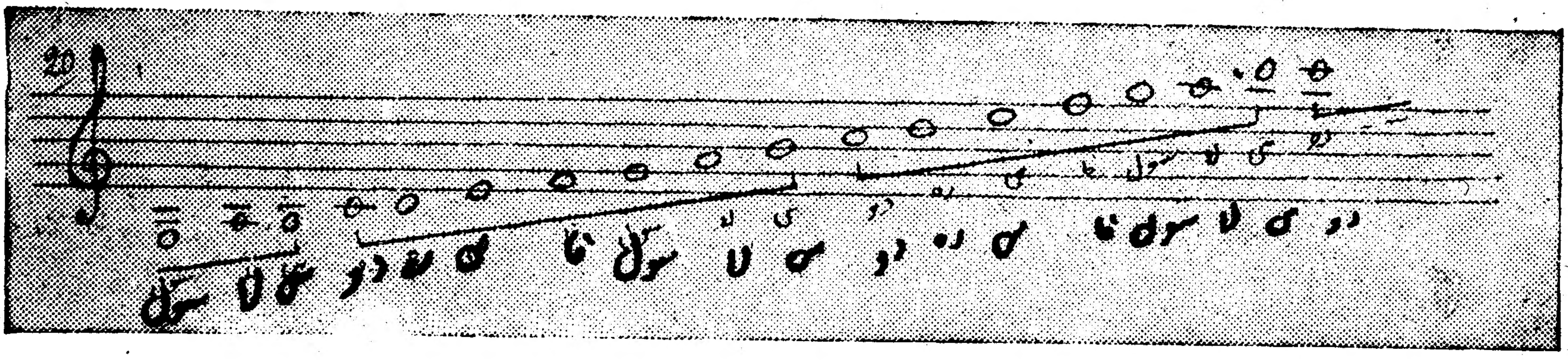

«وظیفه سوم»

درین امثال اسمای نوت‌ها را نام ببرید.

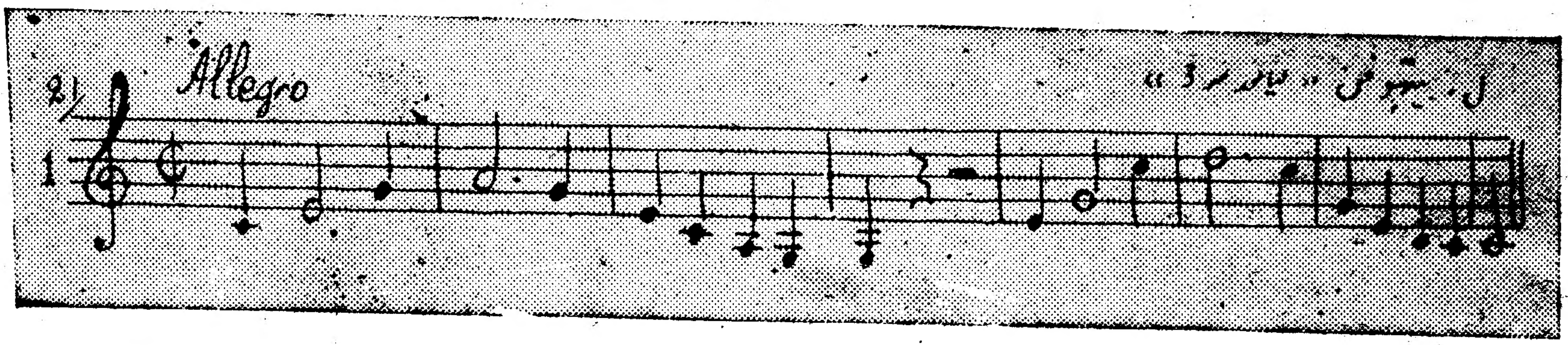

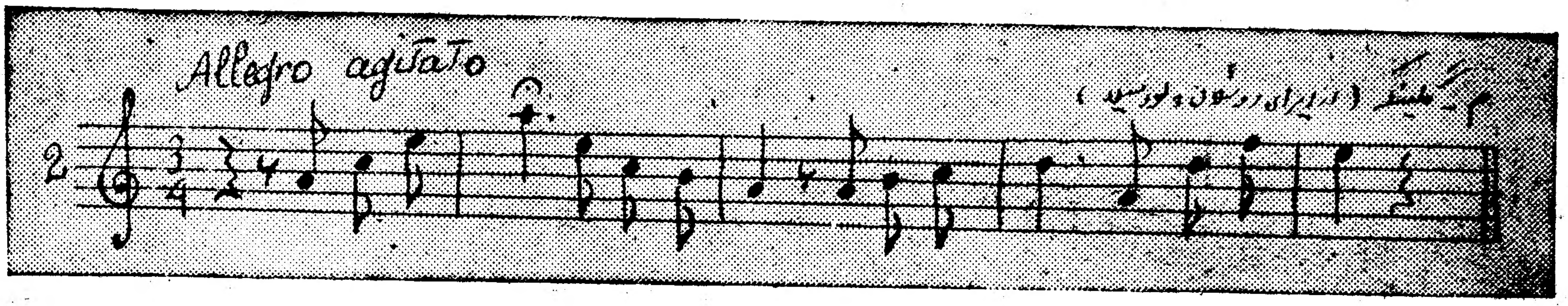

«وظیفه چهارم»

سلسله اسمای نوت‌ها را به ترتیب فراگرفته و هم چنان از نوت‌های مختلف شروع نموده و تا تکرار همان نوت، به ترتیب خوانده و تکرار کنید

مثلاً می، فا، سول، لا، سی، دو، ره، می - بطرف پائین از نوت دو شروع شود.

مثلاً :- لا، سی، دو، ره، می، فا، سول، لا- و غیره.

«وظیفه پنجم»

هرصوت را (درآله موسیقی ویا درپیانو) نواخته و هم به دقت به آنها گوش بدهید .

« قیمت نوت »

اصوات میلودی نه تنها ازنظر ارتفاع ، بلکه ازنظر قیمت خود هم ازیکدیگر فرق دارند .ما گاهی اصوات کوتاه گاه دراز را می شنویم.
ارتفاع وادامهٔ صوت را توسط نوت ها درعین زمان نشان میدهند.

«تابلو نشان دهندهٔ قیمت اصوات»

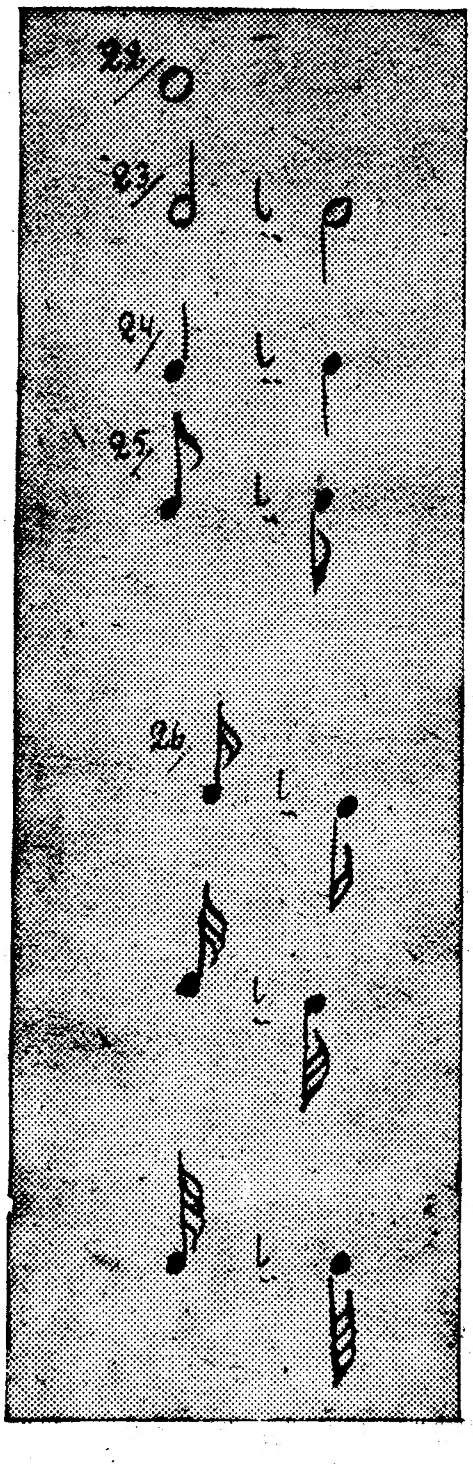

نوت سفید بدون علامات اضافه گی
نوت مکمل یا یکتائی.
نوت سفید همرای یک خط دوتائی .
نوت سیاه همرای یک خط چهارتائی.
نوت سیاه همرای خط ویک بیرقك هشت تائی.
نوت سیاه همرای خط ودو بیرقك شانزده تائی.
نوت سیاه همرای سه بیرقك سی ودوتائی.
نوت سیاه همرای چهار بیرقك شصت و چهارتائی .

به این ترتیب با علاوه نمودن علامات اضافه گی.
بالای نوت ها قیمت آنهارا نشان میدهند .
علاوتاً درپیشروی نوت نقطه نیز گذاشته میشود .

اگردرمقابل یک نوت چهارتائی یک نقطه بیاید نصف قیمت، نوت مذکور رازیاد می سازد .

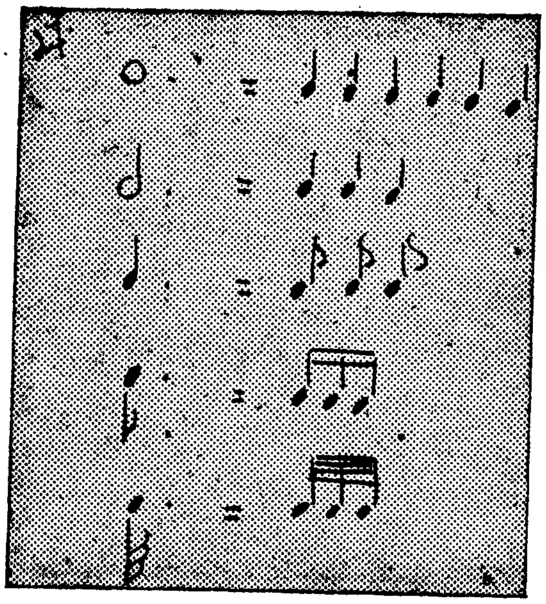

نوت یک تائی همرای نقطه .

نوت دوتائی همرای نقطه.

نوت چهارتائی همرای نقطه .

نوت هشتائی همرای نقطه .

نوت سی ودوتائی همرای نقطه .

تابلوی توافق قیمت اصوات

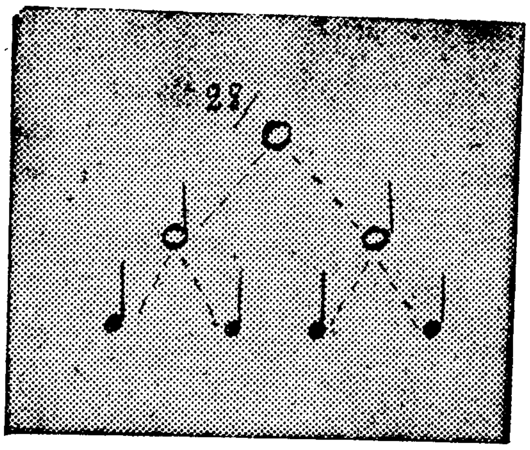

درتمام نقشه ها یامثال‌ها واحد قیاسی قیمت صوت یک چهارتائی قبول شده است .

نوت سفید یایک تائی که میتواند تنها یک صوت باشد ، ویا دو نصف میشود که عبارت از دودوتائی باشد

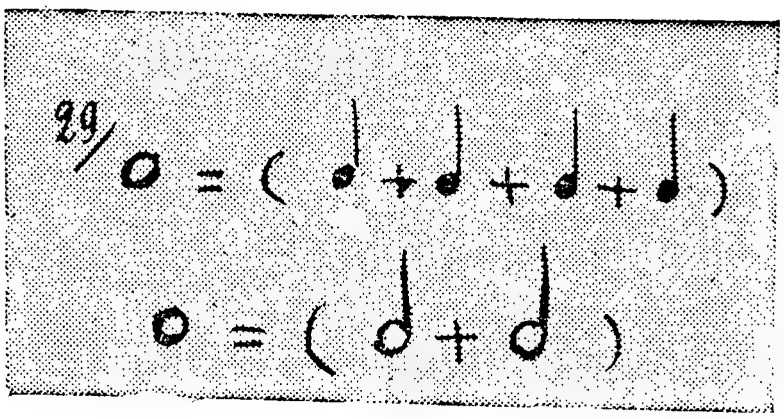

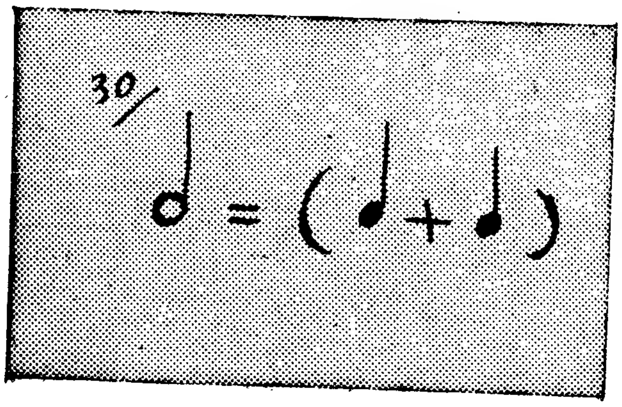

نوت نصف یا دوتائی = که عبارت ازدوچهارتائی است و می تواند یک صوت باشد .

نوت نصف یا دوتائی همرای نقطه که عبارت از سه چارتائی بوده و میتواند دریک صوت یکجا شود .

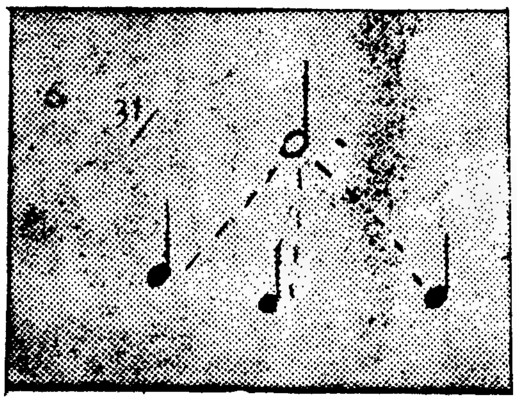

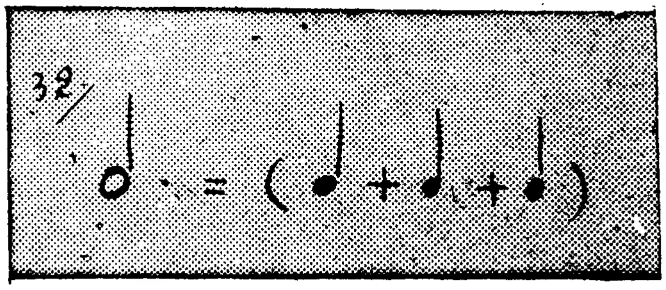

مثال (۳۳) که چند قیمت صوت کوتاه ، به یك صوتیکه نسبتاً قیمت زیادتر دارد مشاوی میشوند .

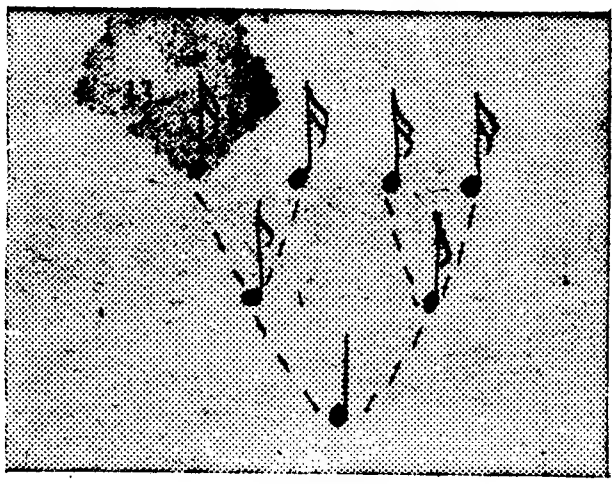

اجتماع دوشانزده تائی یك هشت تائی را بوجود می آورد.

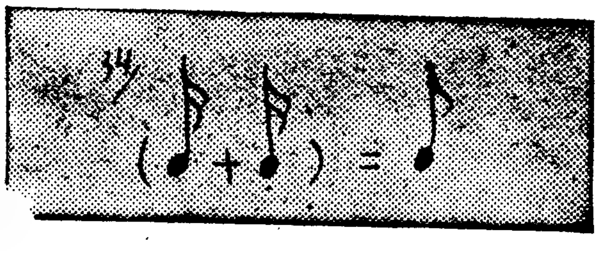

اجتماع چهارشانزده تائی - يك‌چارتائی رابوجود می آورند

اجتماع دوهشتائی یک چارتائی رابوجود می ورند

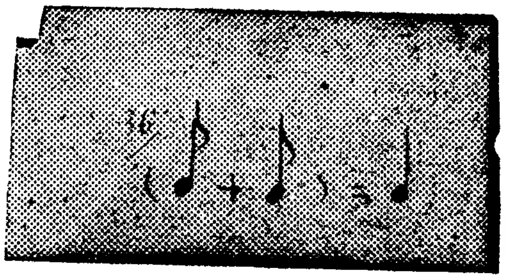

اجتماع سه هشتائی - چارتائی همرای نقطه را بوجود می آورد.

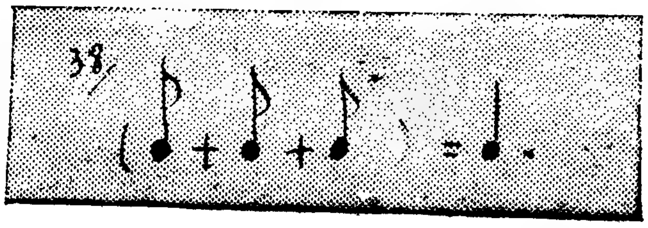

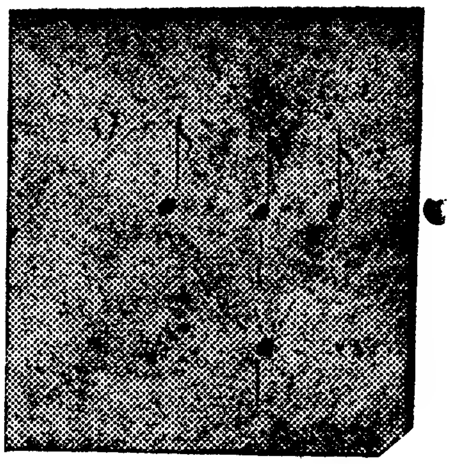

برای خواندن موزیک ، از روی نوت تجربیات معین لازم است که با عین آسانی بتوانیم نوت هائیکه دارای قیمت زیاد هستند ، به نوت های کوچکتر تقسیم و برعکس آن جمع نموده و خوانده بتوانیم .

برای آسانی زیادتر خواندن نوت موزیک ، اکثراً یک گروپ نوت دیده میشود که توسط یک یا چند خط افقی بهم مربوط شده اند بطور مثال .

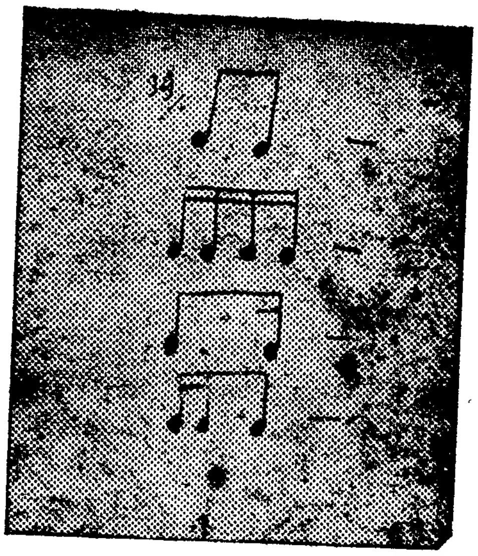

دو هشتائی

چهار شانزده تائی

هشتائی نقطه وشانزده تائی

دوشانزده تائی همرای یک هشتائی

تبصره :- تابلوهای فوق که قیمت صوت را ارائه میدارند - حیثیت تابلو معلوماتی را دارند ازآن باید برای مشق وتمرین عملی نیزاستفاده شود .

وظیفه نمبر ۶

در تمرین ذیل قیمت هر نوت ویا گروپ نوت هارا معلوم کنید

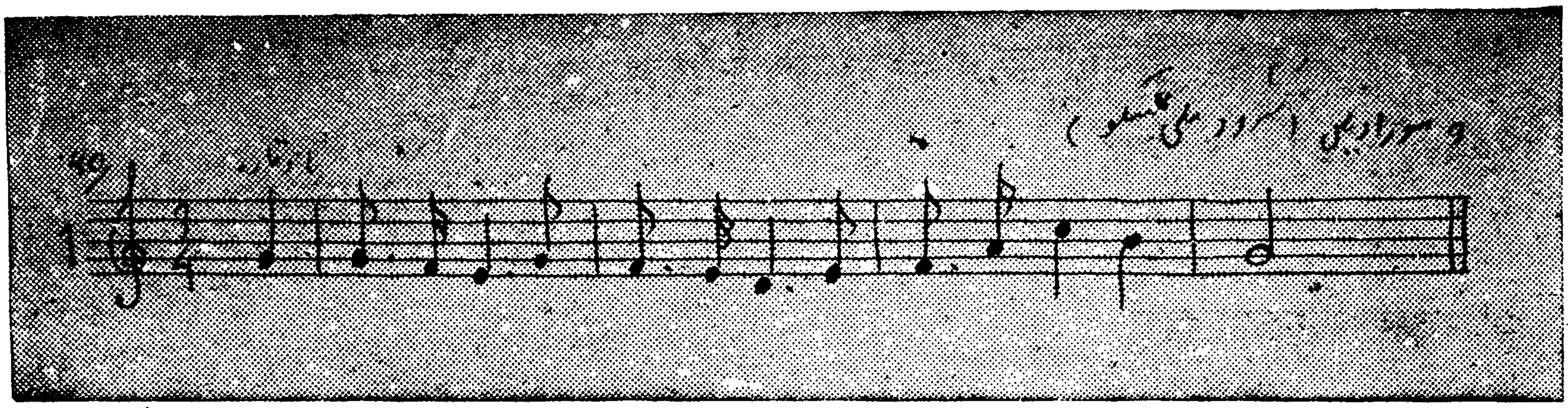

وظیفهٔ هفتم

وظیفه ذیل را به آواز خفیف (هرآوازیکه برای شخص مناسب باشد) خوانده وتوسط حرکات دست یك ودونشان داده شده وحساب آن رابدون خواندن ، یعنی درفکر خود بگیرید- وظیفه ذیل در تمپوی خیلی آهسته و مساوی توسط صوت لا اجرا شود .

توسط دست نشان داده شده و مفکورتاً حساب شود.

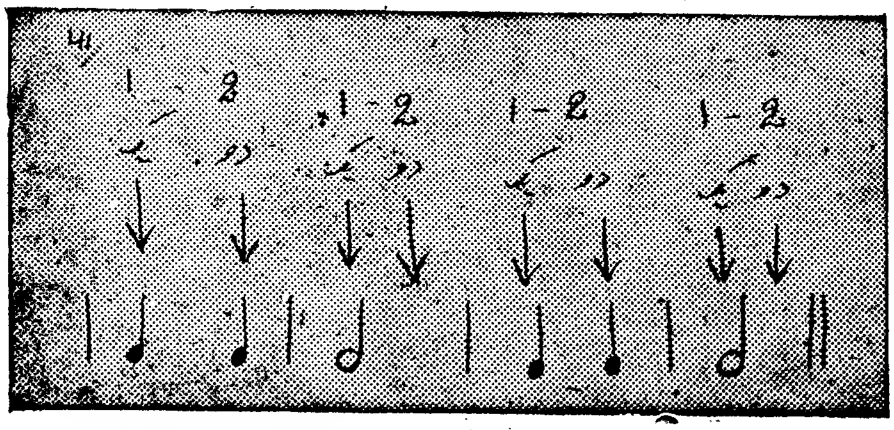

مشق نمره ۲۵

روابط قیمت های سه چهارتائی ویك دوتائی همرای نقطه :

در فکر خوانده شود

توسط دست نشان داده شود

خوانده شود

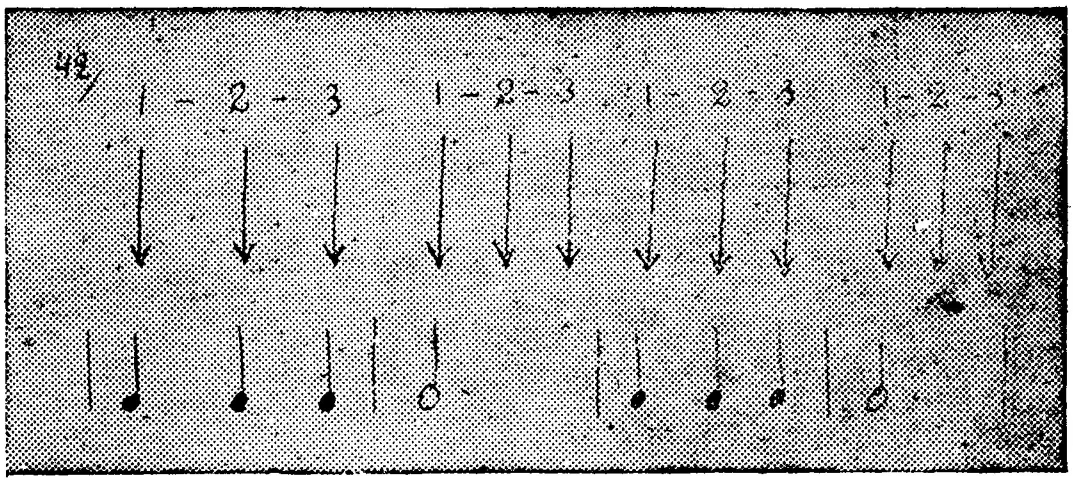

مشق سوم

رابطهٔ چهار نوت چهار تائی و یك نوت یك تائی

در فکر
خوانده شود
توسط دست
نشان داده
شود
خوانده شود

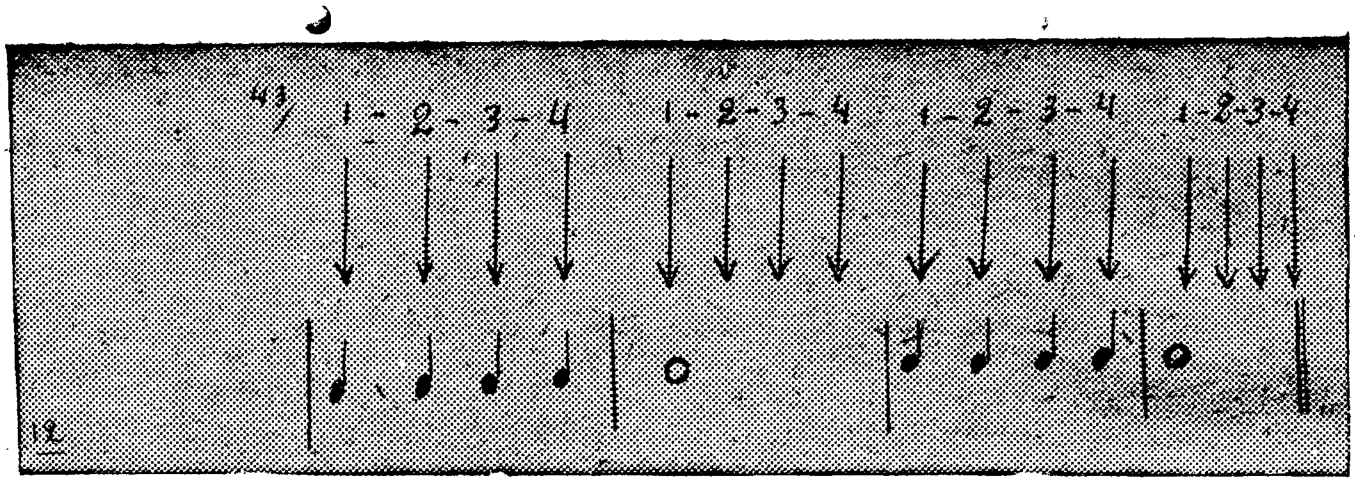

این مشق ها برای معرفی ساختن شفره ها داده شده است .

رقم یا شفره

وقتیکه ما حرف می‌زنیم در هر کلمه بالای یکی ازحروف آن ضربه وارد میشود. مثلاً در کلمه خواندن ، شستن وغیره مثل

من درین جا درس میخوانم

2,1 , 2 , 1 , 2 , 1,2, 1

درجا هائیکه ضربه وارد میشود،ضربه قوی(ثقیل) ودرجا هائیکه ضربه وارد نمیشود، ضربه خفیف نامیده میشود.

تکت یا موزور

نوشتن موزیك توسط نوتها بطور عمومی به تکت ها «موزور»جدا میشود.
تکت :— عبارت ازهمان قسمتی از اثرموسیقی است، که از یك ضربه قوی تا ضربه قوی مابعد ادامه می‌یابد .
درهر تکت یك ضربه قوی ویك یا چند ضربه خفیف وجود داشته میباشد. یك تکت ازتکت دیگر توسط خط تکت جدا میشود .

رقم ویا شفره دوضربی و سه ضربی

رقم ویاشفره درموزیك درشروع حامل نوت بعد ازعلامه کلید تحریر میشود. وبه شکل دو عددیکه یکی در بالای دیگر قرار دارند نشان داده میشود. مثال —

وظیفه نمبر ۶

در تمرین ذیل قیمت هر نوت ویا گروپ نوت هارا معلوم کنید

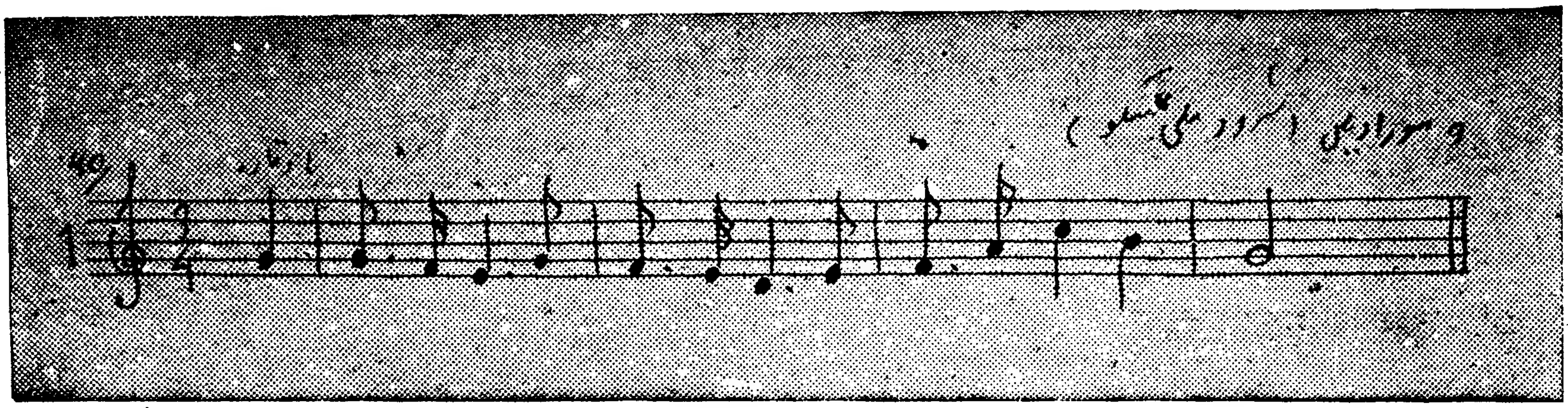

وظیفهٔ هفتم

وظیفه ذیل را به آواز خفیف (هرآوازیکه برای شخص مناسب باشد) خوانده وتوسط حرکات دست یك ودو نشان داده شده وحساب آن رابدون خواندن ، یعنی درفکر خود بگیرید- وظیفه زیل در تمپوی خیلی آهسته و مساوی توسط صوت لا اجرا شود .

توسط دست نشان داده‌شده و مفکورتاً حساب شود.

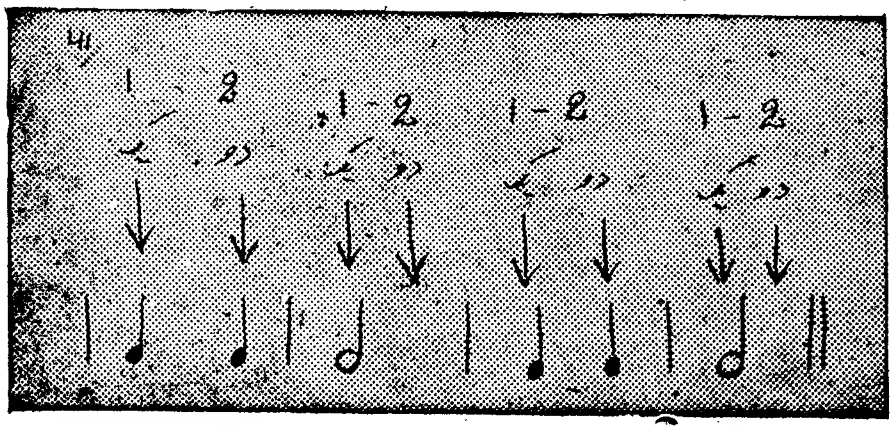

مشق نمره ۲۵

روابط قیمت های سه چهارتائی ویك دوتائی همراه نقطه :

در فکر خوانده شود

توسط دست نشان داده شود

خوانده شود

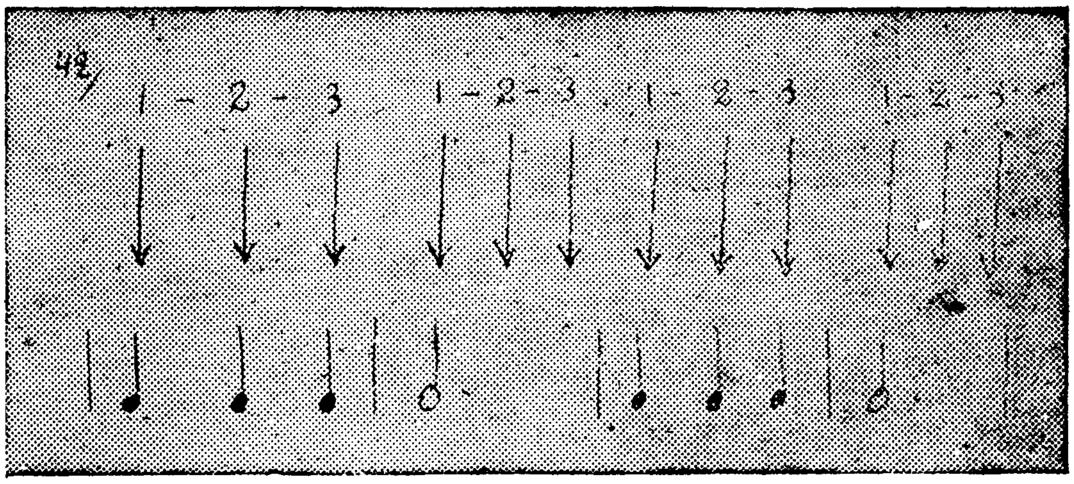

با یکجا گردیده باشند بصورت نوت دوتائی تحریر خواهد شد . ویک حرکت دست رابطرف پائین (یک) ویک بطرف بالا (دو) راتقاضا خواهد کرد .

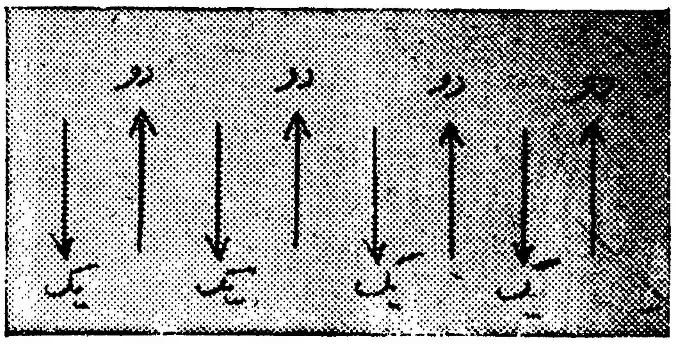

رقم یا شفرهٔ سه ضربی !—

تصنیف ذیل معنی میدهد که در هر تکت سه ضربه وجود دارد که اول آن قوی و دوم وسوم آن ضعیف میباشد .

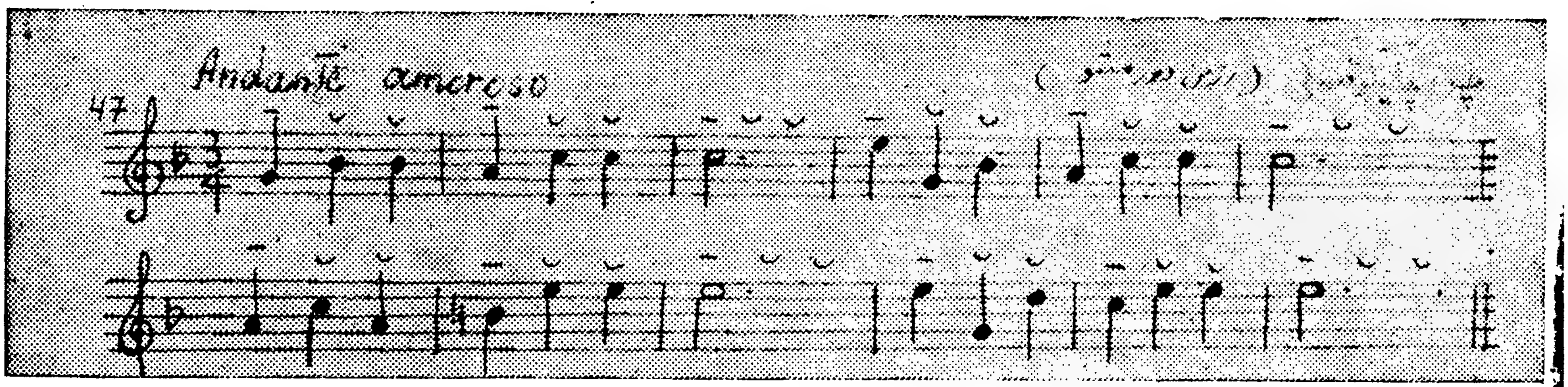

در رقم یا شفره یا سه ضربی ، هر یک ازضربه های قوی و دوضربهٔ خفیف دیگر آن توسط نوت های چارتایی نشان داده میشود . اگر ضربه قوی و دو ضربه خفیف دیگر به هم یکجا شوند ، درین صورت توسط یک نوت دوتایی همرای نقطه نشان داده خواهد شد .

در یک صوت دوضربه ثقیل وخفیف باهم یکجا شده میتوانند ویا ضربه ثقیل جدا وجودداشته ودوضربه خفیف بهم مربوط شده میتوانند .

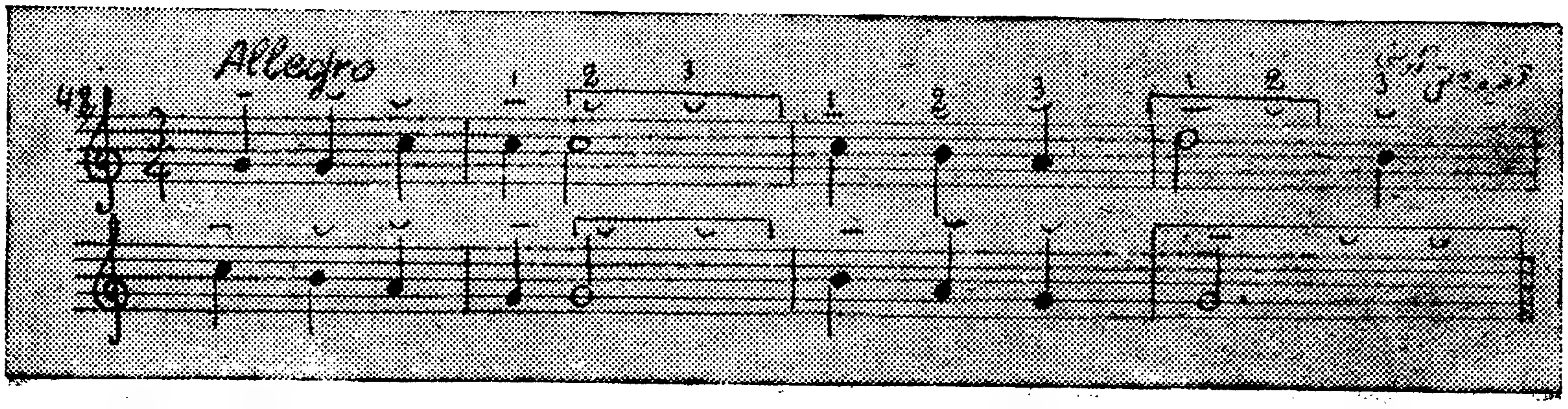

شمهٔ رهبری در شفرهٔ سه‌ضربی

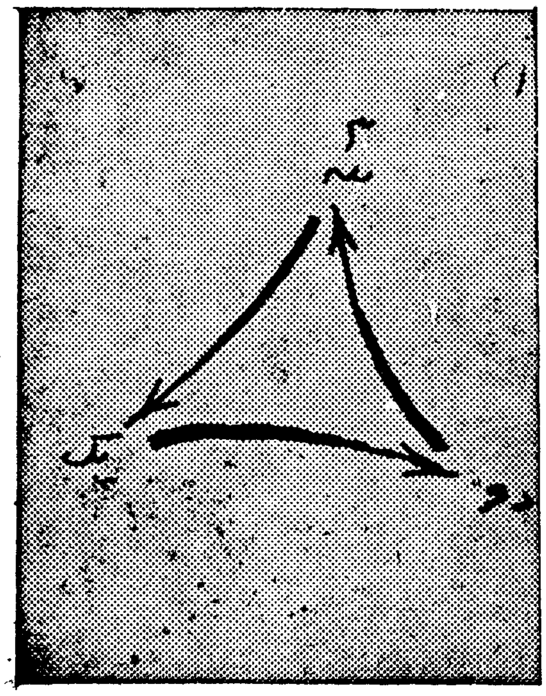

قراریکه درشکل نشان داده شده‌است ، ضربه اول بطرف پائین (یک کمی مایل بطرف چپ) ضربه دوم بطرف راست ، وضربه سوم بطرف بالا یعنی نقطهٔ اولی نشان داده میشود .

(وقفه)

وقفه عبارت ازتفریح ، یا قطع شدن صوت موزیک است بوقت دقیق و معینیکه درنوت ها تحریر یافته است مثل اینکه درمکالمه بعضی توقف ها را باید رعایت نمود، که این توقف‌ها باعث‌آن میشود که شخص مفکورهٔ خودرا بخوبی بیان نماید ، همان طوریکه خواندن یک‌شعر بصورت پی‌درپی بدون وقفه کدام لذتی ندارد — همین‌طوردر موزیک نیز توقف یا سکوت های وجود دارد که نه‌تنها باعث‌خرابی جمله های موزیک نمیشود بلکه باعث زیبائی و فصاحت آن میگردد .

اجرا نمودن وقفه مربوط است به ختم شدن دقیق جملهٔ موزیک در لحظه شروع وقفه ، وبرعکس شروع نمودن جمله آینده بطور دقیق درلحظه ختم وقفه مخصوصاً برای همین منظور درحساب وقفه دقت زیادی باید بخرچ داده شود .

درقرائت موزیک ، حرکات پی‌درپی اصوات توسط «وقفه های خیلی کوچک» ازهم‌جدا میشوند .

وقفه کوچک :— عبارت از وقفه ایست که توسط آن اثر موزیک به قسمت‌ها وجمله‌ها ازهم جدا میشود:—

وقفه کوچک اخذ جملات و مفکورهٔ موزیک را بطور دقیقتر وواضح تر امکان میدهد— البته برای وقفه صوت موزیك بطور دقیق واندازه شده علامه مخصوص وقفه استعمال میشود —

تابلوی وقفه ها

وقفه مساوی بیك یکتائی (چهار چهار تائی) — خط کوچك در زیر خط چهارم

وقفه مساوی دو چهار تائی — خط کوچك در بالای خط سوم

وقفه مساوی یک چهار تائی

وقفه مساوی یک هشتائی

وقفه مساوی یک شانزده تائی

وقفه مساوی یک سی و دو تائی

وقفه مساوی یک شصت و چهار تائی

قیمت وقفه ها مثل نوت ها با ازدیاد نقطه زیادتر شده میتواند .

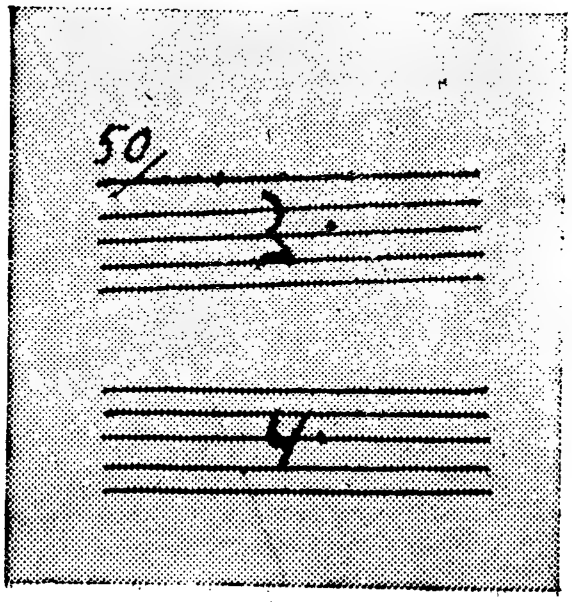

وقفه مساوی سه هشتائی

وقفه مساوی سه شانزده تائی

نمونهٔ از متن نوت که در آن وقفه استعمال شده است .

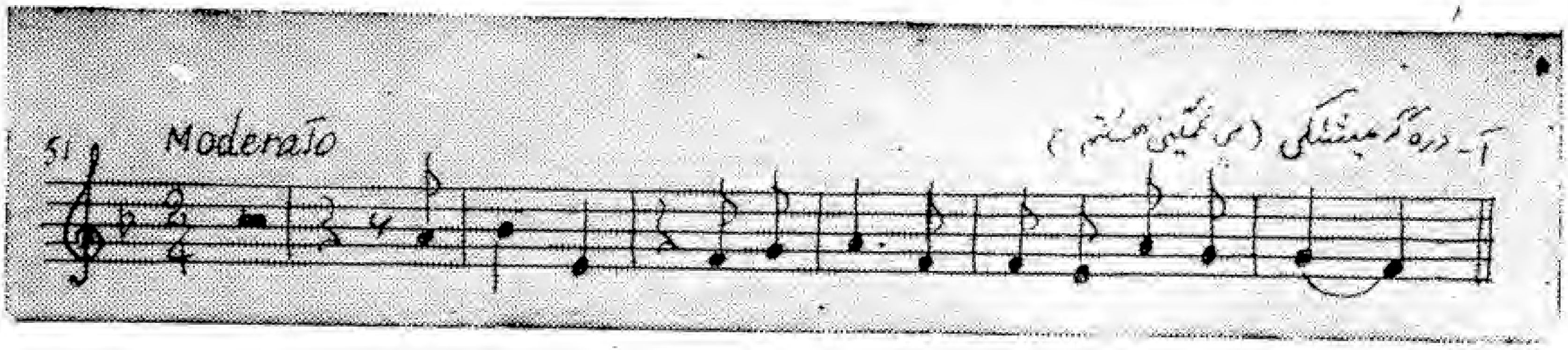

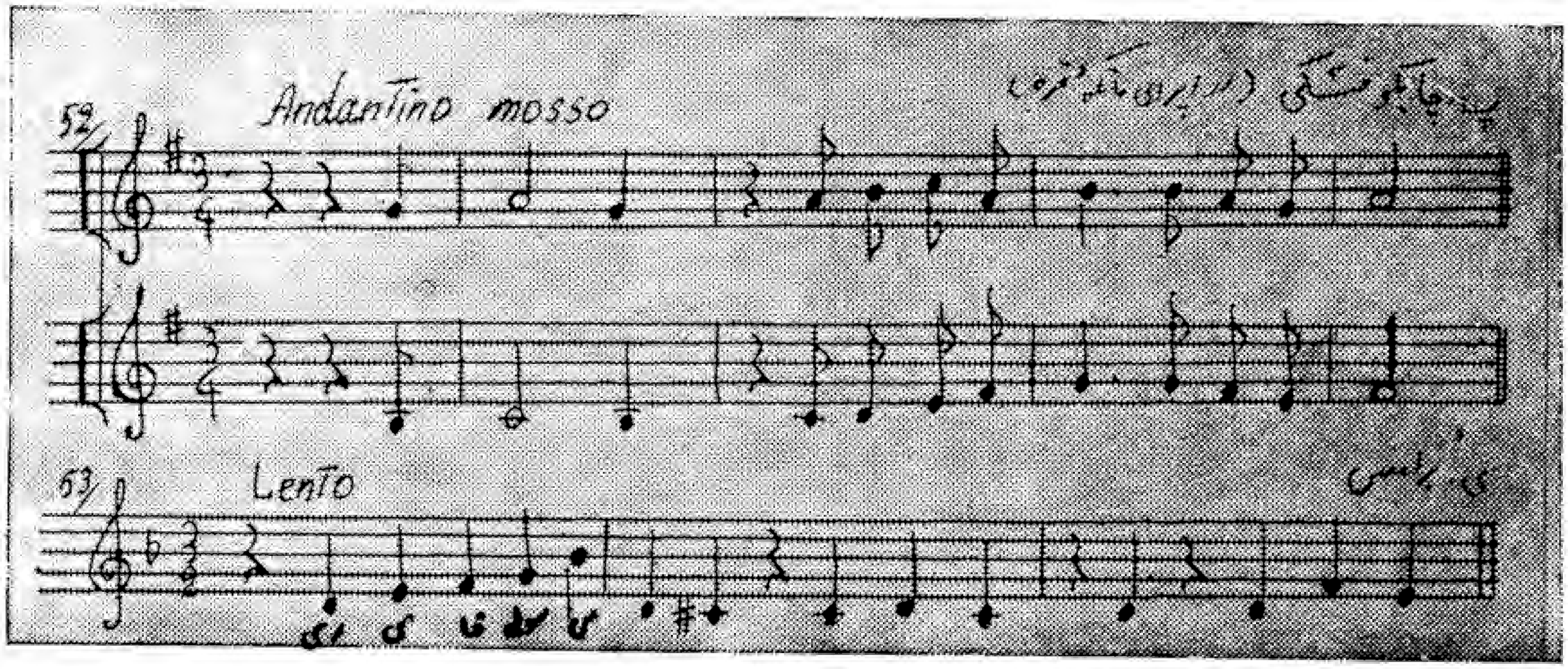

« وظیفه نهم »

در مثالهای ذیل نوت را خوانده ، در عین زمان قیمت نوت ها وسکوت ها را مطالعه کنید و توسط حرکات دست ،ضربه های ثقیل تکت رانشان داده وهم نوتها رابهر آوازیکه برای تان مناسب باشد بخوانید.

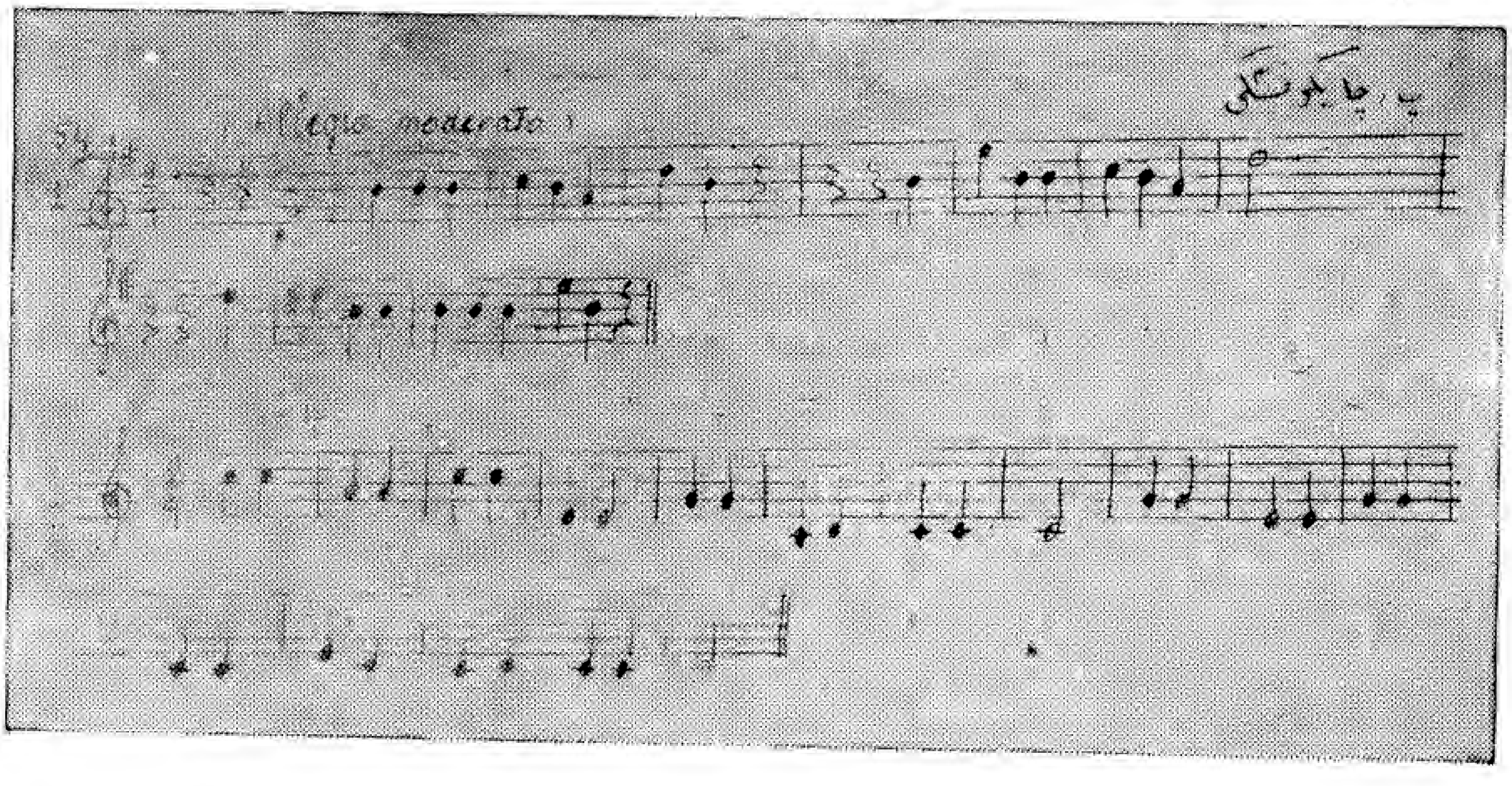

« وظیفه دهم »

تمرین ذیل را ، درکدام آله موسیقی بنوازید، ویا به هر آواز یسکه برایتان مناسب باشد بخوانید ودرفکر خود حساب چهارتائی‌ها را گرفته و توسط حرکات دست شماره آنهارانشان دهید :-

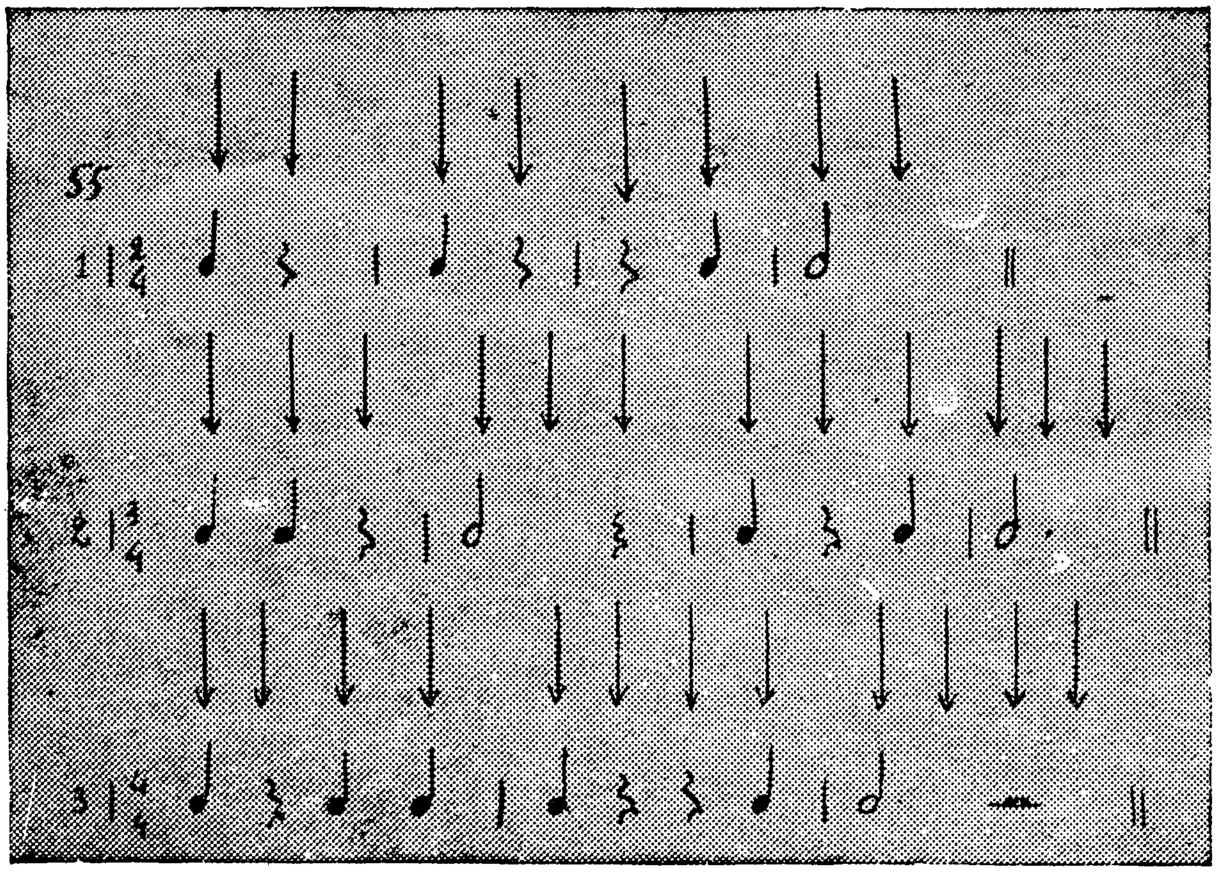

شمهٔ رهبری چهارتائی را در صفحه ( ) ملاحظه نمائید .

« وظیفه یازدهم »

درکتابچه نوت، مثال ذیل راتحریر نموده و در بالای هر نوت اسم آنرا بگذارید .

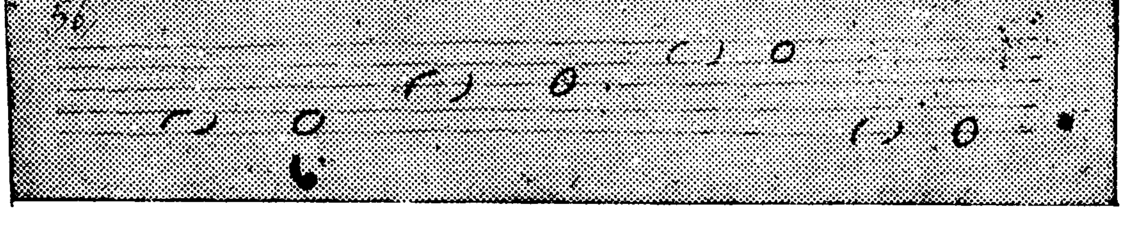

تبصره :- نوت های سفید را توسط دوقوس نیمه تحریر باید کرد اولاً نیم‌قوس بالائی،وبعدازآن نیم‌قوس تحتانی آن رارسم نموده آنها را باهم مربوط بسازید .

وبه همین طریق نوتهای سیاه و میان پر، را باید ترسیم نمود (البته به اندازه کوچکتر) خط علاوگی نوتها ،تاخط‌سوم حامل نوت، ازطرف بالا

وبطرف راست نوت قرار داده میشوند از خط سوم وبالاتر، خط نوت ازطرف چپ نوت وبطرف پائین ترسیم میشود .

برای ترسیم‌نمودن کلیو سول بصورت صحیح اولاً ترسیم قسمت های مختلف آن توصیه میشود تا بعداً شکل مکمل آن به‌آسانی ترسیم‌شده بتواند .

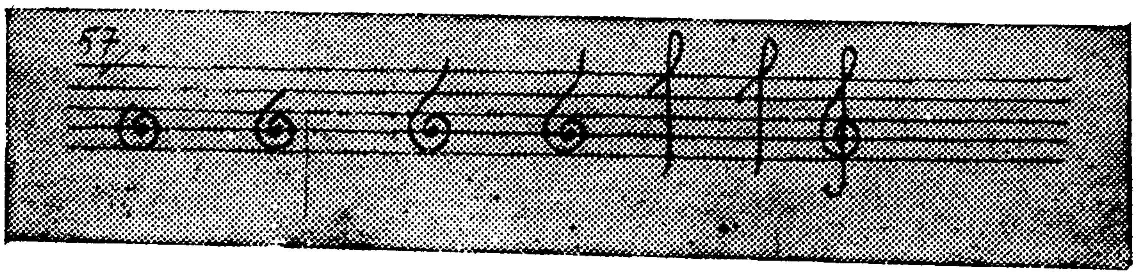

هرقدر نوت زیباتر نوشته شود، برای بدست آوردن حسن خط زیبا مفیدتر است.

فصل دوم

تون اساسی

هر تصنیف و یا میلودی که باشد یکی از اصوات آن معنی تون اساسی را دارا می‌باشد که بنام تونیک یاد می شود ـ در یک تصنیف همه اصوات آن بیشتر از همه به این تون ارتباط میگیرد.

تون اساسی وقتی واضح وآشکار میشود که درضربه ثقیل تک واقع شده وهمراه مفکوره جملات موزیک مربوط باشد اگر تصنیف، ازتون اساسی شروع و به آن ختم شود ودیگر اصوات آن بوضاحت شنیده شده بتواند درین صورت تون اساسی آن به صورت آشکارا شنیده شده و فرق شده میتواند.

درمثال ذیل تون اساسی راگوش ما به آسانی شنیده میتواند.

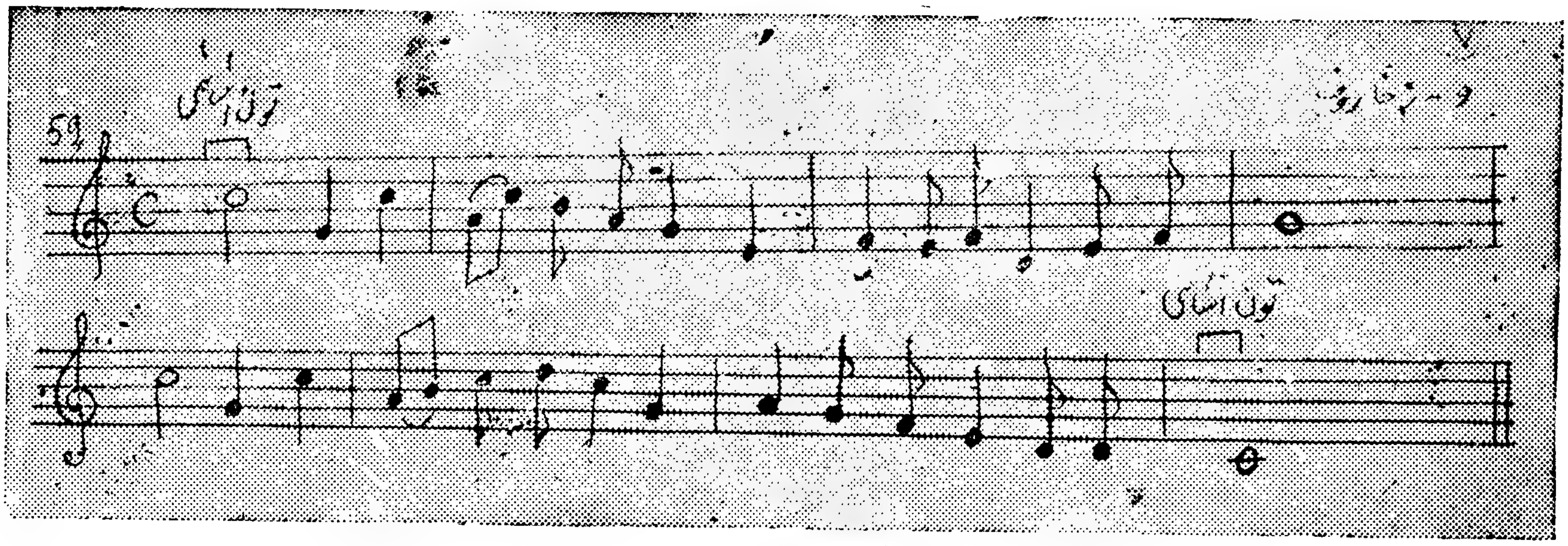

درمثال فوق، قسمت آشکارا وروشن تصنیف را (ازنظر میلودی) تکت اول، پنجم واخیر آن تشکیل داده است که درآن تون اساسی بوضاحت چندمراتبه تکرار گردیده است.

«وظیفهٔ دوازدهم»

مثال ذیل اولاً بخوبی سمع شده و بعد آ توسط نوت ها تحریر گردد.

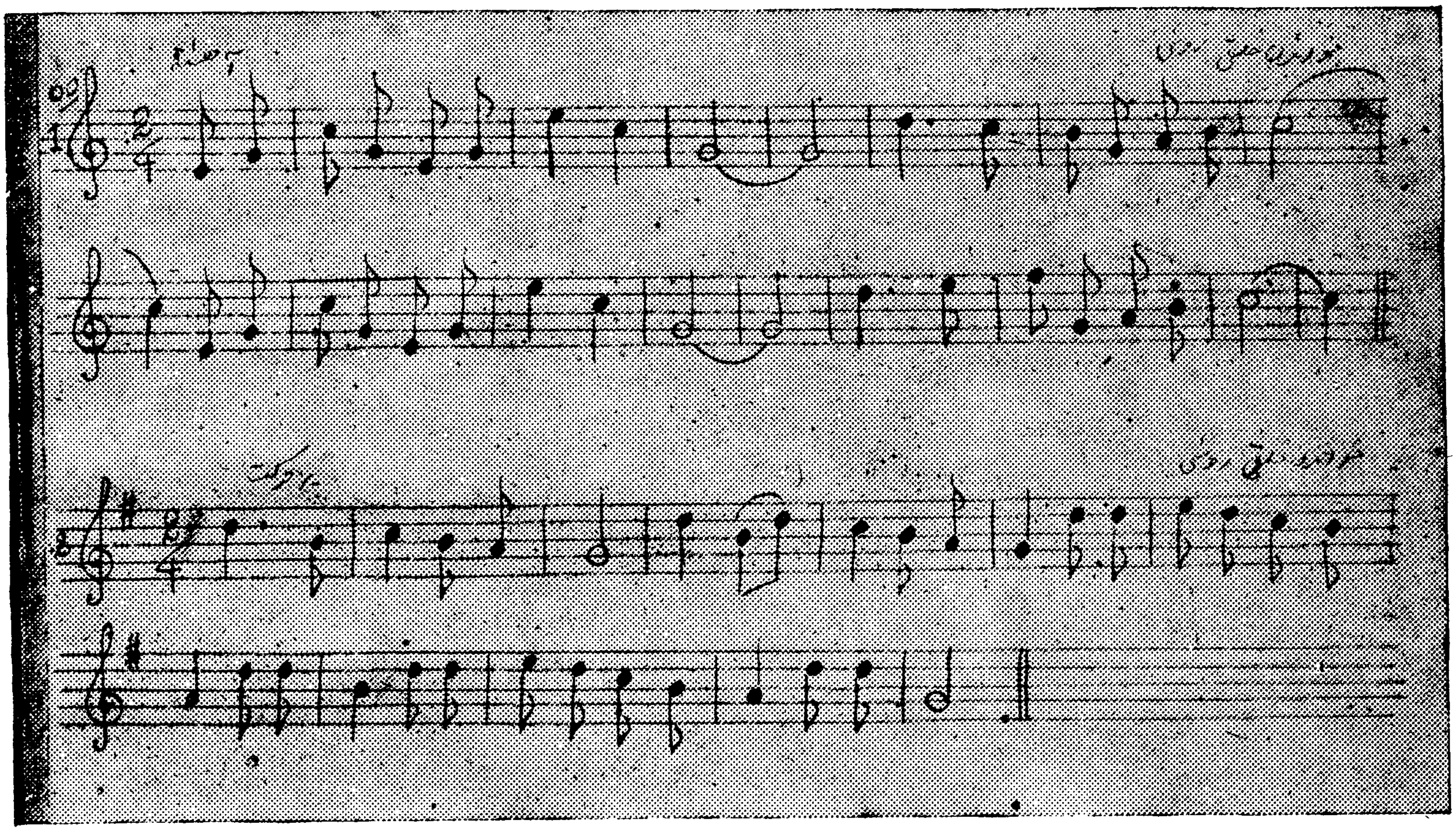

«وظیفهٔ سیزده هم»

یکقسمت ازمیلودی های آشنا را، توسط آلهٔ موسیقی بنوازید وبعد ازآن توسط صوت دوام دار- تون اساسی آنرا معلوم نموده تکرار نمائید.

«مرتبه های (پرده) ردیف صوت»

اگر اصوات یک میلودی را، توسط نوتها بترتیب از پائین ترین صوت آن تا بلند ترین آن - به سلسله بطرف بالا و پائین، تحریر کنیم- ردیف صوت آن بوجود می‌آید.

هر یک نوت این ردیف صوت، عبارت ازمرتبه (پرده) های آن خواهد بود. تون اساسی میلودی، درعین زمان صوت اول این ردیف را تشکیل خواهد کرد. نوتهای دیگر ردیف صوت ارقام ترتیبی خودرا، نظر به تون اساسی، ونظر به موقعیت آنها ازتون اساسی، اخذ میدارند.

از مثال ذیل جملهٔ اول آنرا بیرون نویسی میکنیم.

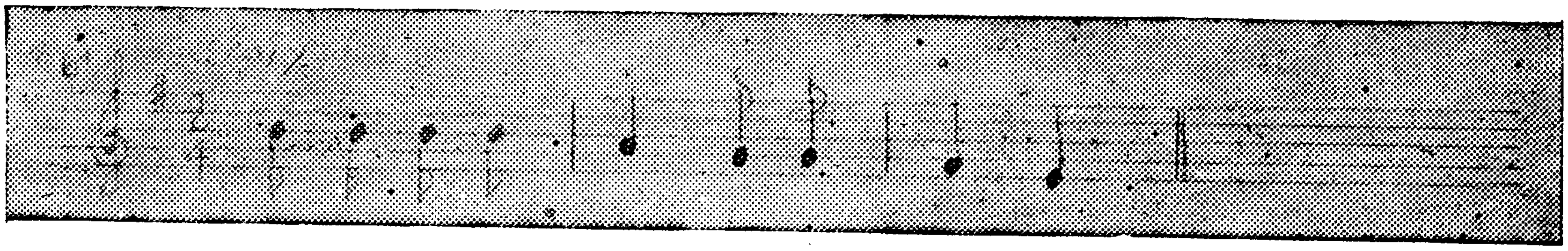

حالا ردیف صوت این جملهٔ موزیک را، توسط نوتهای یکتائی مینویسیم.

PROPERTY OF ACKU 7386

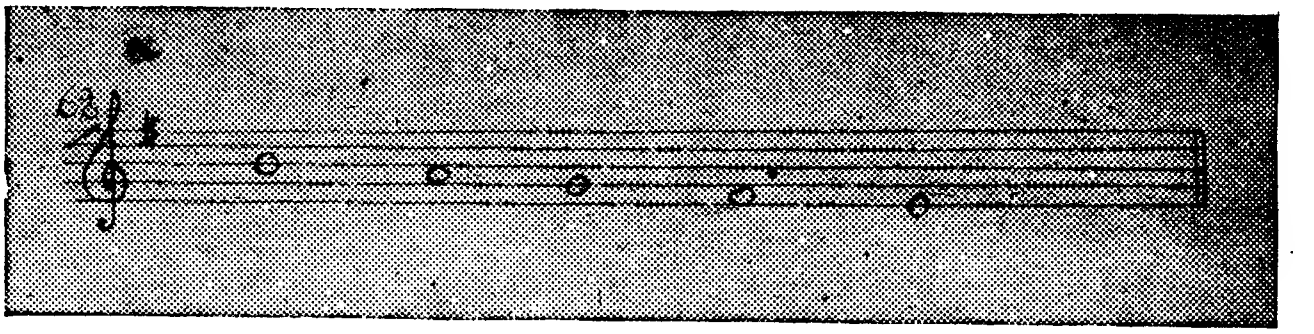

درین تصنیف، که حالت غمگین دارد، وازطرف مردم از طبیعت شنیده شده است، که از ردیف صوت آن، طبعاً صوت اخیر آن، بحیث تون اساسی انتخاب خواهد شد

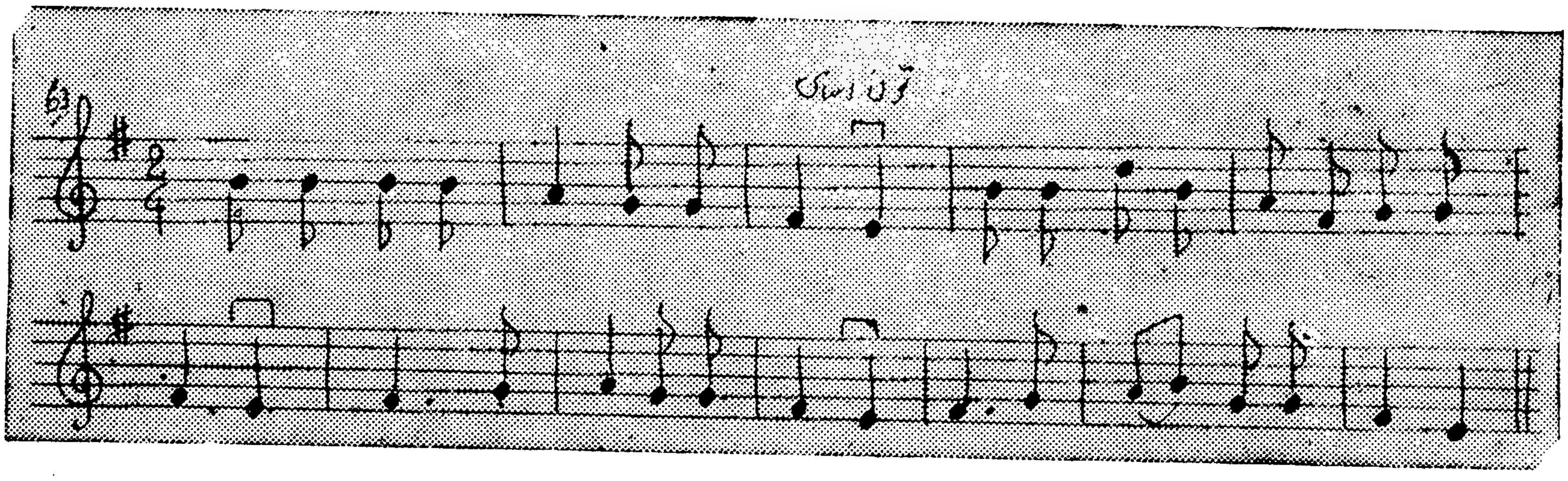

به این ترتیب، تون اساسی این تصنیف، عبارت ازصوتی است که در بالای خط اول حامل نوت قرار داود.

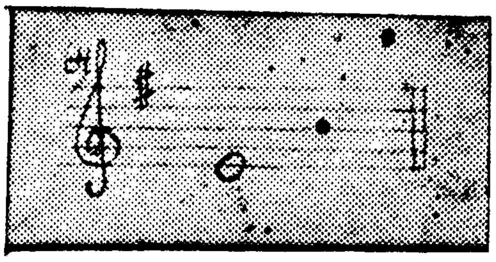

صوت (می) عبارت از مرتبه اول ردیف صوت تصنیف فوق میباشد.

وحالاردیف صوت تصنیف مذکور راازمرتبه اول شروع نموده ومینویسیم.

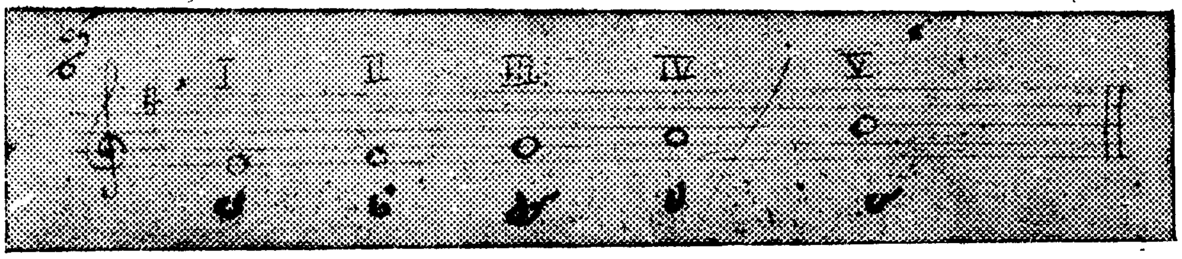

مرتبه های اشاره شده ازپائین بطرف بالا ازنوت اول، وازبالا بطرف پائین به استقامت نوت اول ، همیشه عین چیز وبدون تغیر باقی می ماند.

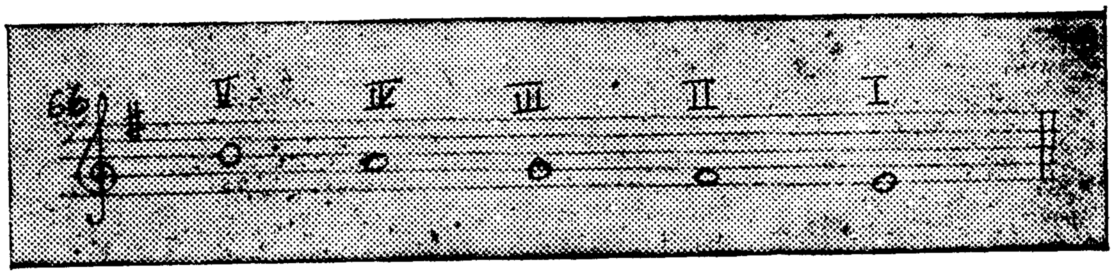

« وظیفه چهارده دهم »

درمثال های ذیل که تون اساسی درآن‌هانشا نداده شده است، برای یک دفعه تمام نوتهائیکه درتشکیل این تصنیف دخالت دارند. بیرون نویس کنید ردیف صوتی که بدست می‌آید به ترتیبیکه ازمرتبه اول شروع نموده بعداز آن بالای هر نوت میلودی ، به ارقام رومی همان عددی را بنویسید، که در ردیف اصوات بالای نوت ها گذاشته اید.

طریق حل

آهسته

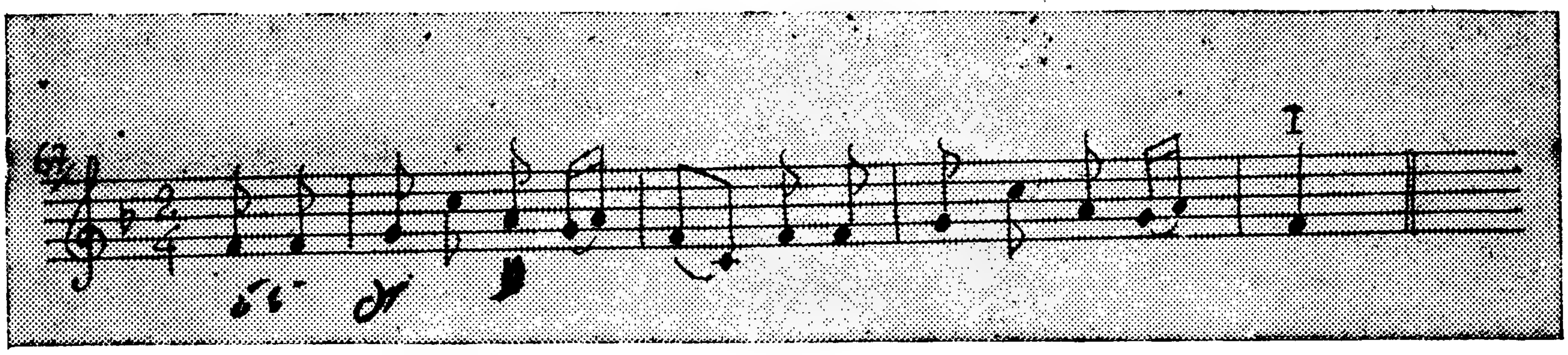

ردیف صوت این مثال همرای مرتبه های اشاره شده آن.

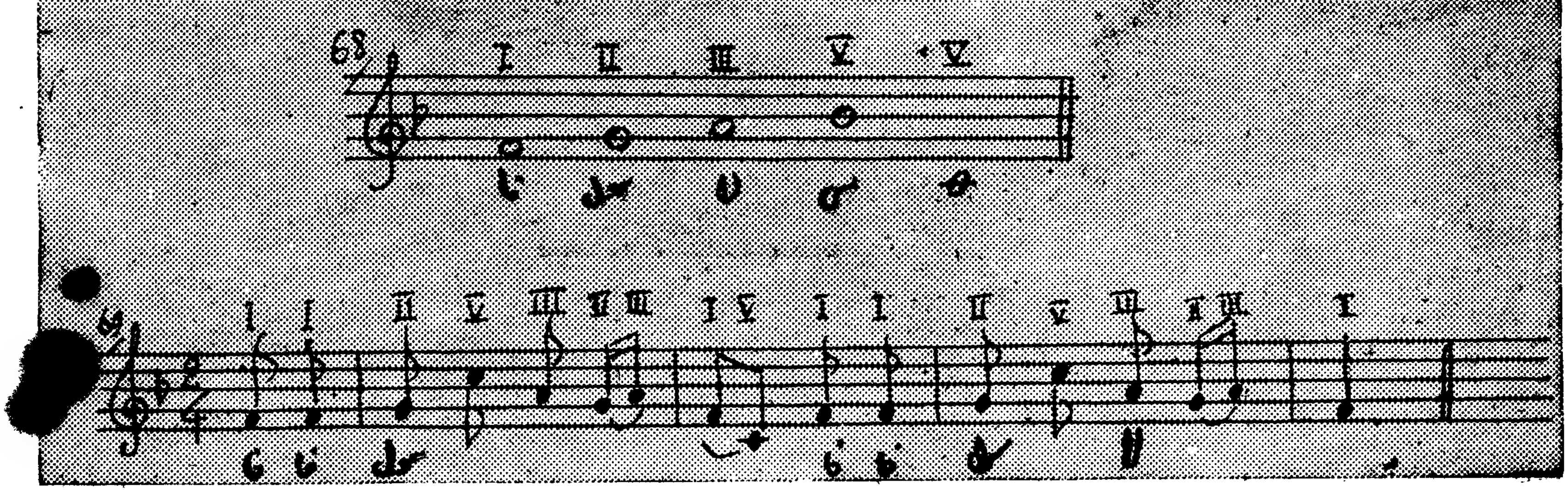

نتیجه :- این تصنیف از نوت فا شروع شده و به همین نوت ختم میشود.
صوت بلند ترین و پائین ترین این تصنیف عبارت از صوت پنجم است.
ردیف صوت این تصنیف از مرتبه های ذیل تشکیل شده است.
I . II . III و V

آهسته

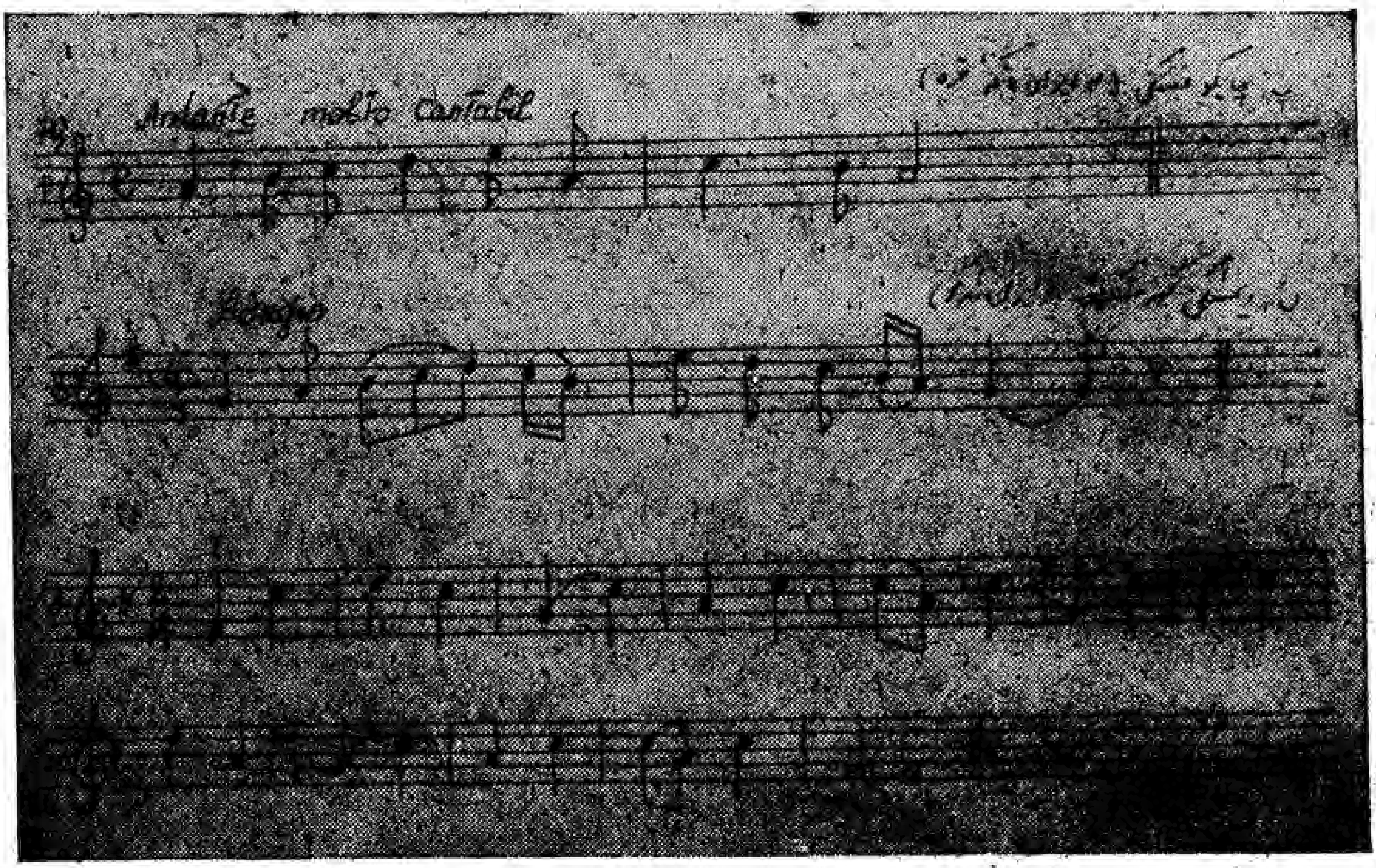

« ردیف اصوات اساسی سیستم صوت موزیک »

تمرین موزیك، یك سیستم ساده و منظم را، در حصهٔ قرار دادن اصوات به ترتیب از پائین ترین صوت تا بلند ترین صوت بوجود آورده است که بنام ردیف صوت اساسی یاد میشود، ساختن ردیف صوت اساسی سیستم موزیك، در مثال ذیل واضح دیده میشود.

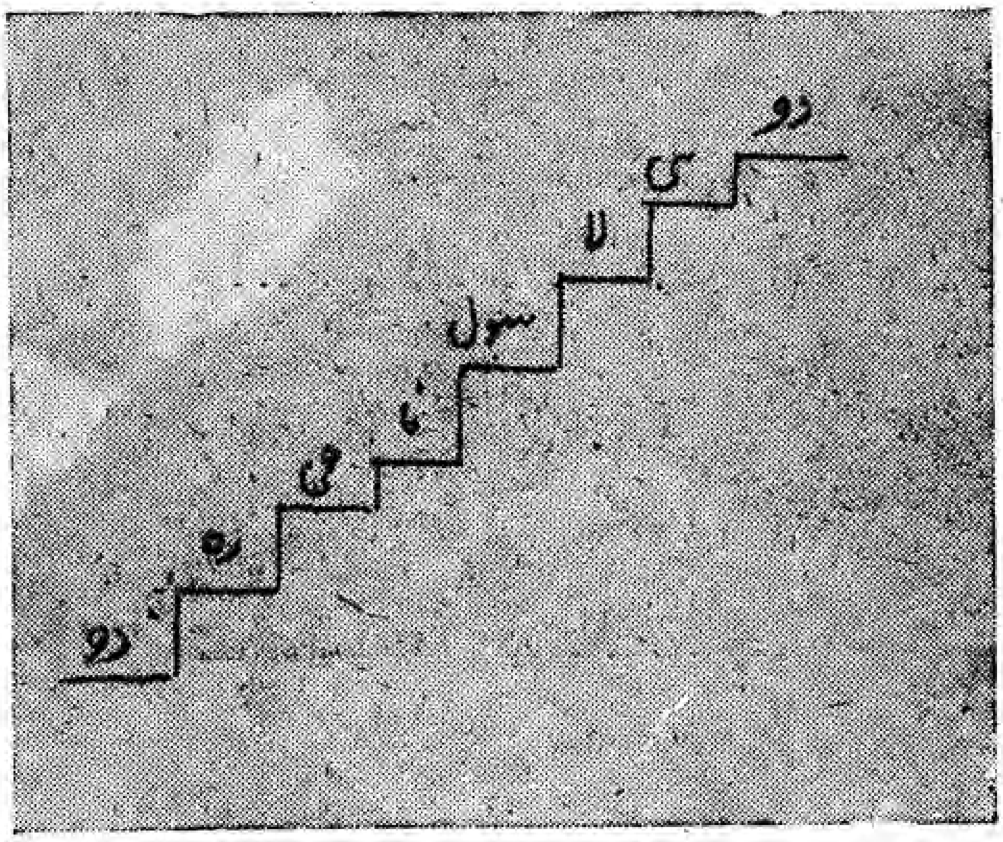

چنین ردیف‌صوت همرای اسمای دو ، ره ، می ، فا ، سول ، لا ، سی
جهت ردیف‌صوت اساسی سیستم موزیک بین‌المللی تجویز شده است .

ردیف‌صوت اساسی در طول اصوات موزیک به دفعات تکرار میشود
و همین سلسله ایراکه در بالا نشان داده شده است ، محافظه میکند ، مسافه
بین مرتبه های ردیف‌صوت با هم مساوی نیستند ، مسافه فراختر ، بین دوصوت
همسایه تون را تشکیل میدهد ، یعنی بین مرتبه های ذیل بوجود می‌آید

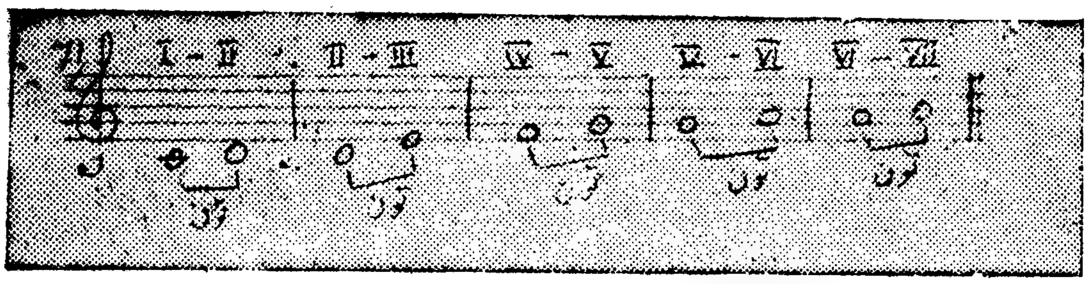

مسافه تنگ‌تر بین دوصوت همسایه نیم‌تون را وجود می‌آورد ، نیم‌تون را
مرتبه های ذیل بوجود می‌آورد .

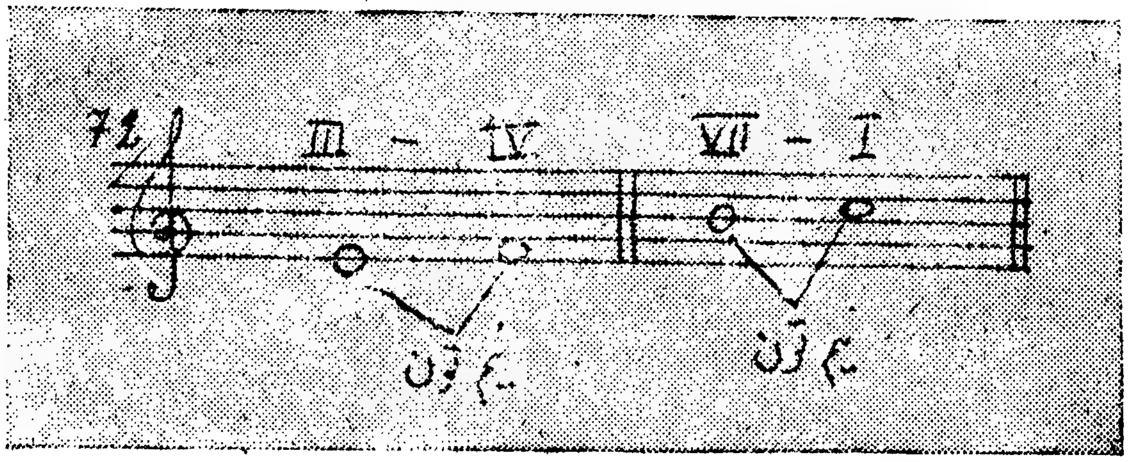

« وظیفه پانزدهم »

در بالای پرده های پیانو موقعیت تون‌ونیم‌تون را نشان بدهید .

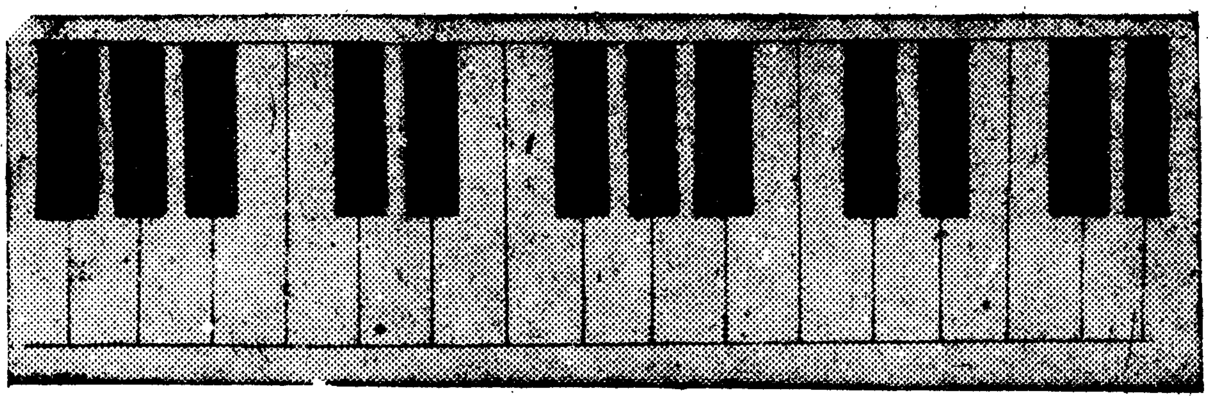

شکل فوق ترتیب ، یکی بعد از دیگر دوصد نیم‌تون را تشکیل میکند

بنوازید وبعد آهردوی آن ها را یکجا و در عین زمان نواخته وبعد از آن دوصوت نیم تون همسایه را که یک تون را تشکیل میکند نواخته وفرقیرا که میان تون ونیم تون وجود دارد بدقت گوش کنید .

« تقسیم شدن ردیف صوت اساسی به اکتاو ها »

ردیف صوت اساسی سیستم بین المللی موزیک ، از هفت صوت تشکیل میشود که در ارتفاع های مختلف تکرار میشود ، که پرده های ما قبلی یا ما بعدی بوده ، واز نظر صوت بهم شبیه میباشند . به این نسبت ، یک میلودی را میتوان از شروع تاختم . هم توسط اصوات باریک وهم توسط اصوات پست (بم) نواخت شباهت پخش شدن میلودی ، درین صورت ازبین نمیرود . تنها یا خیلی باریک آن را خواهیم شنید ، ویا خیلی پست (غور) .

مرتبه هشتم (VIII) (اکتاو) از نظر صوت با مرتبهٔ اول موافقت میکند ازین سبب این صوت ، در حقیقت مرتبه اول اکتاو بعدی میباشد . (در لاتین ($OkTo-ocTo$) به معنی عدد هشت است) و از همین جا اسمای دیگر ردیف اساسی اصوات بوجود می آید ، که عبارت از ردیف صوت اکتاو میباشد .

ره	دو	سی	لا	سل	فا	می	ره	دو	سی	لا	سل	فا	می	ره	دو	سی	لا	سل	فا	می	ره	دو

نقشهٔ ردیف صوت اکتا وهمرای مرتبه های اشاره شده .

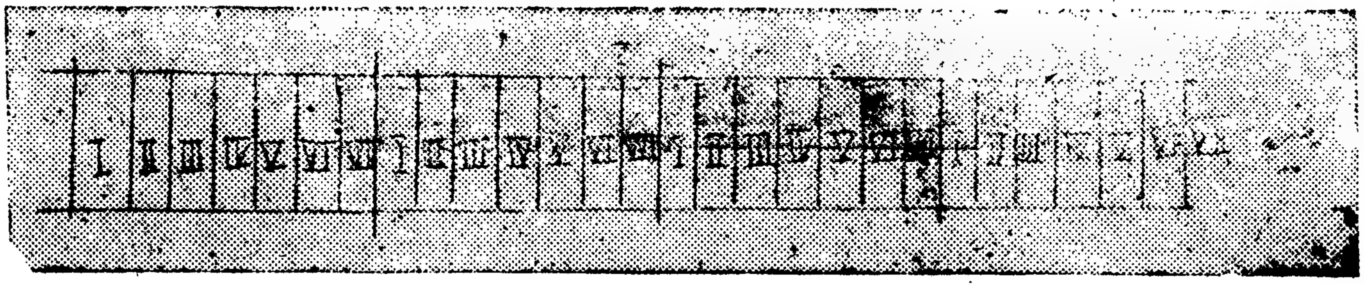

نقشهٔ ردیف صوت اساسی با اسمای اکتاوها .

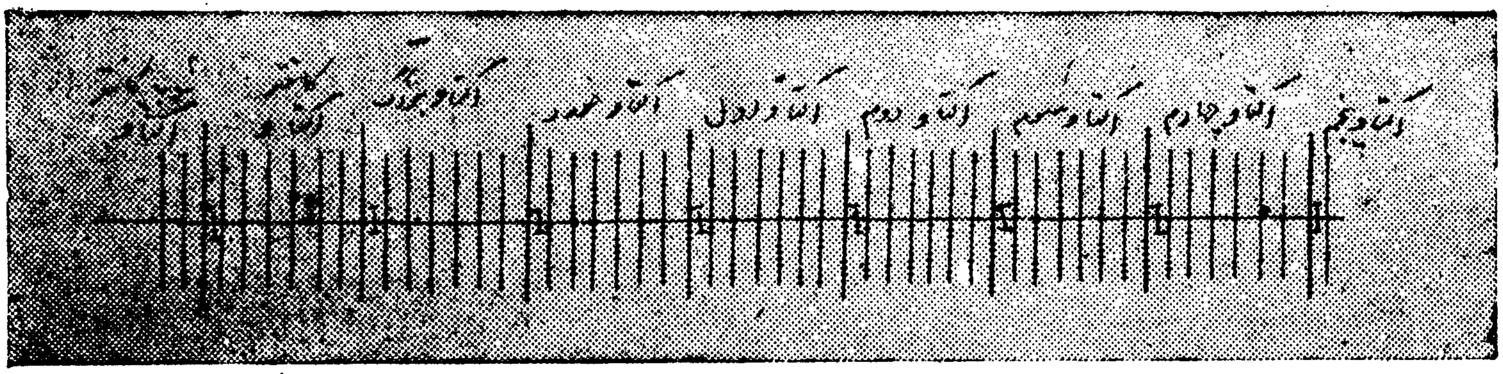

نقشهٔ مقایسوی ردیف اصوات اساسی ، وسرحدات صوتی بعضی از آلات موسیقی و آواز انسان .

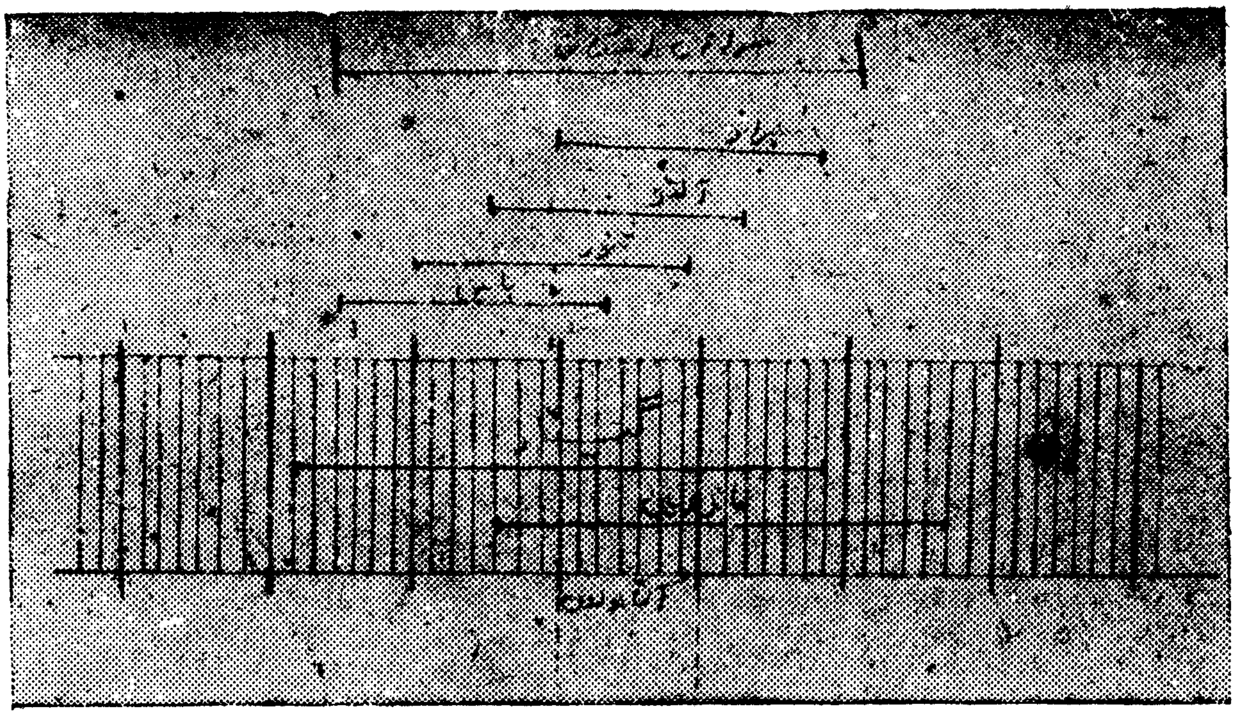

« وظیفهٔ شانزدهم »

در شکل فوق سرحدصوتی (دیاپازون) آله موسیقی ، و یا آواز خود تان را پیدا ودر اکتاوهائیکه این آوازها (آوازآلهٔ موسیقی ویا خود تان) استعمال میشود پیدا کنید .

(فصل سوم)

میلودی و گام ها

معلومات عمومی راجع به مود (گام) های موسیقی : -

مفکوره ومقاصد توسط موزیک ، به اصواتی سپرده میشود ، که داخل یک قانونِ معین جابجا شده اند ، وبه کرکتر آثار مطابقت دارند اصوات میلودی ، درعین زمان که مفکورهٔ کمپوزیتور را تقدیم میکند، به درخواست گام ها نیز مطابقت میکنند (تابع گام) میباشد .

تهداب اساسی میلودی‌های مختلف ، تونیک گام مربوط آن میباشد یعنی تون اساسی گام و میلودی ، به این ترتیب گام ها، عبارت‌ازسیستم ویا طریقهٔ واقع شدن اصوات است ، در میان خود ها ، که رول رهبری آنها بدوش تون اساسی ویاتونیک میباشد .

ساختمان گام‌را هفت‌صوت تشکیل میدهد که با اعداد نشان داده‌شده است .

I II III IV V VI VII

هریک‌از هفت‌مرتبه ازهمدیگر به یک‌صفت‌مخصوصی فرق‌میشود وآن رابطه فی بین اصوات دیگرواز همه اولتر باتون اساسی ویاتونیک آن میباشد .

«دو گام اساسی درموزیک»

درموزیک دو گام رسمیت ورواج بیشتری دریافت‌نموده اند که‌عبارت ازگام ماژورومینور میباشد - میلودی‌روشن‌وزنده ،به گام ماژور مطابقت میکند اسم گام ماژوردرلاتین عبارت‌است از *dur* (دیور) که بمعنی‌محکم‌وسخت

است مثال میلودی‌های ماژور میتواند نمونه های ذیل باشند ژ، بیزه (کارمن) خواندن های توری‌ادورای- اشتراوس والس (قصه‌های جنگل وین) وغیره.

اسم ایتالیانی کام‌مینور (*moll*) (مول) یعنی نرم است. میلودی مینور عادتاً دارای کرکتر غمگین و متأثر هستند. مثلهای مینور از آثار جهانی عبارت است‌از بیتهوفن. (سمفونی پنجم قسمت اول) گلینکه اثـریکه بنام (تردید) یادمی‌شود وآثار دیگر گام مینور در آثاریکه دارای کـرکتر قهرمانی باشد، اکثراً استعمال می‌شود. مثلاً در سمفونی پنجم بیتهوفن فرق میان ماژور ومینور بخوبی ووضاحت شنیده می‌شود وخصوصاً این فرق در وقت‌ترتیب ردیف اصوات این‌اثر دیده‌می‌شود. بیان حقیقی ماژور ویا مینور درموزیک بشکل‌تونالیته ظاهر می‌شود.

تونالیته :-عبارت است‌ازگام ماژورویامینور که‌موقعیت ارتفاع صوتی آن‌توسط تونیک جداشده‌است. وقتیکه‌تونیک‌یک گام توسط نوت نشان داده میشود. اسم تونالیته‌بوجود می‌آید‌مثلاً گام ماژور همرای تونیک (دو) عبارت‌ازگام دوماژورخواهد‌بود گام مینورتوسط تونیک«لا، تونالیته» لامینور رابوجود خواهد آورد:-

«وظیفه هفده»

مثال‌ها ومیلودی های‌ماژور ومینور توسط‌گوش (شنیدن) ازهم فـرق شوند.

• «جداکردن‌ردیف صوت گامی ازتصنیف»

ازهرمیلودی ایکه باشد پیدانمودن ردیف صوتی آن ممکن است به این‌ترتیب‌درعین‌زمان‌گام وردیف صوت‌تصنیف مذکوررابوجودآورد‌است.

بطور مثال ممکن است، دوتصنیف‌خلقی روسی را در نظر بگیریم. تون اساسی این‌تصنیف که‌آواز پست‌ترین میلودی است‌وتوسط‌آن میلودی‌مذکور شروع وختم میشود.

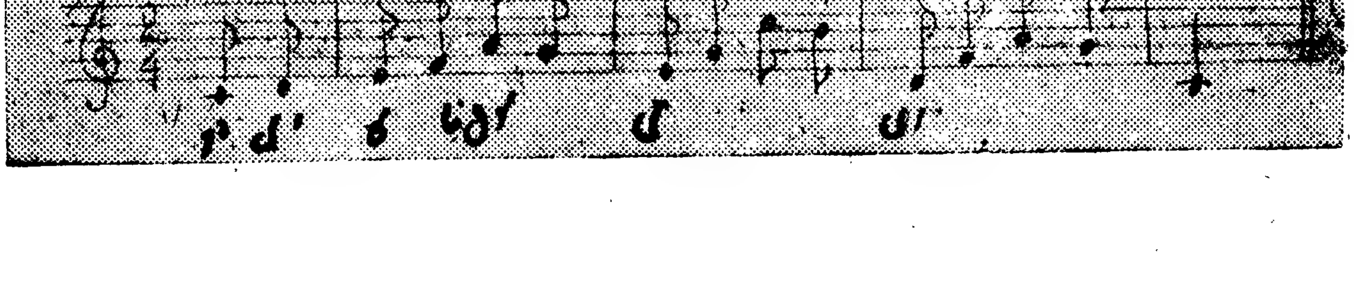

درصورت دانستن تون اساسی میلودی، پیدا کردن مرتبه هرصوت (نظر به تون اساسی) کار مشکلی نخواهد بود. اصواتیکه درمیلودی تکرار میشوند درنوشتن آن ها را بداخل قوس قرار میدهیم :-

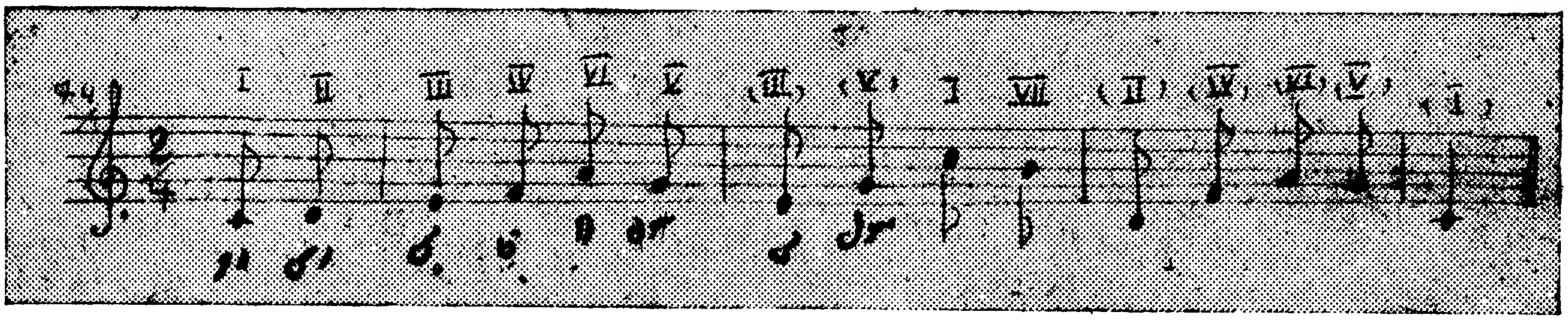

توسط نوت‌های یک تائی ، فقط یکبار مرتبه های میلودی را می نویسیم.

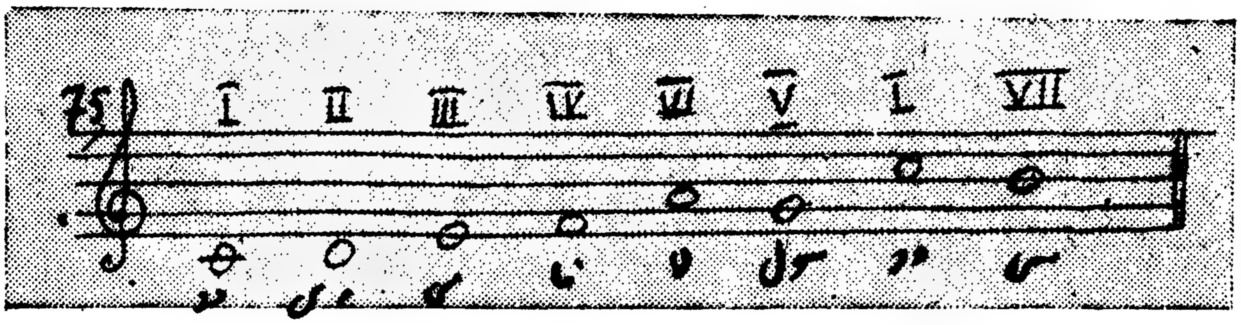

تمام این اصوات خارج شده ازتصنیف را، حالا به ترتیب یکی بعد ازدیگر قرار میدهیم . وبه این صورت ردیف صوت مکمل این تصنیف رابدست می‌آوریم.

درین میلودی (تصنیف) استقامت اساسی آن بطرف بالا یعنی بالا رونده است . ازین لحاظ ردیف صوت گامی آن را، ازطرف پائین به بالا باید تحریر نمود .

ردیف صوت بالارونده باداشتن تون اساسی «دو»

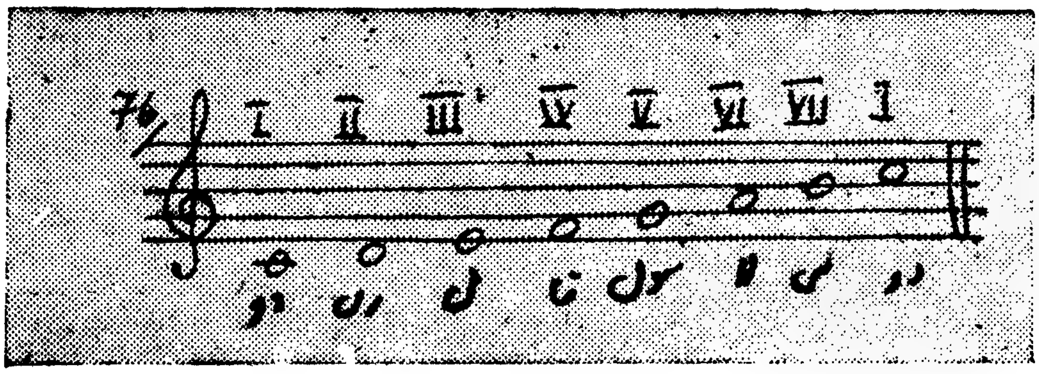

درمثال دیگر گوش به آسانی میتواند صوت اول واخیر آن را بحیث تون اساسی بشنود .

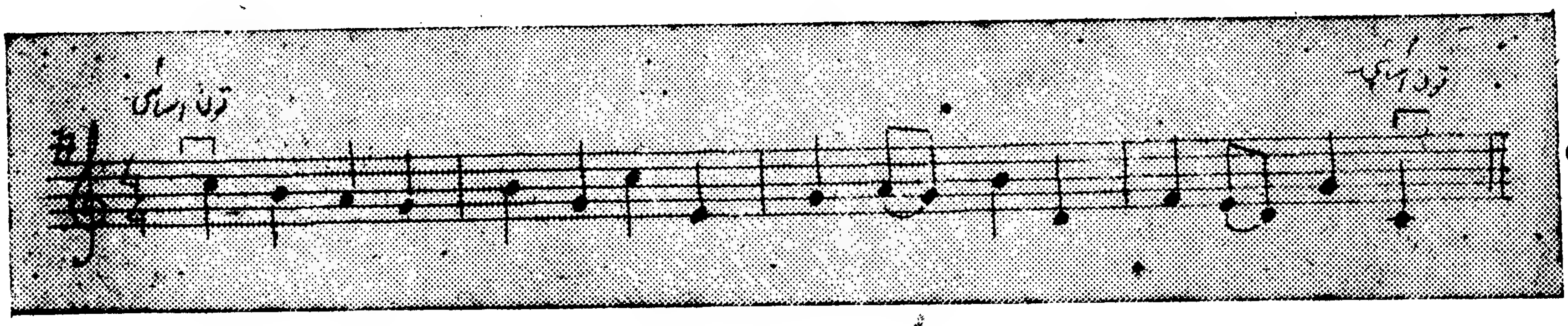

اصوات این میلودی عموماً بصورت پائین رونده جا بجا شده‌اند به همین نسبت ردیف صوت گامی ان را نیز بصورت پائین رونده باید تنظیم نمود.
(یعنی ازطرف بالا بطرف پائین)
چهار صوت تکت اول میلودی راکه ردیف صوت پائین روند را به ترتیب دارا هستند ، جدا میکنیم:

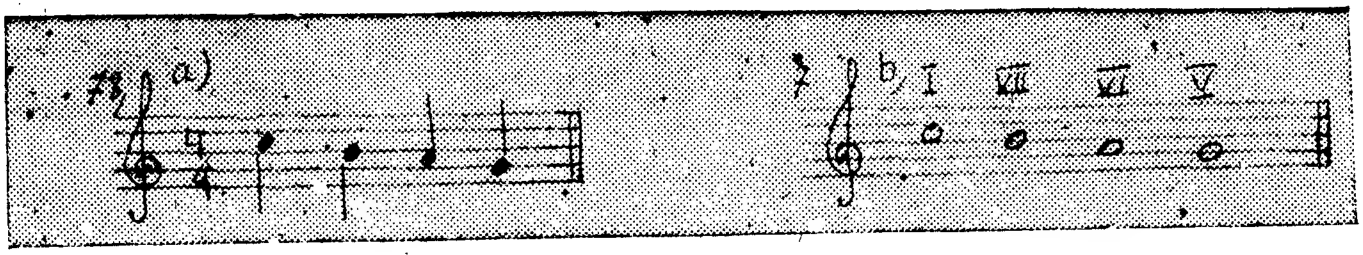

اصوات دیگر ردیف صوت را بدون کدام مشکلات ،از تکت اخیر آن بدست آورده میتوانیم .

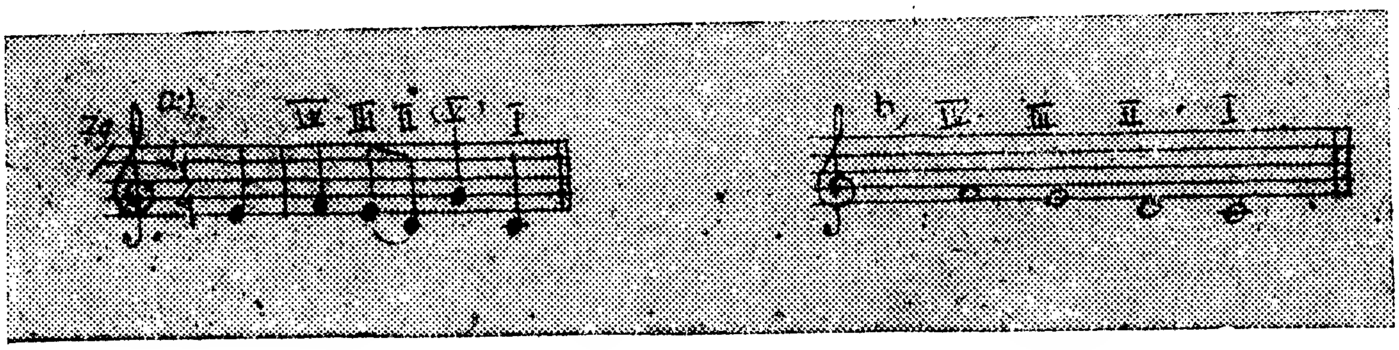

به این ترتیب در ردیف صوت پائین رونده ، که از تون اساسی یعنی در میان خط سوم چهارم شروع و به دو که در پائین حامل نوت ، در بالای خط اول علاوه گی تحریر شده است ختم میشود تمام اصوات این میلودی وجود دارد

«ردیف صوت پائین رونده با تون اساسی»

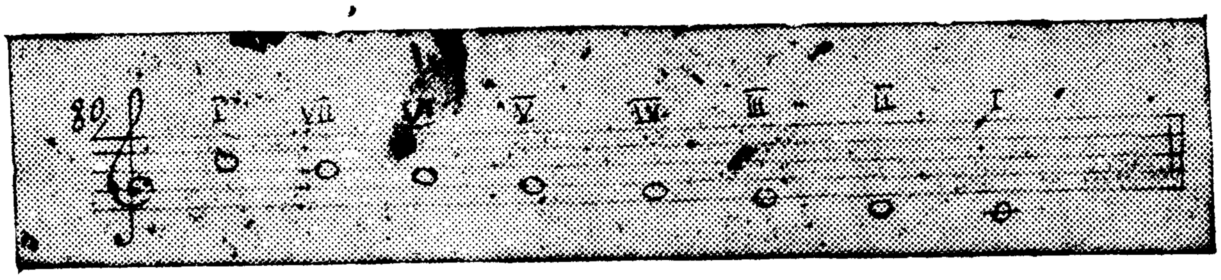

قراریکه ملاحظه میشود تعین مراتب ردیف صوت پائین رونده به ترتیب برعکس صورت میگیرد.

«وظیفه هجدهم»

جملات ذیل موزیک را در کتابچه نوت تحریر کنید ، و بالای هر نوت مرتبه آنرا نظر به تون اساسی تعین کنید :-

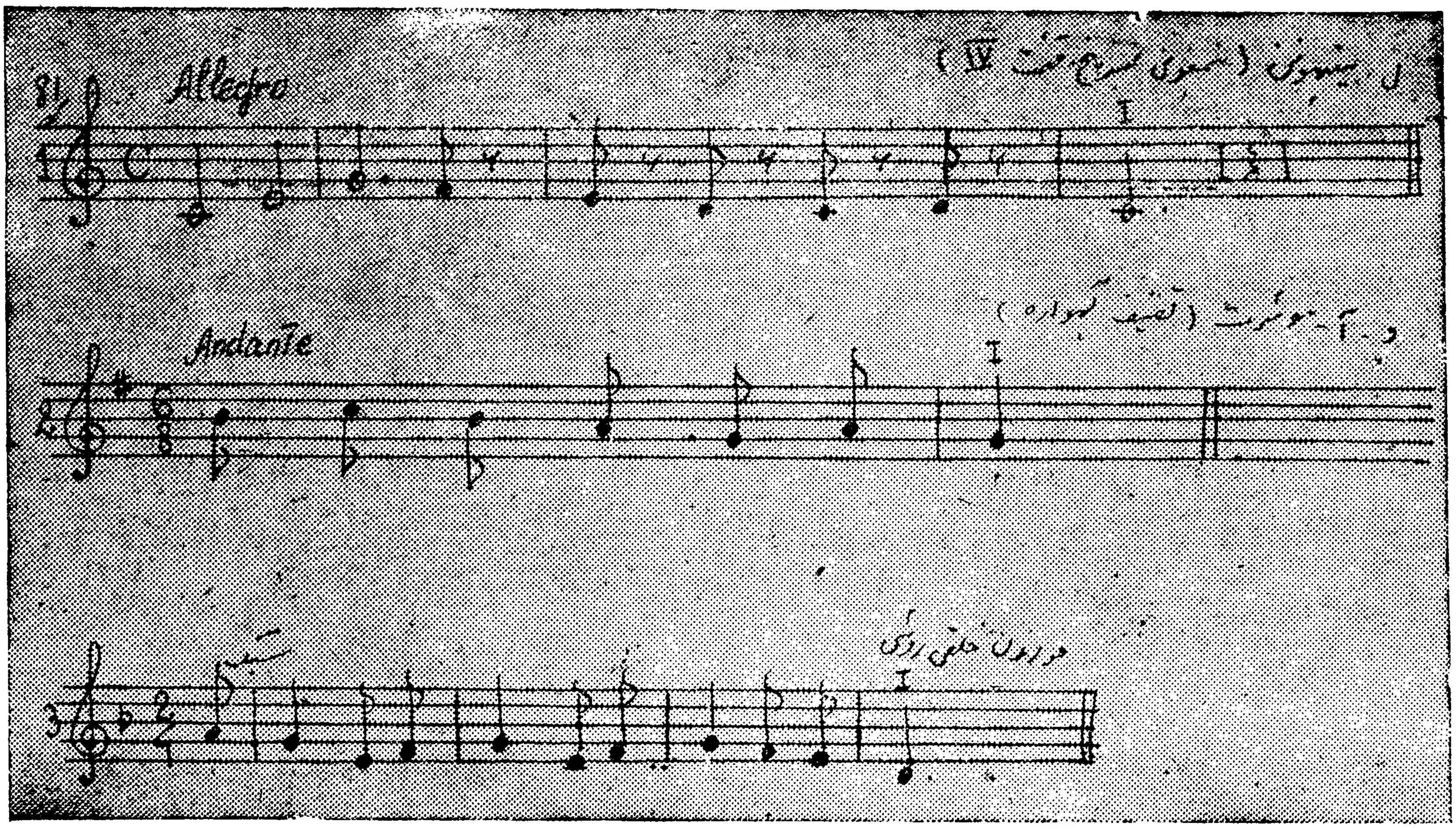

ردیف اصوات بدست آمده را بنوازید.

وظیفه ها در قسمت پیدا نمودن ردیف اصوات میلودی ها عبارت از تهداب آماده ساختن شخص برای خواندن نوت ها ، توسط آواز و یا آلهٔ موسیقی میباشد.

«معلومات راجع به گام ماژور»

اصوات گام نظر به ارتفاع آن ترتیب شده‌اند - از تونیک تا تکرار شدن اکتاو آن یک گام بوجود می‌آید.

ازمرتب نمودن مرتبه های گام به ترتیب - از تونیک پائین تا تونیک بالائی یک گام بالارونده بدست می‌آید مثلاً :

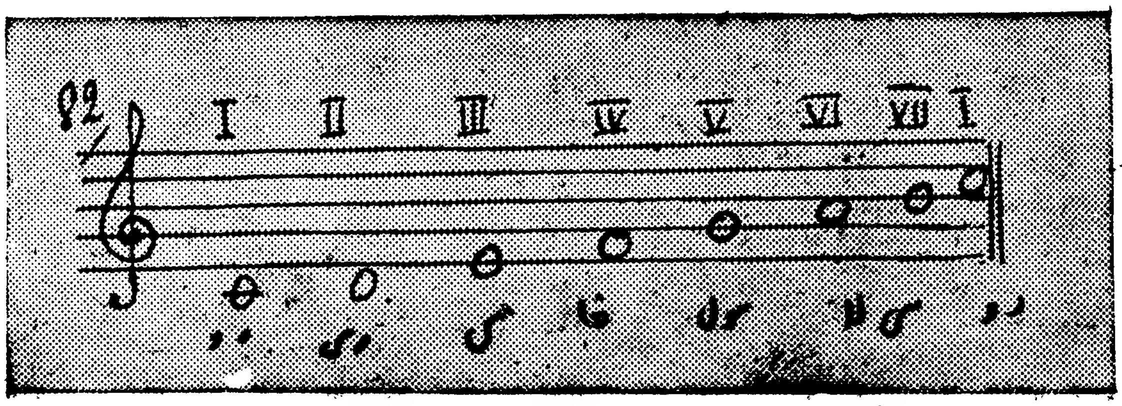

اگر اصوات (مرتبه) های گام به ترتیب از تونیک بالا ـ بطرف پائین مرتب‌شده باشند دربن صورت گام پائین رونده را بدست خواهیم آورد .

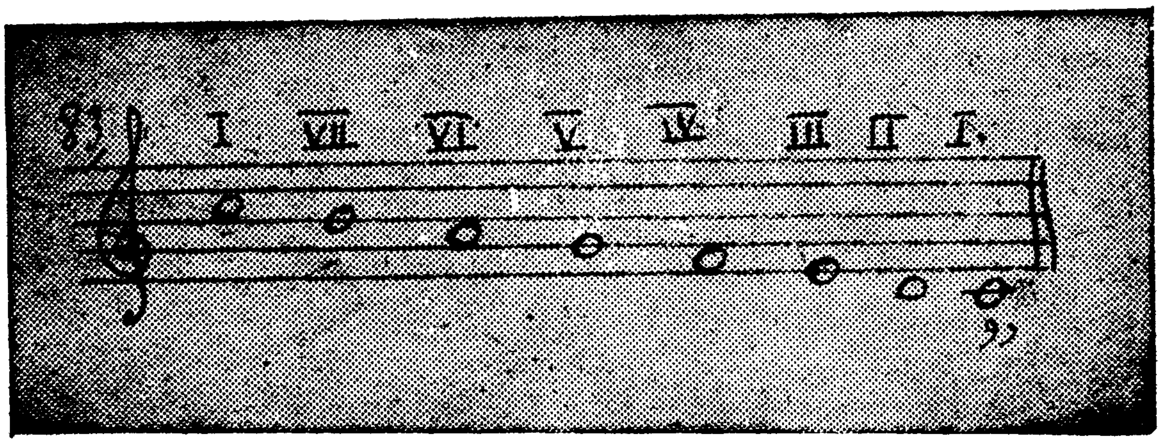

اسم گام را تون اساسی آن مید هد ـ یعنی تونیک . در مثال های فوق تون اساسی عبارت از صوت دو میباشد ، به همین نسبت گام فوق بنام گام دو ماژور یاد میشود .

درمیان مرتبه های گام مسافات کوچک و بزرگ وجود دارد ، که مسافه کوچک یا نزدیکتر رانیم‌تون ومسافات بزرگتر راتون تشکیل میدهد .

اگرمسافات کوتاه (نیم‌تون) درگام بالارونده ، میان مرتبه های سوم وچهارم IV, III و هفتم و اول بالا (I و VII) واقع شده باشند . دربن صورت گام‌مذکور بنام ماژور یاد میشود . و به این ترتیب مسافه هائیکه دارای فاصلهٔ یک‌تون هستند ، درگام ماژور دربین مرتبه های ذیل بوجود می‌آید

$I - II$, $II - III$, $IV - V$, $V - VI$, $VI - VII$

درآثار موزیک گام بصورت مکمل آن خیلی کم استعمال میشود . در میلودی های خیلی خوش آیند یکه شنیده می‌شوند یک‌قسمت گام موجود میباشد .

جملات اول یک خواندن خیلی مشهور ازاپرای (ویردی) بنام (ریگولیتو) تقریباً یک گام مکمل ماژور راتشکیل می‌دهد ، که با داشتن تون اساسی (می) ازقسمت های مختلف گام خوانده شده است .

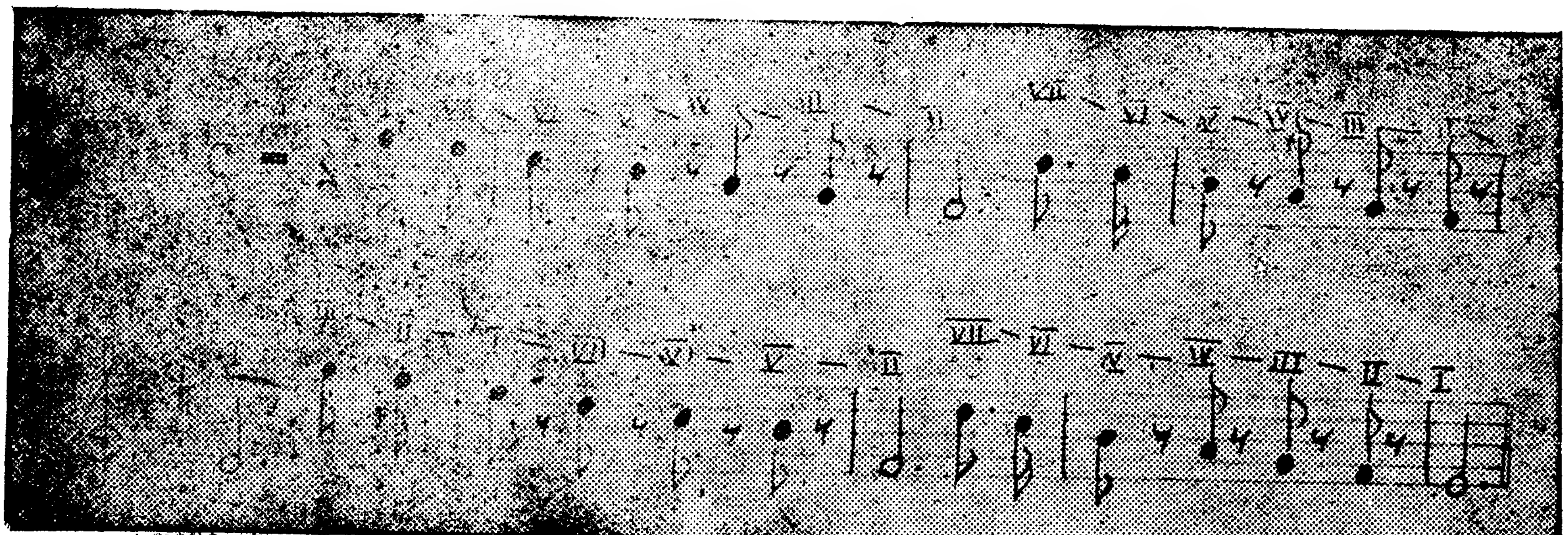

*پساژهای خیلی سریع اکثر کلرا تورها به ترتیب گام تهیه شده‌اند. گفته میتوانیم که در هر ملودی سبک و آرام یک قسمتی از گام‌ها وجود دارد. و مخصوصاً در همین قسمت‌هاست که می بینیم ریشه‌های عمیق گام، در هنر موسیقی پنهان شده است.

«گام دوماژور»

این گام برای آن ماژور یاد میشود - که گام مذکور از نوت دو شروع شده، و به نوت دو ختم می‌شود نیم تونی‌ها در ردیف صوت آن، بین اصوات می (III) و فا د (IV) و سی (VII) و دو (I) واقع شده‌اند.

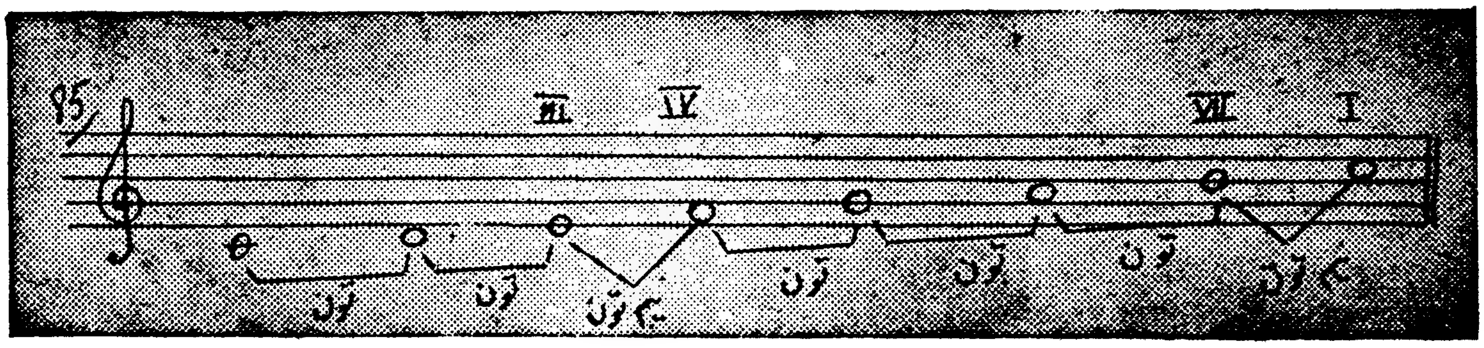

« وظیفه نزده »

در گام پائین رونده دوماژور، موقعیت نیم تون‌ها و تون‌ها را نشان میدهید.

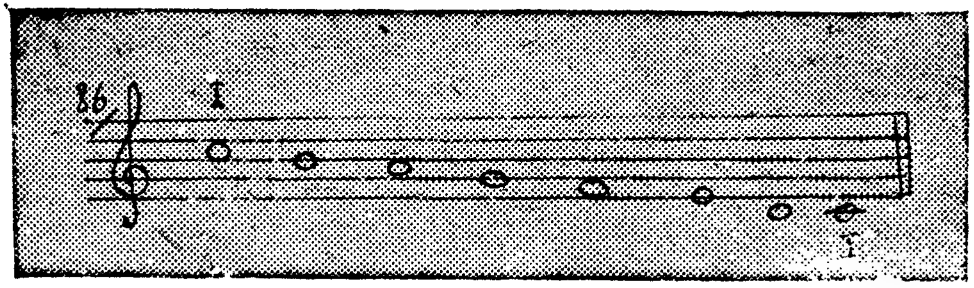

«وظیفه بیست»

وظیفه های ذیل در کتابچه نوب تحریر شده، و بعداً از مثال های مذکور که در دوماژور داده شده است. مسافه های نیم تونی را یافته، و با اعداد رومی مرتبهٔ آن‌ها تحریر شود.

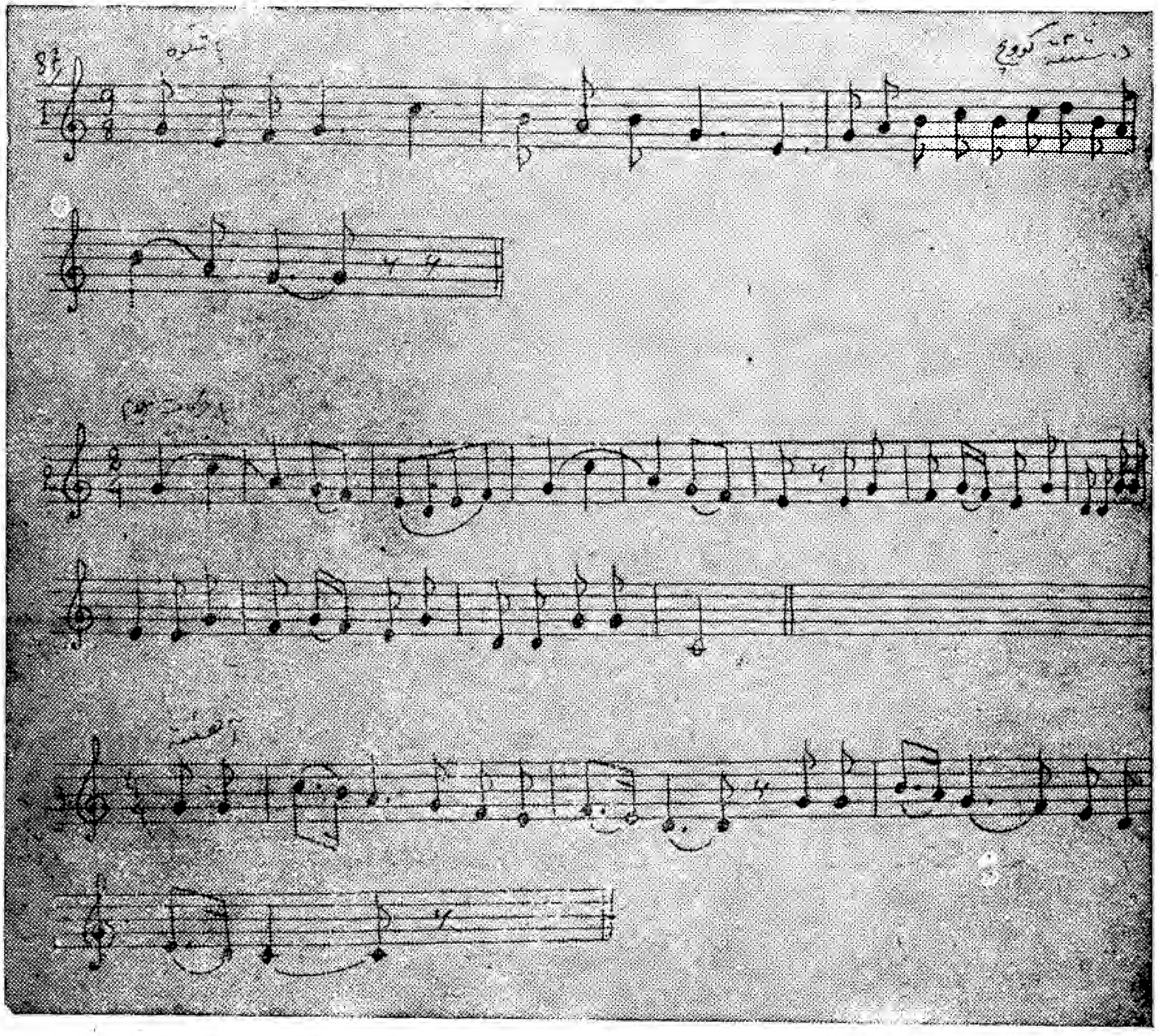

* پساژ عبارت ازنواختن یک‌سلسله نوت‌های است که به سرعت اجرا می‌شود .

« وظیفه بیست و یکم »

با دقت هرصوت گام دوماژور را به‌ترتیب بالا رونده و پائین رونده به آهستگی خوانده و بعداً قسمت های ذیل گام مذکور را جداگانه بخوانند .

به‌ترتیب بالا رونده

I , II , III – I , II, III, IV ؛ *V* ;

به ترتیب پائین رونده

$$I-VII-VI \times I-VII-VI-V \times I-VII-VI-V-IV-III,$$

«(گام سول ماژور علامه کلیدی (دیز)»

گام سول ماژور از اصوات ذیل تشکیل گردیده است.

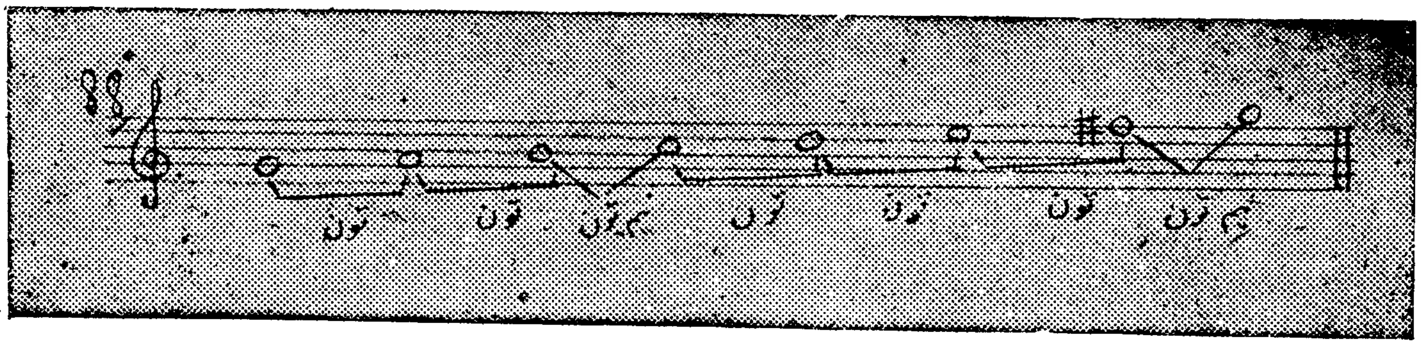

درین ردیف صوت مرتبهٔ هفتم، با علامه مخصوص (دیز)تحریر شده است.

دیز(   )عبارت از علامه ایست، که صوت را نیم تون از حالت طبعییش بلندتر می‌سازد درگام سول ماژور، نیم تونی میان مرتبهٔ I, VII بکمک دیز بوجود می‌آید که مقابل نوت فا گذاشته میشود که به این ترتیب بین نوت فا دیز د و سول نیم تون، بوجود می آید.

به این نسبت نیم تونیکه در ردیف صوت عادی این گام میان اصوات می وفا وجود دارد توسط علامهٔ مذکور نظر به نقشه گام ماژور به تون تبدیل شده و اصوات فا دیز و صول به نیم تون تبدیل میگردند.

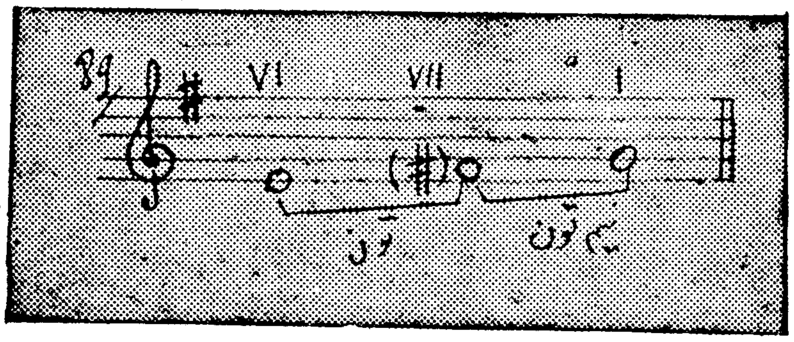

این ردیف صوت با داشتن تون اساسی صول، اگر بدون فا دیز باشد گام صول ماژور نخواهد بود. درگام صول ماژور (در میلودی های ماژور با داشتن تون اساسی صول) علامهٔ فادیز برای مرتبهٔ (VII) این گام بعد از کلید، در بالای خط پنجم حامل نوت، گذشته میشود. تا از نوشتن مکرر دیز

درمقابل هر نوت فا جلوگیری شود . این علامهٔ دیز که بعد از کلید گذاشته گذاشته میشود تمام نوت‌های فا را به فا دیز تبدیل میکند .

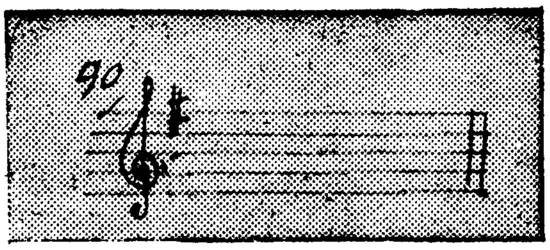

بناء علامهٔ کلیدی معنی خودرا بطور دایم.
برای تمام نوت های که درمیلودی و دراکتاو های مختلف ظاهر میشود حفظ می‌نماید .

گام صول ماژور وتشریح تاثیر علامهٔ کلید (فا دیز) بالای نوت های فا قرار شکل آتی است .

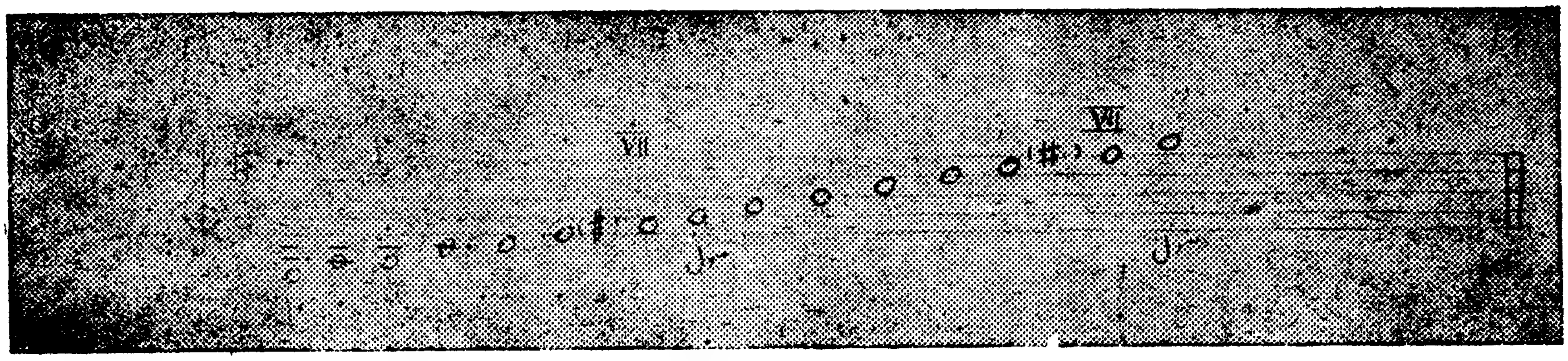

(«وظیفهٔ بیست و دو»)

ردیف صوت مثال ذیل راتحریر نموده و با دقت زیاد به علامهٔ که بعد از کلید گذاشته شده است در تصنیف مذکور فاصلهٔ نیم تون هارا پیدا نموده نشانی کنید .

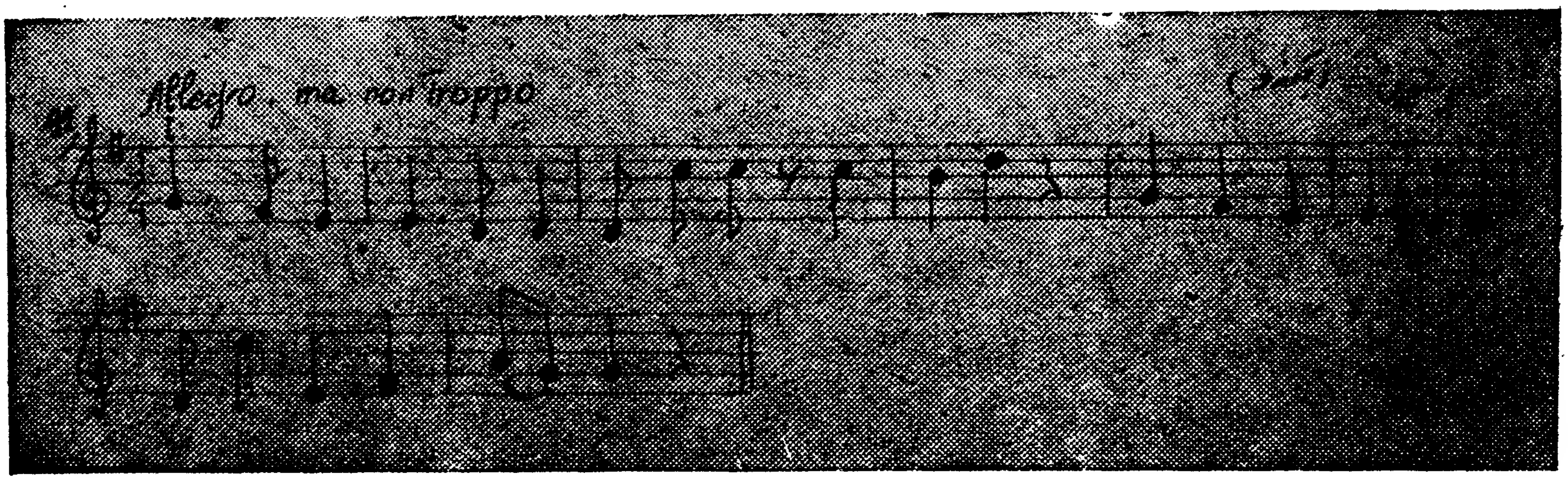

همچنین لازم است ردیف صوت را به ترتیبیکه سابقاً نشان داده شده ، تحریر کنید (باتون اساسی صول)

وظیفهٔ بیست وسوم

گام صول ماژور را که به شکل میلودی درآورده شده است ، با بازگشت مکرر به مرتبهٔ پنجم گام ـ بنوازید و بخوانید .

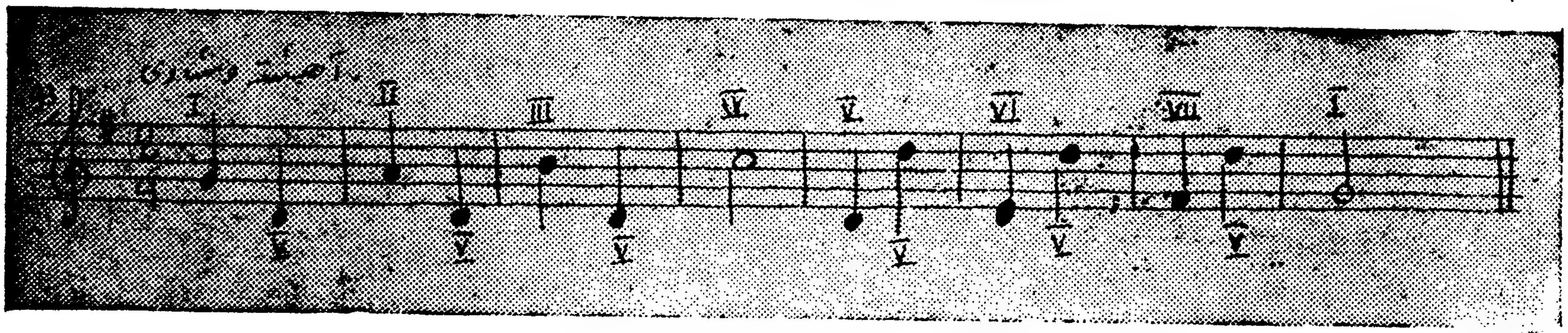

گام فاماژور ـ علامهٔ کلیدی بمل

برای بوجود آوردن گام فاماژور ، لازم است مسافه های تون ونیم تون را به دقت خیلی زیاد بخاطر بسپاریم ، این مسافات نیم تـون ، بین مرتبه های IV - III و I - VII باید وجود داشته باشد ردیف صوت ، سه صوت اول که عبارت از فا ـ صول ولا ، باشد مطابق قانون ماژور است .

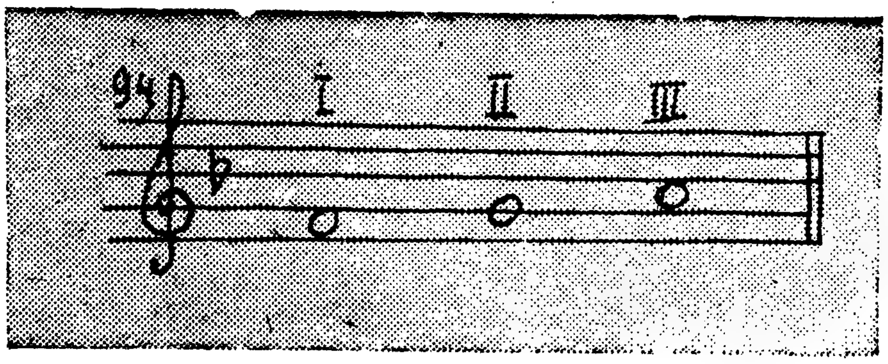

نظر به قانون ماژور ، باید مسافه بین مرتبه سوم وچهارم، نیم تون باشد ولی در ردیف صوت فوق مسافه سوم و چهارم یک تون را تشکیل میدهد . برای بوجود آوردن نیم تون ، میان مرتبه های سوم و چهارم یعنی لاوسی علامهٔ مخصوصی بنام بمیل بکاربرده میشود یعنی ، لاوسی بمیل ، بمیل (ط)

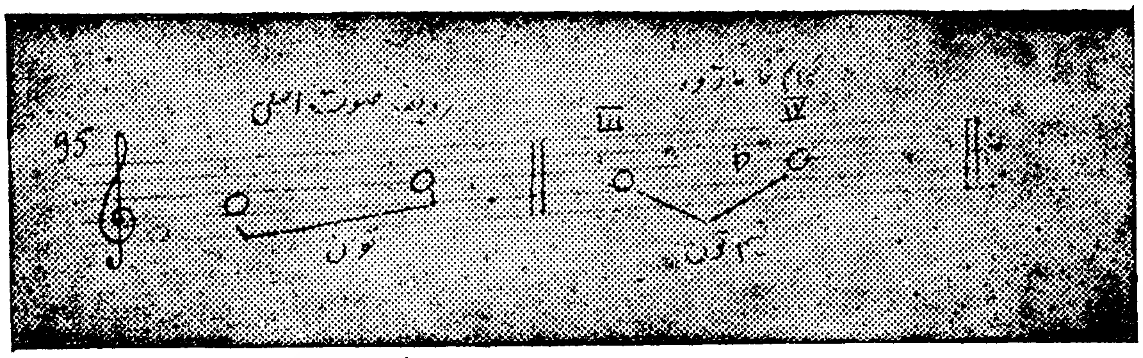

عبارت از علامه ایست ، که صوت را به اندازه نیم تـون پائین می آورد .
بکمک علامهٔ بمیل که در مقابل نوت سی گذاشته شده است ، نیم تونی ردیف صوت عادی که عبارت از (سی و دو) باشد ، با درنظر گرفتن علامهٔ بمیل یعنی سی بمیل و دو مسافه تون را بوجود می آورد .

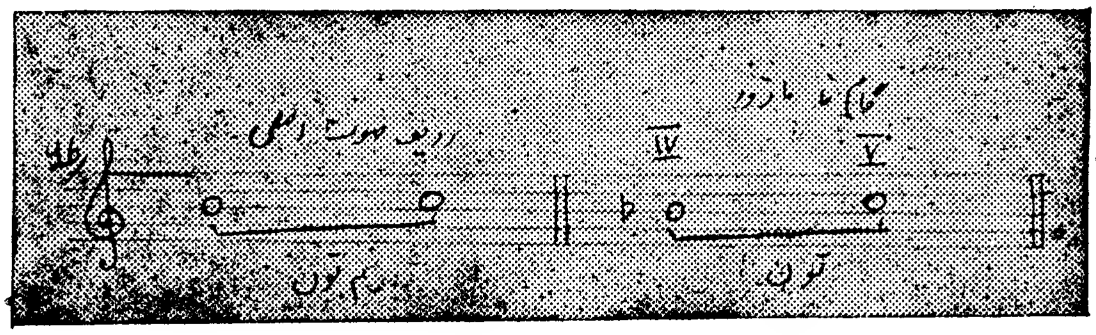

درگام فا ماژور برای مرتبه های $V - VI - VII - I$ بکدام علامهٔ احتیاج حس نمیشود .
گام فاماژورکه در آن موقعیت تون ونیم تون نشان داده شده است :-

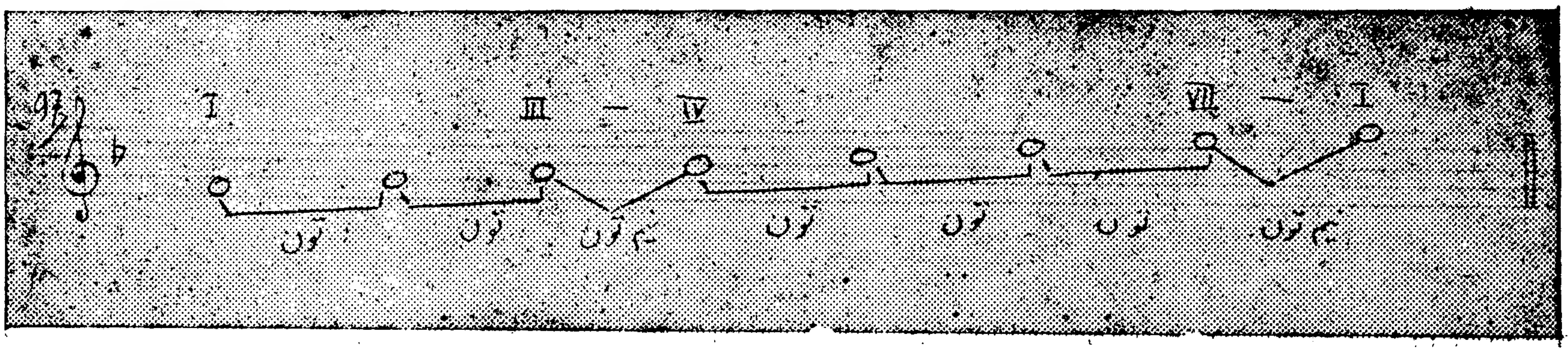

این ردیف صوت ، با وجود داشتن تون اساسی فا ، بدون بمیل (سی بمیل) گام فاماژور نخواهد بود .

درگام فا ماژور ـ (و در میلودی هـای ماژور با تون اساسی فا) بمیل برای مرتبه چهارم گام بعد از کلید و در بالای خط سوم گذاشته میشود . تا هر مرتبه پهلوی نوت ـ سی ، بمیل گذاشته نشود :

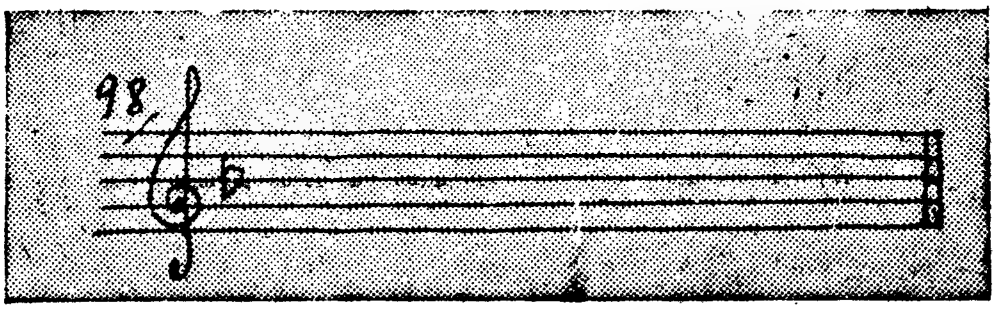

وظیفهٔ بیست وچهارم

ردیف صوت مثال ذیل را تحریر نموده، وبا در نظر گرفتن علامهٔ بمیل، بعداز کلید درمیلودی نیم تونی ها را پیدا نموده، در ردیف صوت ودرمیلودی مذکور نشانی نمائید .

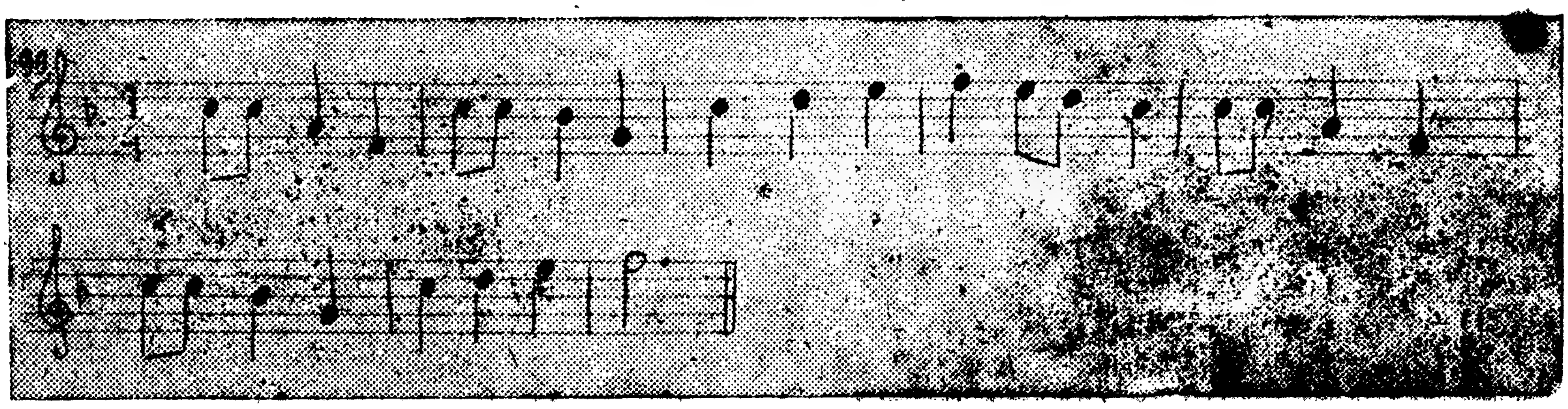

از میلودی فوق، یک ردیف صوت باتونیک فا را بوجود آورده وبعد آن را بنوازید و بخوانید .

وظیفهٔ بیست و پنجم

گام فاما ژور ذیل را، که بشکل میلودی درآورده شده است. با برگشت متواتر به مرتبهٔ پنجم گام بنوازید و بخوانید .

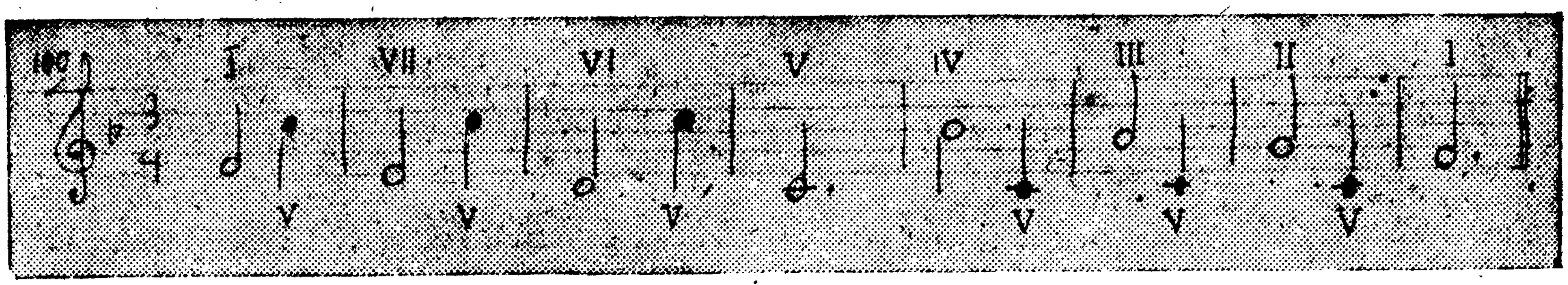

همچنان توصیه میشود گام فاماژور را توسط پیانو ، یا کدام آلهٔ دیگر نواخته، وبعداً یک مرتبهٔ گام انتخاب شود، واز آن‌مرتبه بطرف بالا و پائین با کمی توقف در تونیک، مرتبهٔ دیگر را بخوانید .

معلومات راجع به گام مینور

فرق اساسی بین ماژور ومینور، در موقعیت نیم تون ها در ردیف اصوات آنها وجود دارد .

نیم تون ها یا به عبارت دیگر، مسافه های کوچک در گام مینور درمیان مرتبه های III و II IV و V واقع میشونـد ، و مخصوصاً همین موقعیت نیم تون ها، در ردیف صوت علامهٔ مینور بودن گام است . وبه این ترتیب، مرتبه هائیکه دارای مسافه تون هستند در میان مرتبه های ذیل قرار دارند

I - II - III - IV - IV - V - VI - VII - VII - I

گام لا مینور

در مثال ذیل که بگوش همه یک نوع متأثر وپر از غم می‌خورد . عبارت از یک خواندان خلقی روسی است .

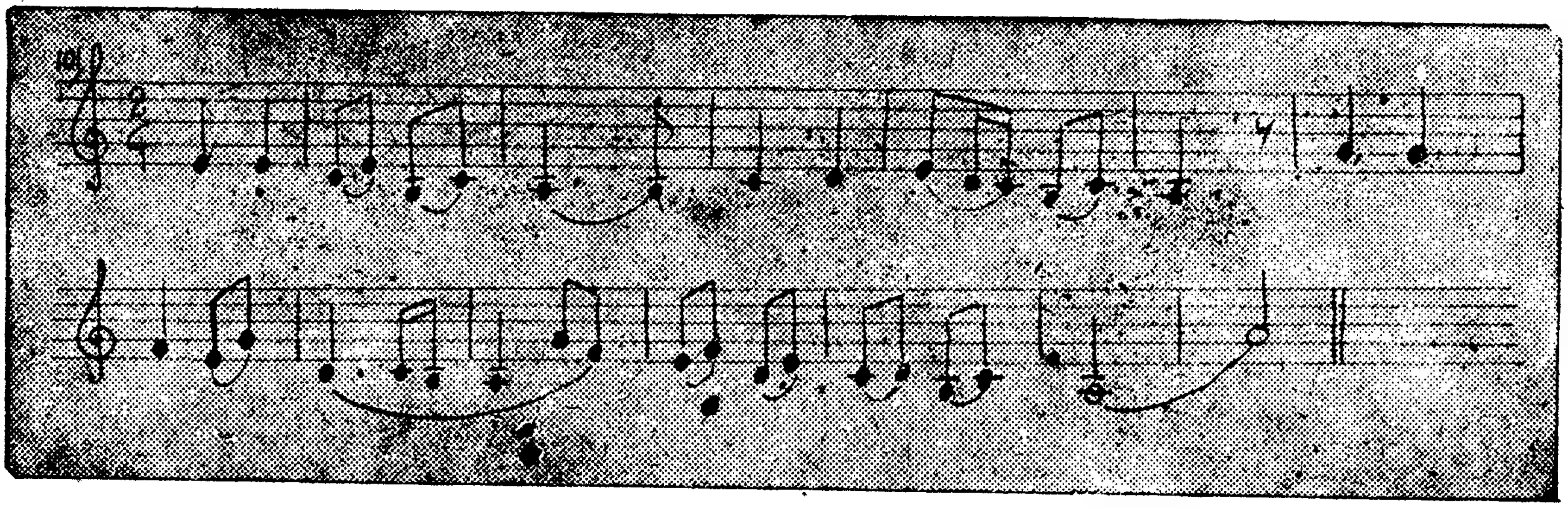

نصف اول این خواندن ، ردیف صوت ذیل را دارد .

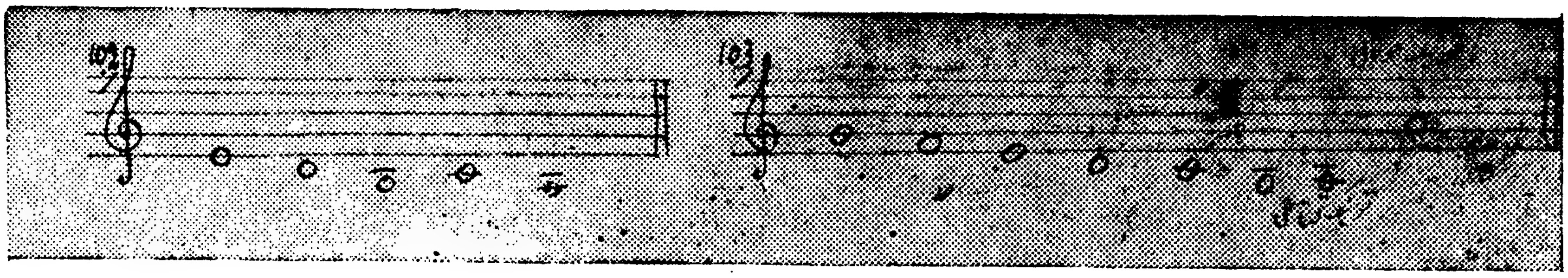

به این ترتیب ردیف صوت نصف اول تصنیف، تماماً در ردیف صوت قسمت دوم تصنیف داخل میشود.

میلودی این تصنیف پائین رونده است. ازین لحاظ ردیف صوت آن نیز باید بطور پائین رونده تحریر شود.

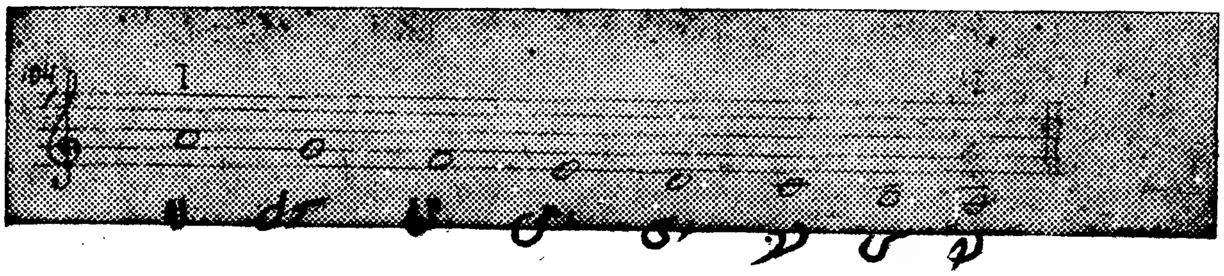

تحریر به ترتیب بالا روندهٔ این نوع ردیف صوت، از تونیک پائین آن یعنی در بالای خط دوم علاوگی، زیر حامل نوت، شروع شده و به تونیک بالائی، که میان خط دوم و سوم قرار دارد ختم میشود.

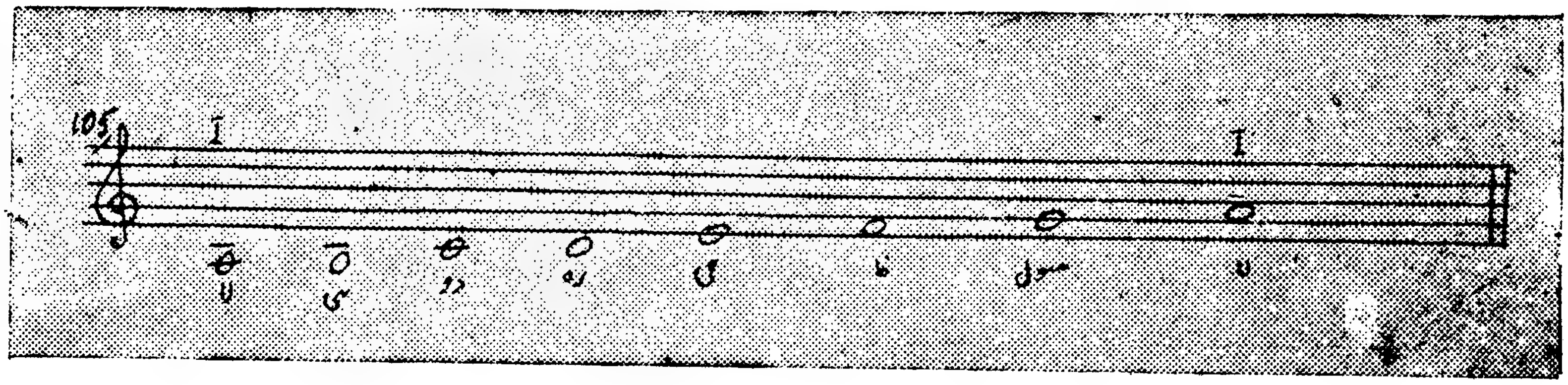

این گامیکه بوجود آمده است، اسم خود را از تون اساسی خود یعنی لا میگیرد و به این نسبت بنام گام لامینور یاد میشود.

درین گام لامینور موقعیت تون‌ها و نیم‌تون ها قرار ذیل نشان داده میشود.

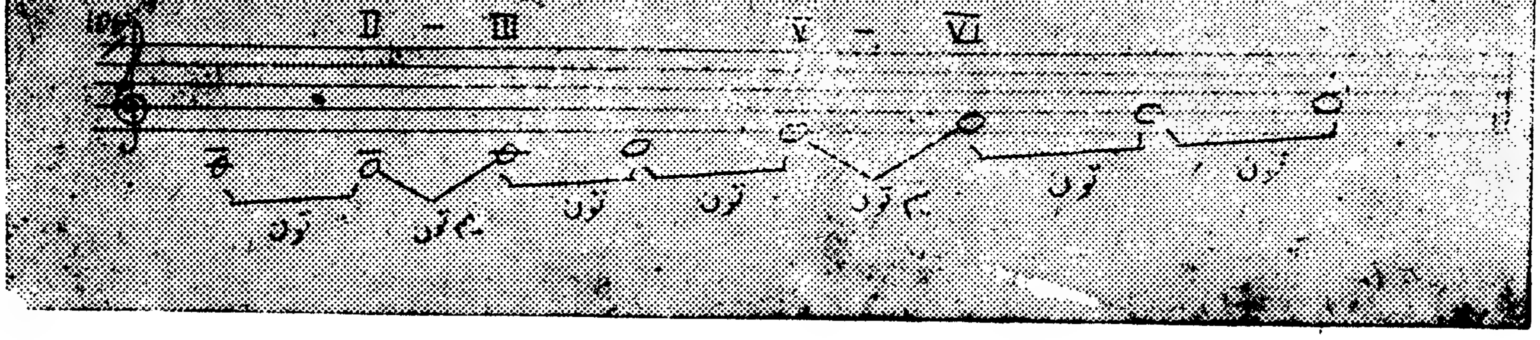

وظیفه بیست و ششم

گام لا مینور را بطور بالارونده و پائین رونده، نواخته و بعداً توسط گوش این گام را به‌دقت شنیدهٔ و به ترتیب ذیل بخوانید.

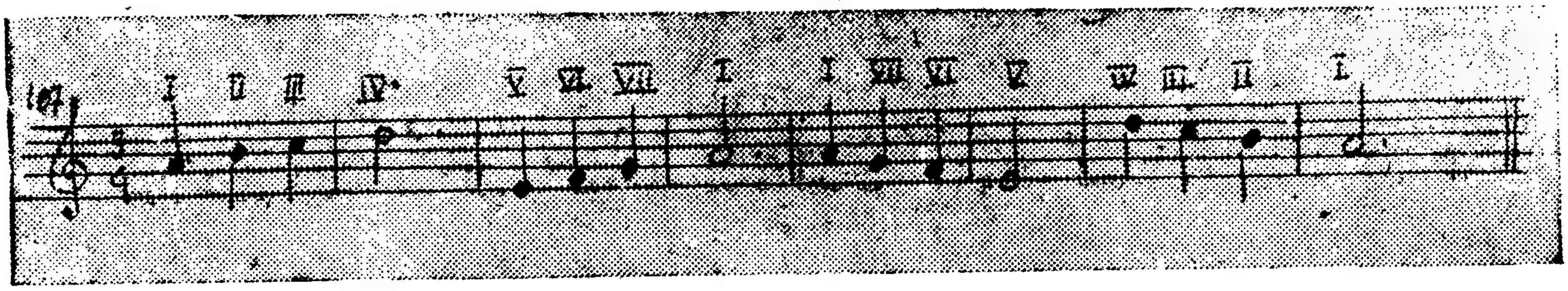

گام می مینور

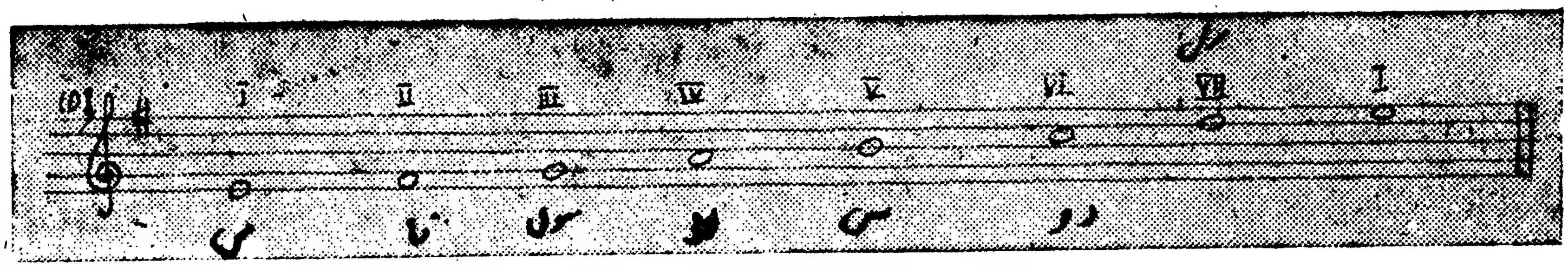

تبصره — علامهٔ فادیز بعد از کلید دوگام را معرفی میکند. گام ماژوررا باداشتن تون اساسی سول. و گام مینور را با داشتن تون اساسی می.

وظیفهٔ بیست و هفتم

گام مینوررا در کتاچه نوت بطور بالا رونده، و پائین رونده تحریر نمودهٔ وبعد ازآن مرتبه های نوت را اشاره کتید، وجا هائیرا که دارای مسافهٔ نیم‌تون است، توسط علامهٔ (ﻻ) نشان بدهید.

بعداً این گام را، دربالای پیانو نواخته و به دقت خـوانید.

گام ره مینور

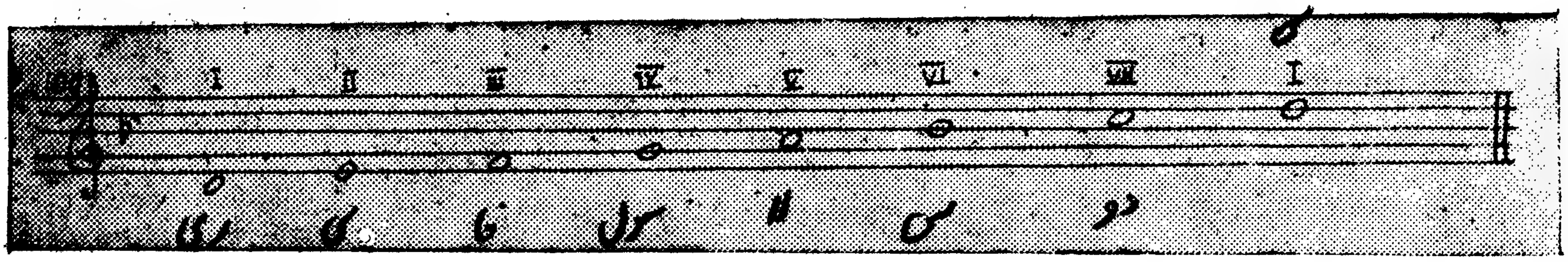

تبصره:— علامۀ سی بمیل بعد ازکلید دوگام را معرفی میکند.
گام فا ماژور باداشتن تون اساسی فا. وگـام ره مینور باداشتن تـون اساسی ره،

وظیفۀ بیست و هشتم

گام ره مینور را بادر نظرگرفتن علامۀ آن بخوانید.
اصواتی را که بین‌هم نیم‌تون را تشکیل میکند یاد آوری نمائید.
گام ره‌مینور را در پیانو نواخته‌و بعداً به‌دقت آنرا به‌ترتیب بالا رونده و پائین‌رونده بخوانید

سه شکل مینور

تصنیف های مینور دارای سه شکل میباشد.

مینور عادی یا ناتریل
« هارمونی
« میلودی

مینور هرمونی از مینور ناتریل به این ترتیب ازهم‌فرق میشوند که، مرتبه VII مینور هارمونی‌نیم‌تون بلندتر میباشد. ردیف‌صوت لامینور بحال ناتریل وهارمونی ومقایسه‌آنها با یکدیگر.

مینور ناتریل

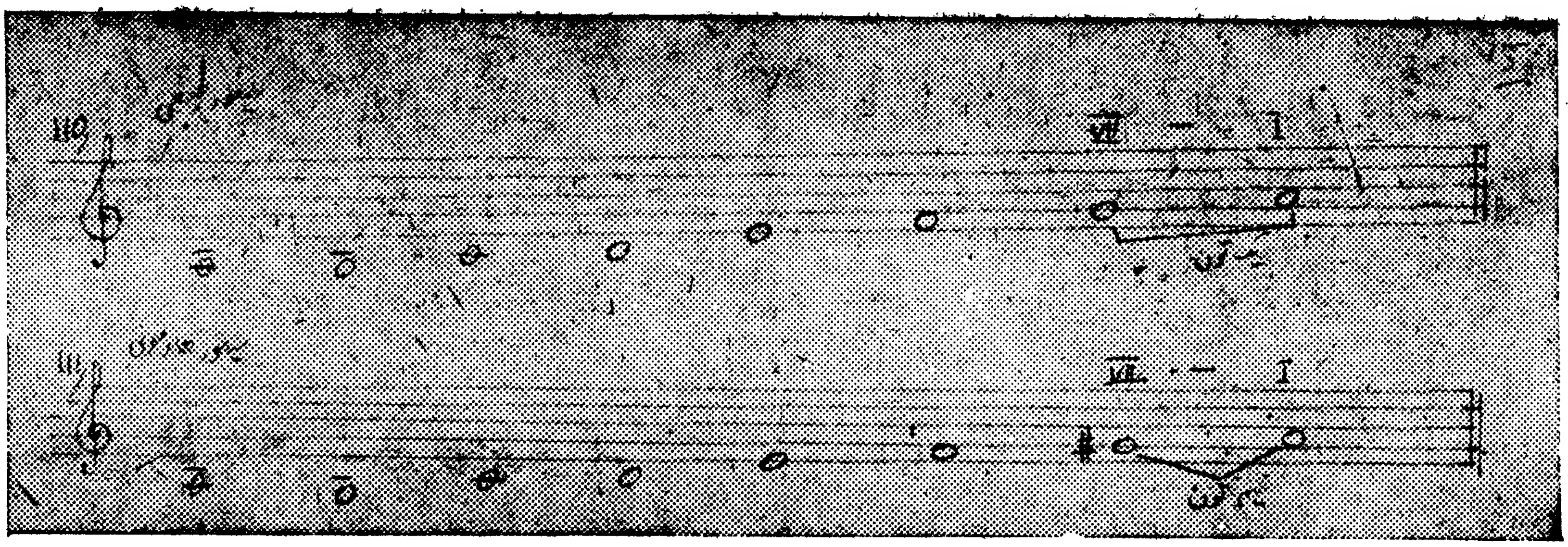

مینور میلودی به این‌ترتیب شناخته میشود که مرتبهVIIوVI آن به اندازه نیم، نیم تون بلند تر شده میباشند.

دیز درمقابل نوت صول، درلامینورهارمونی، همچنان دیزدرمقابل نوت فاوصول عبارت ازعلامات کلیدی نیستند وظیفهٔ آن‌ها بلند کردن صوت است ، به اندازهٔ نیم تون، وتاثیر آنها تنها دربالای همان نوت است که‌درمقابـل آن قـرار دارد همچنان اگر درین تکت نوت همنوع ویاهمنام دیگروجود داشته باشد ، تأثیر دارد. بعدازخط تکت تأثیرآن ازبین میرود.

گام پائین رونده‌مینورمیلودی ، به‌تمام معنی باگام پائین روندهٔ مینورناتریل شباهت دارد.

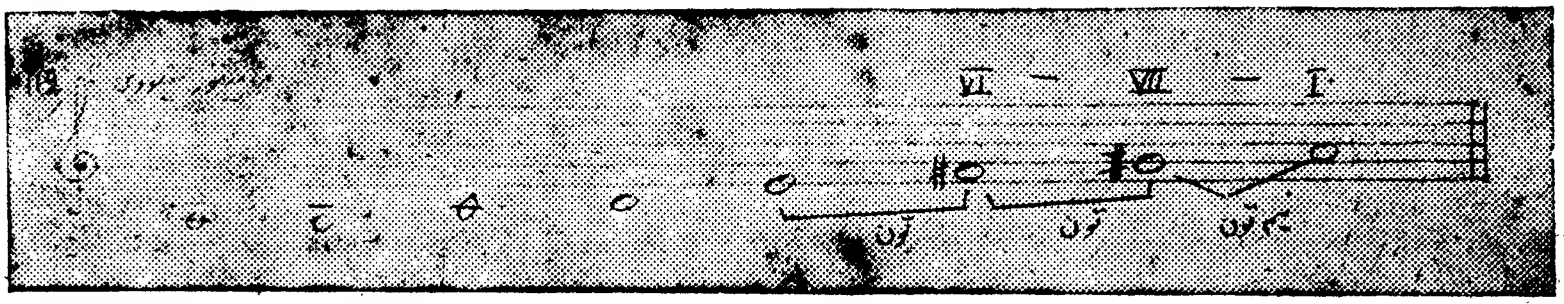

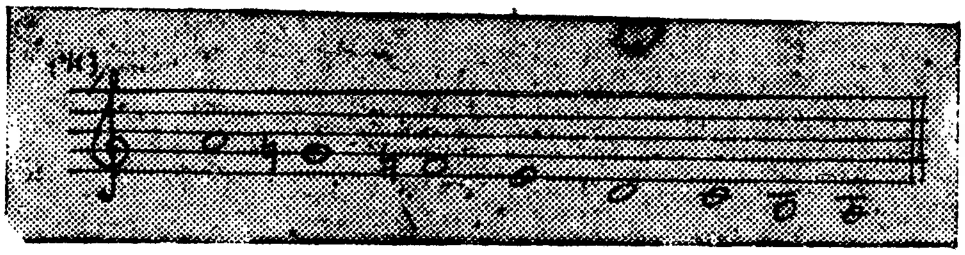

درمثال‌فوق درمقابل‌نوت‌فاوصول، علامهٔ جدید بکاریاناتریل( ) قراردارد.
درحالیکه درمثال پیشتر ازین، درمقابل این‌دونوت دیزقرار داشت .
بیکار - یاناتریل درموزیک برای آن استعمال‌میگردد، کـه تـاثیردیز یابمیل را ازبین برده، وآن‌هارا دوباره بحالت طبیعی باز گرداند .

[وظیفه بیست ونهم].

درمثال‌های‌ذیل نوع مینورهارا نشان بدهید :

برای این مقصدلازم است، ردیف صوت آن‌هارا بوجودآورده، وبعدازآن موقعیت نیم تون‌هاراتشخیص نموده ، نوعیت مینور را بمیدان بکشید .

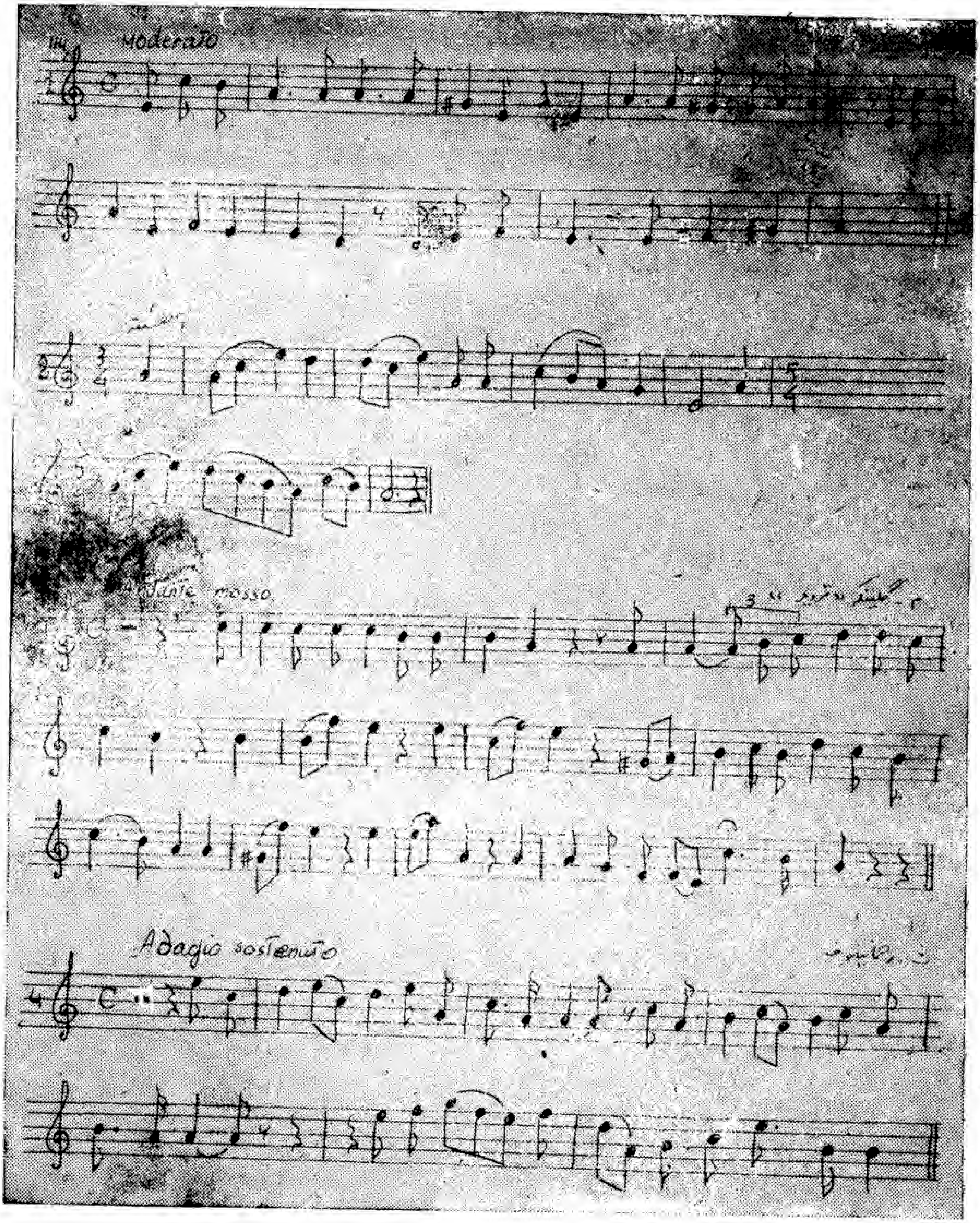

[وظیفه ۳۰]

سه نوع مینور را که درفوق تذکار یافته، بصورت مساوی وآهسته‌خوانده وبعداً لا مینور، می مینور، ره مینور را بطور بالارونده و پائین رونده ، با درنظر گرفتن آن مرتبه‌های که‌توسط دیز نیم‌تون بالاتر میشود.

بطوردقیق خوانده وفرق آن را به ذهن بسپارید .

همچنان فراگرفتن گام ها ، ردیف نوت ها ماژور ومینور را بادرنظر گرفتن علامات بعداز کلید بطوردوامدار ، تمرین نموده وبرای حل مشکلات به فصل نهم مراجعه کنید، وبه همان سیستم که درین فصل تذکار یافته پیشرفت نمائید که درنتیجه سیستم تونالیته بوجودمی آید .

فصل چهارم

ریتم (موازنه) در موزیک

اگر از کدام میلودی ریتم را برداریم، تنها اصواتی باقی خواهد ماند، که دارای ارتفاعات مختلف هستند. ذیلاً یک مثال داده میشود که ریتم در آن وجود ندارد.

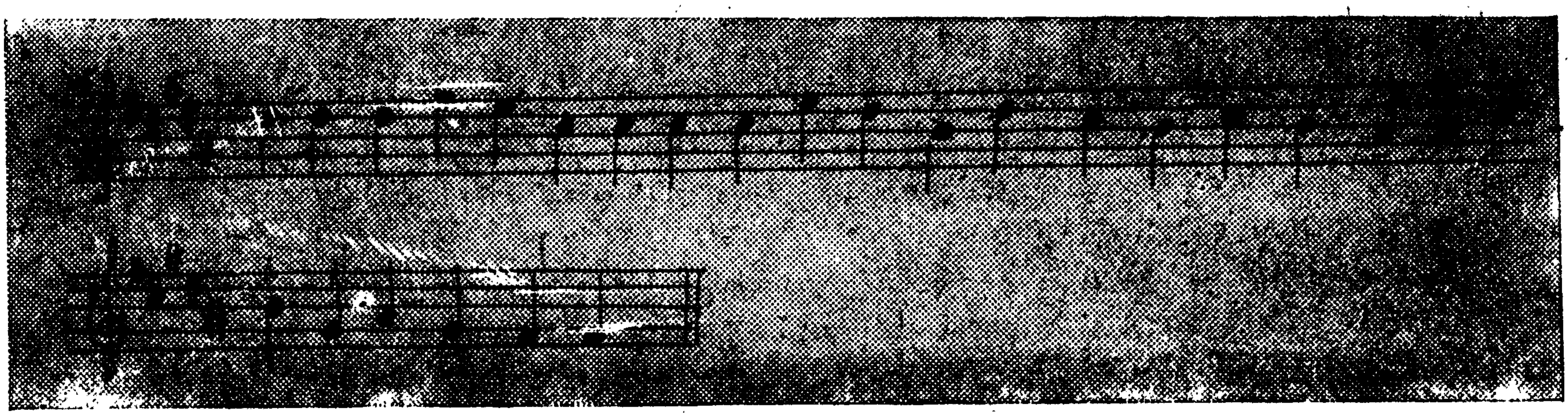

درشرایط تشکیلات ریتمی همین میلودی بخود شکل یک خواندن را میگیرد، که دارای جملات و قوانین لازمه بوده، و دارای کرکتر مخصوص میشود. میلودی فوق توسط (ج، ویردی) بشکل ذیل آورده شده است.

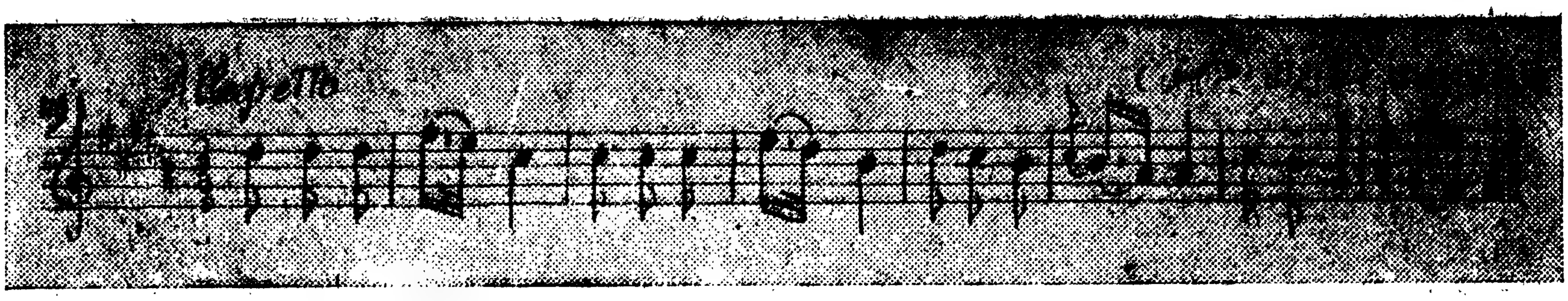

ریتم به میلودی چنان تشکیلات ، آمادگی ومفکوره رامیدهد ، که بدون آن ها بخاطر سپردن میلودی ، ناممکن خواهد بود ، ریتم در موزیک ، قیمت اصوات را در هر جملهٔ موسیقی ، و در عین زمان سلسله جملات را که یکی بعد از دیگر می آیند ، آماده می سازد .

ریتم : - (وزن) عبارت از نوت های موزیک است (از نقطهٔ نظر قیمت یادرازی آن) در جریان پی هم آن .

حساب ضربه ها

در صورتیکه تصنیف ازنوت هائیکه دارای قیمت زیاد باشد (یک تائی دوتائی ودوتائی همرای نقطه) مقیاس حسابی آن رایک چهار تائی گرفته اند. که توسط شماربه فکرویا به کمک دست، بدون مشکلات اجرا شده میتواند . مثال های مذکور رامیتوانید درصفحه های (   ) و (   ) ملاحظه کنید .

در وقت فرا گرفتن ریتم ، میلودی ئیکه دارای قیمت کوتاه تر از چهار تائی باشد . مقیاس حساب آن هم به قیمت کوتاه گرفته میشود ، که در متن نوت داده شده است . مثلاً هشتائی ، دریــن صورت اجرا کننده باید بخاطر داشته باشد که اجر انمودن چنین قیمت های کوچک، دقت مخصوصی را تقاضا میکند . هر قدر قیمت نوت ها کوتاه تر باشد ، به همان اندازه اجرا نمودن آنها دقت زیادتر را ، برای اجرای دقیق آن در بر خواهد داشت . حالا یک مثالیکه چایکوفسکی درسمفونی دوم خود درقسمت اخیر آن استعمال نموده است ، از نظر میگذرانیم .

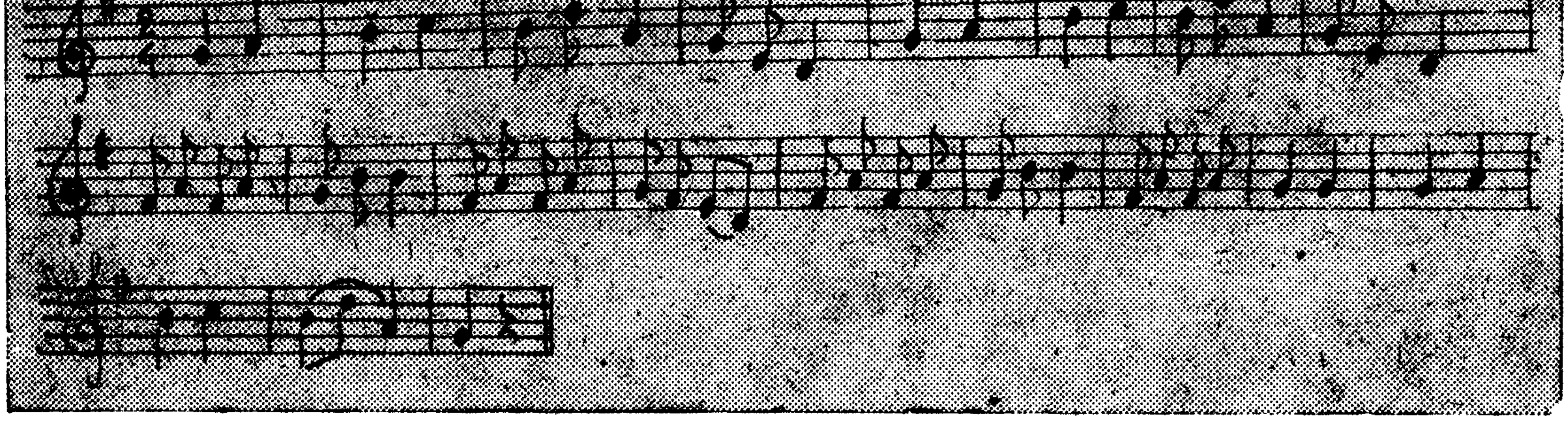

تصنیف در اول توسط چهار تائی ها پیشرفت میکند . در تکت های سوم و چهارم هر نوت (ضربه) قوی به دو هشتائی تقسیم میشود . به این اساس در هر حساب (یک) دو صوت داخل میشود ، به این نسبت در مثال فوق مقیاس یا واحد قیاسی لازم است یک هشتائی گرفته شود .

چون درین متن نوت های هشتائی رول زیادتری دارند ، لهذا برای اجرا نمودن آن طور دقیق واحد قیاسی هشتائی باید انتخاب شود :

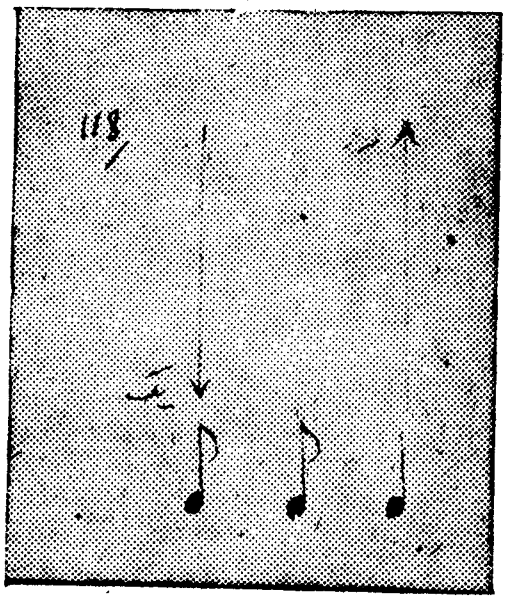

در صورتیکه درمتن ها تنها نوت های هشتائی وجود داشته باشند ، واضح است که در هر حرکت دست ، دو هشتائی تقابل میکند . (یعنی در حرکت یک ، دو هشتائی ، و در حرکت دوم هم دوهشتائی تصادف میکند .)

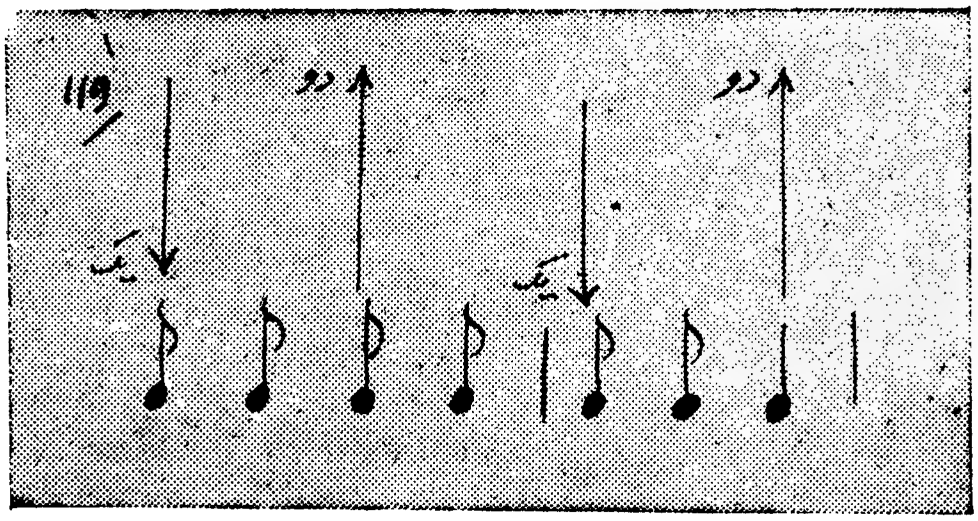

مشکلات اجرا نمودن صحیح ریتمیکه دارای قیمت های کوچک هستند مربوط به آن است ، که در وقت حساب نمودن ضربه های اساسی تکت (در دو ضربی یک و دو) . و در سه ضربی (یک ، دو ، سه) مجبور هستیم در فکر خود هر ضربه را به مقیاس کوچکترین نوتیکه (ریتم) در متن نوت داده

شده تقسیم نمائیم . درتصنیفیکه دارای قیمت (درازی نوت ها) به اندازه هشتائی هستند . هرضربه اساسی را که مساوی به‌یک چهار تائی میشوددرفکر خود به دو هشتائی تقسیم نمائیدمثل تمرین ذیل .

وظیفهٔ سی و یکم

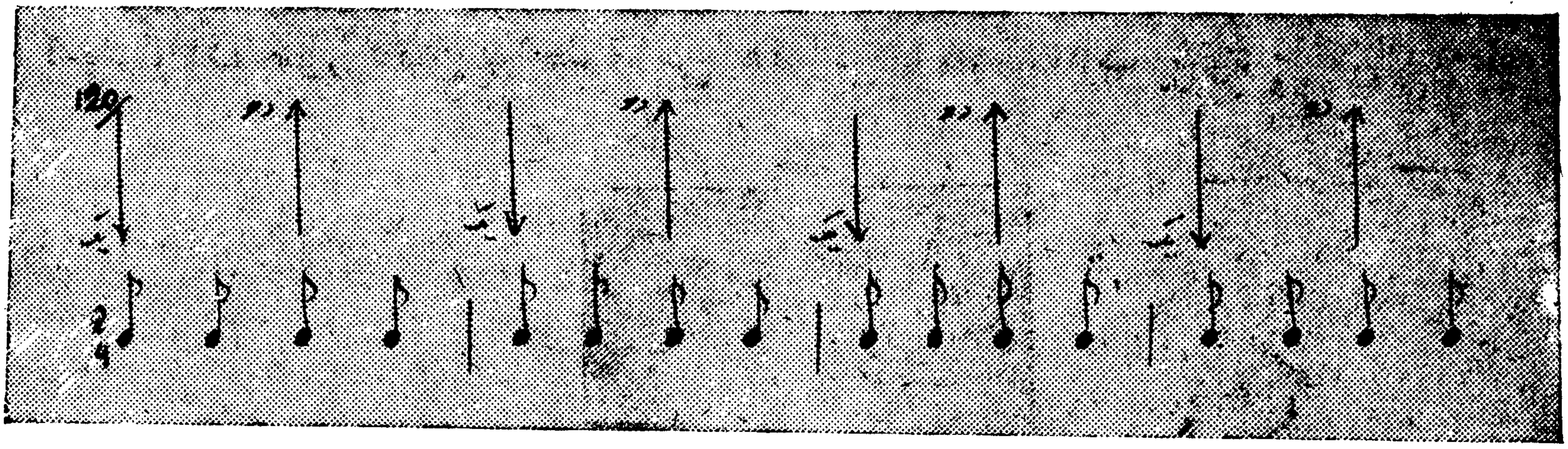

وظیفه سی و دوم

تمرین زیل را درکتابچه نوت بنویسید. وبعداً آنرا به‌تکت ها جدا کرده وشفرهٔ آن را بگذارید .

بعد ازآن ضربه های قوی هر تکت را نشانی نموده ، و بعد ازتکت اخیر توسط پیوستن پهلو به‌پهلو آنرا ختم کنید .

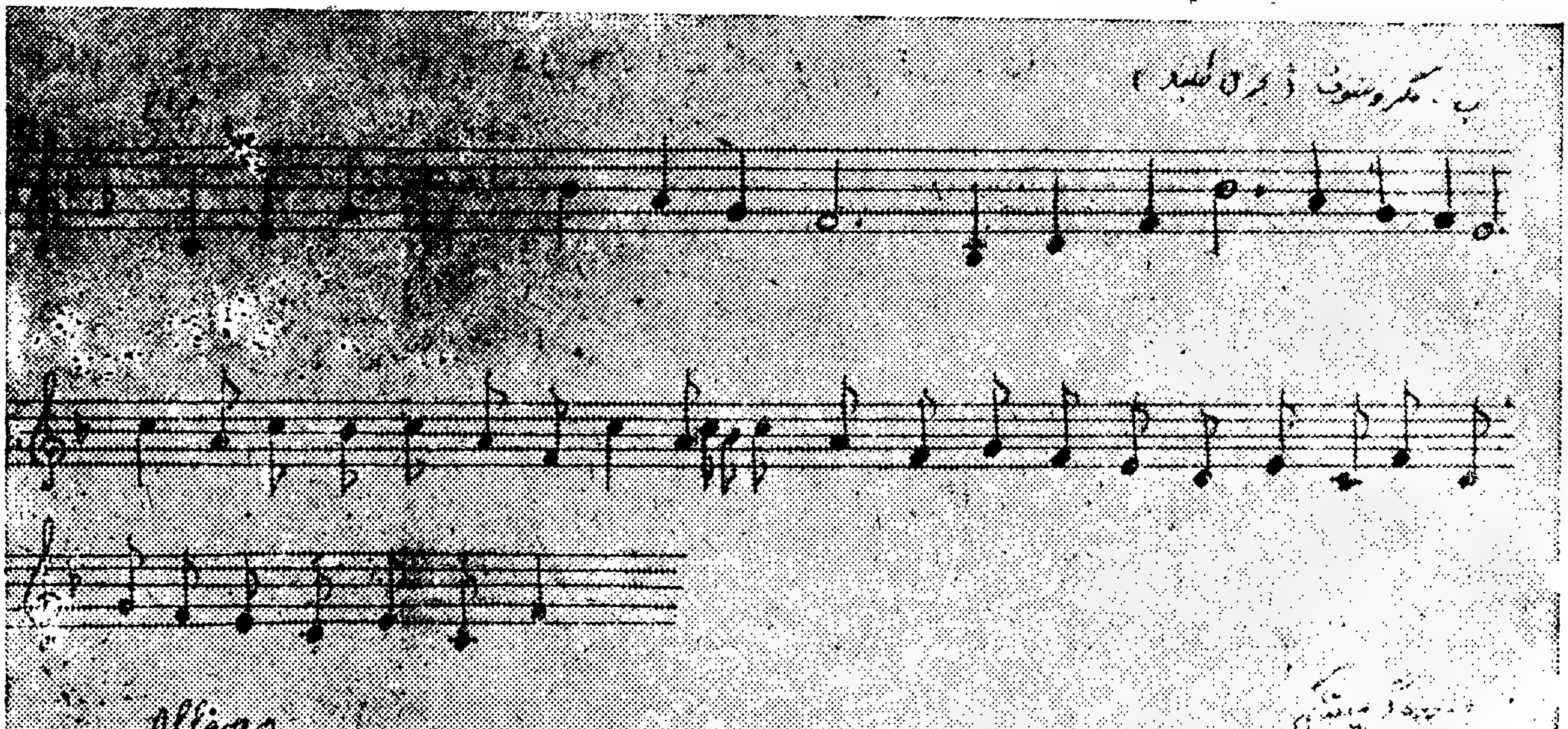

قبل از تکت

جمله موزیک مثلیکه درشفرهٔ دو ضربه ، وسه ضربه دیده شد می تواند ، از ضربهٔ قوی تکت یعنی (یک) شروع می‌شود .

مگر اکثراً اتفاق می افتند کـــه جملهٔ موزیک از ضربـــهٔ ضعیف تکت شروع شود ، یعنی از نوت قبل از خط تکت .

قبل از تکت :ـــ عبارت از تکت نامکمل است ، که از آن تصنیف و یا جملات علیحده موزیک شروع میشود .

در شفره دوضربه قبل از تکت از ضربه دوم و در شفرهٔ سه ضربه ئی قبل از تکت ، باید از ضربهٔ دوم و یاسوم شروع شود .

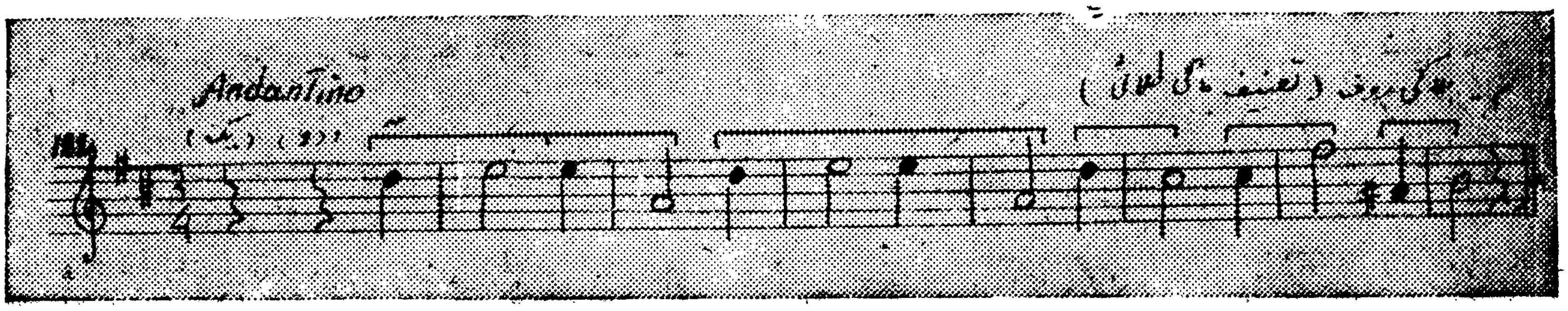

اگر قبل از تکت یک جمله موزیک ، مساوی به یک و یاچند هشتائی باشد ، درین صورت مقیاس حسابی آن هم هشتائی خواهـــد بود . که به ترتیب ذیل باید حساب شود .

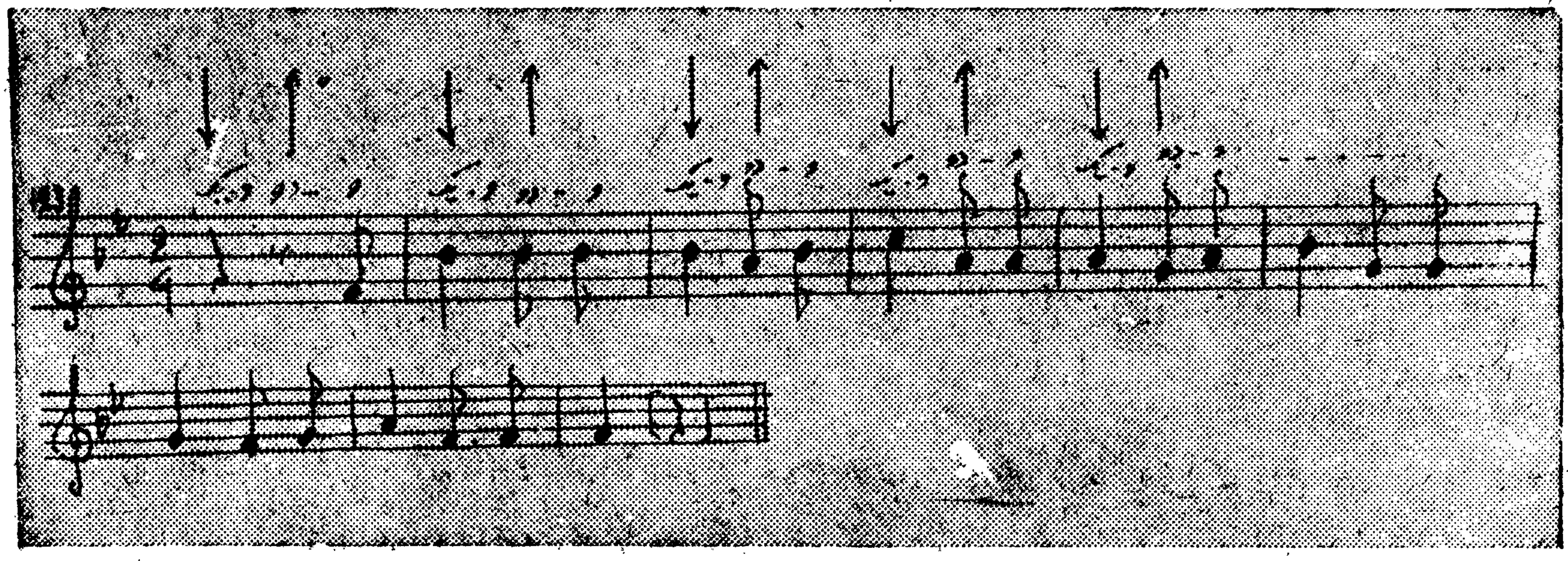

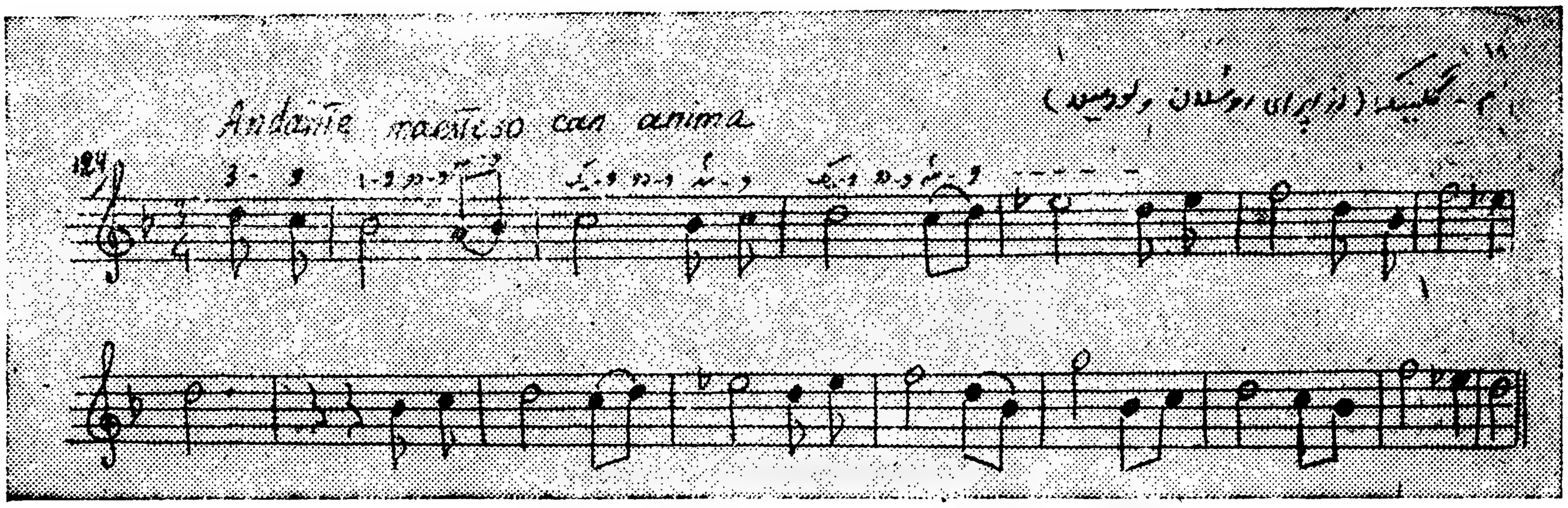

وظیفهٔ سی و سوم

در مثال ذیل اسمای نوت را در ریتمیکه تحریر شده ، خوانده و درعین زمان‌که توسط دست حساب میشود درفکر خود هرچهار تائی را به دوهشتائی تقسیم نماید .

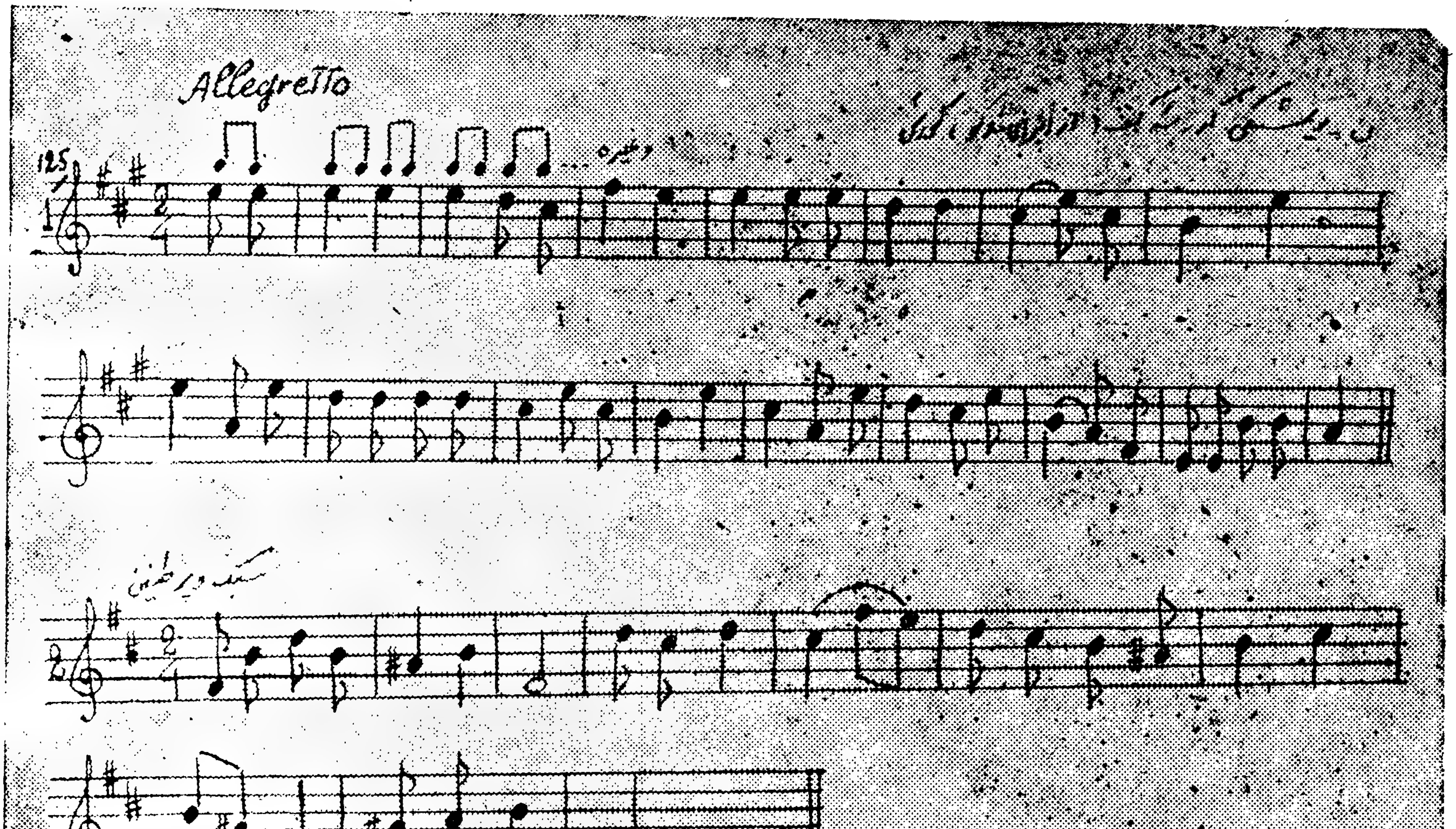

کار بالای ریتم تمرین زیاد را خواهان است ، و برای هم آهنگی و ریتم درست در هر کتاب سولفیدژ رهنما وجود دارد .

وظیفه سی و چهارم

در مثال ذیل نوت ها را خوانده و توسط دست حساب کنند .

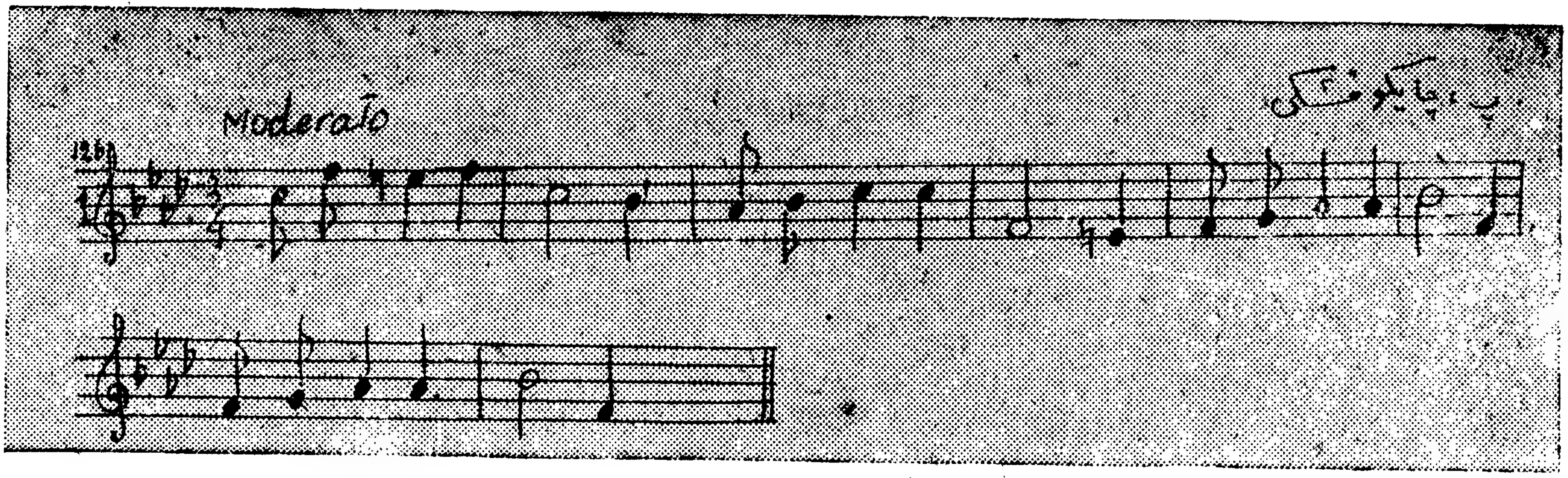

لیزیون یا علامهٔ ارتباط دادن صوت

اگر دو نوتیکه یکی پهلوی دیگر قرار داشته ، و دارای عین ارتفاع صوتی باشند و توسط خط نیم قوس (کمان) بهم ارتباط داده شده باشند ، این دو نوت بهم یکی شده و دوام آن مساوی به دوام هر دو نوت یاصوت میباشد .

مثلاً مثال ذیل دارای دو نوت به‌هم مربوط شدهٔ (لا ، اکتاو دوم) است .

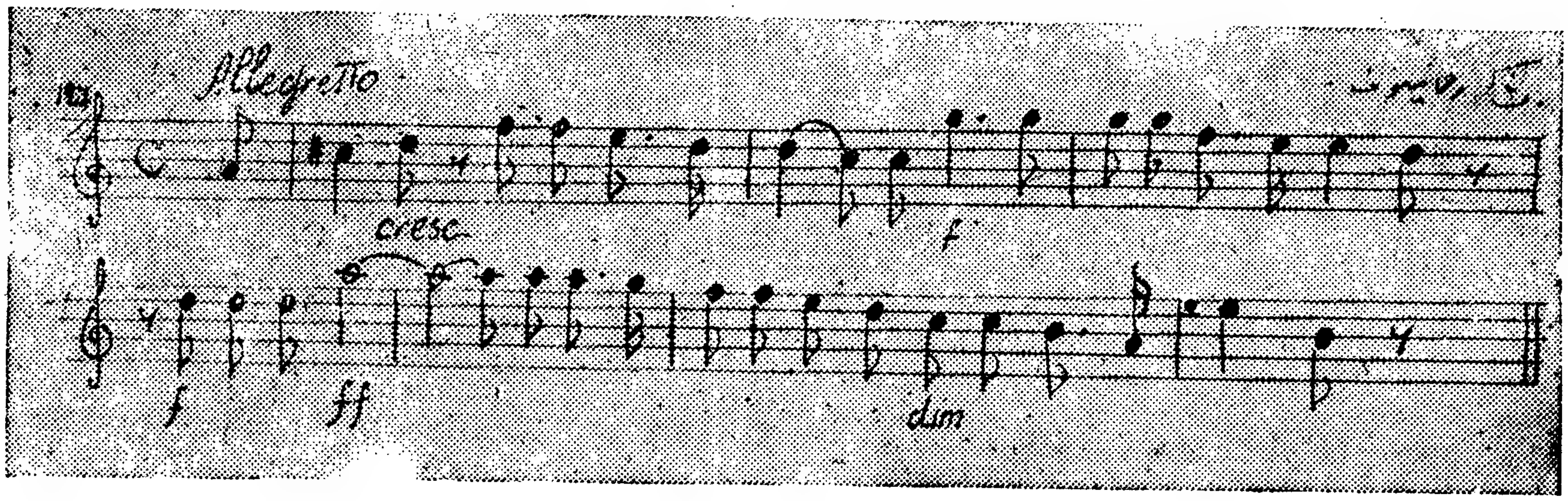

وظیفهٔ سی و پنجم

درمثال‌های ذیل اسمای نوت را در ریتمیکه داده‌شده بخوانید توسط دست آنرا حساب و در عین زمان دقت زیاد به اصوات به هم ارتباط داده شده (توسط لیز یون) ، و قیمت سکوت ها بنمائید .

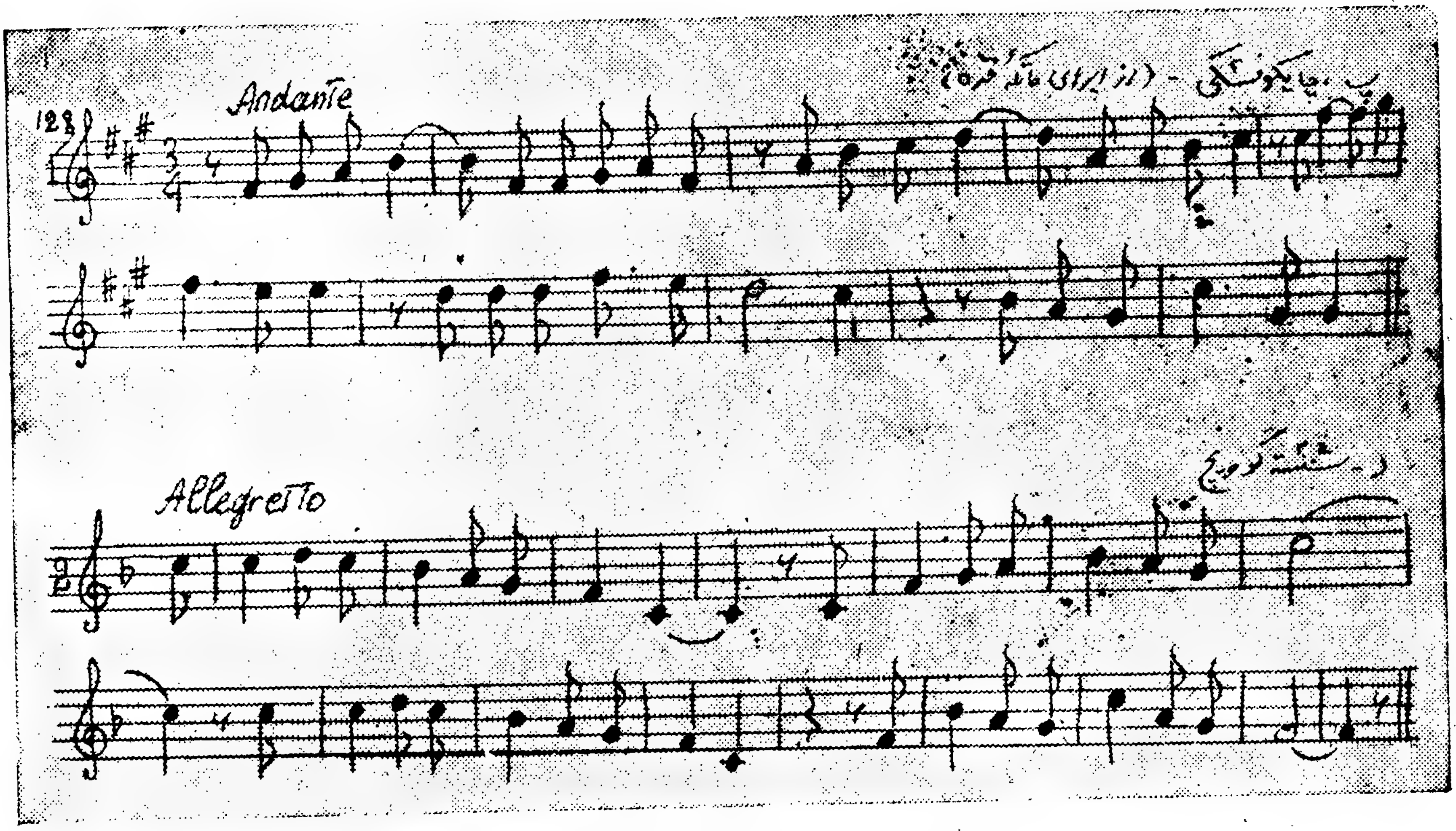

درقسمت هائیکه نوت هاتوسط لیزیون مربوط شده‌اند. درحساب آنهاخیلی دقیق باید بود.

فصل پنجم

موزیک برای آلات وآواز خوانی

دوطریق اساسی موزیک وجود دارد. هنرآوازخوانی، وهنر نواختن آلات موسیقی (انسترومنتال.)

برای همه معلوم است که موزیک برای آلات موسیقی و برای یک و یا چندین آلات که مشترک شده اند، وبطوردسته جمعی بنام (آنسامبل) ویا (آرکستر) یادمیشود ونوع دیگر آن آوازخوانی که به‌لاتین VOX - BOKC (یعنی آواز) یاد میشود. مثلا برای کورس ودسته‌های آواز خوانی‌ها و غیره طریقه‌ایکه زیادتر رواج دارد، عبارت ازتشریک مساعی نمودن آرکستر وآواز خوانها میباشد.

بطور مثال خواندن های که توسط پیانو بدرقه میشود، ویاخواندنیکه توسط آرکستر همرائی میشود. مثال زنده وپرقدرت خواندن به‌همرای آرکستر را میتوانیم دراپراها مشاهده کنیم.

آوازهائیکه برای خواندن استعمال میشود، وهم آلات موسیقی، به‌دسته‌های بلندصداوپائین‌صدا جدا میشود.

مثلا سپرانو وتینرآوازهای بلند، کانترالتووباس آوازهای پائین یا پست هستند برای پیانو، گیتار، اکوردیون، ریگسترها (درجه‌های آواز) بالاوپائین وجوددارد.

[سیستم کلیدها در تحریر نوت موزیک]

ازآنجاکه آلات موسیقی ویاآواز به‌قسمت‌های بلند، یعنی ریگسترو درجات

آواز ، بلند و یا پائین مربوط هستند. ازین لحاظ سیستم کلیدها بوجود آمده‌اند. که برای آوازهای بلند از کلید صول، و برای آوازهای پائین یا ریگسترهای پائین (درجات آواز) از کلید فا، یا کلید باس استفاده میگردد .

ونوت هائیکه باید نواخته ویا خوانده شود درین دو نوع کلید تحریر میشود .

ردیف صوت اساسی موزیک وحدود استعمال آن

تحریر صوت اساسی در کلید صول :

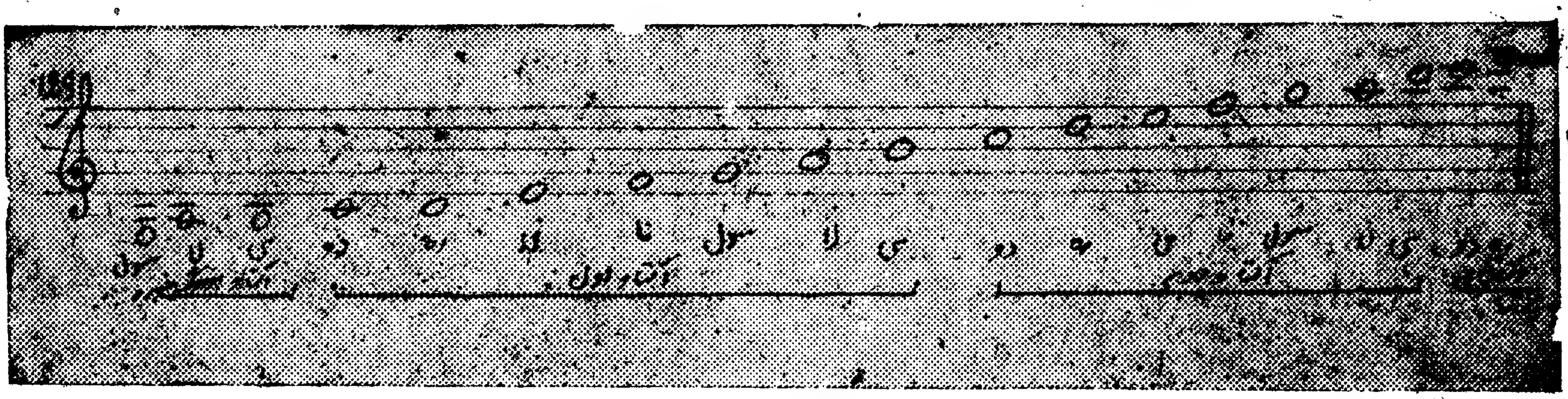

نوشتن ردیف صوت اساسی : درکلید باس (کلید فا)

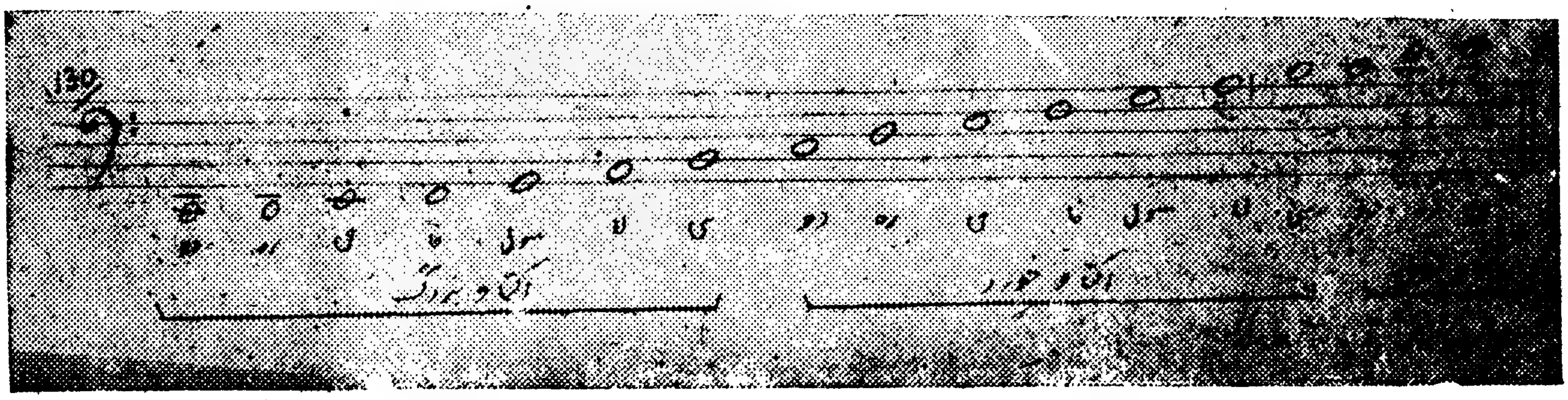

کلید باس بدو اسم کلید باس و یا کلید فا یادشده می تواند این کلید، در بالای خط چهارم حامل نوت، تحریر وصوت فا اکتاو خورد را نشان میدهد این کلید ، درشروع خط قرار داده شده ، و توسط دونقطهٔ مشخص میگردد

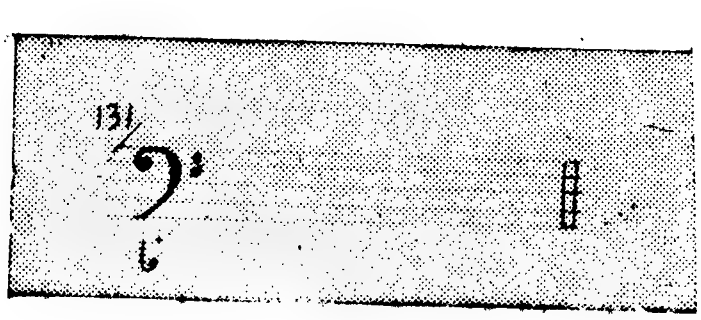

نمونه تحریر نوت در کلید باس .

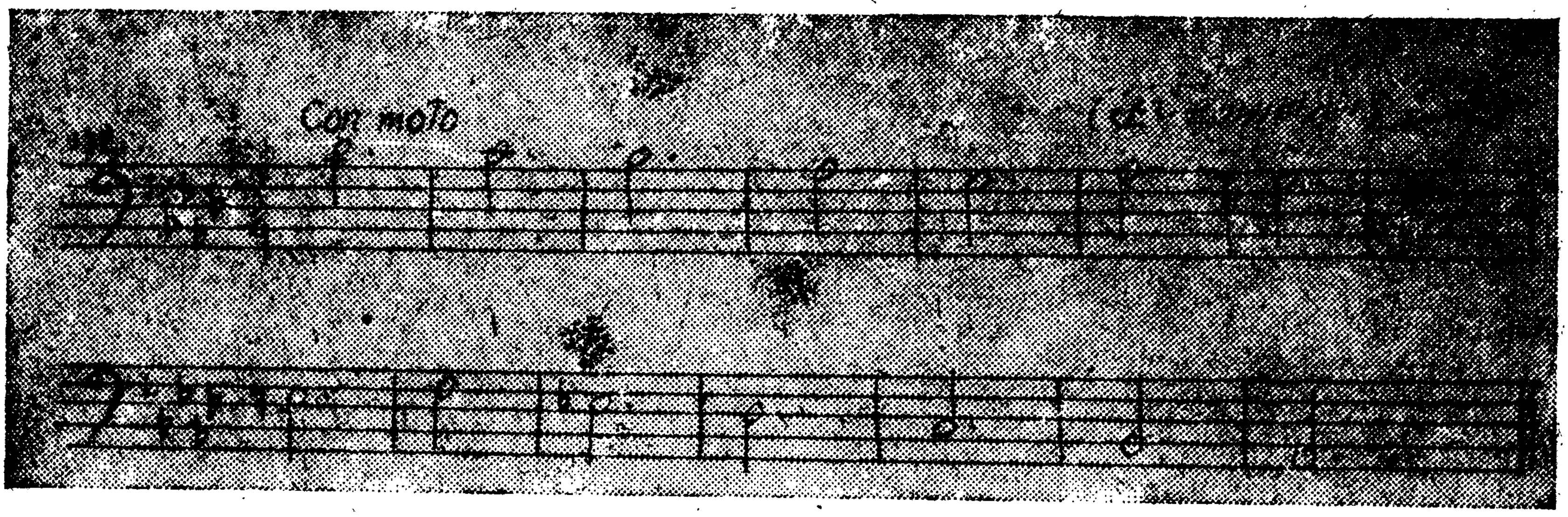

سیستم تحریر موزیک، در حامل نوت اجازه میدهد ، که عین اصوات ریگستیر وسطی راهم در کلیدفا (باس) ،و هم در کلید صول تحریر نمائیم .
نمونه تحریر عین اصوات اکتاو خورد، و اکتاو اول در کلیدباس و کلید صول .

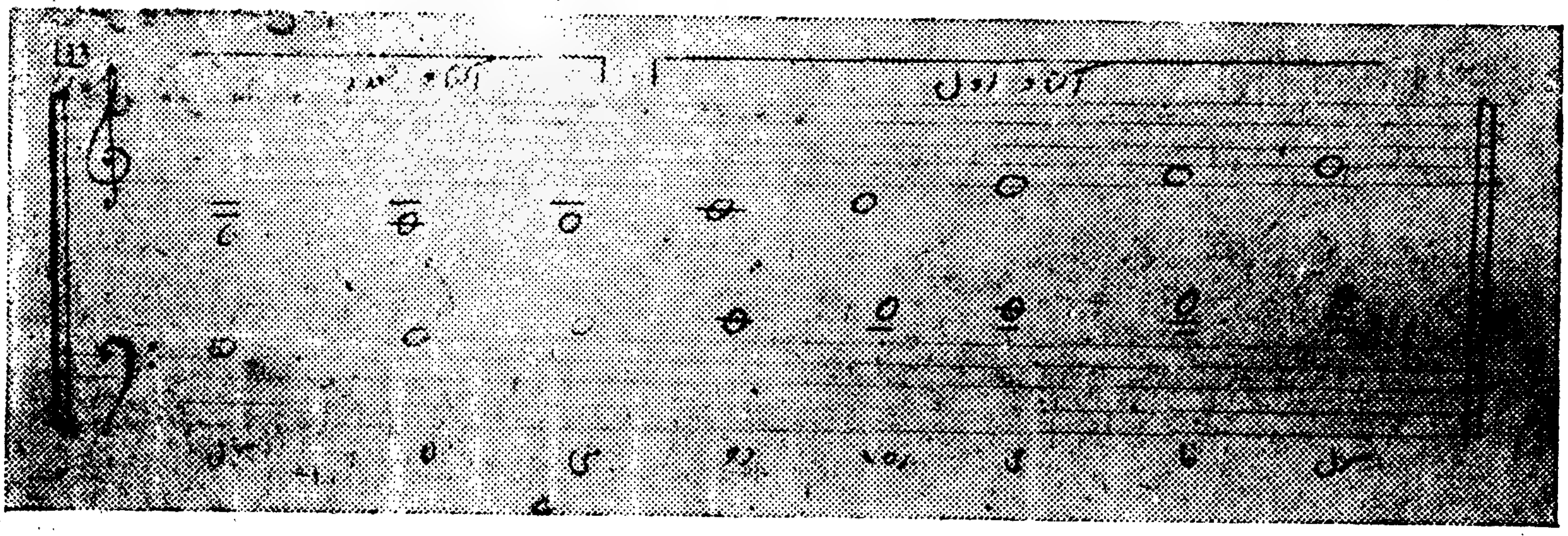

برای فراگرفتن خوبتر سیستم کلیدها خیلی مفید خواهند بود ، اگــر میلودی را که در کلید صول تحریر شده ، به کلید فا تبدیل، ومیلودی هائیکه در کلید فا نوشته شده است ، در کلید صول تبدیل و خوانده شود .

وظیفهٔ سی وششم

مثال های ذیل راکه یکی در کلید صول ، ودیگری در کلیدفا تحریرشده است طوری بخوانید ، که کلید صول را به فا تبدیل ،و کلید فارا به کلــید صول تبدیل نموده ، به دقت ، نظر به کلید اسمای نوت را بخوانید (البته قبل ازتبدیل نمودن کلیدها ، مثالهای مذکور را در کلید خود آن ها. یکبار بخوانید)

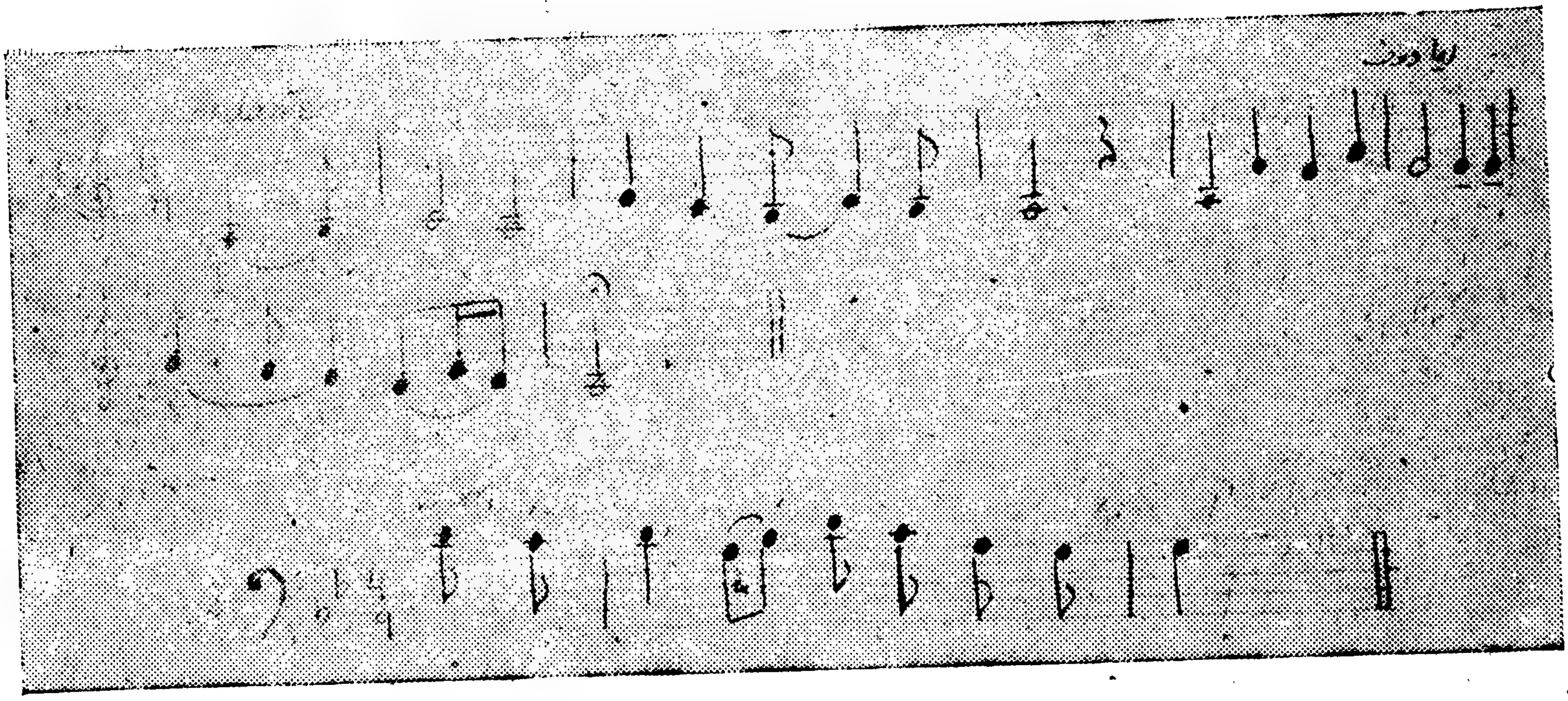

اگر میلودی در ریگستیرهای بلند تحریرشده باشد ، برای نوشتن آن درکلیدفا (باس) وبرای مواجه نشدن ، به خطوط علاوگی زیاد ، لازم است تمام میلودی را یک اکتاو پائین تر تحریر کنیم (درریکسیتر پائین تر) نمونه وطریقه حل .

ملیود ذیل درکلید صول تحریرشده است .

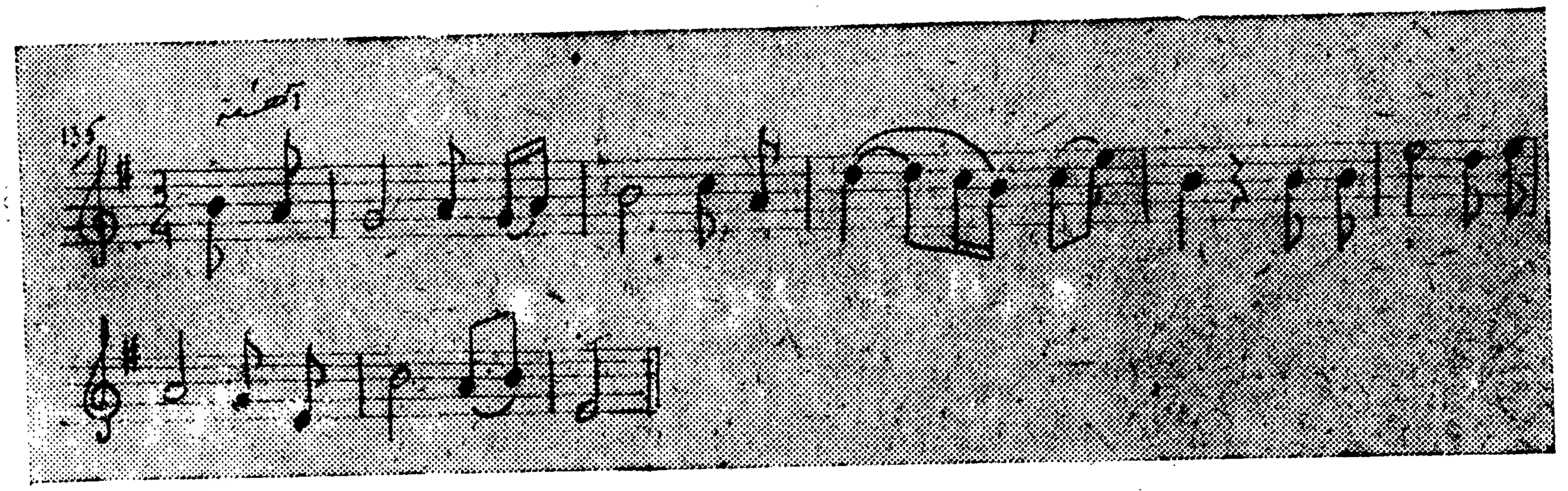

تحریر عین میلودی فوق در کلید باس یک اکتاو پائین تر

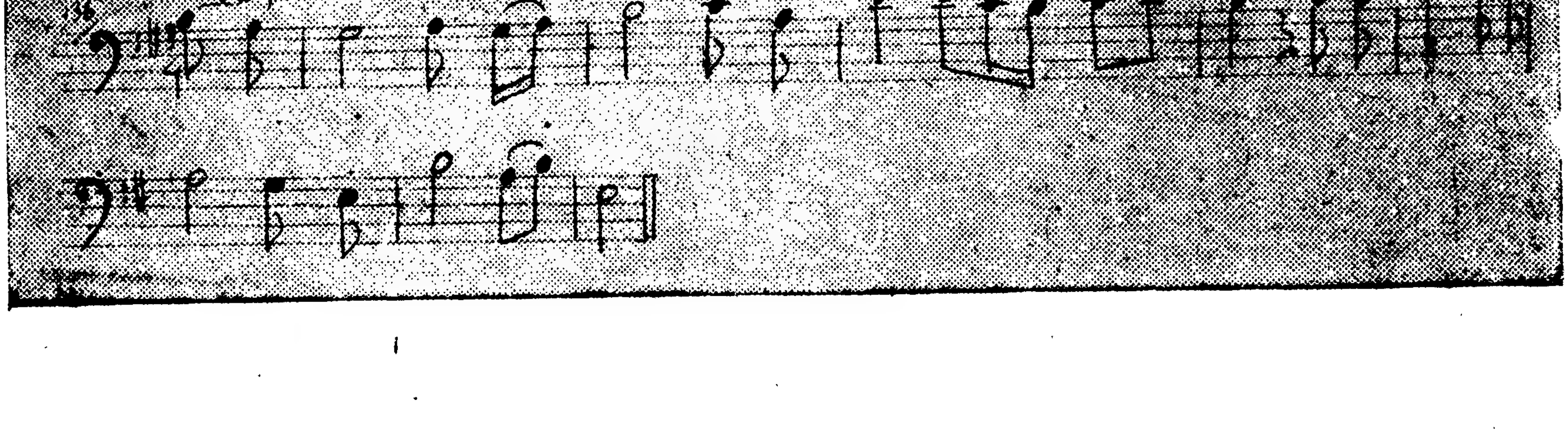

اگر میلودی در کلید فا تحریر، و در ریگستیر پائین قرار داشته باشد برای استعمال آن در کلید صول لازم است تمام میلودی را یک اکتاو بلندتر، در کلید صول تحریر نمائیم مثل نمونه ذیل

میلودی در کلید فا تحریر شده است.

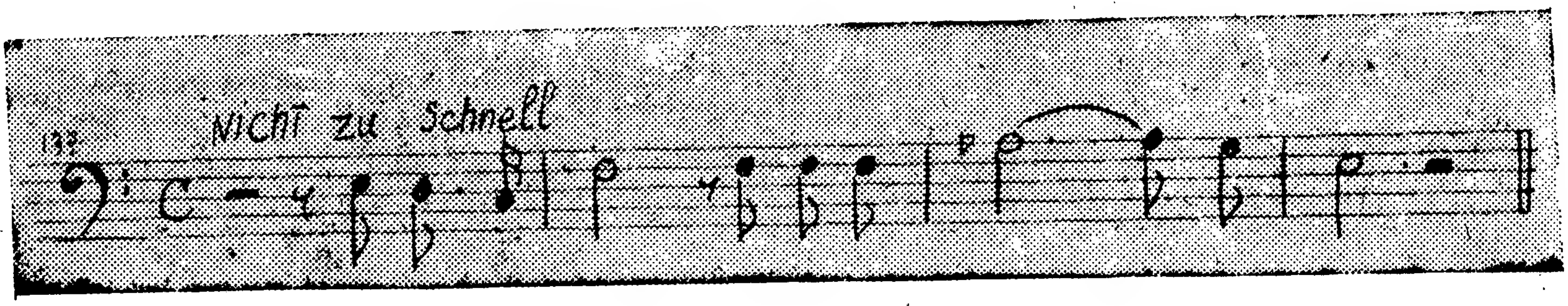

عین میلودی فوق در کلید صول و یک اکتاو بلندتر.

وظیفهٔ سی و هفتم

مثال های ذیل را از کلید صول، به کلید فا و یا از کلید فا، به کلید صول انتقال دهید ـ این مثال هارا نظر به موقعیت نوت ها، تا یک اکتاو بلند تر و یک اکتاو پائین تر تحریر نمائید،

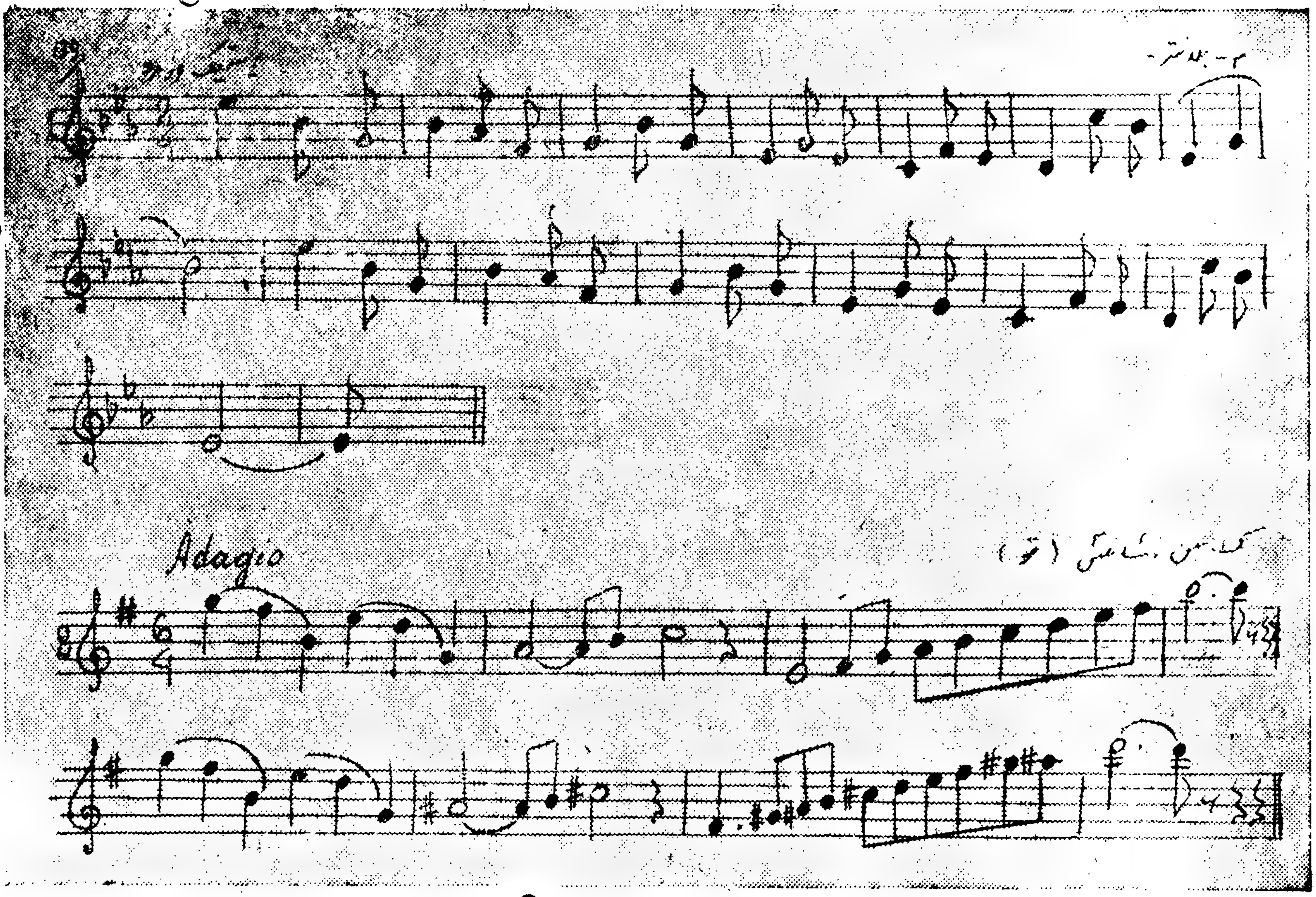

این مثال‌ها باید از کلید باس به کلید صول انتقال داده شود.
(یک اکتاو بلندتر)

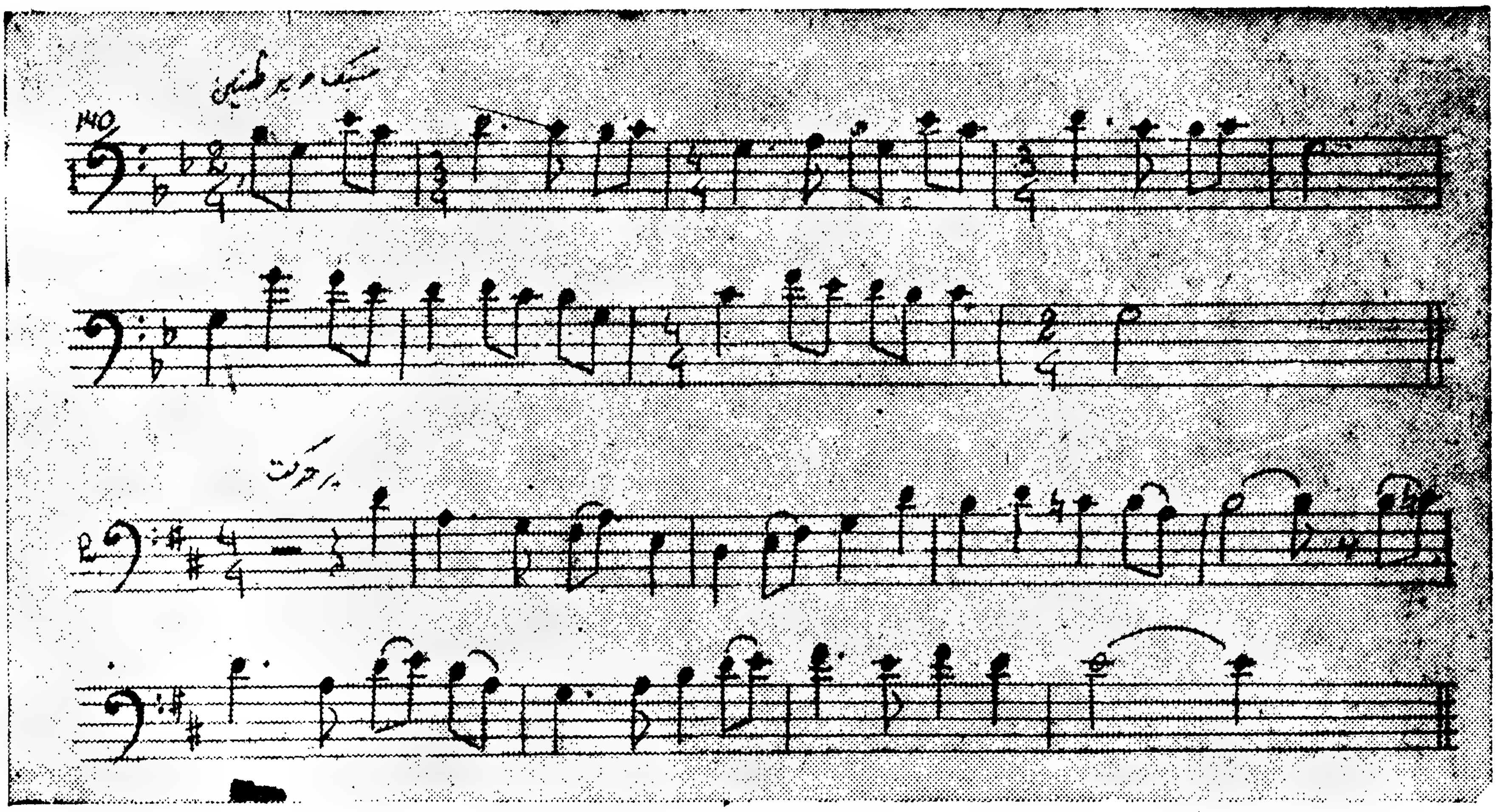

(تحریر نوت موزیک در بالای یک، دو یا زیاد تر خطوط حامل نوت (پارتیسیون)

تحریر نوت موزیک در بالای یک ، دو یا زیاد تر خطوط نوت ممکن است . در بالای یک حامل نوت موزیک. برای آلاتی: مثلا ماندولین، گیتار وغیره وهم برای یک آواز بدون بدرقهٔ و آلات دیگر و برای اکوردیون ، پیانو ، ریال بالای دو حامل نوت تحریر میشود مثلا :

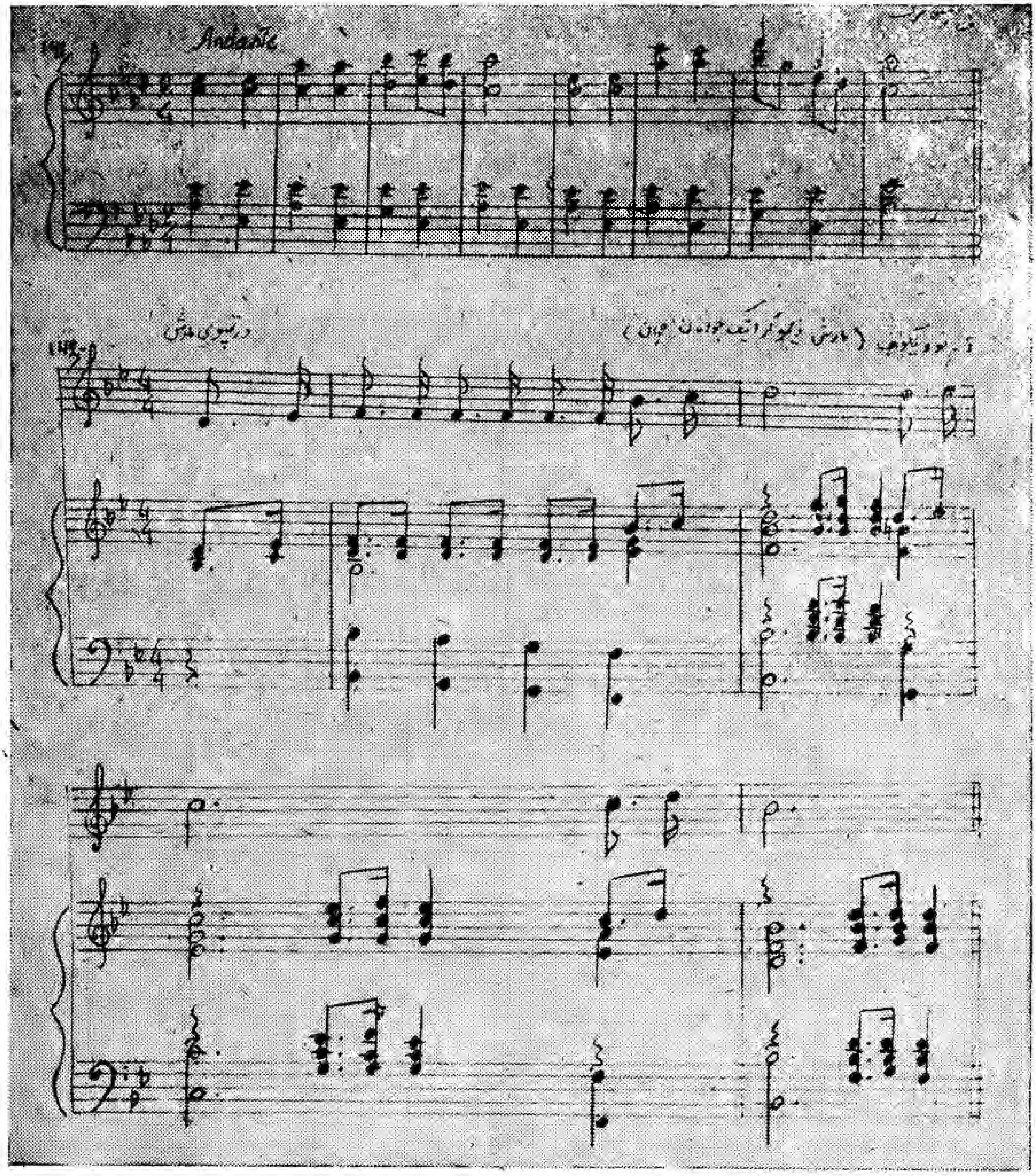

نوت برای آرکستر، بالای تعداد زیاد حامل نوت تحریر میشود. که تعداد آن به ۲۴ و یا زیادتر حامل نوت می‌رسد. این طرز تحریر نوت بنام پارتیسیون یا پارتیتور یاد میشود.

فصل ششم

فاصله ها

[معلومات عمومی راجع به فاصله‌ها]

انتروال یا فاصله ،عبارت ازرابطه بین دوصوت است، که یکی بعدازدیگری ویادرعین زمان گرفته میشود. کلمهٔ انتروال اگرازلاتین ترجمه‌شود ، عبارت ازفاصله خواهد بود. انتروال یافاصله بطور عمومی بدوقسم اند:
انتروال کوچک، وانتروال‌بزرگ درهر میلودی که‌درنظر بگیریم ، انتروال ها زنجیر را تشکیل میدهد که ازیک مرتبه به مرتبه دیگر می‌روند، هریک ازحرکات میلودی ، یک انتروال را تشکیل میدهد.

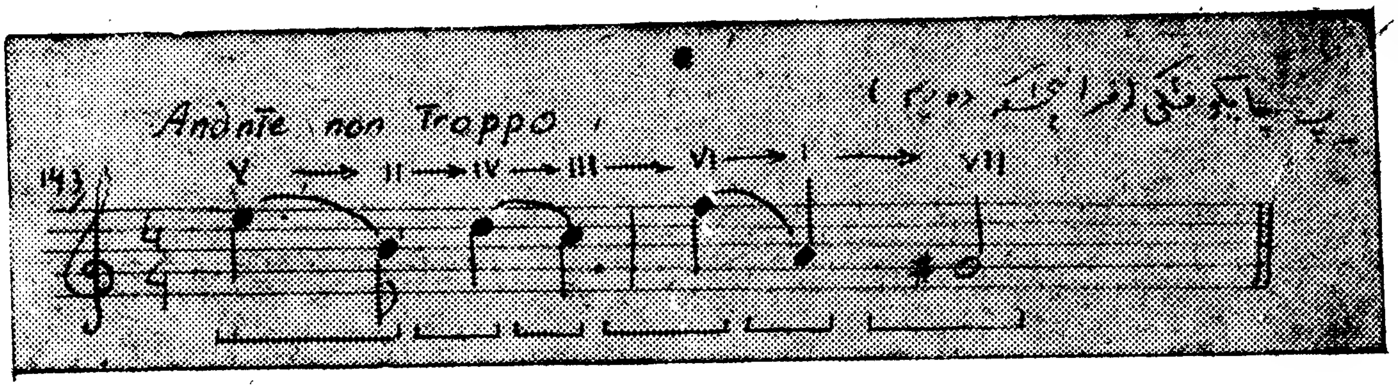

[اسمای انتروالها (فاصله‌ها) ومعرفی آنها]

انتروال هااسمای خودرا ازاعداد لاتین گرفته‌اند:-
پریمه:-*Prim* (اول) عبارت ازفاصله‌ایست، که‌ازتکرارعین‌صوت بوجود می‌آید.(تکرار عین مرتبه ردیف صوت)

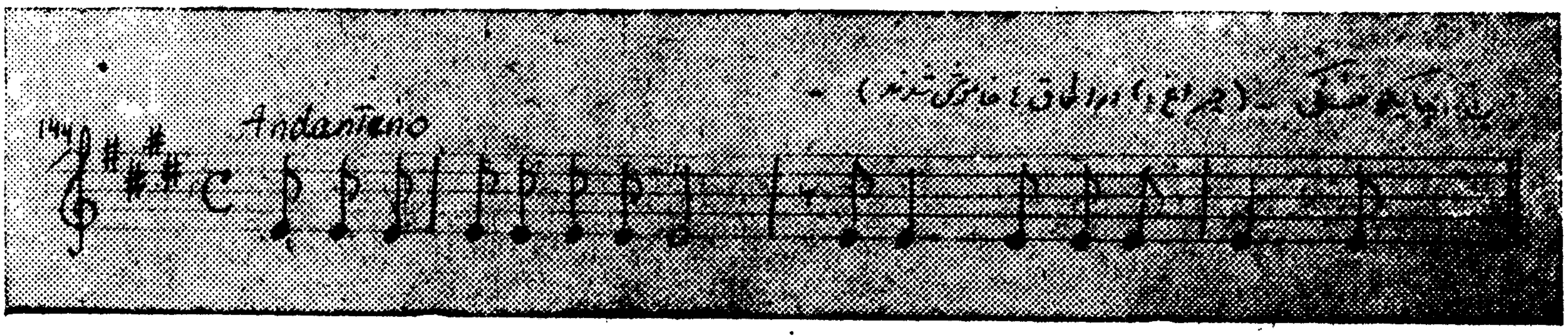

درین مثال که به‌شکل ،حرف زدن ترتیب شده است .یک سلسله نوت‌ها تکرار میشود. که انتروال پریم را بوجود می‌آورد .

سیکوند:- (دوم) انترو الیست، که بین دو مرتبه همسایه بوجود می‌آید. بقرار مثال ذیل:

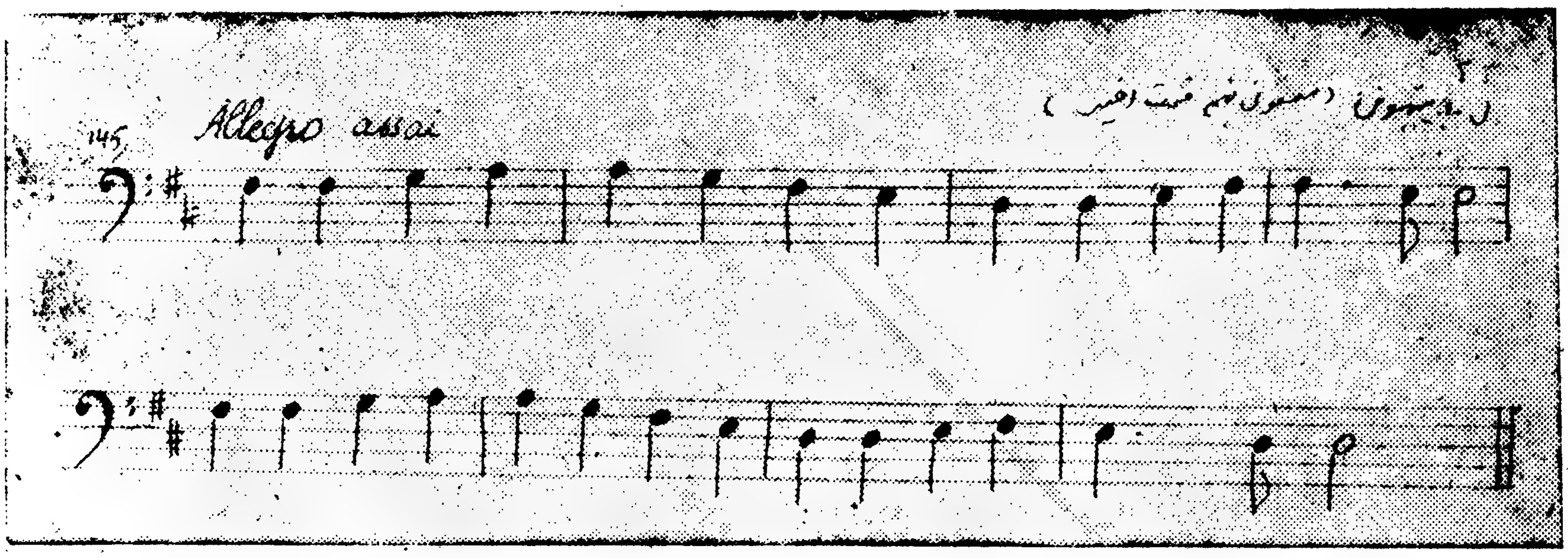

این قسمت از یک سلسله پریم ها و سیکوندها تشکیل‌شده است .

ترس -*Terss*(سوم) انترووالیست ،که‌ازمرتبهٔ گرفته‌شده تامرتبه سوم آن بطرف بالا یاپائین بوجود می‌آید .

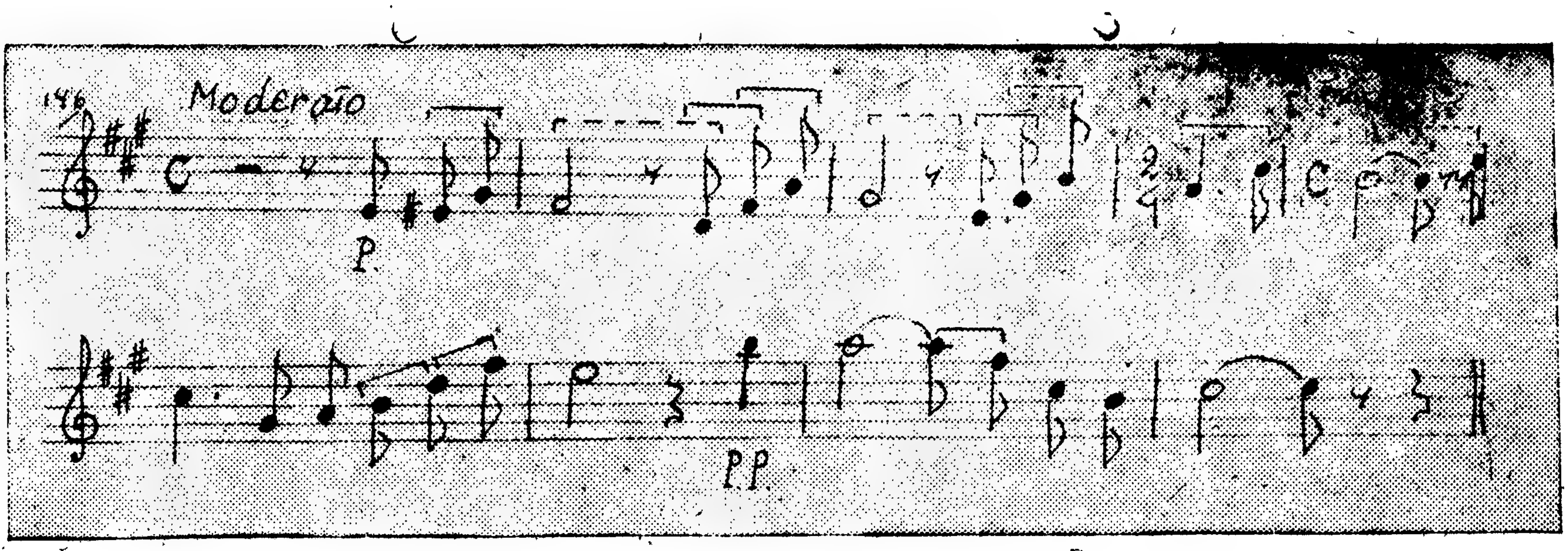

کووارت :- (چهارم) انتروالیست، که از مرتبهٔ گرفته‌شده‌تا مرتبه چهارم آن بطرف بالا و یا پائین بوجودمی‌آید.

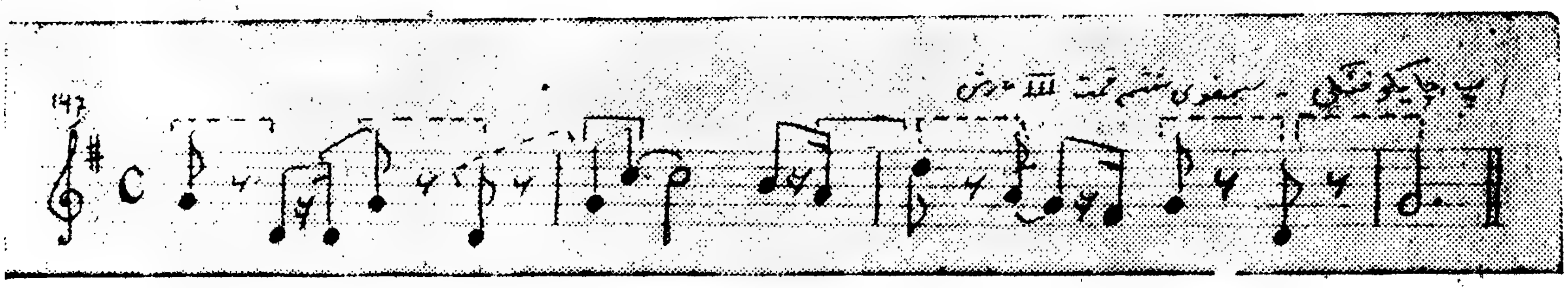

کووینت :- (پنجم) انتروالست، که ازمرتبهٔ گرفته‌شده، تامرتبه‌پنجم آن بطرف بالا یاپائین بوجودمی‌آید.

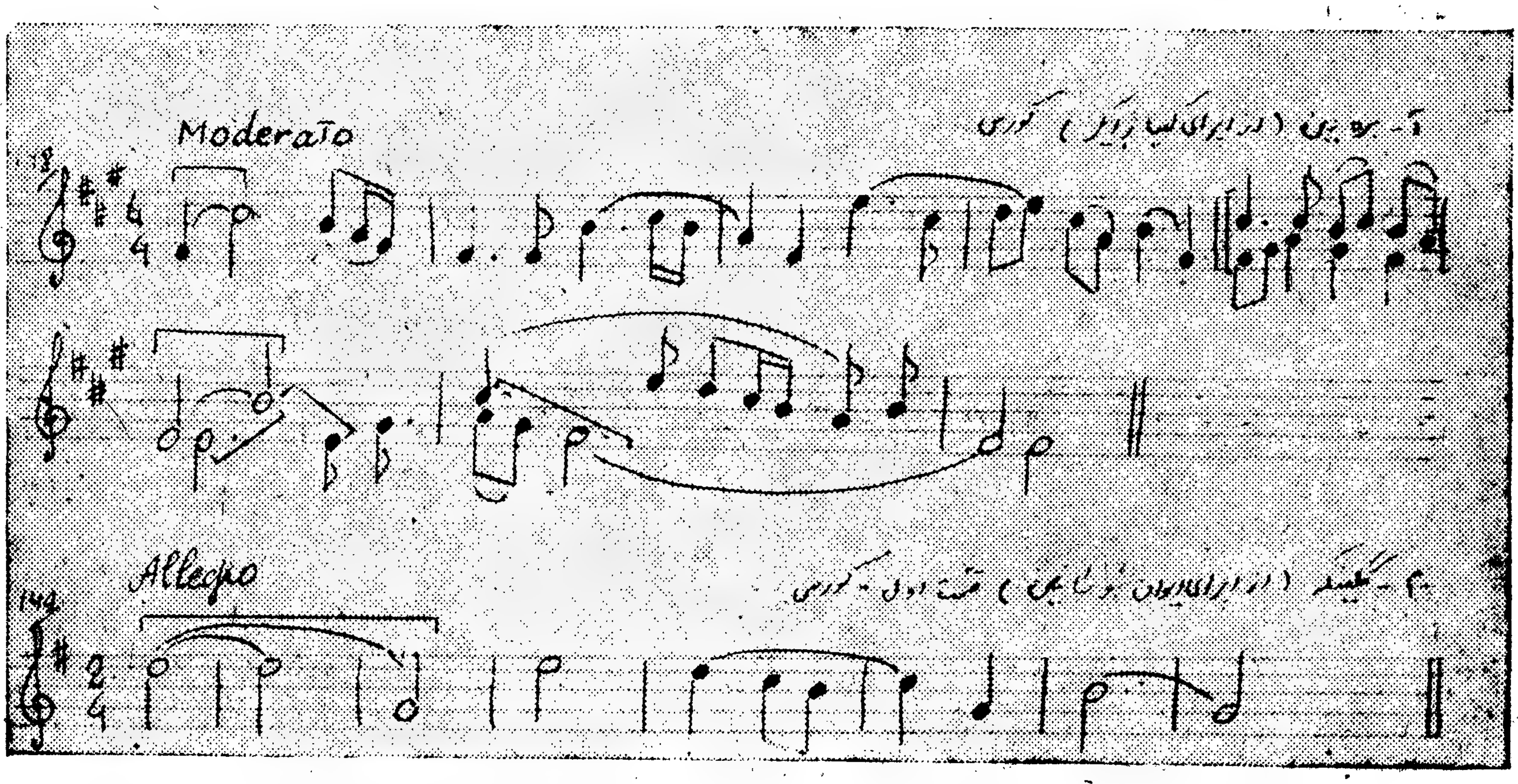

شکست - :— (ششم) انتروالیست، که‌میان مرتبه گرفته شده ومرتبهٔ ششم آن بطرف بالا و یا پائین تشکیل میشود :-

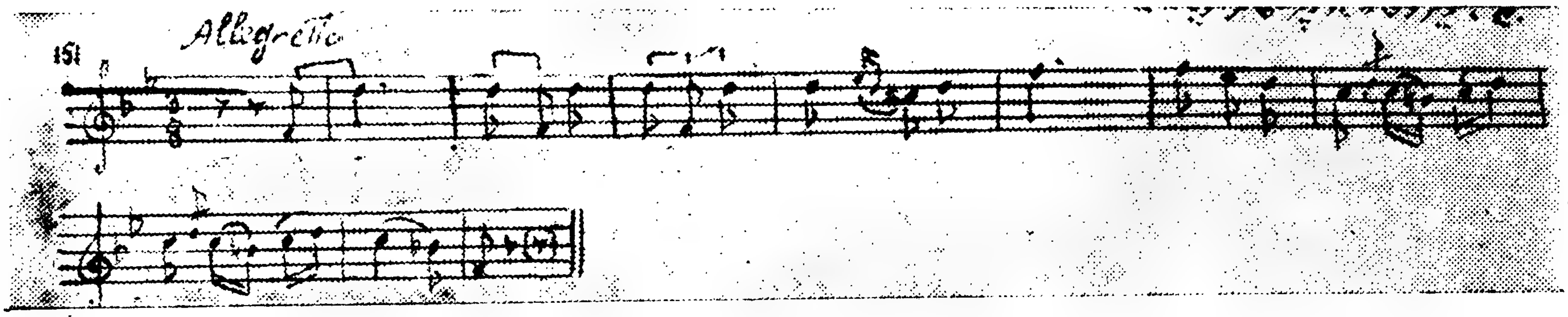

سپتیم Ceptim (هفتم)

انتروالیست ، که ازمرتبهٔ گرفته‌شده ، تامرتبه هفتم آن‌بطرف بالا ویا پائین بوجود می‌آید .

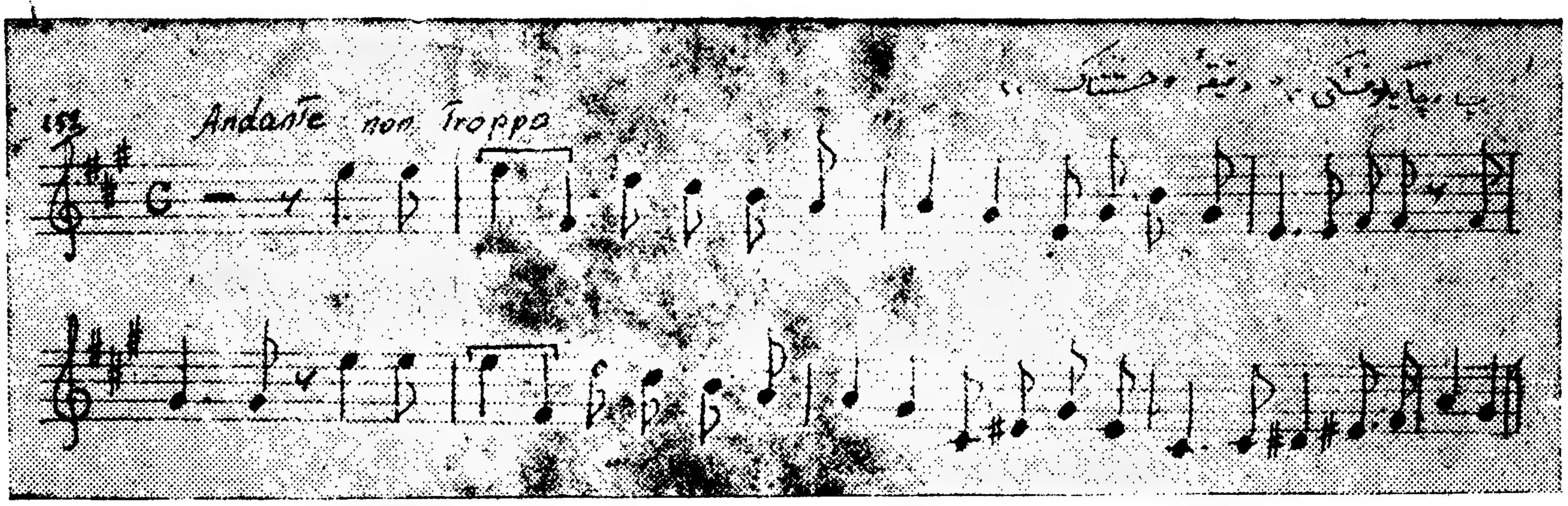

اکتاو : هشتم (Oktav)

انتروالیست که از مرتبه گرفته شده، تامرتبه هشتم آن بطرف بالا یا پائین بوجود می آید .

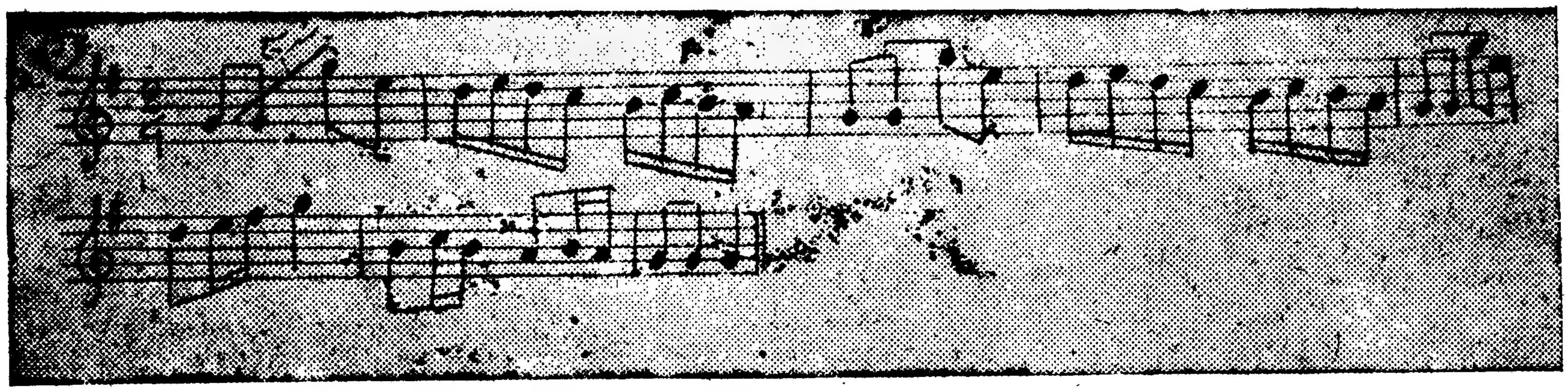

وظیفهٔ سی و هشتم

گام دو ما ژور را نواخته وبه دقت گوش بدهید . وبعداً انتروال های راکه در آن و جود دارد بخوانید .

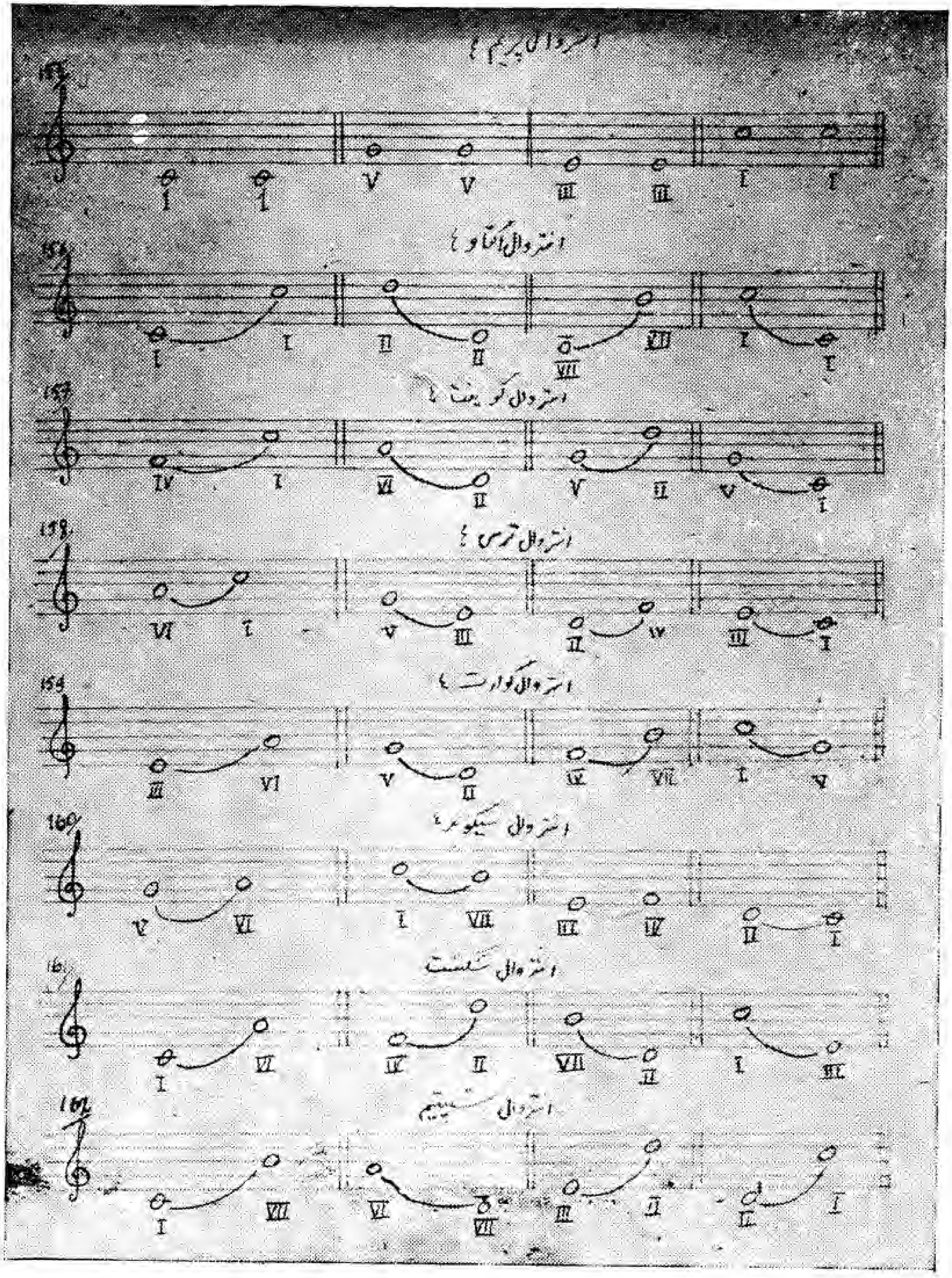

تمرین مشابه را ، با آزادی مطلق ، در انتخاب انتروال ها و مرتبه ها در گام ماژور ، که دارای تونیک فاو صول هستند ، و در گام های مینور که دارای تونیک لا ، می ، ره ، هستند اجرا کنید .

تمرین های فوق را لازم است ، که با فراگرفتن قسمت های بعدی تئوری ، درقسمت گام های ماژور ومینور ، کـه دارای علامات کلیدی زیاد هستند ادامه داده و همیشه تکرار کنید .

خواندن انترال های مختلف عبارت ازوظیفهٔ گوش داخلی است. که هر کس در فکر خود آنرا تشخیص میدهد .

بلند بردن تجربه پیش شنیدن در میلودی ، یعنی صوت بعدی انتروال را در نزد خود شنیدن ، عبارت از وظیفه مهم ، و شرط اول خواندن نوت های نا آشنا است ، که توسط آواز خوانده میشود

صفات مختلف انتروال ها

در هر انتروال ، تهداب یعنی صوت زیرین آن ، وقله که عبارت از نوت بالای آن میباشد وجود دارد .

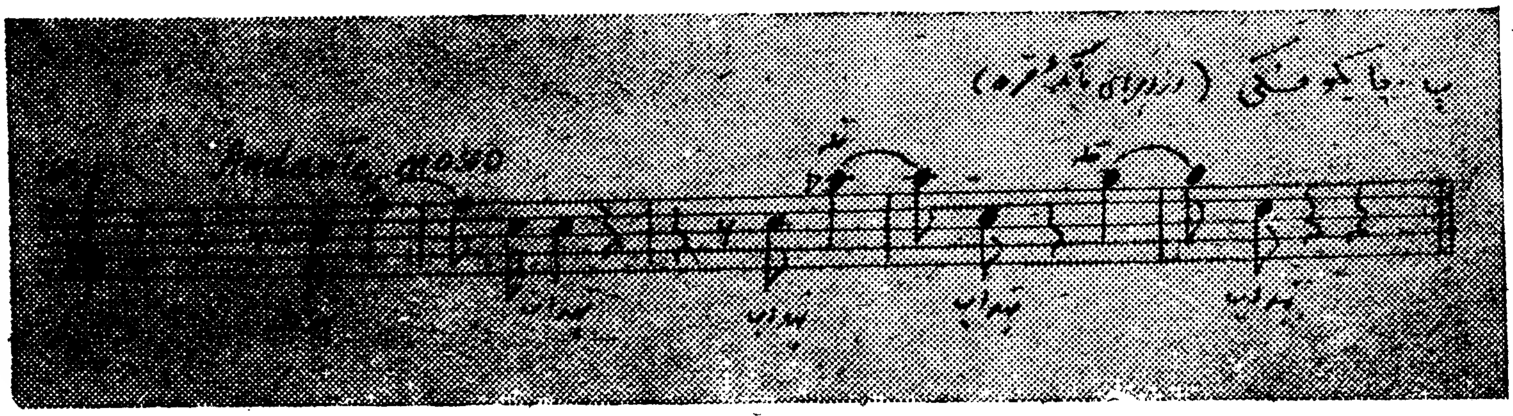

در موزیک انتروال ها نظر به تعداد تون ها و نیم تون های داخل آن ، اندازه میشوند ، که این تون ها و نیم تون ها ، در میان تهداب و قله آن وجود دارد . نظر به تعداد تون و نیم تون صفت انتروال تغیر میکند، بطورمثال دو مرتبه همسایه سیکوند خورد را بوجود می آورند ، در صورتیکه فاصله بین آن ها نیم تون باشد.

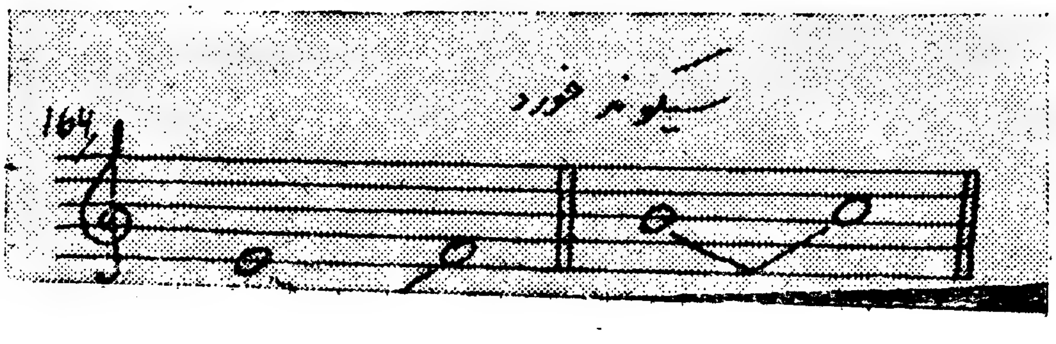

اما اگر فاصله بین دومرتبۀ همسایه مساوی به یک تون گردد، درین صورت این انتروال بنام سیکوند بزرگ یاد میشود .

در ساختن انتر وال ، ر دیف صوت مـی تواند بحیث اساس و تهداب ، اشتراك نماید . و همچنان مشق آن که توسط پائین نمودن ، و یا بلند نمودن مرتبه اساس ، به اندازه نیم تون صورت میگیرد اشراك میکنند .

انتروال به تر تیب ذیل نیز تشکیل شده میتواند .

آ — هر دومرتبۀ اساس مثلاً صول — ره

ب — دو مرتبۀ که عارضه دیده اند مثلاً دو دیز — سی بمیل .

ج — یک مرتبۀ آن اساسی ، و دیگر آن عارضه دیده . و بر عکس آن مثلاً فا — لا بمیل × ره دیز — سی .

انواع انتروال ها

انواع انتر وال پریم :— اول .

١— پریم صاف (بطور اختصار توسط (ص ١) نشان داده میشود .

فرق صوتی در پریم صاف وجود ندارد .

برای خواندن و تکرار نمودن صحیح پریم صاف، دقت زیاد گوش لازم است.

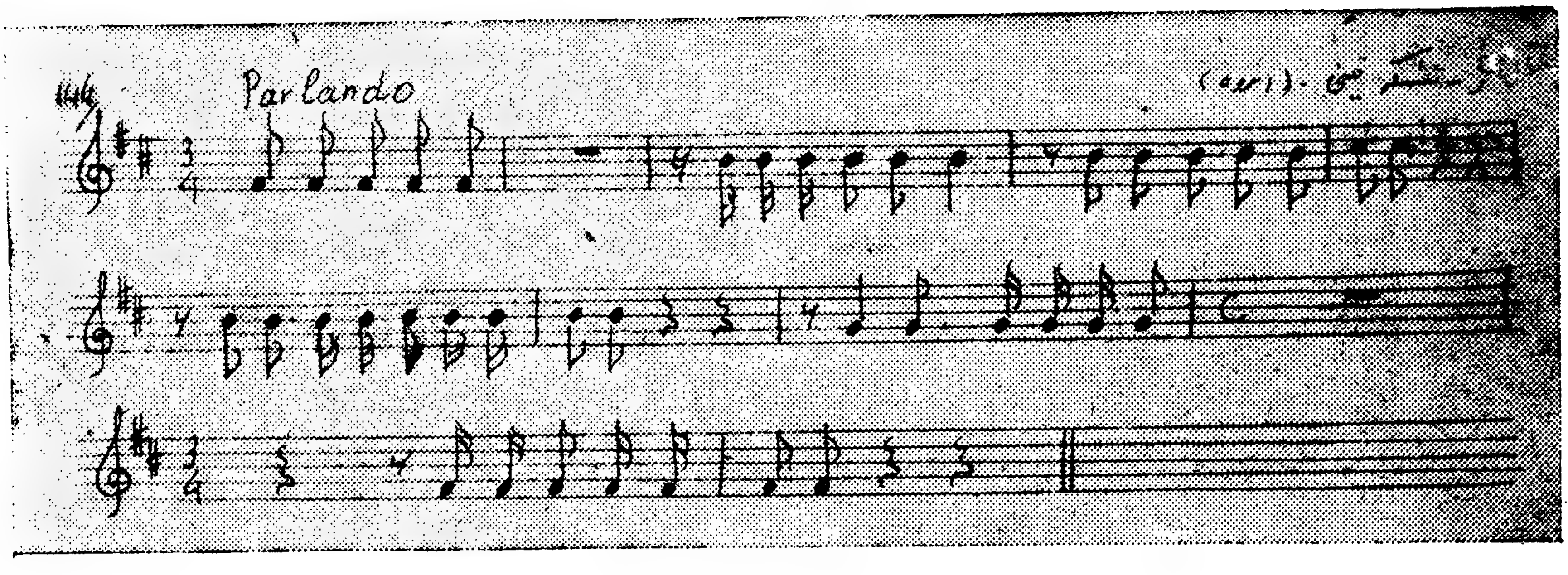

۲— پریم زیاد شده (بطور اختصار توسط (ز ا) نشان داده میشود در پریم زیـاد شده ، ارتفاع صوتی به انـدازهٔ نیم تون است . یعنی پریم بزرگ شده مساوی است به نیم تون .
مثال بوجود آمدن پریم بزرگ شده .

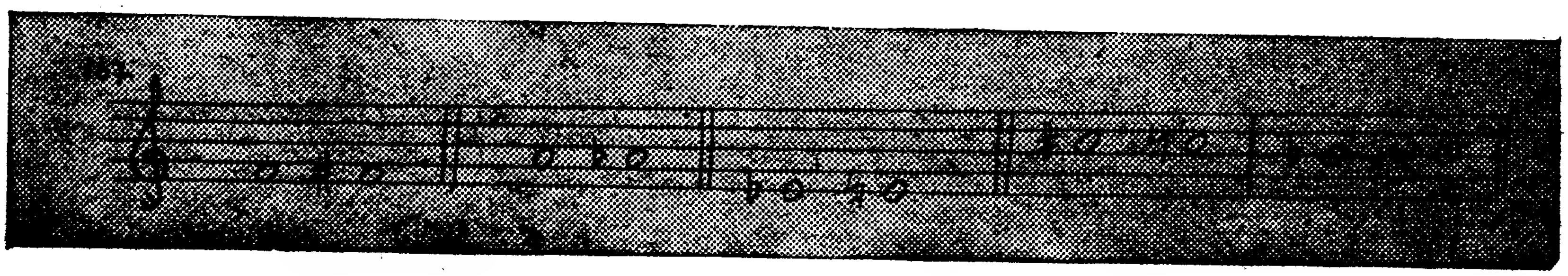

وظیفهٔ سی ونهم

بالای اصوات ره ، سی بمیل ، صول دیز بطور شفاهی وهم تحریری بطرف بالا یا پائین پریم صاف بسازید .
و بعداً بالای همین اصوات ، پریم بـزرگ شده را ساخته ، و آنها را بنوازید و به دقت گوش کنید .

انواع انتروال سیکوند

۱— سیکوند خورد :— (بطور اختصار توسط خ ۲ نشان داد میشود) .
مسافه ارتفاعی بین اصوات سیکوند خورد ، نیم تون است .
سکیوند خورد به ترتیب ذیل بوجود می‌آید .

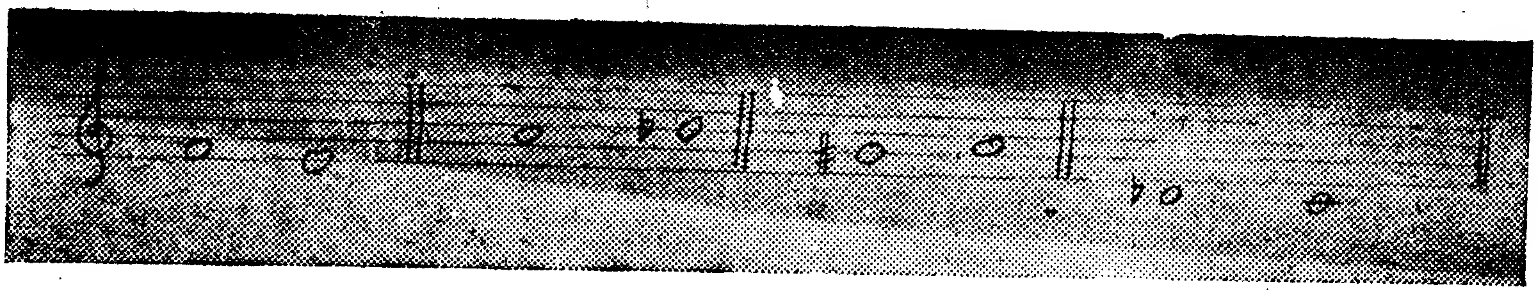

در بوجود آوردن سیکوند خورد ، دو صوت اشتراك میکند ، که هم ازنظر اسم ، و هم از نظر موقعیت دربالای حامل نوت ازهم فرق داشته باشند.

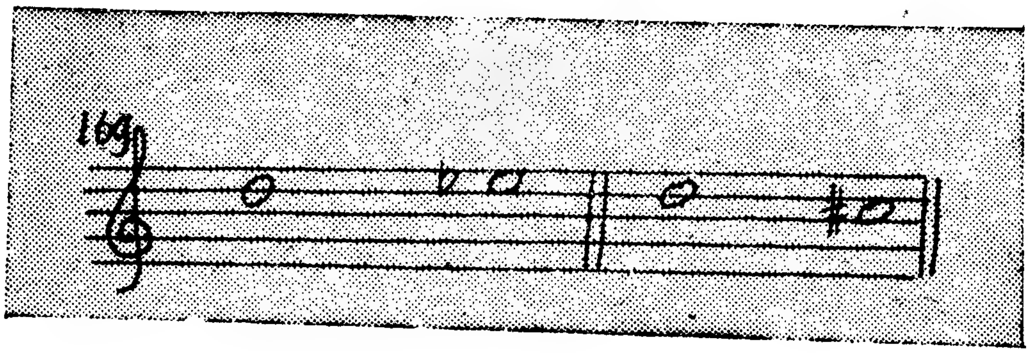

در بوجود اوردن پریم زیاد شده هم دو صوت اشتراك میکند، که صوت دوم آن عین اسم را دارد، مگر با اضافه دیـز یا بمیل . غیر از آنها هر دو نوت، در بالای حامل نوت در یک سویه، ودر بالای عین خط تحریر میگردند. بطور مثال در بالای یک خط .

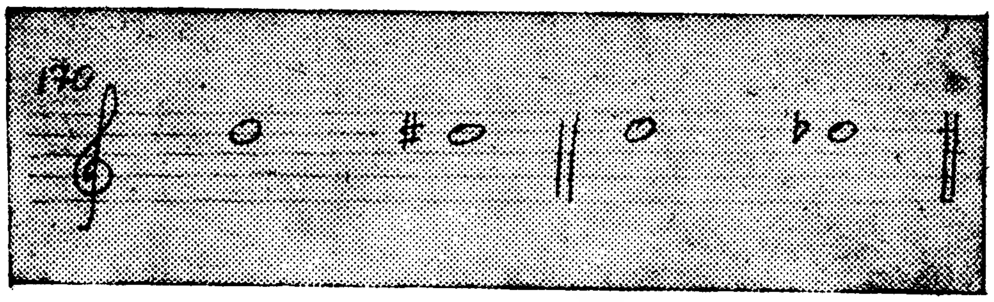

۲-. سیکوند بزرگ :- (بطور اختصار توسط (ب ۲) نشان داده میشود) فاصلهٔ صوتی بین اصوات سیکوند بزرگ، مساوی به یک تون است .
مثال بوجود اوردن سیکوند بزرگ :

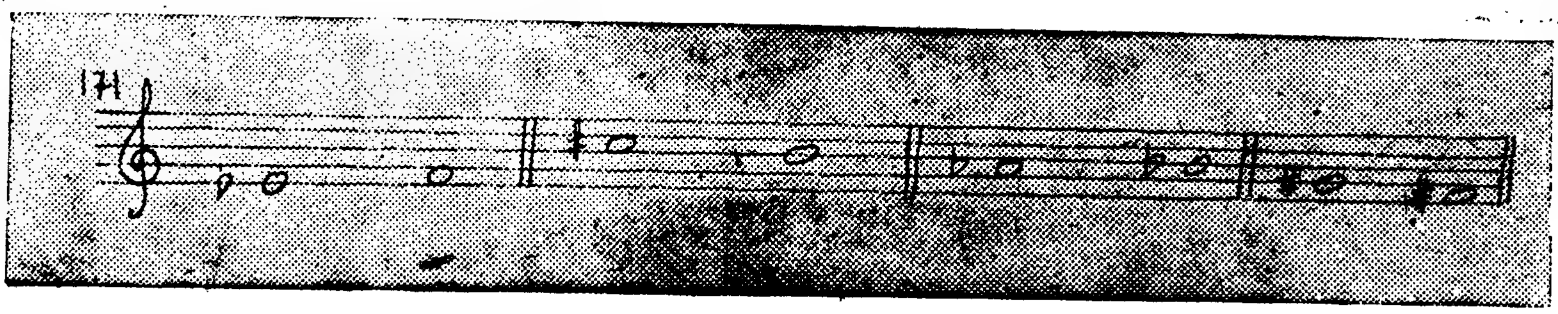

در مثال ذیل در پهلوی انواع سیکوند (خورد و بزرگ) انتروال پریم بزرگ شده نیز دیده میشود .

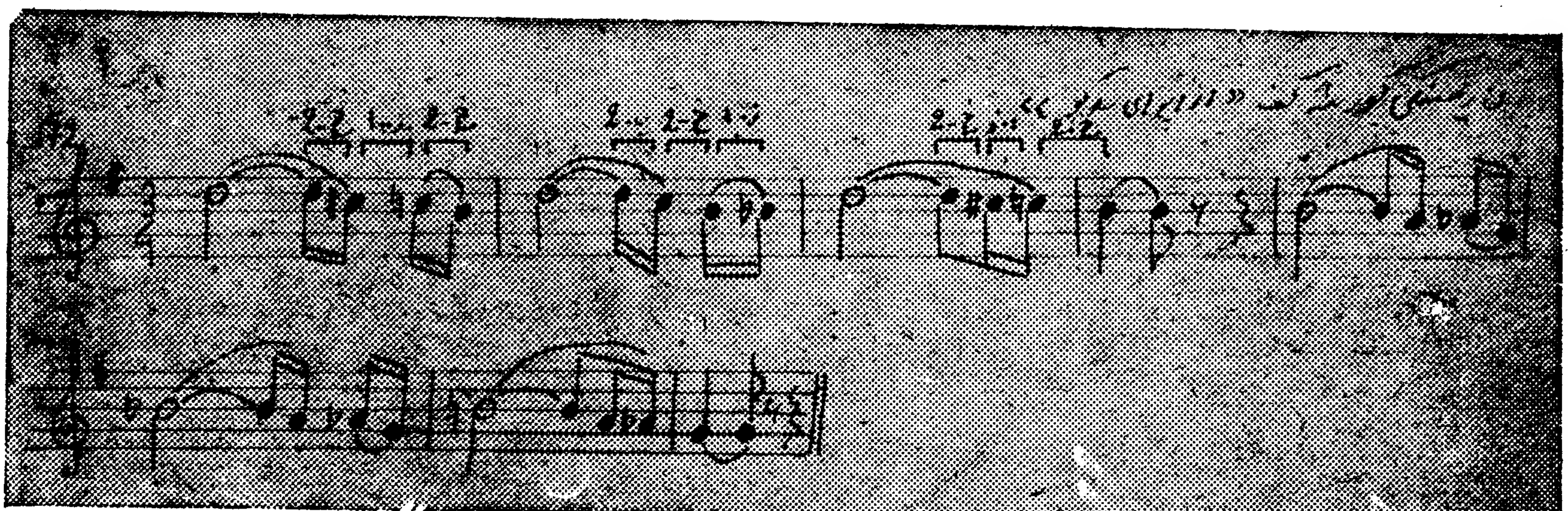

۳— سیکوند زیاد شده :- بطور اختصار توسط (ز ۲) نشان داده میشود فاصله صوتی میان اصوات سیکوند زیاد شده، مساویست به یک ونیم تون .

ترتیب بوجود آمدن سیکوند زیاد شده .

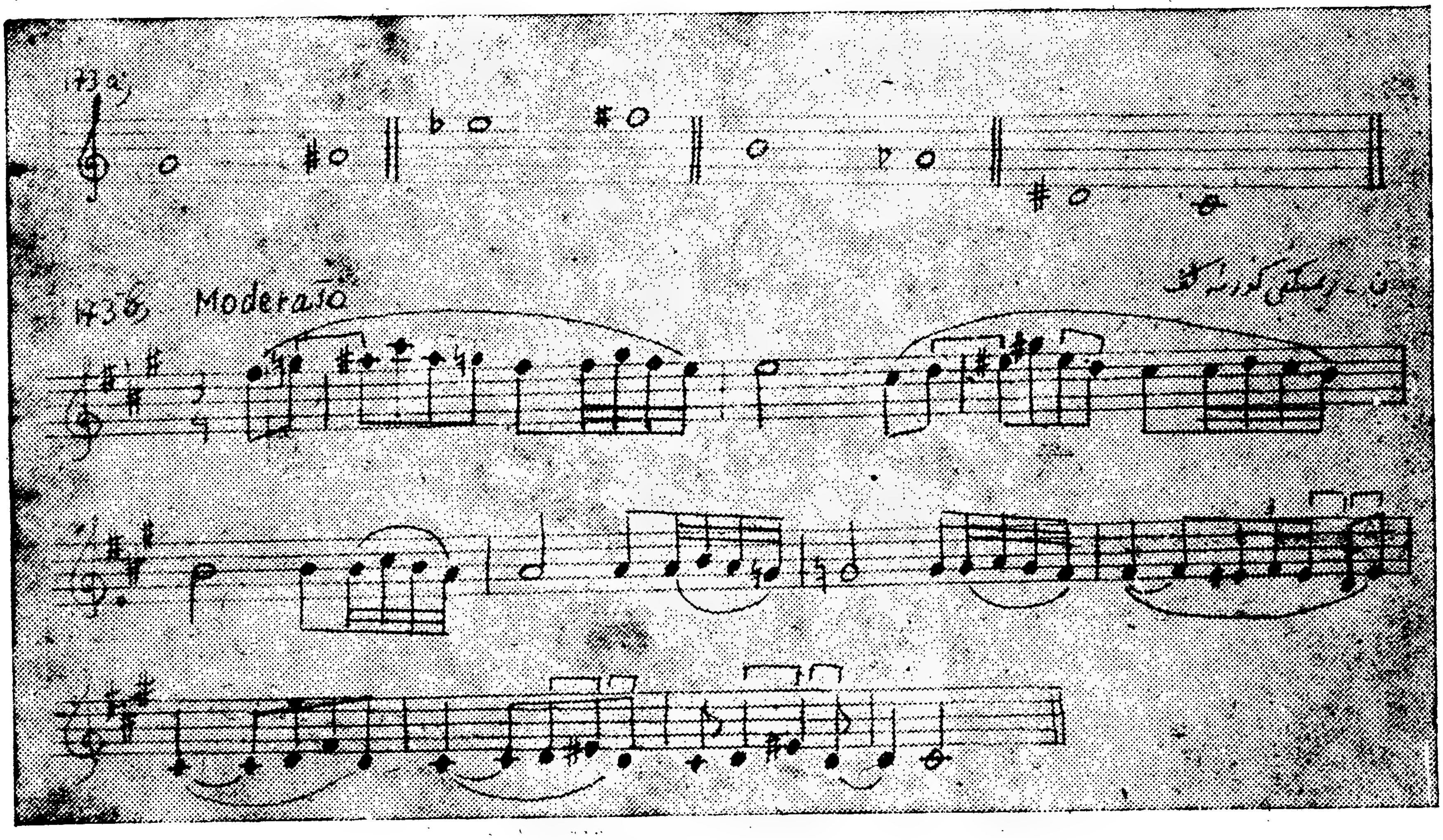

[وظیفه چهل]

دربالای اصوات دو، ره، می (بطرف بالا یا پائین) سیکوند بزرگ، وبعداً سیکوند خورد ساخته بنوازید .

در وقت انجام دادن این وظیفه و وظایف بعدی برای ساختن انترو ال‌ها بعضی اوقات بدوچند ساختن دیزو یا بمیل احتیاج پیدا میشود . این علامه که تون اساسی را به اندازهٔ دو (نیم تون) زیاد و یا کم می‌سازد ، بنام های دوبل دیز (دیک تون زیاد کننده ،) و دوبل بمیل(ویک تون کم کننده) یاد میشود . مثال استعمال نمودن دبل دیز و دبل بمیل برای ساختن سیکوند زیاد شده .

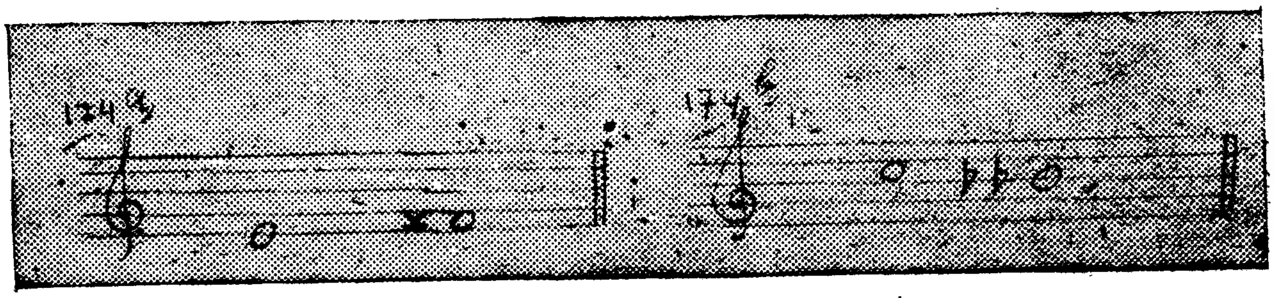

[انواع انتروال ترس]

۱- ترس خورد بطور اختصار توسط (۳ خ) نشان داده میشود .
فاصله صوتی بین اصوات ترس خورد ، مساوی به یک‌ونیم تون است .
طریق بوجود آوردن ترس خورد .

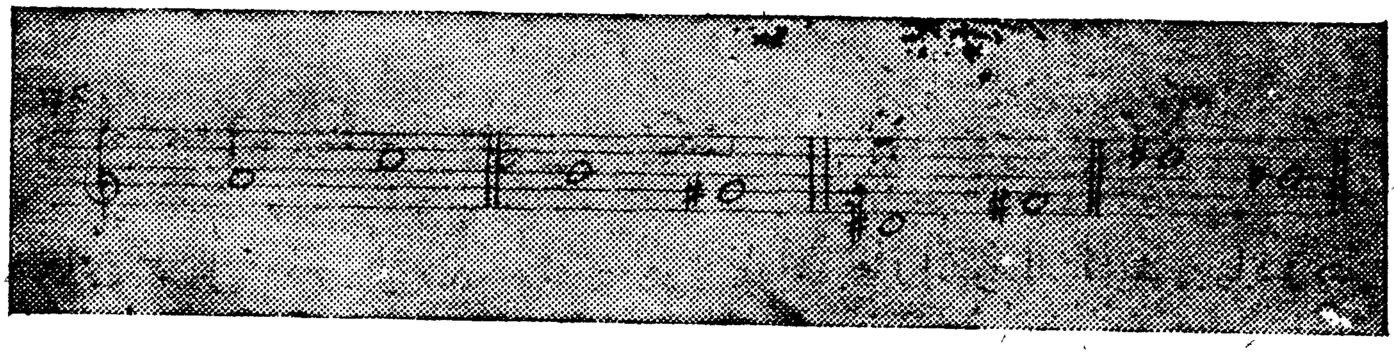

۲- ترس بزرگ :- بطور اختصار توسط (۳ب) نشان داده میشود .
اندازه فاصلوی‌وصوتی بین مرتبه های ترس بزرگ مساوی به‌دوتون‌است.
طریق بوجود آمدن ترس بزرگ :

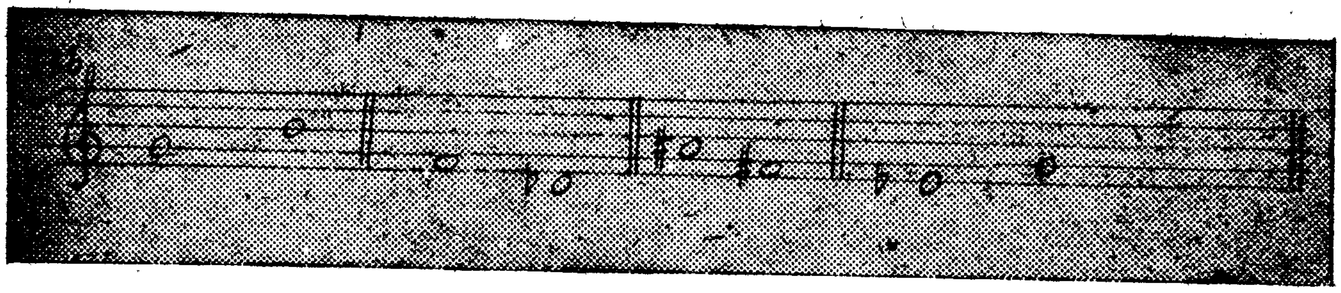

انتروال‌های رس ، این طورهم فرق میشوند ، که آنها بلاشرط - به‌گام ماژور ویامنیور ارتباط دارد یعنی آنها دارای کرکـتر ماژور و یا منیور میباشد -ترس بزرگ ، به‌تنهائی خود وقتیکه شنیده میشود . ماژور رامعرفی میکند . ترس خورد به تنهائی خود ، وقتیکه شنیده میشود مینـور را معرفی میکند ، با وجودیکه ردیف صوت ترس‌ها را تنها سه‌مرتبه تشکیل میکند: درحدود خود، آنها ترس خورد یا بزرگ را بوجود می‌آورند. درگام ماژورسه مرتبهٔ اولی دارای نیم تون نیستند امادرگام مینور درمیان سه‌مرتبهٔ اولی نیم تون وجود دارد (میان II و III) صوت ماژورباداشتن تون‌اساسی دووقسمتی ازردیف صوت‌مینور باداشتن تون‌اساسی لا :-

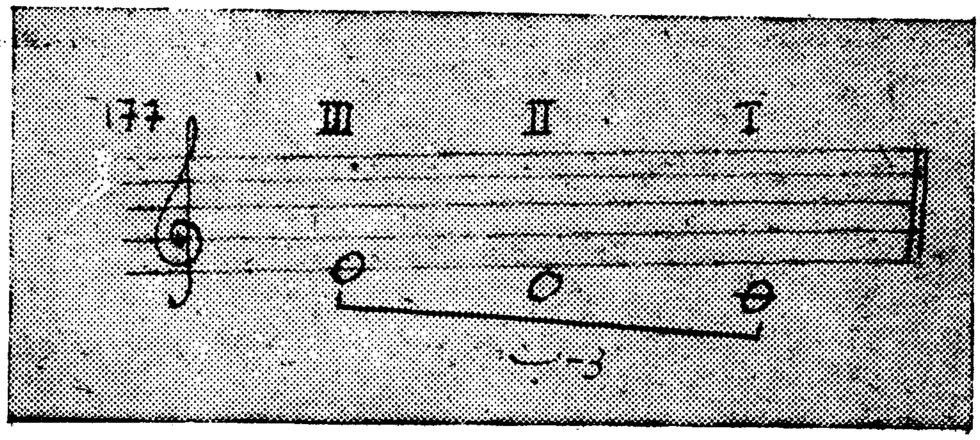

مثال صوت ما ژوربا داشتن تون‌اساسی دو ←

مثال قسمتی از ردیف صوت مینور باداشتن تون اساسی لا ←

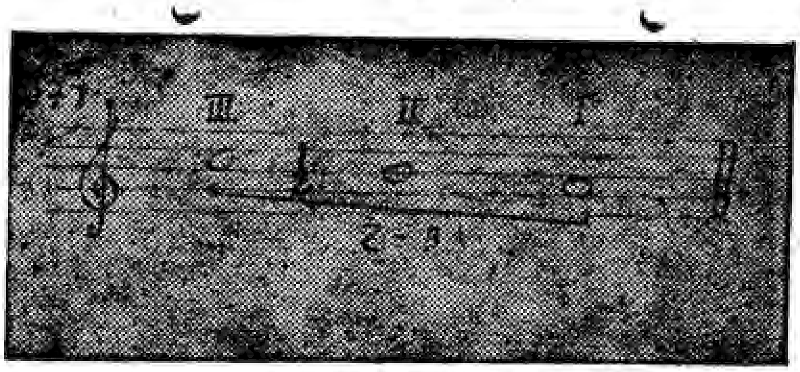

[وظیفه چهل و یک]

درتصنیف های ذیل ماژور ویامینور بودن آن هارا پیدا کنید. بادرنظر داشتن موجودیت ویا عدم موجودیت نیم تون‌ها، درردیف صوت آنها .

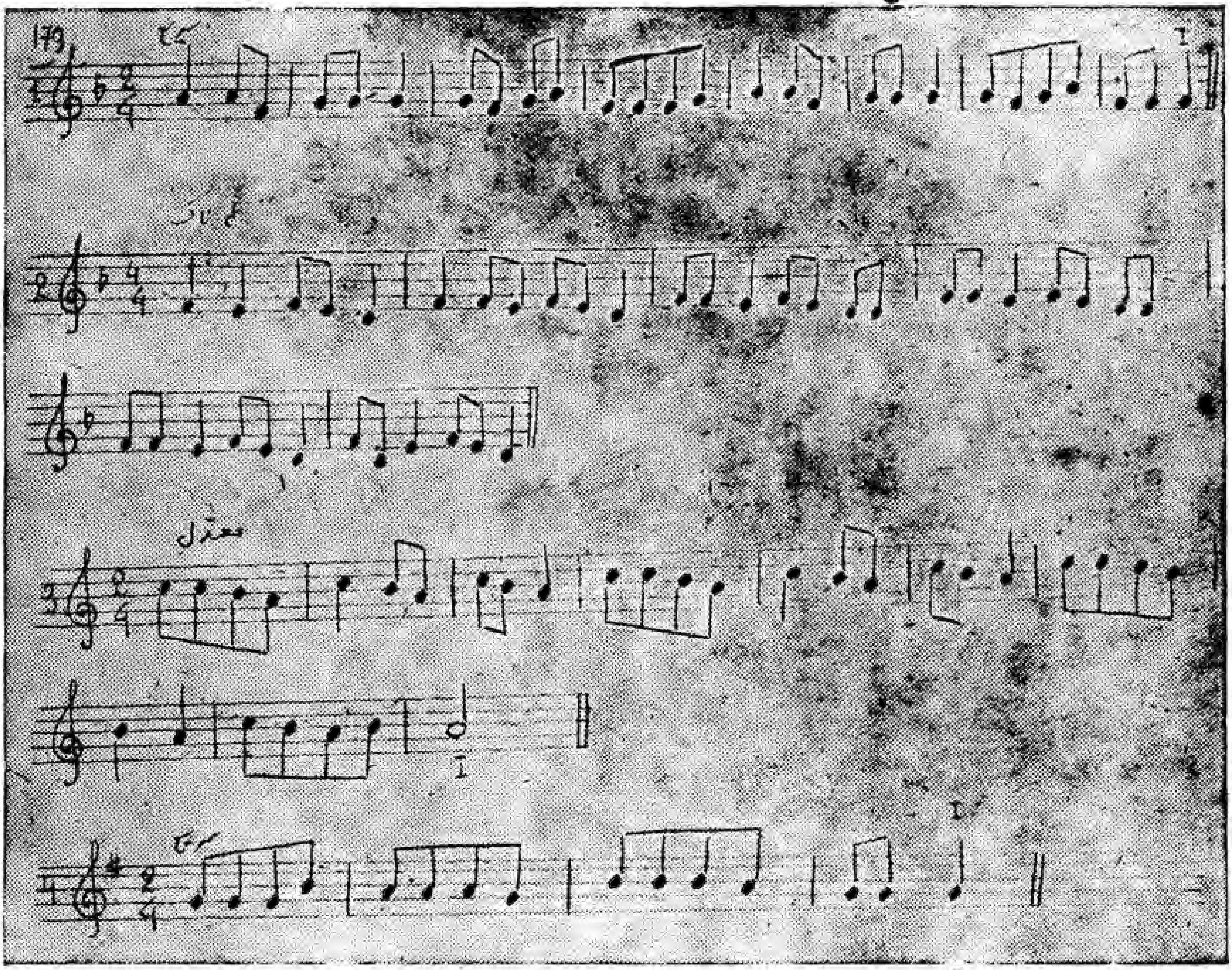

۳— ترس کم شده طور اختصار توسط (ک۳) نشان‌داده میشــود. فاصله صوتی وارتفاعی میان اصوات ترس کم شده مساوی دو(نیــم تون) است. که مساوی یک‌تون میشود.

نمونه بوجود آمدن ترس کم شده :

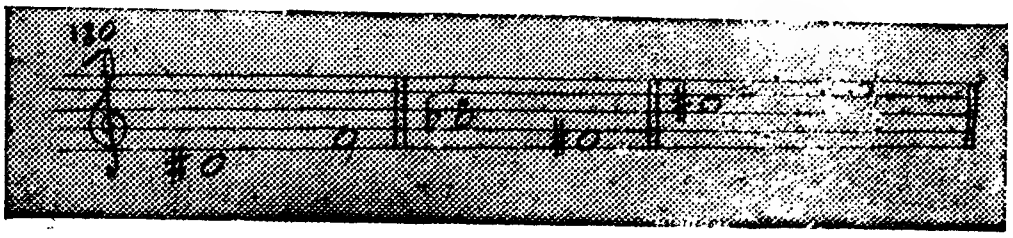

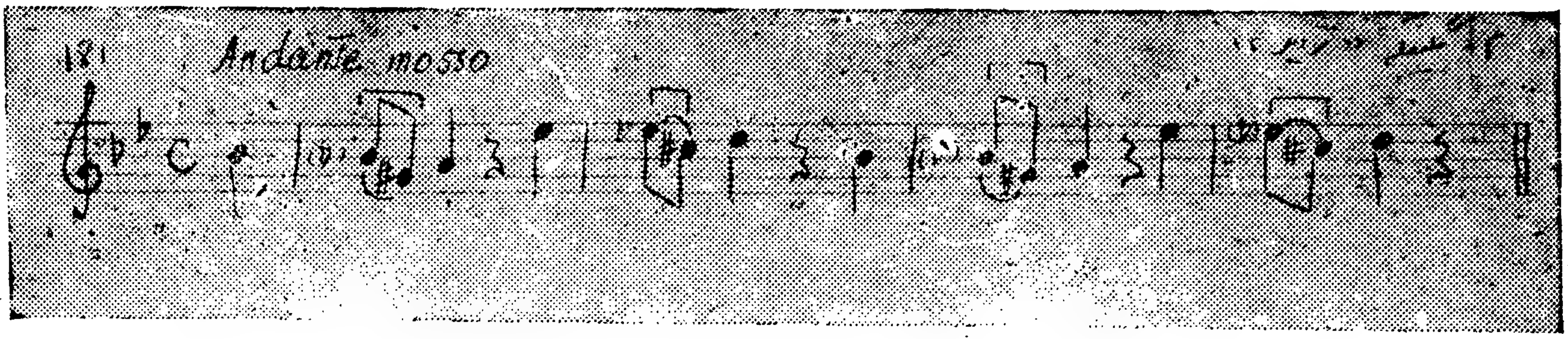

[وظیفهٔ چهل ودوم]

بالای اصوات سی، فادیز ، صول(بطرف بالا یا پائین) ترس بزرگ،وبعداً ترس خورد و به تعقیب آن ترس کم شده را بسازید. و بعداً آن ها را بنوازید .

[انواع انتروال کوارت]

۱ــ کوارت صاف بطور اختصار توسط (ص ٤) نشان داده میشود. فاصله صوتی وارتفاعی بین اصوات کوارت صاف دوونیم تون است .

نمونه ساختن کوارت صاف :ـ

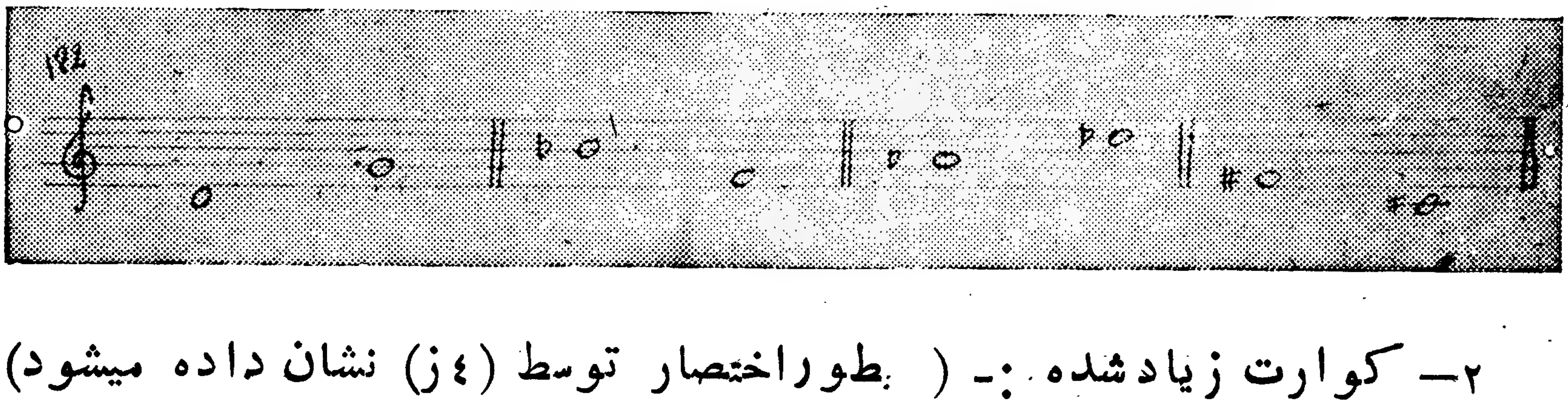

۲ــ کوارت زیاد شده :ـ (بطوراختصار توسط (٤ز) نشان داده میشود) فاصله صوتی وارتفاعی بین اصوات کوارت زیاد شده مساوی به‌سه تون است. به این نسبت انتروال کوارت زیادشده ، بنام سه‌تون هم یادمیشود.

نمونه ساختن کوارت زیاد شده :ـ

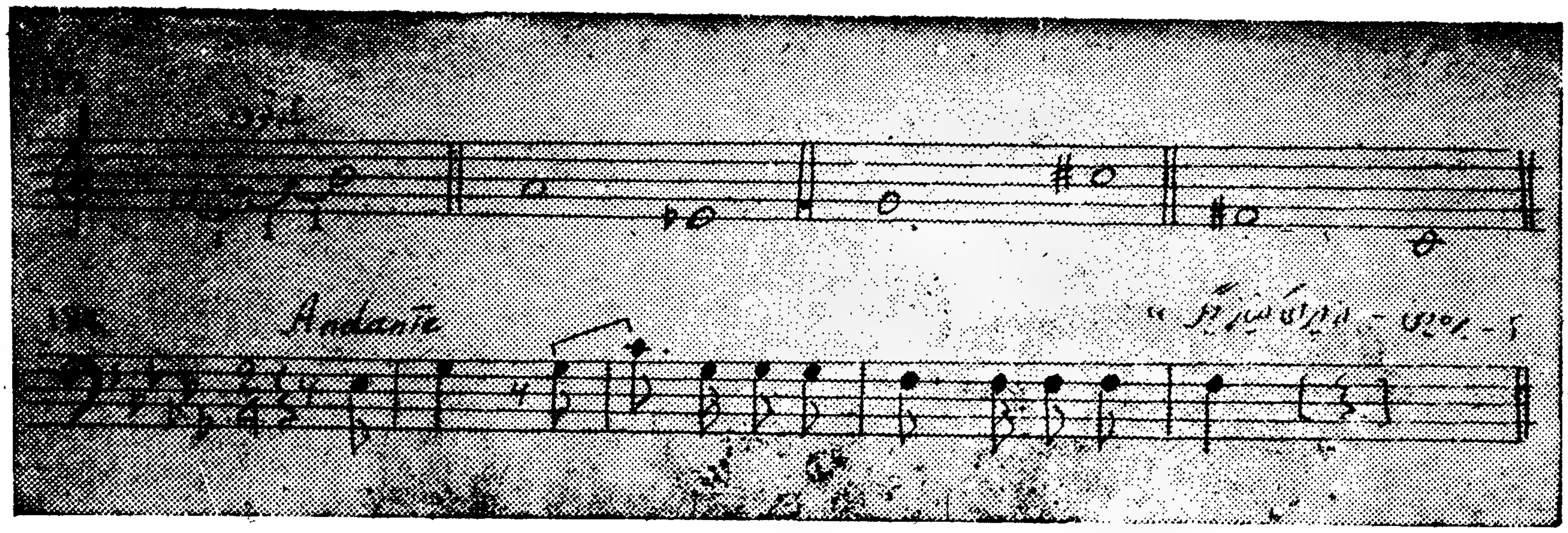

۳- کوارت کم شده :- (بطور اختصار توسط (٤ ك) نشان داده میشود)
فاصلهٔ صوتی و ارتفاعی بین اصوات کوارت کم شده مساوی به دو تون است.
نمونهٔ ساختن کوارت کم شده .

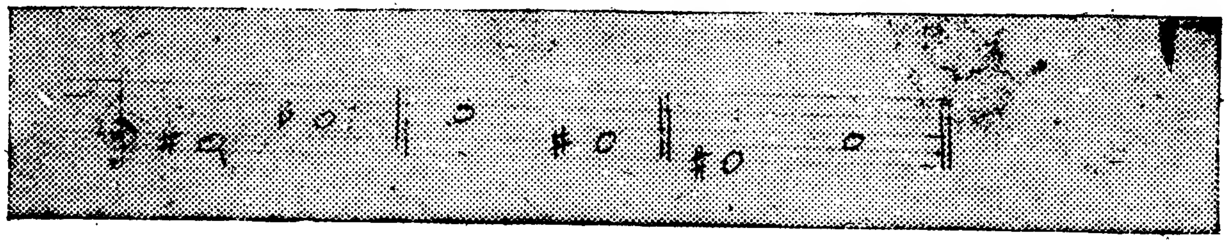

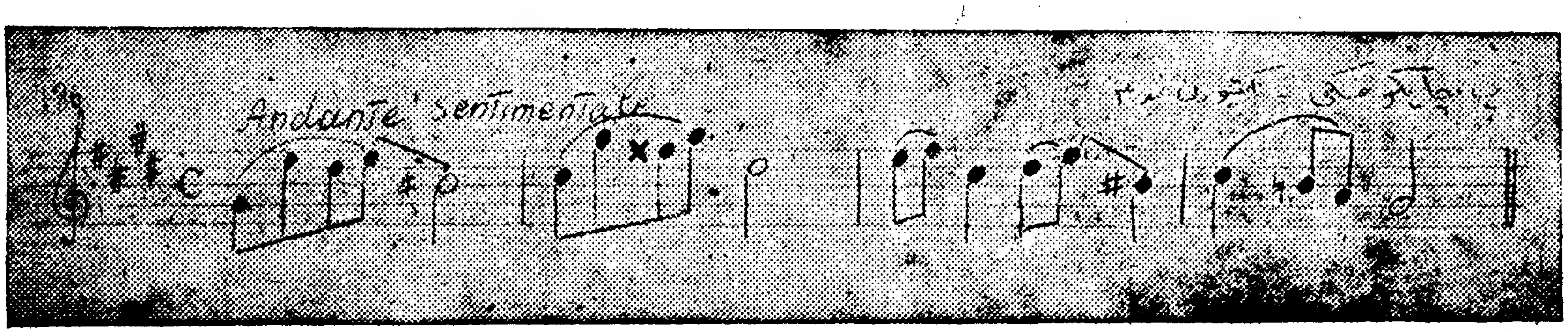

وظیفهٔ چهل وسوم

بالای اصوات لا ، دودیز ، می بیمل (بطرف بالا و پائین کوارت صاف ، کوارت زیاد شده ، و کوارت کم شده را بوجود بیاورید . بعداً آن ها را بنوازید .

انواع انتروال های کوینت

۱- کوینت صاف (بطور اختصار توسط (۵ ص) نشان داده میشود .)
فاصله صوتی و ارتفاعی میان مرتبه های کوینت صاف ، مساوی به سه و نیم تون است .

نمونهٔ ساختن کوینت صاف :

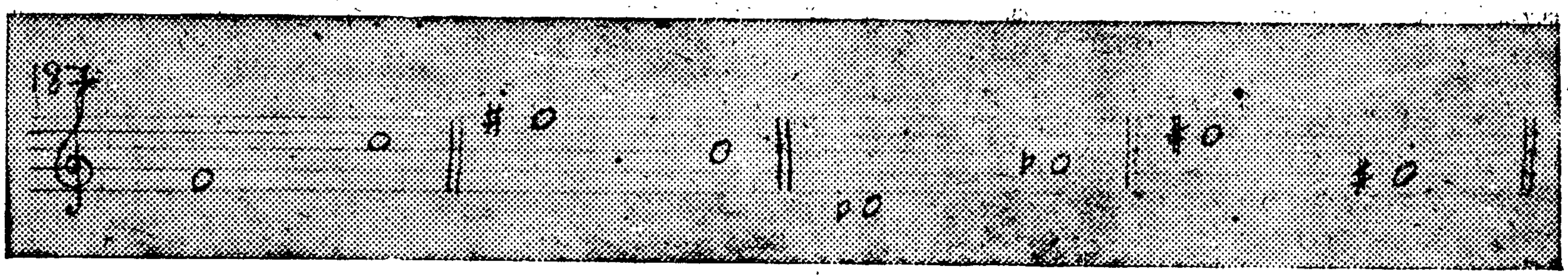

۲— کوینت کم شده :— (بطوراختصار توسط (۵ ك) نشان داده میشود .) فاصله صوتی و ارتفاعی میان مرتبه های کوینت کم شـــده ، **مساوی** به سه تون است .

به این نسبت انتروال مذکور مثل کوارت زیاد شده، به عین نام سه تون هم یاد میشود .

نمونهٔ بوجود آوردن کوینت کم شده : —

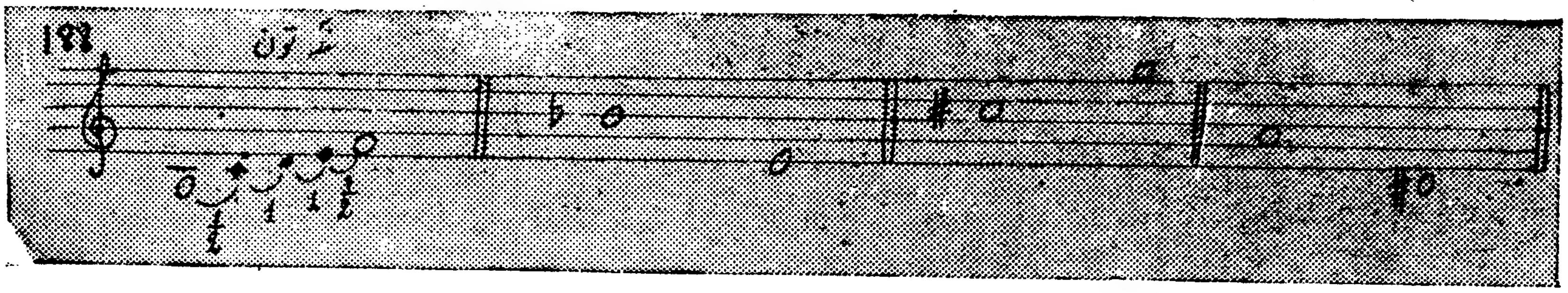

۳— کوینت زیاد شده :— بطور اختصار توسط (۵ ز) نشان داده میشود. فاصله صوتی و ارتفاعی بین اصوات کوینت زیادشده ، مساوی بـــه چهار تون است .

نمونه بوجود آمدن کوینت زیاد شده :

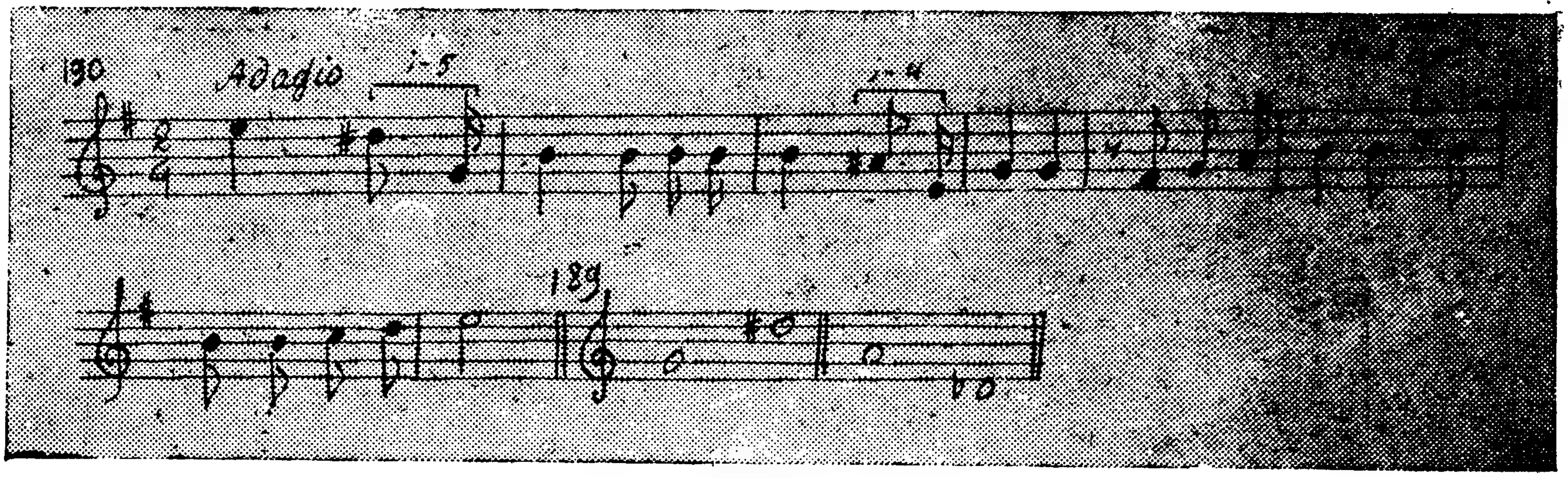

وظیفهٔ چهل وچهارم

بالای اصوات (دو ، ره دیز ، فا) بطرف بالا و پائین کوینت صاف کوینت کم شده و کوینت زیاد شده را بوجود آورده ، وآن ها رابنوازید :-

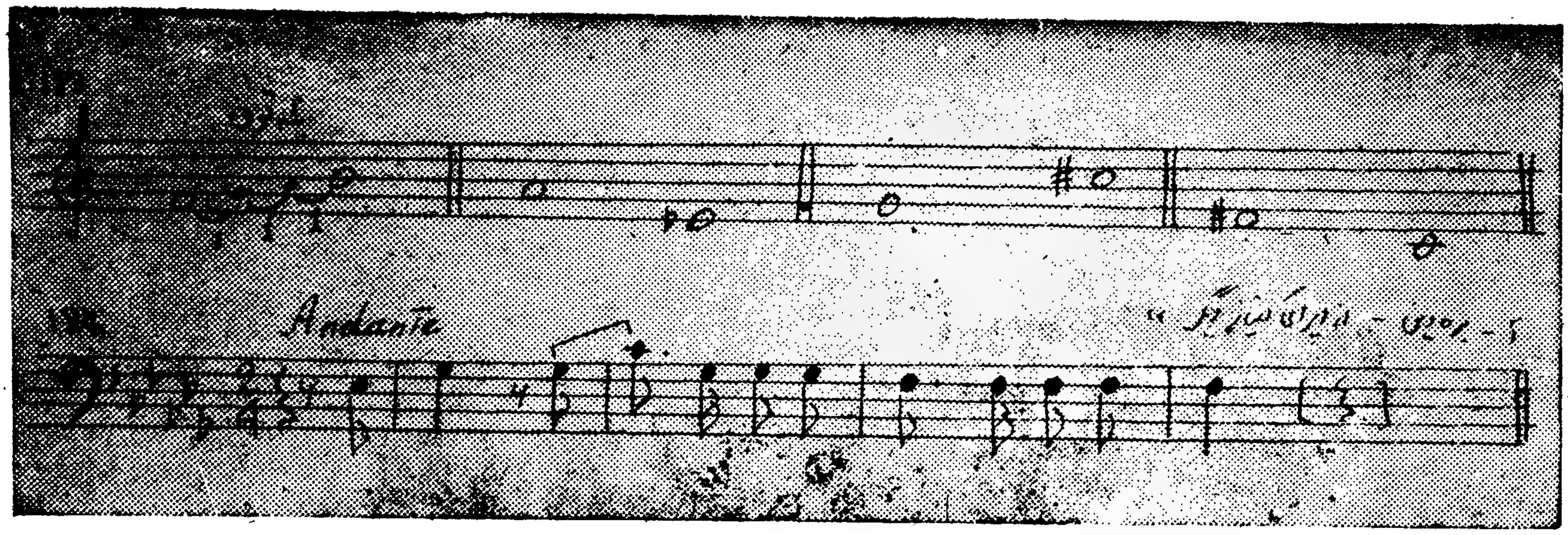

۳— کوارت کم شده :— (بطور اختصار توسط (۴ ك) نشان داده میشود) فاصلهٔ صوتی وارتفاعی بین اصوات کوارت کم شده مساوی به دوتون است. نمونهٔ ساختن کوارت کم شده .

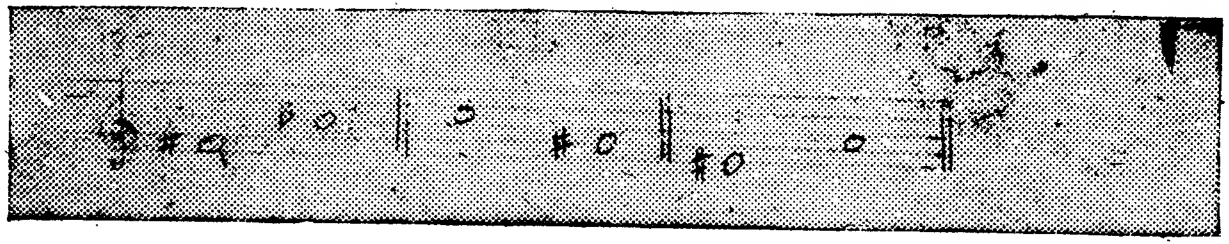

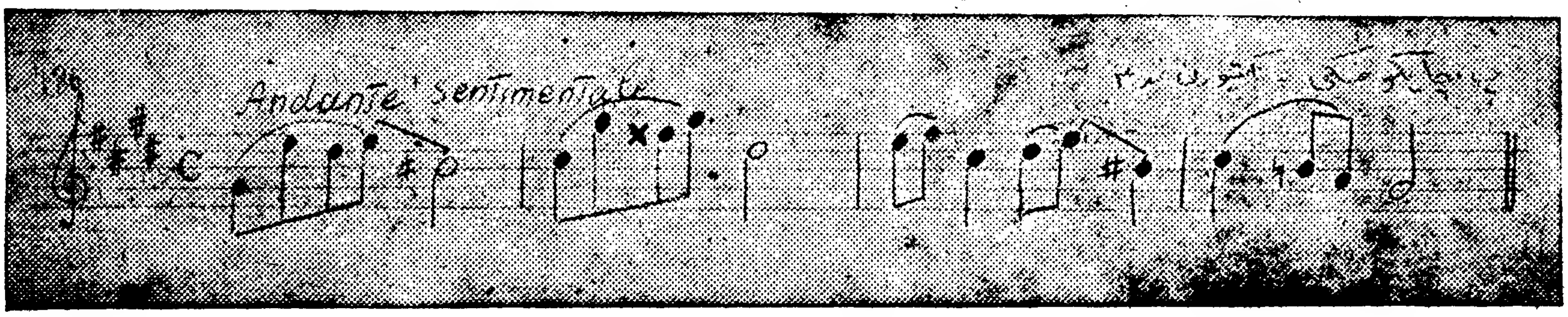

وظیفهٔ چهل وسوم

بالای اصوات لا ، دودیز ، می بیمل (بطرف بالا وپائین کوارت صاف ، کوارت زیاد شده ، وکوارت کم شده را بوجود بیاورید . بعداً آن ها را بنوازید .

انواع انتروال های کوینت

۱— کوینت صاف (بطور اختصار توسط (۵ ص) نشان داده میشود .) فاصله صوتی وارتفاعی میان مرتبه های کوینت صاف ،مساوی به سه ونیم تون است .

نمونهٔ ساختن کوینت صاف :

انواع انتروال سپتیم

۱— سپتیم خورد :(بطور اختصار توسط (۷ خ) نشان داده میشود.)
فاصله صوتی و ار تفاعی میان اصوات سپتیم خورد، مساوئیست به پنج تون.
نمونهٔ بوجود آمدن سپتیم خورد :-

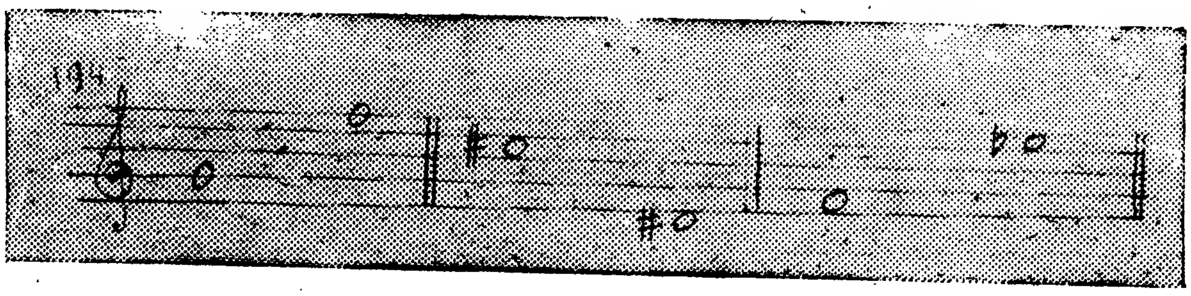

۲— سپتیم بزرگ (بطور اختصار توسط (۷ ب) نشان داده میشود) .
فاصله صوتی وارتفاعی بین اصوات سپتیم بزرگ ، مساوی بـه پنج ونیم تون است :.
نمونهٔ بوجود آوردن سپتیم بزرگ :-

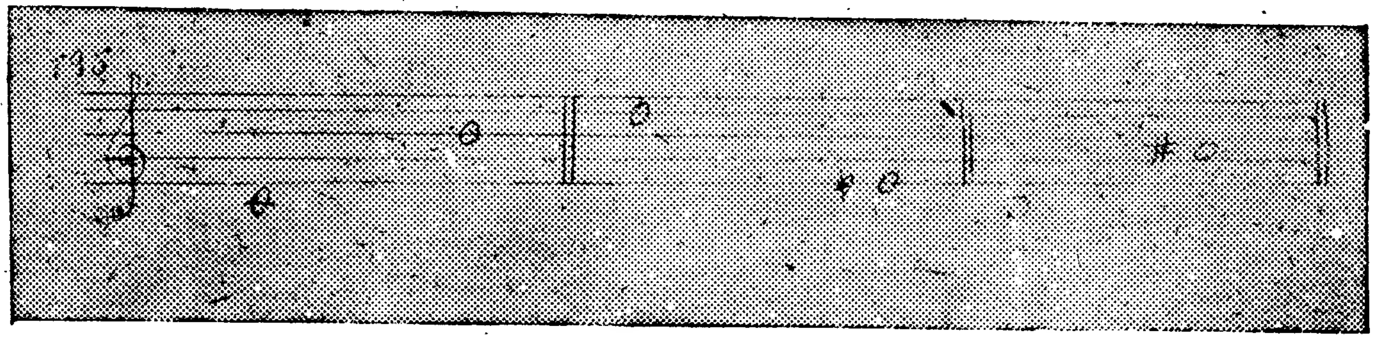

۳— سپتیم کم شده :- بطور اختصار توسط (۷ ك) نشان داده میشود
فاصله صوتی وار تفاعی سپتیم خورد مساوی به چهارونیم تون است .
نمونهٔ ساختن سپتیم کم شده :-

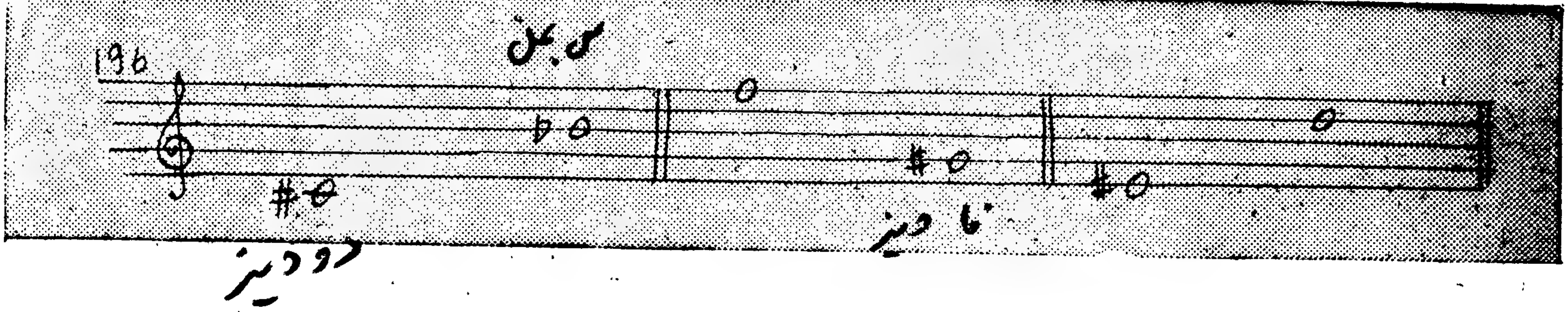

وظیفهٔ چهل و ششم

بالای اصوات (ره، می دیز ، صـول بمیل) بطرف بـالا یا پائین سپتیم خورد سپتیم بزرگ ، و سپتیم کم شده را بوجود آورده ، و بعداً آن ها رابنوازید .

انتروال اکتاو

درموزیک این انتروال، تقریباً همیشه بصفت اکتاوصاف بمشاهده میرسد فاصلهٔ صوتی وارتفاعی بین اصوات اکتاوصاف، مساوی به شش تون میشود .

اصوات اول واخیر گام ها ، اکتا و تونیکی را تشکیل میدهند . برای آواز خواندن اکتاو تونیکی بحیث سرگوش ورهنما در گام میباشد :-

نمونهٔ بوجود آمدن اکتاو .

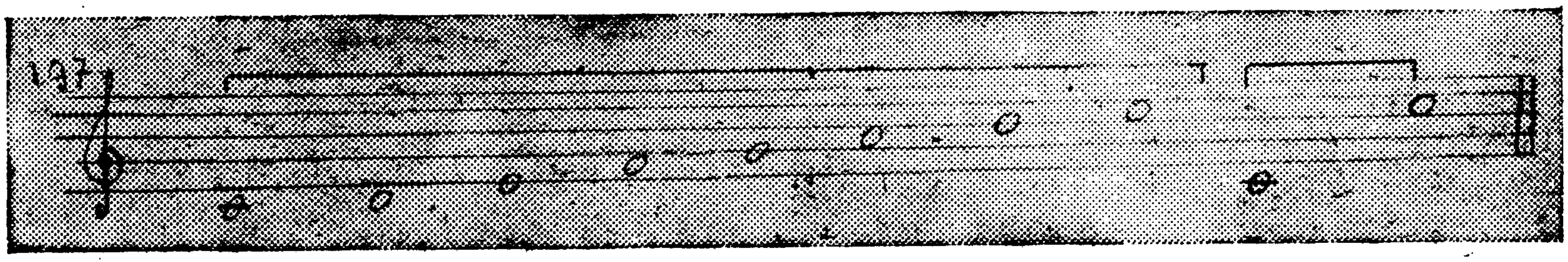

وظیفهٔ چهل وهفتم

مثال های فوق را، که عبارت از انواع انتروال ها است، بدقت مطالعه وبعداً تشریح نمائید. که‌چطورآن‌ها ساخته‌میشوند، وهم توسط گوش وازآوازخود درحصهٔ خواندن آنها ، و درحصهٔ شنیدن ازآله موسیقی استفاده کنید.

وظیفهٔ چهل و هشتم

قله واساس های داده شدهٔ ذیل را بنویسید :

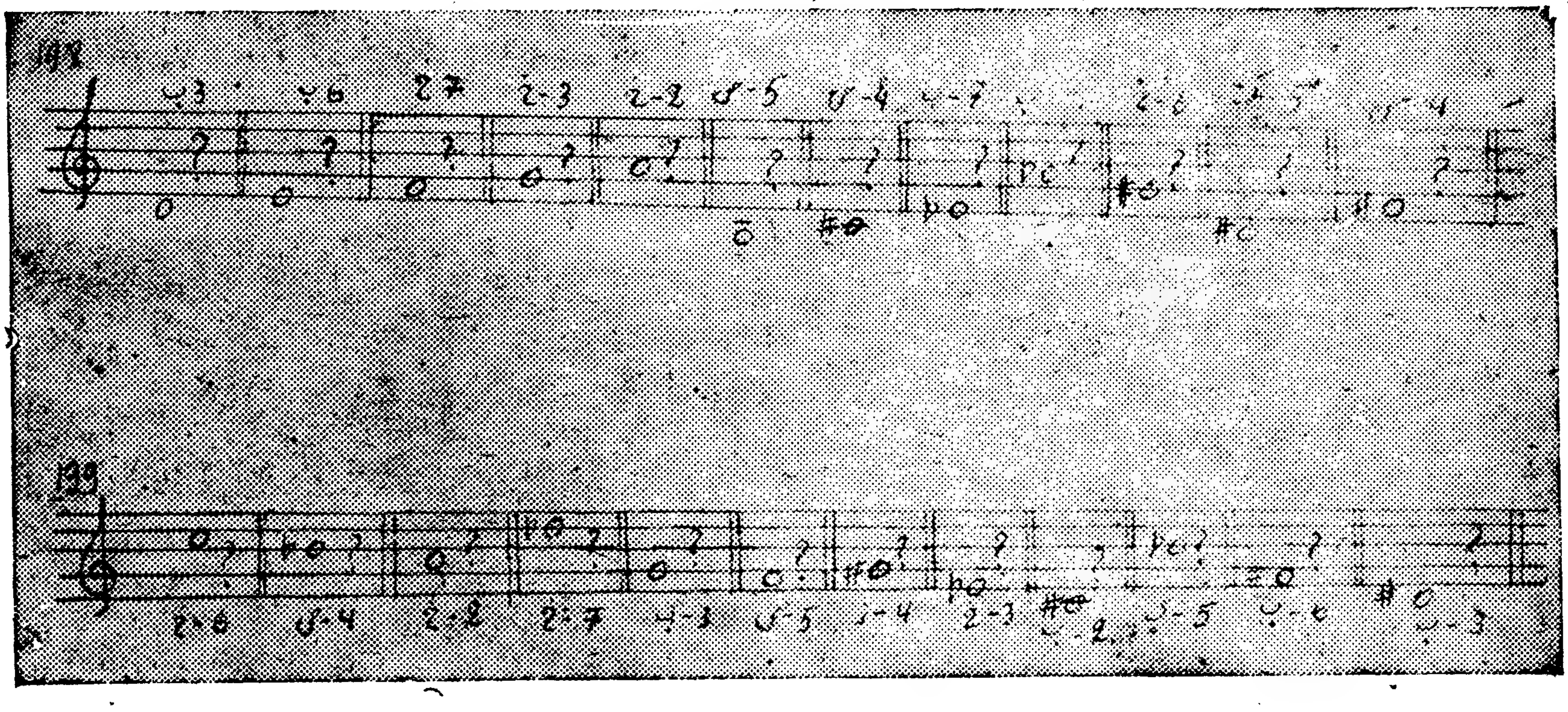

وظیفهٔ چهل و نهم

اساس قله های داده شده ذیل را پیدا کنید.

وظیفهٔ پنجاه

درمثال های ذیل فاصله دقیق تمام انتروال‌ها را معلوم کنید .

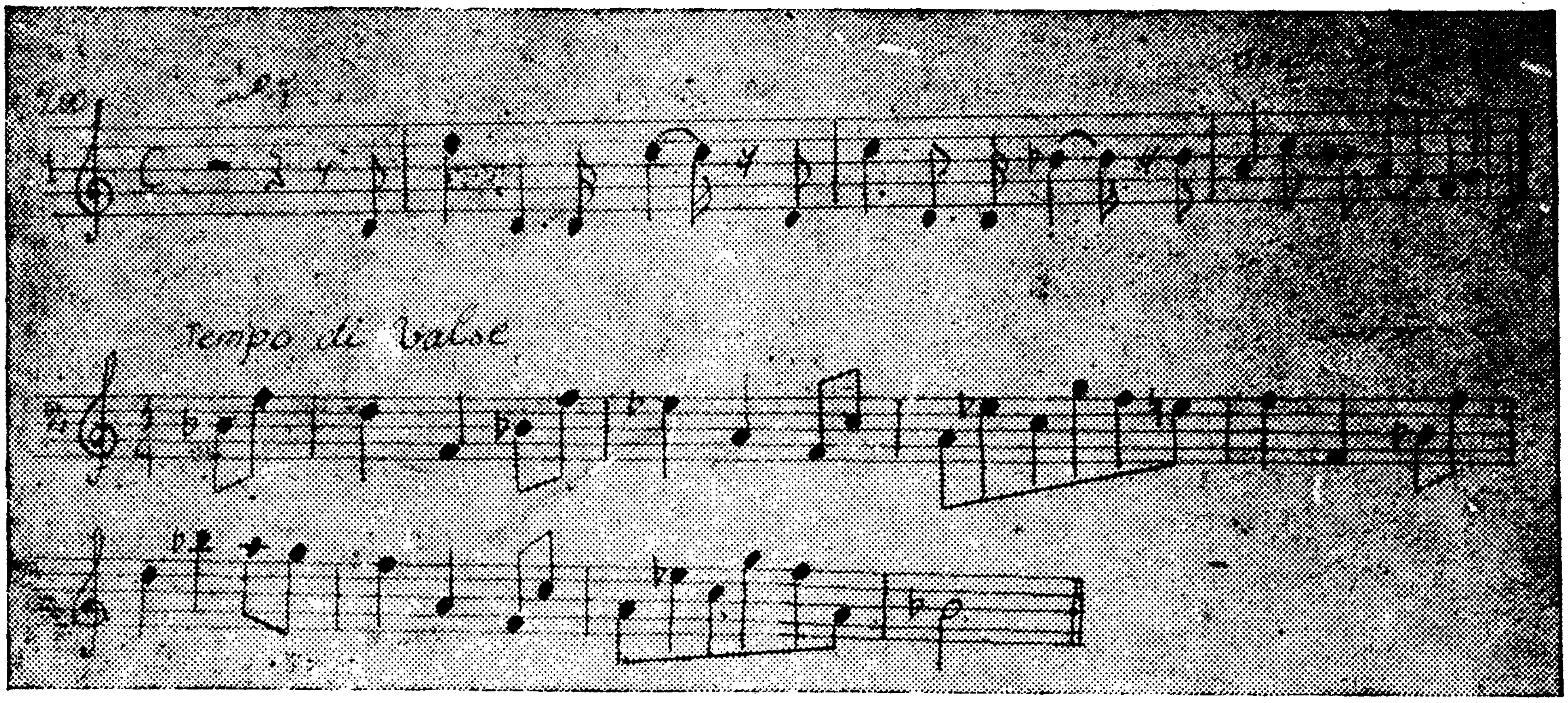

برای شناختن وجواب دادن فوری انتروال ها تمرین زیادوجدی لازم است .

انتروالهای میلودی وهارمونی

اگر اصوات انتروال به‌ترتیب (یکی بعد دیگر) گرفته شود درین‌صورت این انتروال بنام میلودی یادمیشود .

مثلاً در تمام تصنیف‌ها انتروالهای میلودی تشکیل میشوند ،

اگر هردو صورت انتروال یکجا (درعین زمان) گرفته‌شود درین‌صورت انتروال مذکور بنام هارمونی یاد میشود .

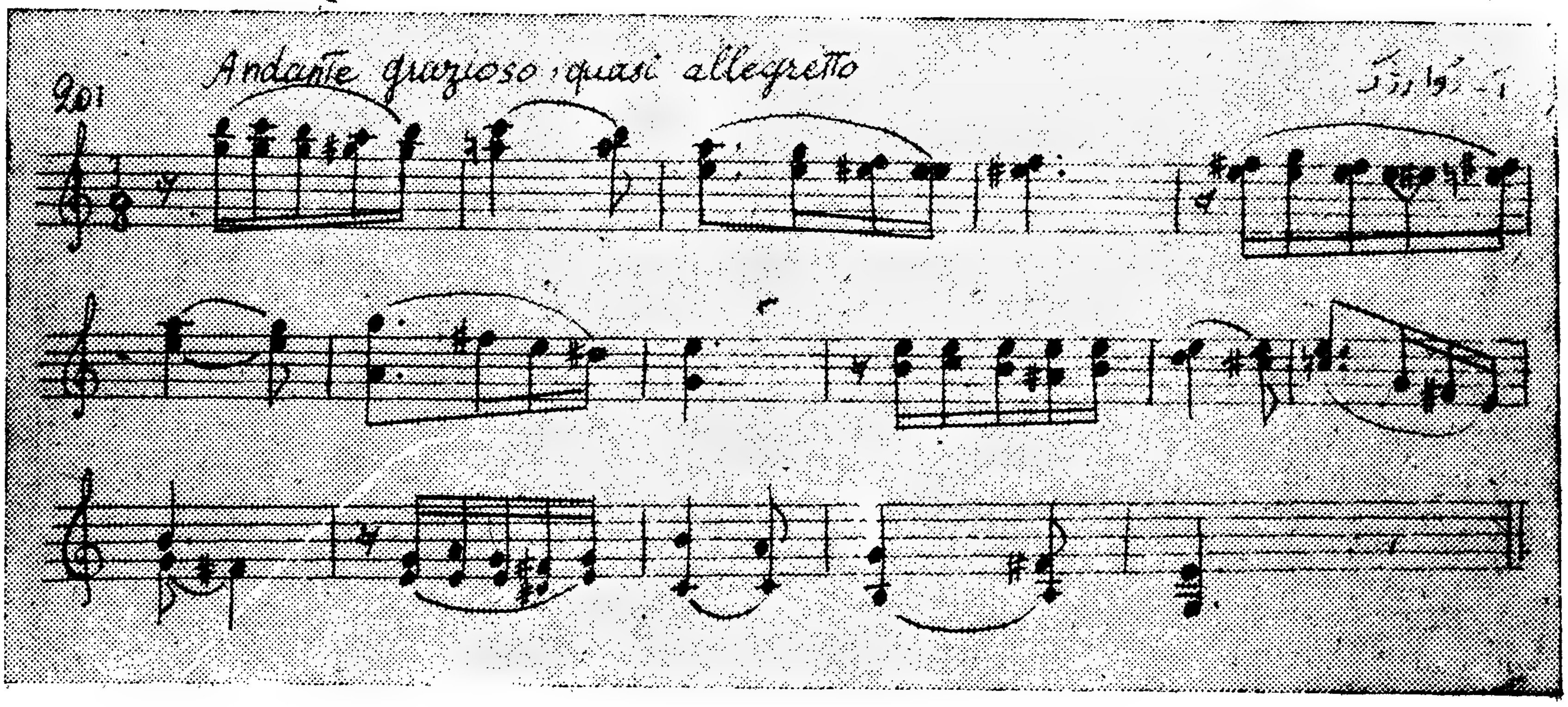

کانسونانس ویسونانس

نظر به صفت آواز دادن، انتروال هارمونی آن‌ها به کانسونانس (انتروالیکه خوش آواز بوده و احساس آرامی میبخشد) و دیسونانس (انتروال هائیکه آواز های زننده وناخوش آیند دارند) جدامیشوند.

کانسونانس ها

۱— پریم صاف
۲— اکتاو صاف
۳— کوینت صاف
٤— ترس خورد و بزرگ
۵— سکست خورد بزرگ

دیسونانس ها

سیکوند خوردوبزرگ — سپتیم خورد و بزرگ
همچنان تمام انتروال های کم شده وزیاد شده. به دیسونانس تعلق‌دارد

وظیفهٔ پنجاه ویکم

درمثال ذیل انتروال های کانسونانس کننده (واضح وروشن) ودیسونانس کننده (شدید) را پیدا نمائید.

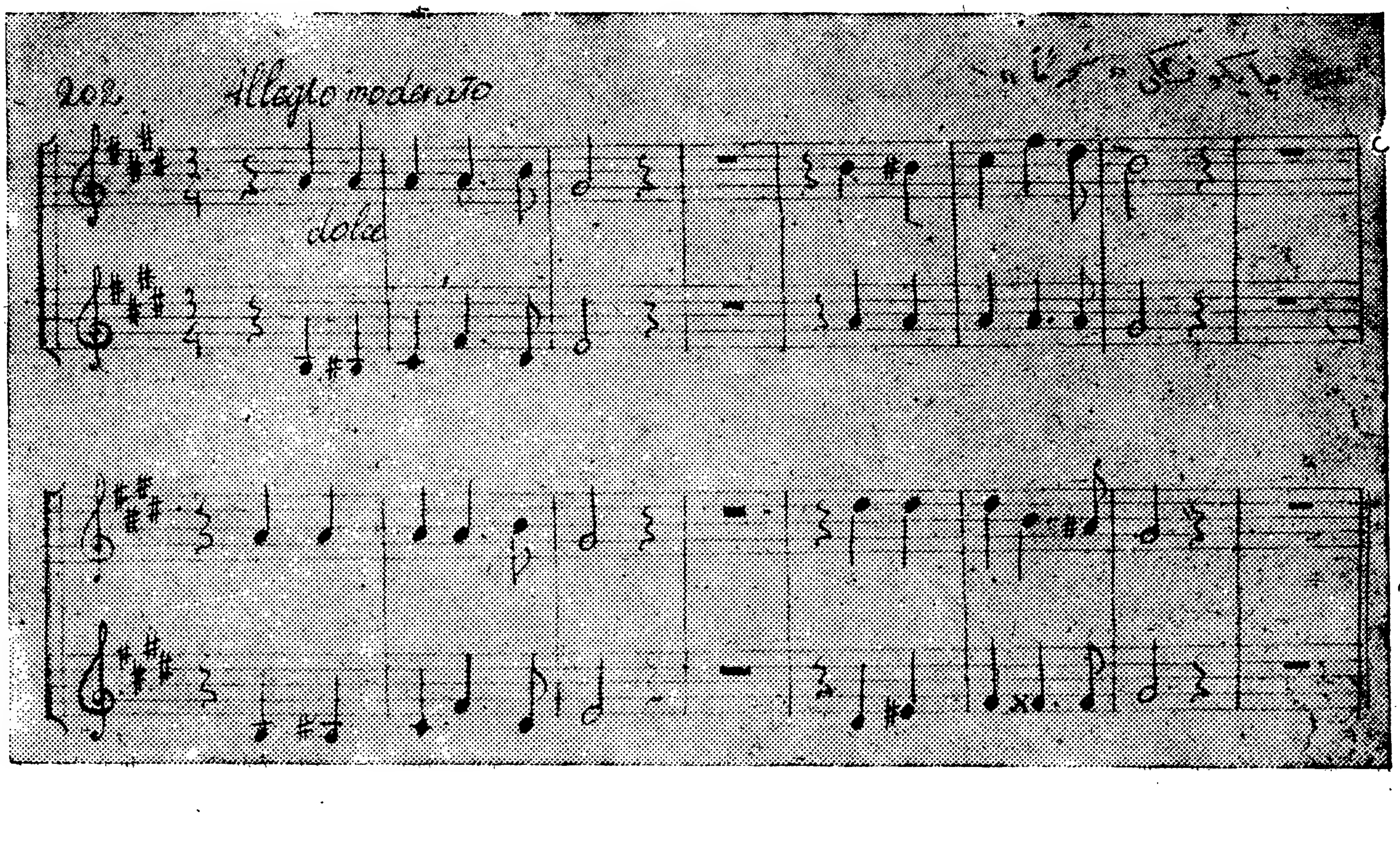

وظیفهٔ پنجاه و دوم

درآلهٔ موسیقی یک آواز را (هرآوازیکه خواسته باشید) بنوازید . بعداً این صوت را به آواز خود خوانده ، و این صوت را بحیث اساس قرار داده وبعداً کوینت صاف راتوسط آواز خود تان بالای آن بوجود بیاورید ، وبعداً آن را در آلهٔ موسیقی تکرار کنید .

پس از آن از همین آوازیکه از آله موسیقی شنیده اید ، سیکوند خورد و بزرگ ، ترس و غیره را بوجود آورده ، (توسط آواز شخصی بوجود بیاورید) و با آله موسیقی تطبیق کنید . (یعنی صحت‌آواز انتروال بوجود آمده را امتحان نمائید) بطور مثال .

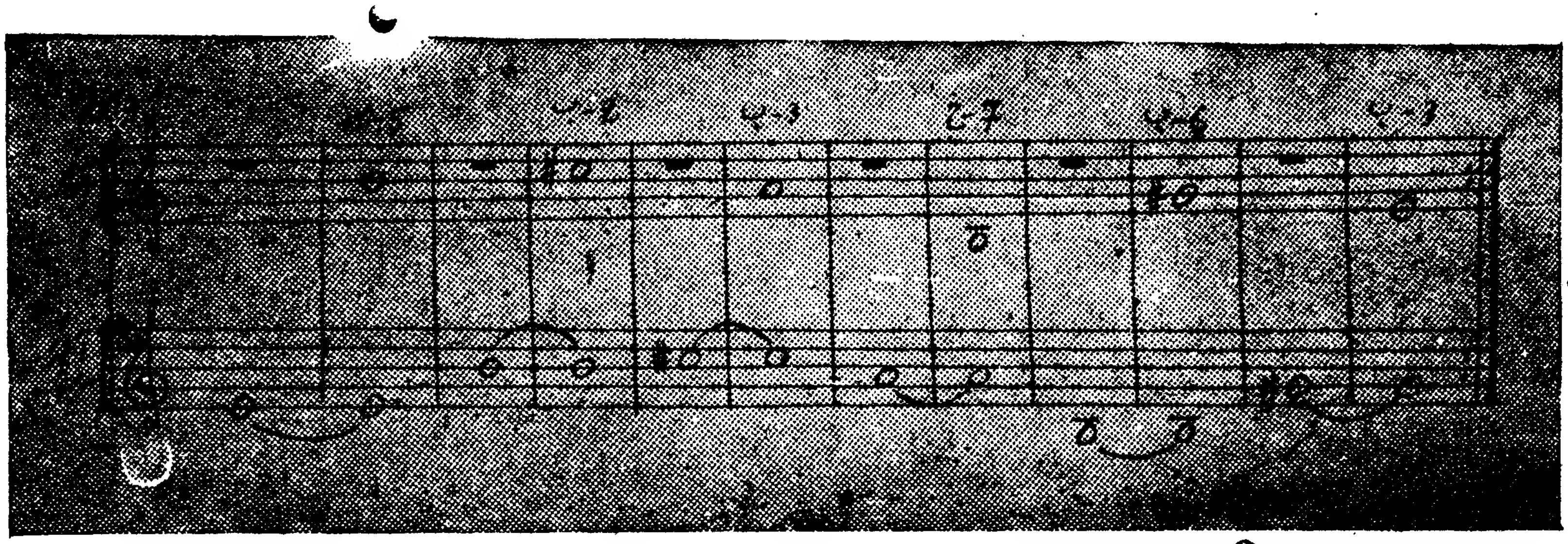

بطریق فوق تمرین های دیگری ساخته و در خواندن های بعدی برای ساختن انتروال استعمال نمائید .

فصل هفتم

رقم یاشفرهٔ مرکب

رقم (شفرهٔ) مرکب :-

شفرهٔ مرکب عبارت از یکجا شدن چند شفرهٔ ساده است ، که یادو ضربی باشند و یا سه ضربی شفرهٔ ایکه زیاد تر معمول است ، عبارت از شفرهٔ چهار ضربی و یا شش ضربی میباشد .

شفرهٔ مرکب $\frac{٤}{٤}$ از یکجا شدن دو تکت سادهٔ دو ضربی بود می آید یعنی از

متحد شدن $\frac{٢}{٤} + \frac{٢}{٤}$.

تکت در $\frac{٩}{٨}$ و یا $\frac{٦}{٤}$ همچنان از متحد شدن دو تکت ساده بوجود می آید

که دارای تشکیل دیگری هستند ($\frac{٣}{٤} + \frac{٣}{٤}$ ،) $\frac{٣}{٨} + \frac{٣}{٨}$ تکت در $\frac{٩}{٨}$ از

سه تکت ساده بوجود میاید که هر یک آن مساویست به $\frac{٣}{٨}$ به این صورت

$$\frac{٩}{٨} = \frac{٣}{٨} + \frac{٣}{٨} + \frac{٣}{٨} .$$

نمونه شفرهٔ چهار ضربی

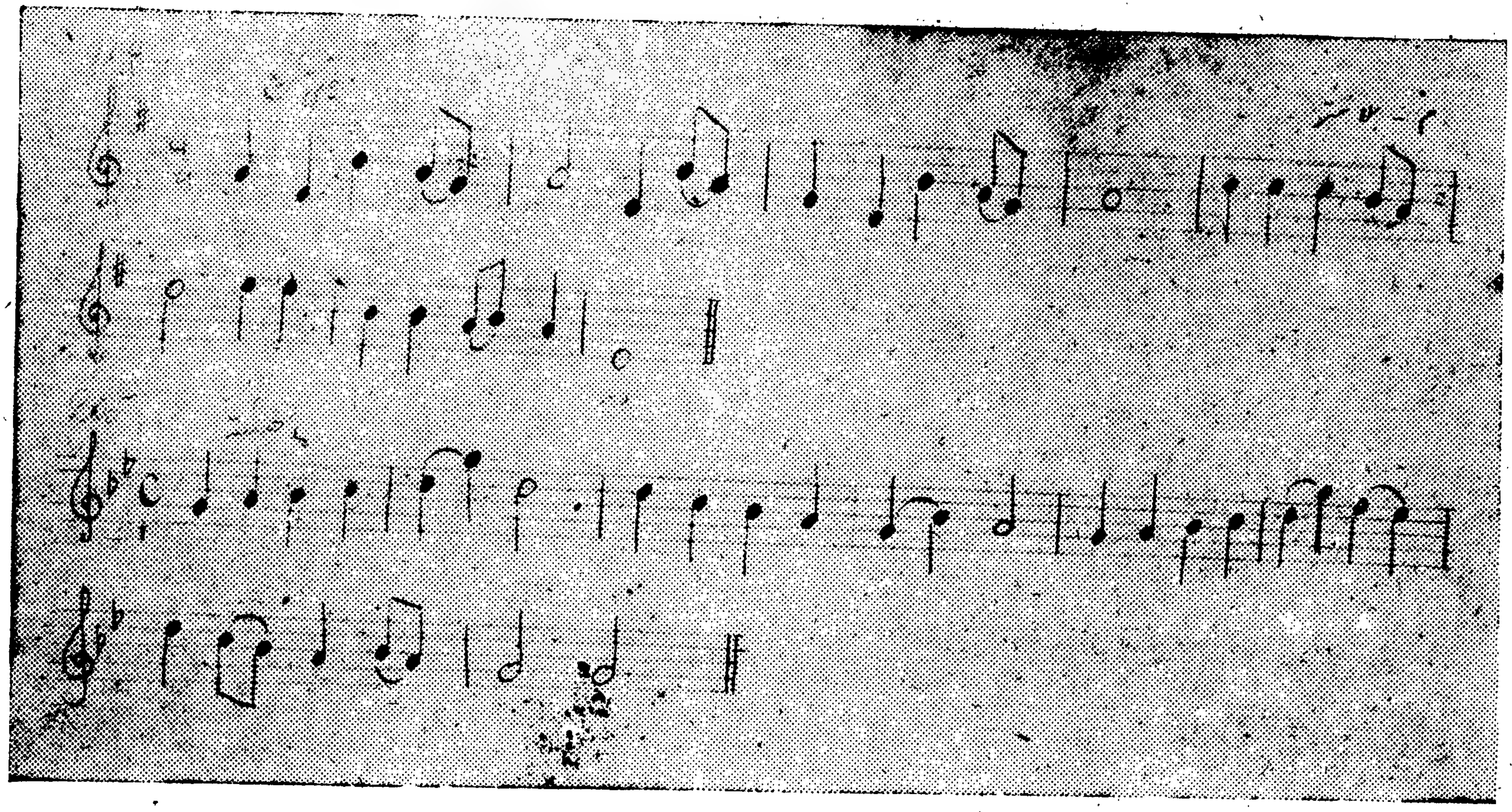

اگر موزیک را که در شفرهٔ $\frac{4}{4}$ نوشته شده است ، نظر به لزوم دید به حساب « یک ، دو » اجرا شود ، درین صورت درنوت تحریر شده آن را توسط (   ) علامه گذاری میکنند. این شفره بنام (آله بریو) ***Alla/ Brevo*** نامیده میشود که ترجمهٔ آن از لاتین بمعنی (کوتا) است .

شفرهٔ ***Alla Brevo*** را نه مثل چهار ضربی ها بلکه مثل دوضربی باید حساب کرد مثلاً .

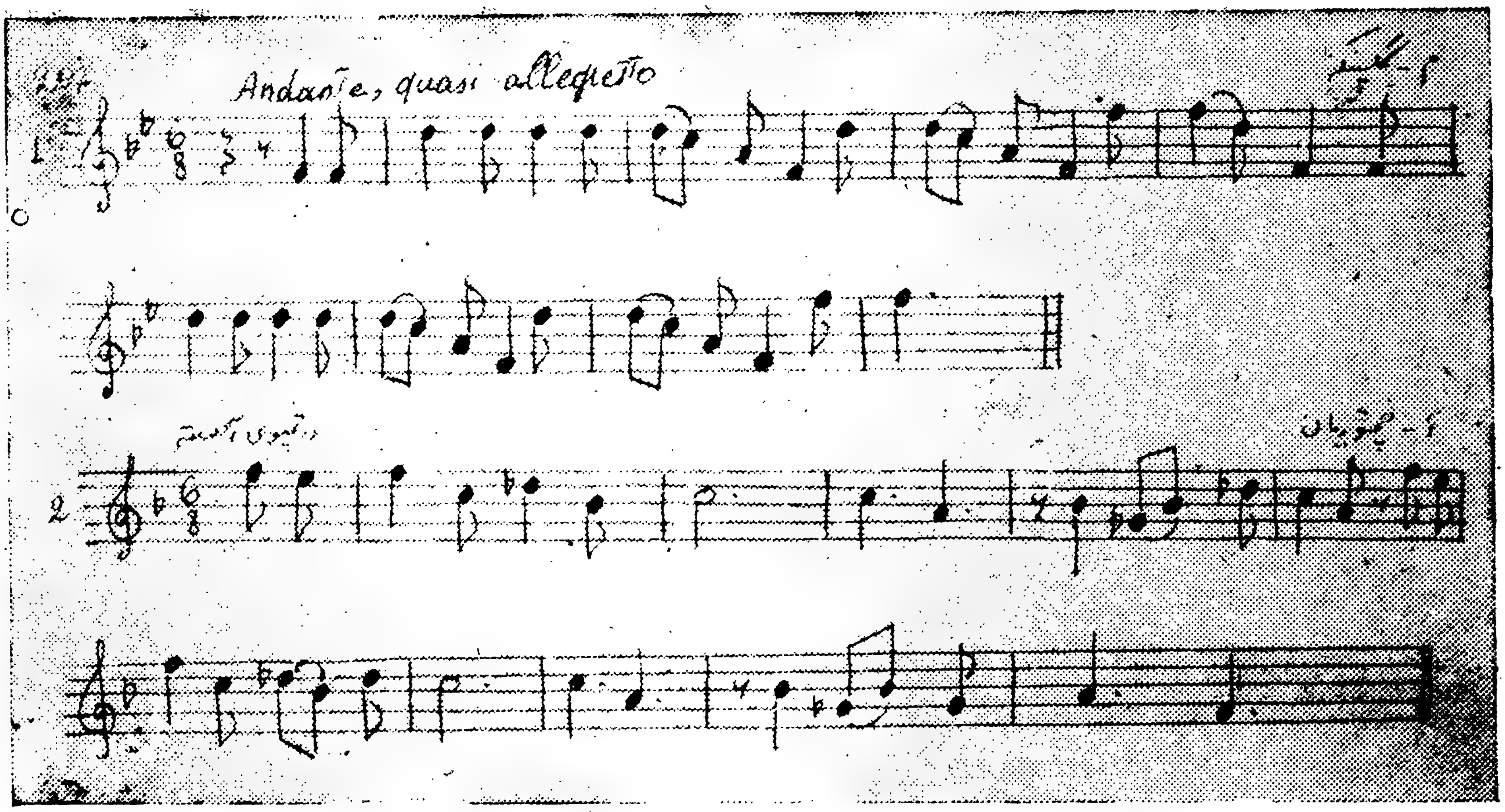

نمونهٔ شفرهٔ: $\frac{9}{8}$

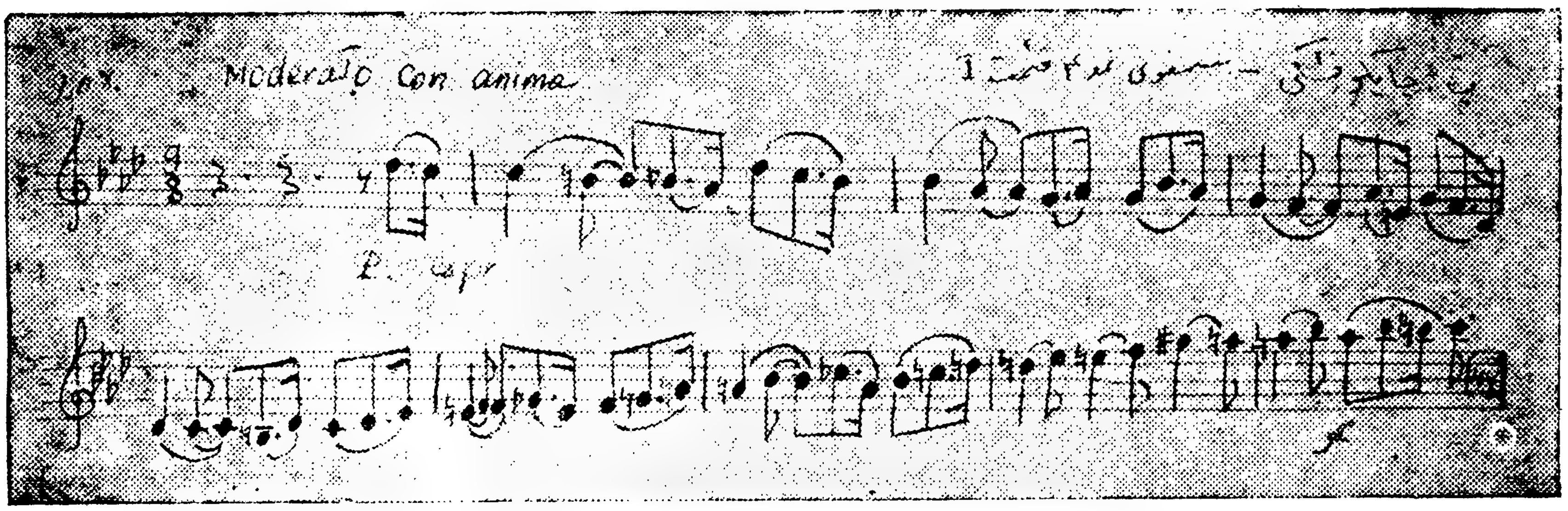

[وظیفهٔ پنجاه سوم]

اسمای نوت هارا درمثالهای فوق خوانده وتوسط دست حساب کنید.

[شمهٔ رهبری درشفرهٔ چهار ضربی]

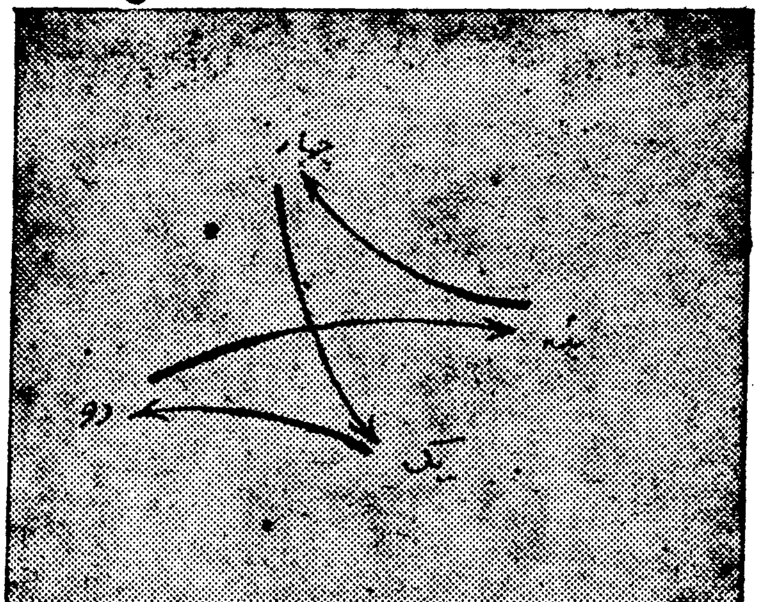

[شمهٔ رهبری در شفرهٔ شش ضربی]

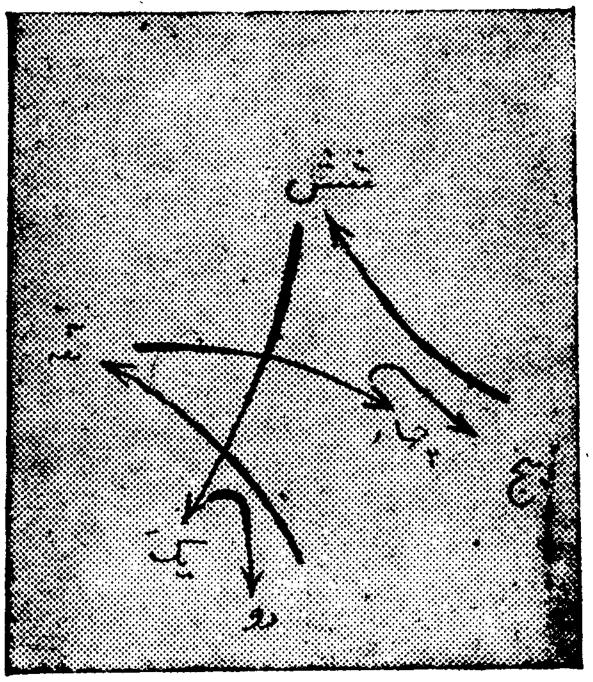

[شمهٔ رهبری در نه ضربی]

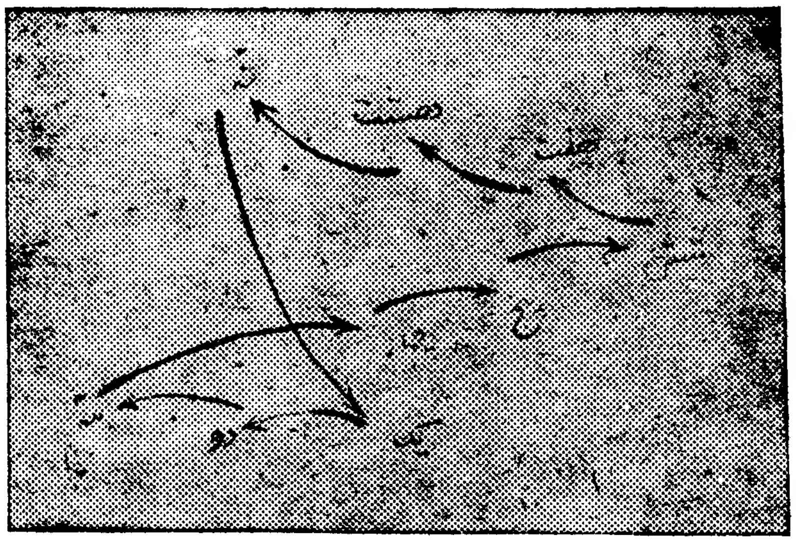

[رقم یا شفرهٔ مرکب]

دزشفرهٔ مرکب ،شفرهٔ ساده دو ضربی همرای شفرهٔساده سه ضربی یکجا میشوندیکی ازمعمولترین شفرهٔهای مرکب عبارت ازشفرهٔ $\frac{5}{4}$ است که به این ترتیب بوجود می‌آید $\frac{2}{4}+\frac{3}{4}$، $\frac{3}{4}+\frac{2}{4}$ که مساوی به $\frac{5}{4}$ میشود.

نمونه شفرهٔ پنج ضربی.

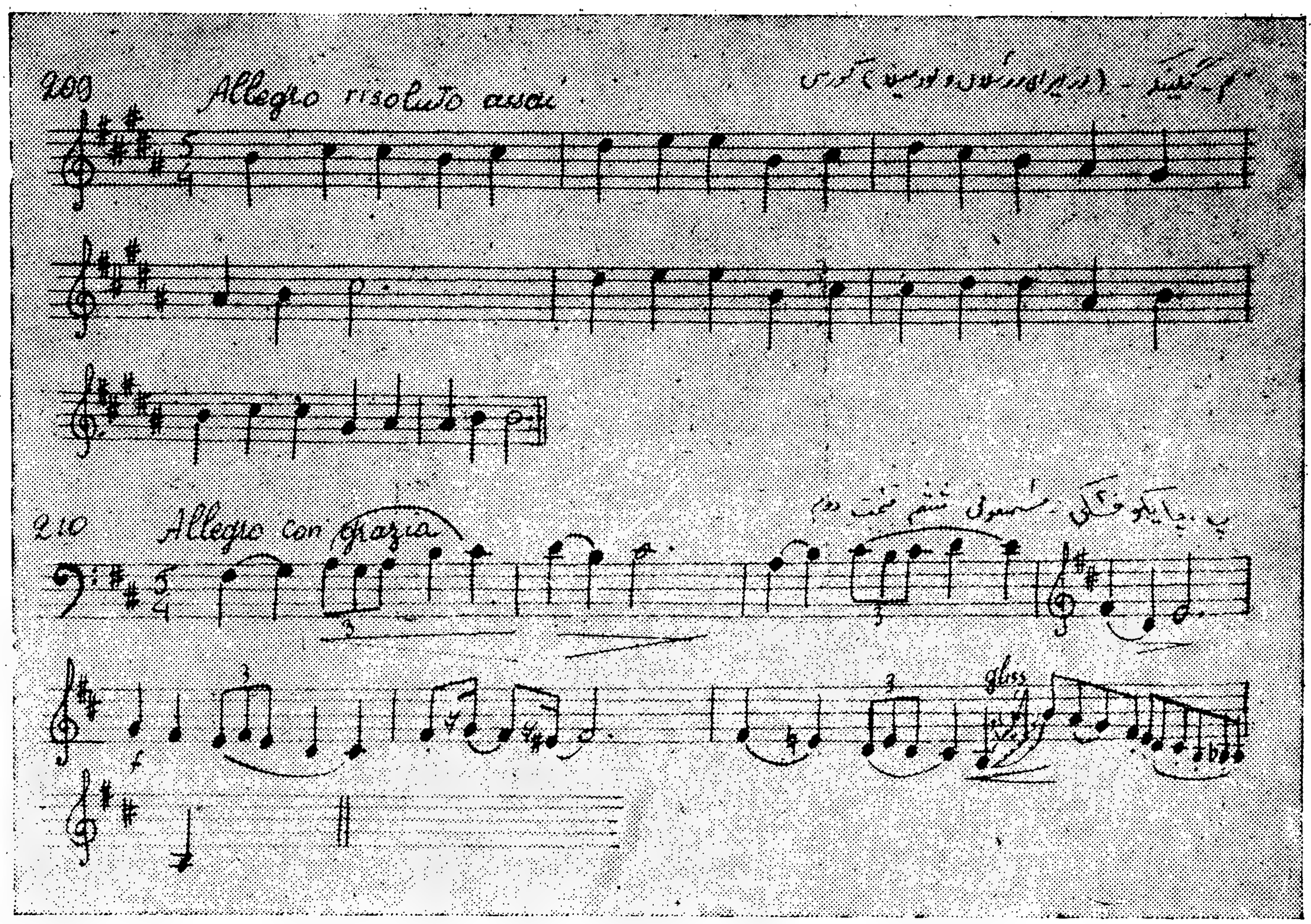

[شفرهٔ متناوب (تغیر پز یر)]

شفرهٔ متناوب اکثراً درمیلودی های خلقی دیده میشود.

درشفرهٔ متناوب شفرهٔ های مختلف میتوانند توافق کنند. این توافق ازلحاظ آزادی کامل خواندن های خلقی قابل قبول است. درذیل یکی ازخواندن های خیلی قدیمی روسی را با تغیرات آن بطور مثال می‌آوریم.

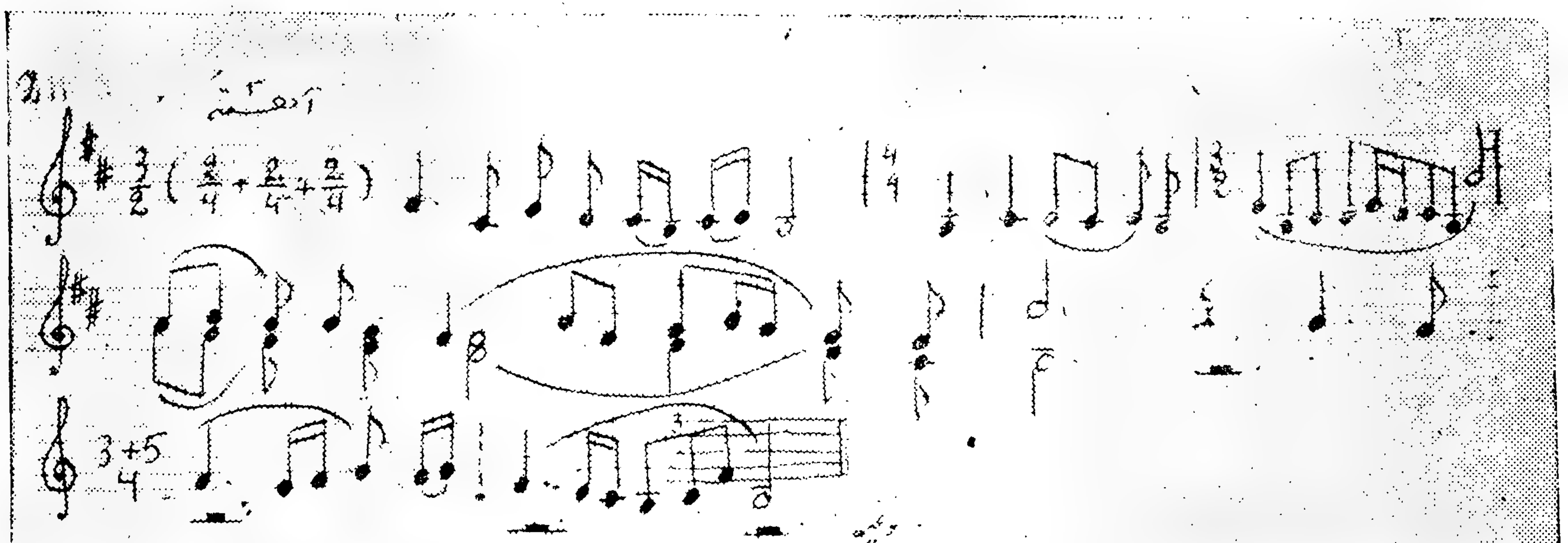

[وظیفهٔ پنجاه‌وچهارم]

گام های ماژور و مینور ذیل را در شفرهٔ ، مرکب به طریقیکه نشان داده‌شده است بخوانید.

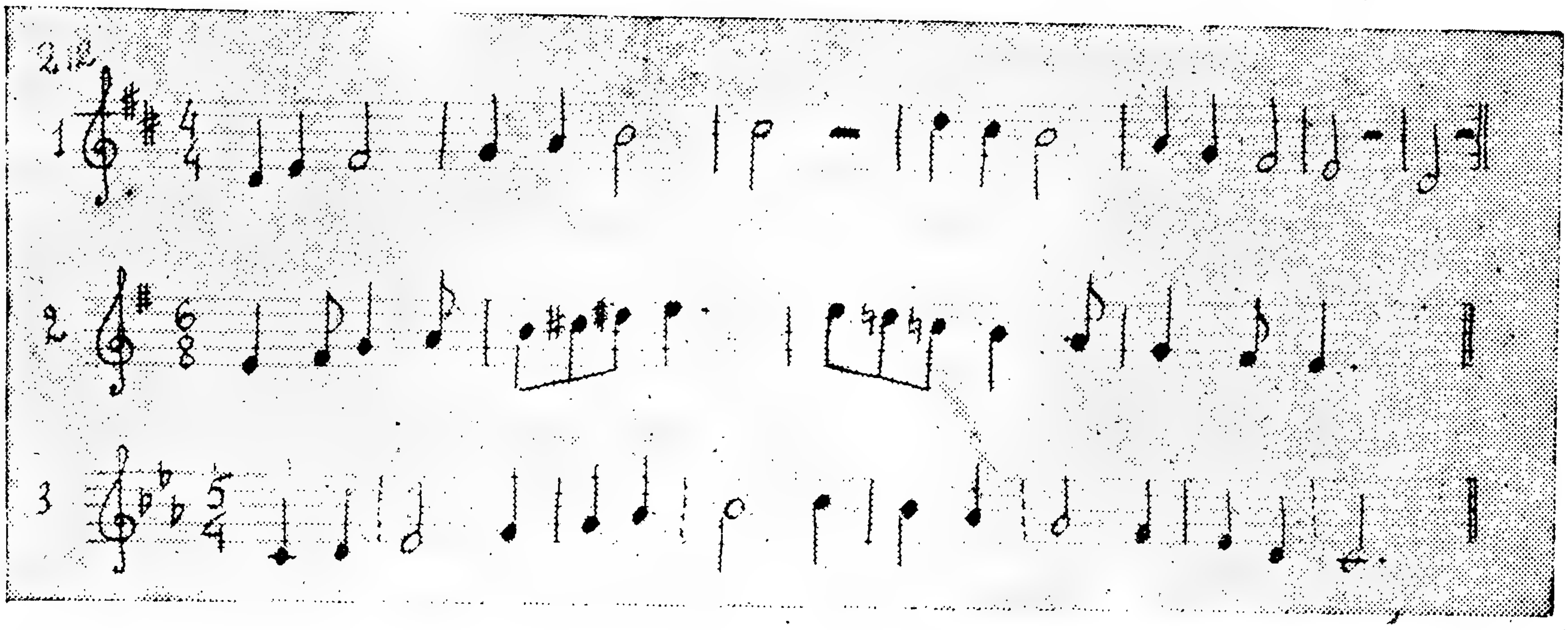

مثال‌فوق در گام سی بمیل ماژور ، لا ماژور ، ره مینور ، دو مینور ، لامینور وسی مینور اجراشود .

[وظیفهٔ پنجاه و پنجم]

گام‌های ماژور ومینوررا که درذیل تذکار یافته ، بطرف بالاوپائین تحریر نموده واشکال ریتمی نشان داده‌شده رادرآن‌هااستعمال کنید.

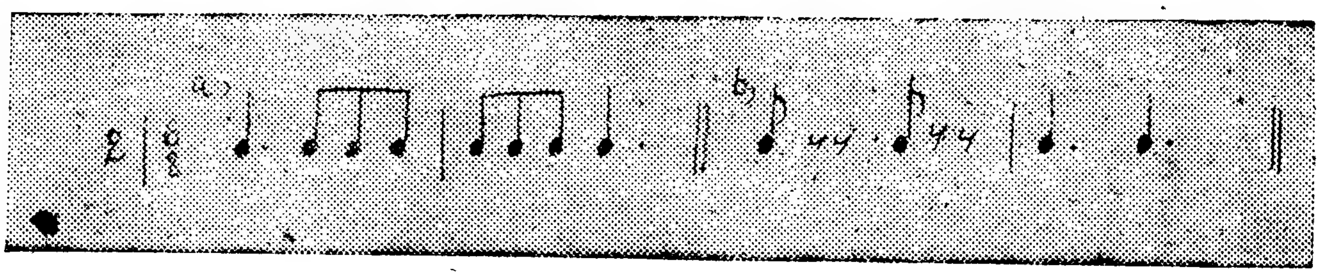

ریتم فوق درمی بمیل ماژور ، ره مینورهارمونی ، لا ماژور وسی مینور ـ ناتریل و همچنان در سی بمیل ماژور و فا دیز مینور میلودی اجرا گردد .

فصل هشتم

ریتیم (موازنه) درموزیک

ودراشکال پیچیدهٔ آن

حرف زدن درموزیک وریتم

سخن رانی یامکالمه ، هما نطوریکه درحالت عادی سخنرانی میشود.
درموزیک هم شبیه همین مکالمات وجود دارد. تنها فرقیکه وجود دارد ، در سخنرانی موزیکی موزیک هم حصه میگیرد. که آنقدر دارای انحنا ورنگ برنگ است ، که توسط ریتم های ساده گرد آوردن آن ناممکن است .

به إثر ترقی و پیشرفت طریقه های موزیک ، دربعضی صورت ها حرکات نسبتاً آرام استعمال میشود . و در بعضی صورت های دیگر (مثلاً در مثال های ذیل) ازانواع پیچیدهٔ ریتم استفاده بعمل می آید .

اینک نمونه های از هنر ایرانی

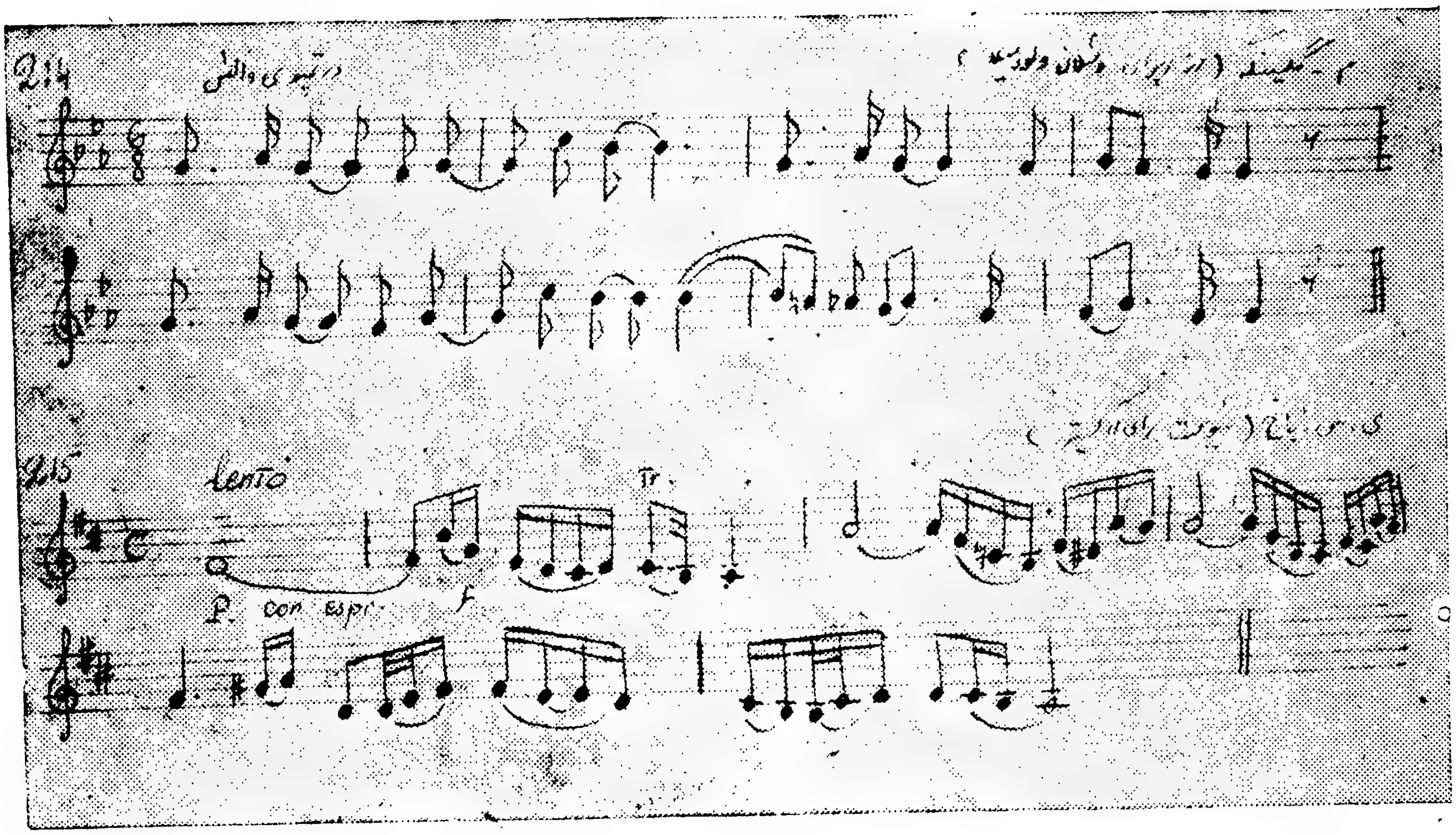

چهار تائی همرای نقطه

نقطهٔ ایکه در مقابل نوت قرار داشته میباشد ، قیمت نوت مذکور را به اندازه نصف آن زیادتر می سازد . چهار تائی همرای نقطه قیمت سه هشتائی را نشان میدهد .

برای بخاطر سپردن این قیمت ، در نزد خود چهار تائی همرای نقطه را باید به سه هشتائی جدا نمود مثلاً

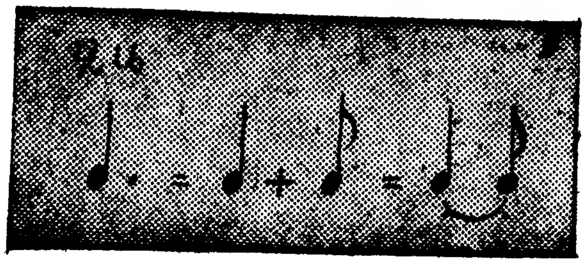

وظیفهٔ پنجاه و ششم

اسمای نوت را در مثال های ذیل خوانده ، و توسط دست حساب تکتها را مخصوصاً قیمت های را که دارای نقطه هستند ، آشکار ساخته و همچنان جاهائیکه عوض نقطه نوت هشتائی توسط لیزیون به نوت ما قبل خود ارتباط دارد بگیرید ـ مثال

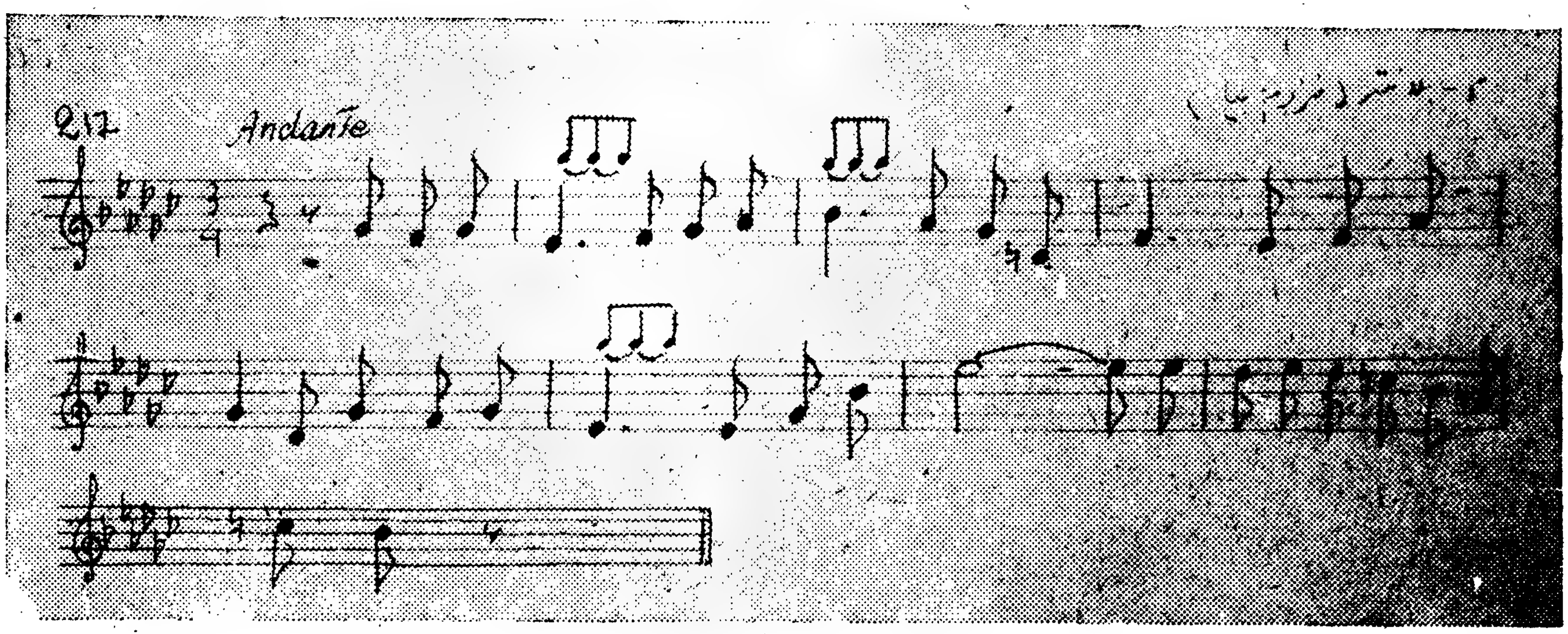

ضربه های شانزده تائی

در هرنوتیکه دارای قیمت یک چهار تائی باشد چهار شانزده تائی داخل است .

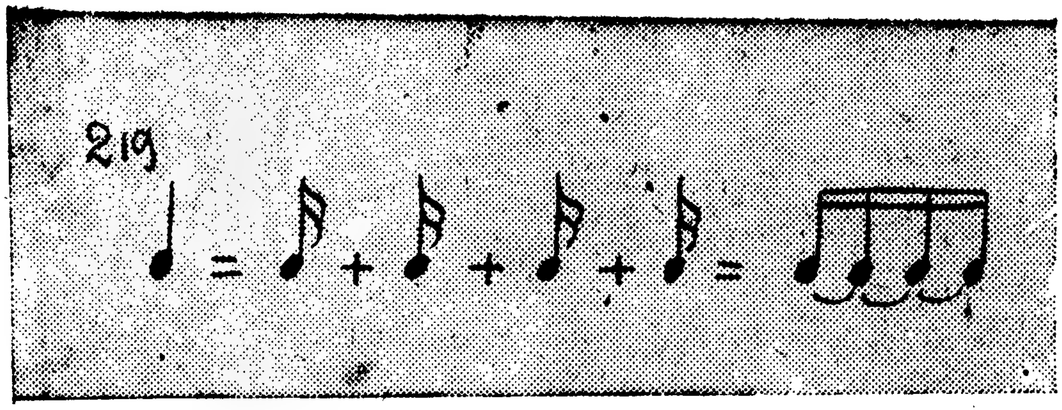

در مثال ذیل به وضوح دیده میشود، که در هر چهار تائی تصنیف چهار به ضربهٔ کوچک توافق میکند ، که عبارت از چهار شانزده تائی است .

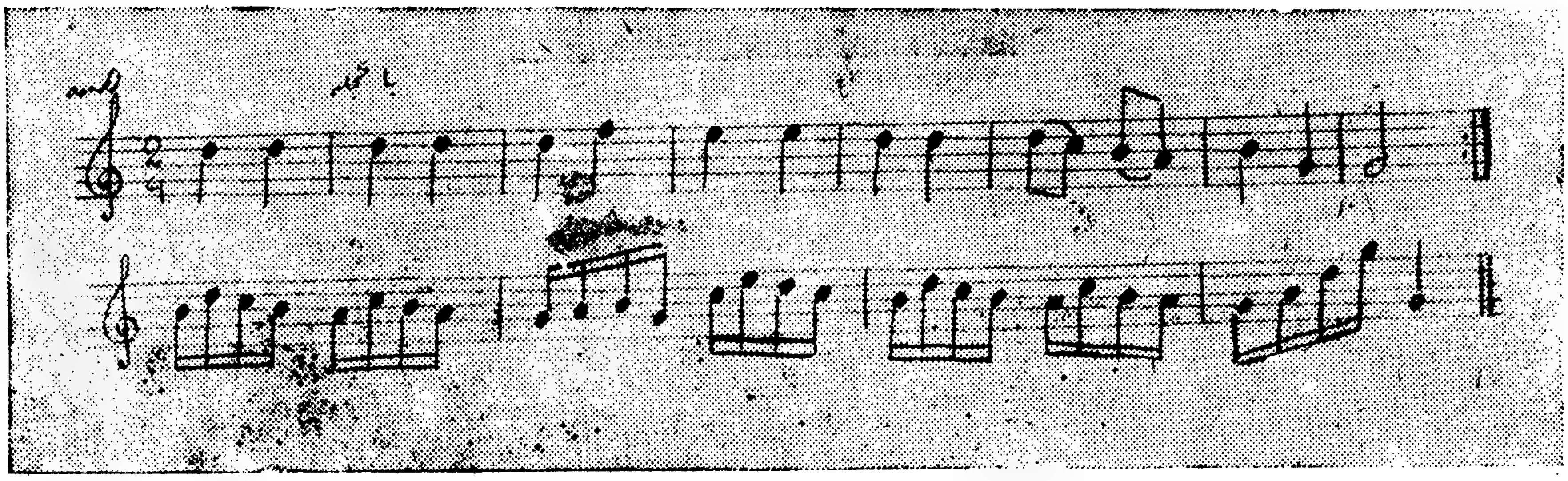

اکثرحرکات مشکلتر ریتمی توسط شانزده تائی‌ها مشاهده میشود . مثلاً :-

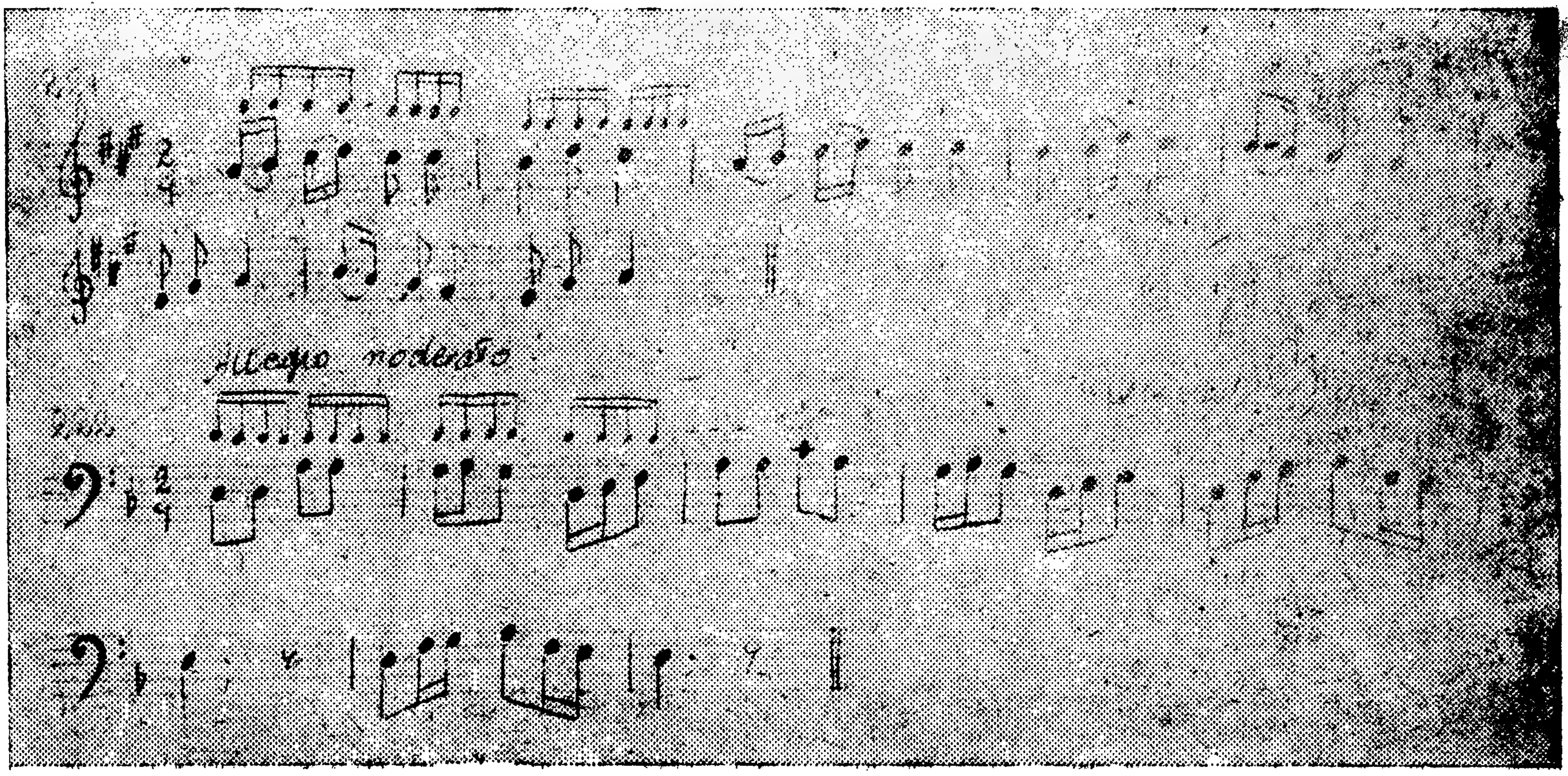

،مشکلات اجرا نمودن این قسم اشکال ریتمی ، مربوط است به تقسیم نمودن هر چهار تائی ، به چهار شانزده تائی در فکر خود که از جملهٔ آن تنها آن شانزده تائی استعمال میشود که در متن تذکار یافته است . مثلاً برای اجرا نمودن دقیق یک گروپ نوت که از هشتائی و نقطه تشکیل گردیده است درینجا لازم است هر چهار شانزده تائی در فکر خود حساب شود . که درین صورت صوت اول آن همرای نقطه به حساب « یک » رشانزده تائی آن بحساب چهار توافق خواهد کرد .

حساب فکری

گروپ ریتمی

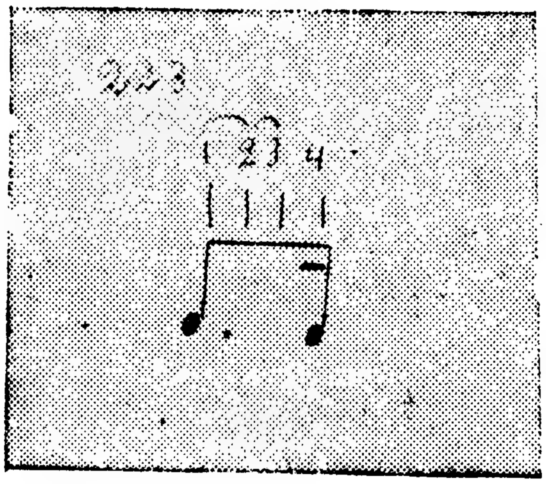

نمونه های حساب کردن شانزده تائی ها در گروپ (a) هشتائی و دو شانزده‌تائی . در گروپ (b) دو شانزده تائی و یک هشتائی .

حساب فکری

گروپ ریتمی

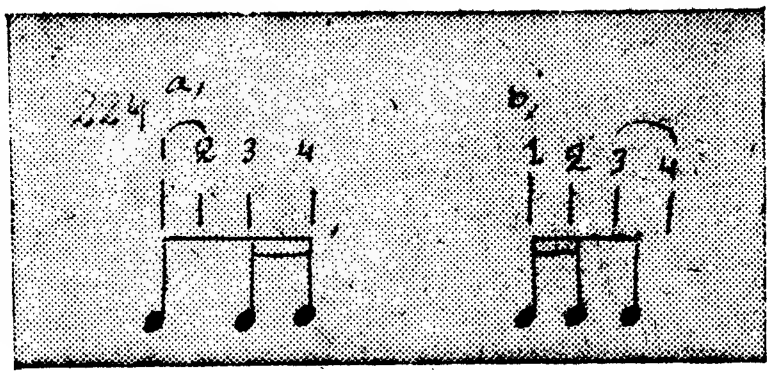

وظیفهٔ پنجاه و هفتم

در شفره های دو ضربی و سه ضربی ، گام های فرا گرفته شده را بعداز استعمال اشکال ریتمی ذیل بخوانید و بنوازید .

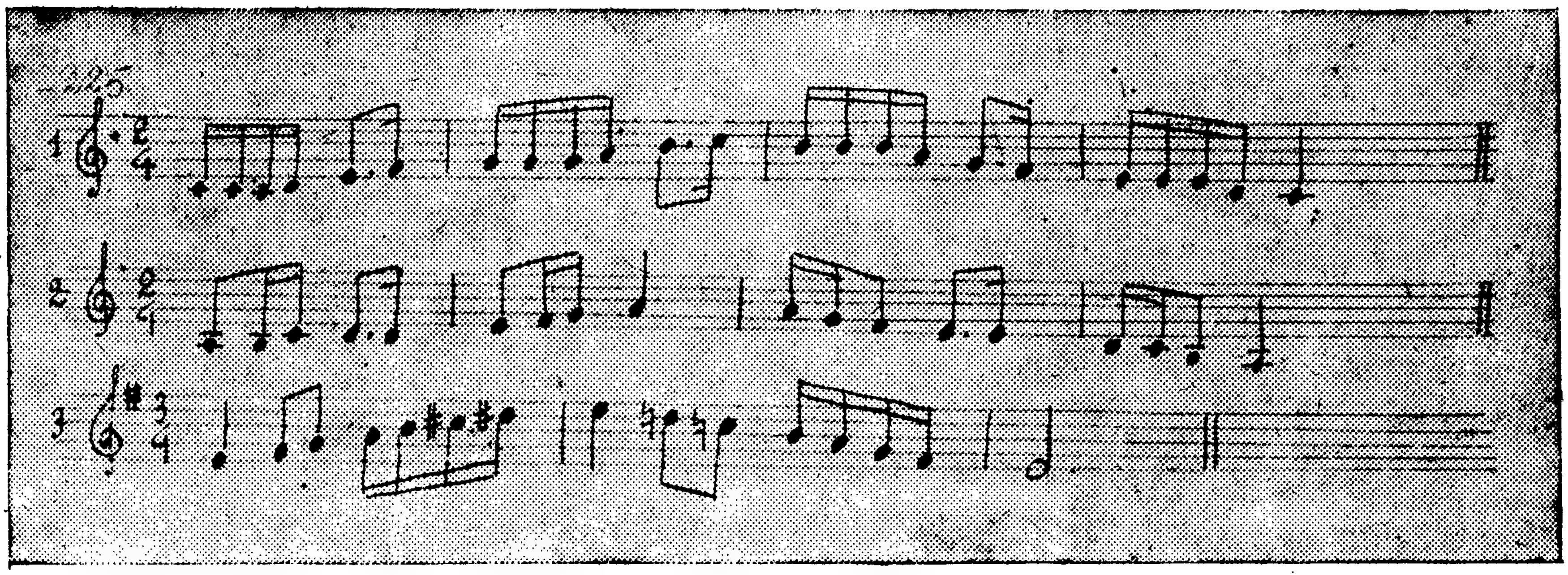

تری اول TrioL

در موزیک اکثراً قیمت‌هائیکه بملاحظه میرسد که بدو، نه بلکه به سه سمت تقسیم میگردند که بنام تریول یاد میشود . مثلا چهارتائی بعوض اینکه بدو هشتائی تقسیم شود ، نظر به لزوم به سه قسمت یعنی به سه هشتائی جدا میشود . مثل نمونه ذیل که در آن تریول ها داخل هستند .

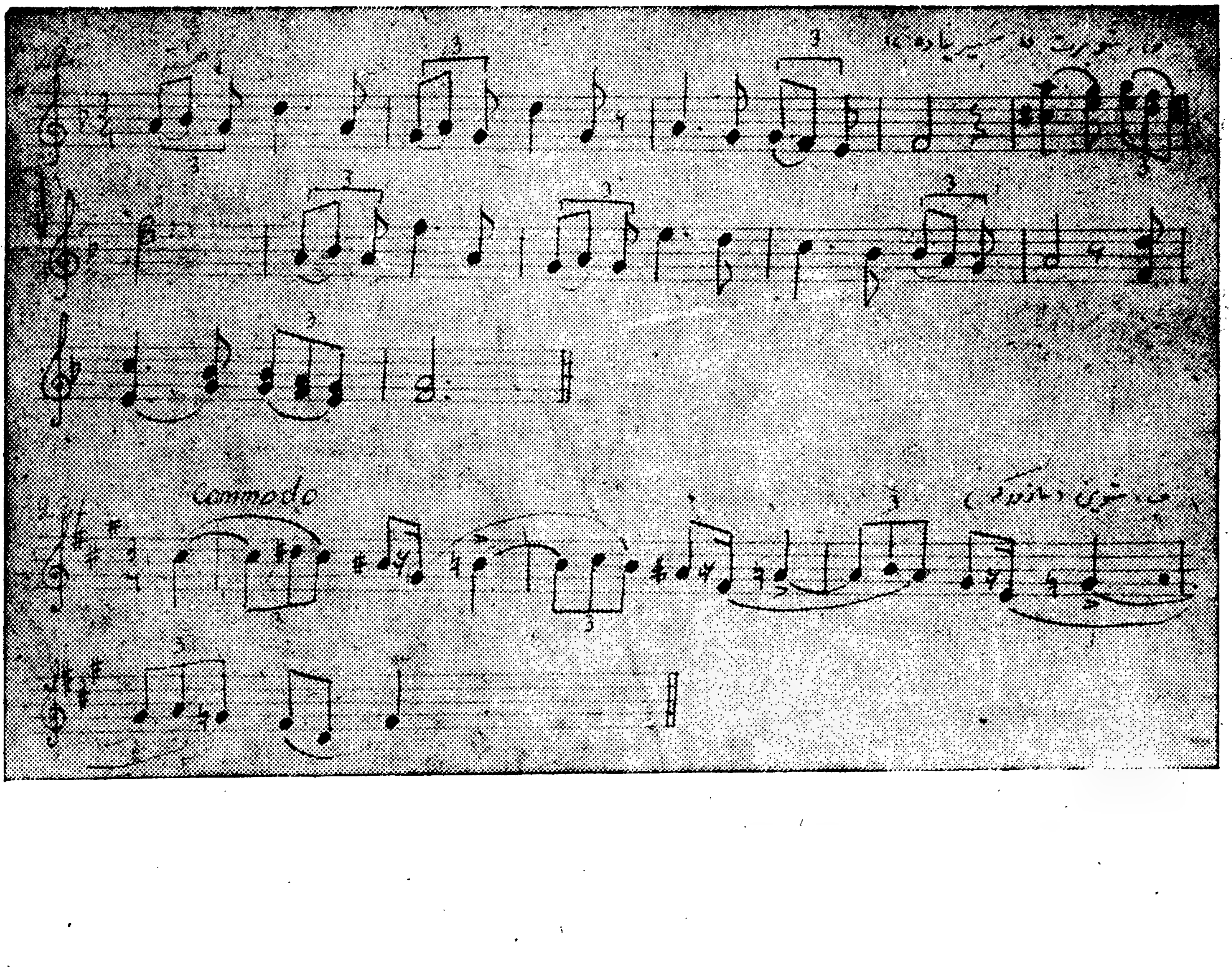

اجرا نمودن درست و صحیح این تریول‌ها مربوط به آنست ، که هر سه نوتی که تریول را تشکیل میدهد بصورت مســاوی وبرابر خوانده و یا نواختــه شود . لازم نیســت ، نوت اول و یا نوت اخیر تریول را دراز یا کوتاه تر کردو به این شکل در آورد .

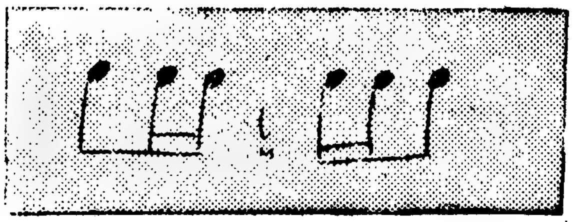

وظیفهٔ پنجاه و هشتم

گام های فرا گرفته شده را با استعمال تریول ها در شفرهٔ دو ضربی و سه ضربی بطور ذیل بنوازید و یا بخوانید .

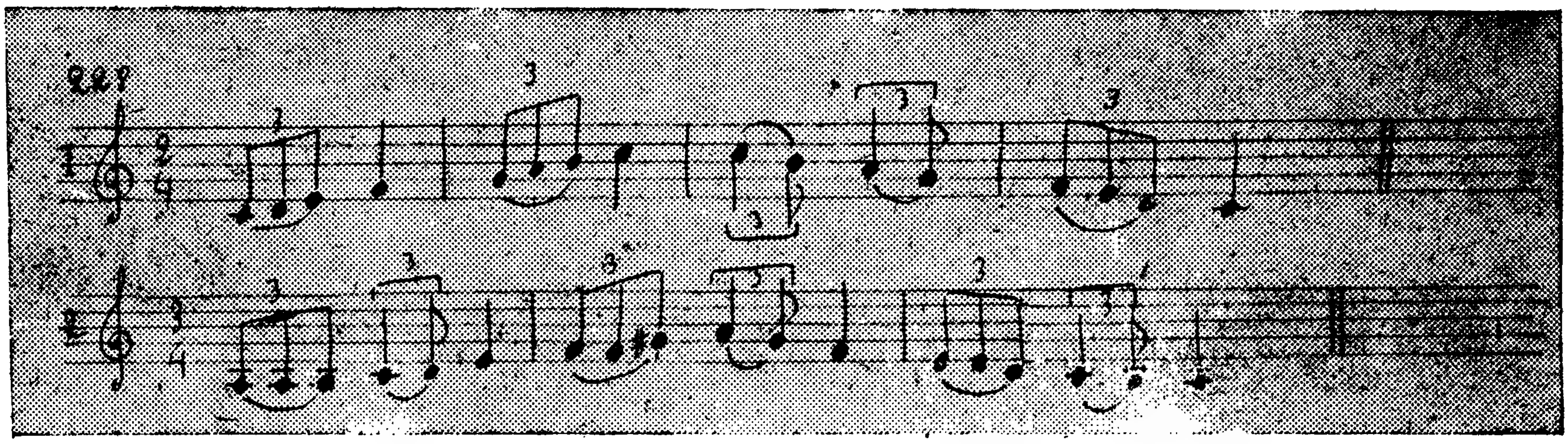

سینکوپ

سینکوپ :ـ عبارت از یک نوع مخصوص حرکات ریتمی است . که در آن فشاریکه بالای ضربهٔ اول تکت باید وارد شود ، بالای ضربه خفیف تکت ما قبلی وارد میشود . درین صورت صوتیکه در ضــربهٔ خفیف قرار دارد ، فشار ضربهٔ اول را بدست می آورد که بنام سینکوپ یاد میشود به عبارت دیگر در تکتیکه ضربهٔ ثقیل وجود ندارد بنام سینکوپ یاد میشود .

در مثال ذیل تشریح شده است ،

اکسان که باید در حساب یک بیاید (ضربه قوی) برداشته شده ـ وبالای ضربه چهارم تکت پیشتر آورده شده است .

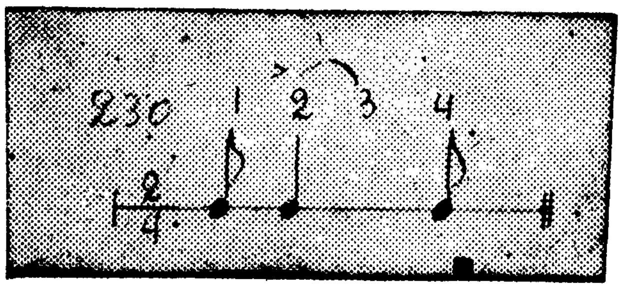

اکسان (فشـــار) که باید در ضربه ســوم وارد شود ، برداشته شده و بالای حساب دوم آورده شده .

نمونهٔ میلودی سینکوپ شده

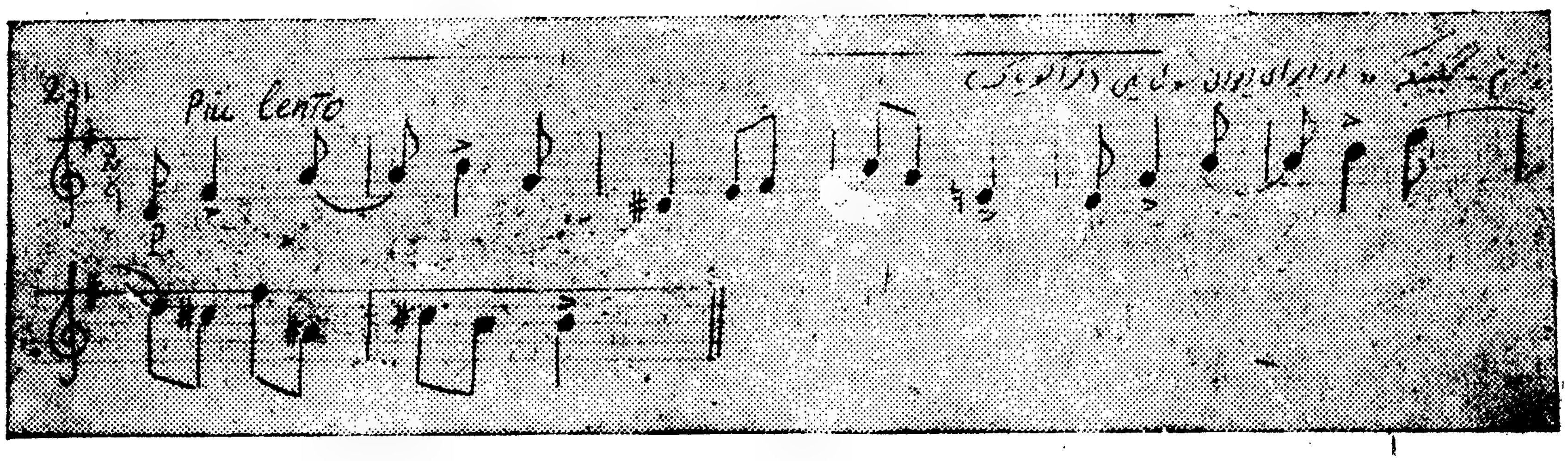

وظیفهٔ پنجا ونهم

گام های فرا گرفته شده را با استعمال سینکوپ ، بنوازید و یا بخوانید بقرار مثال ذیل :

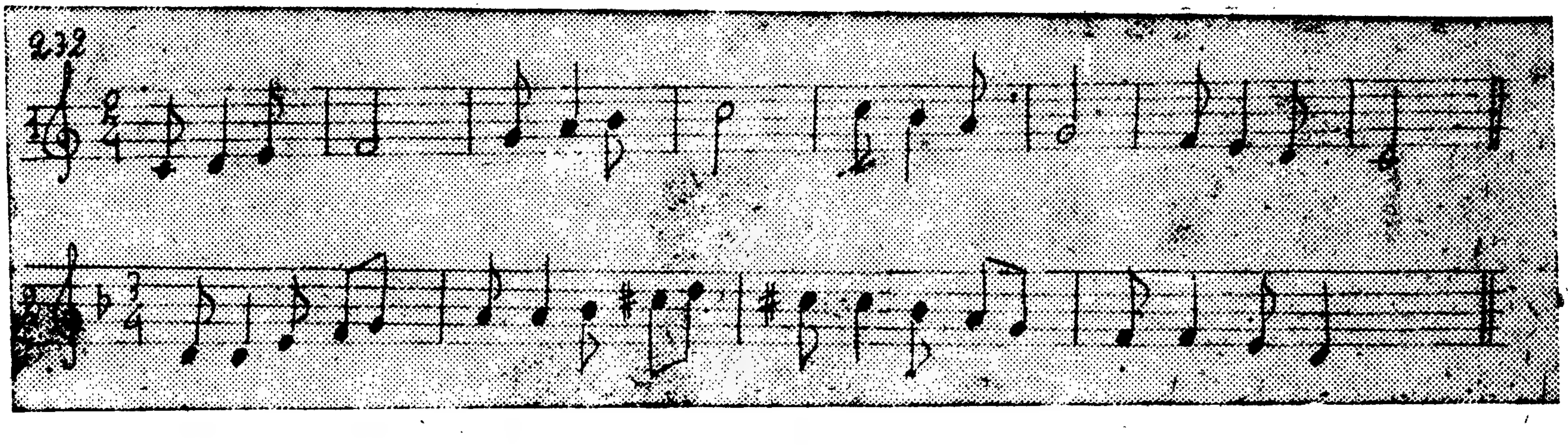

میلیزم (علامات تزئین کننده)

اصوات . اصوات میلودی اکثراً توسط نوت های کوچک رنگ آمیزی میشود این نوع نوت های کوچک (بعضی از اصوات) بنام میلیزم یادمیشود . آنها همچنانکه درموزیک‌خواندن استعمال‌میشود، درموزیک انسترومنتال هم دیده میشود. میلیزم در تحریر نوت اصوات مخصوص را ارائه میدارند. وبعضی اوقات بصورت مکمل توسط نوت های کوچک تحریر میگردند :-

انواع میلیزم

فرشلاگ - عبارت از یک ویا چند صوت کوچک است، که از نوت اصلی میلودی پیشتر می‌آیند وتوسط نوت های کوچک نشان داده میشوند .

نمونه های استعمال فرشلاگ در موزیک :-

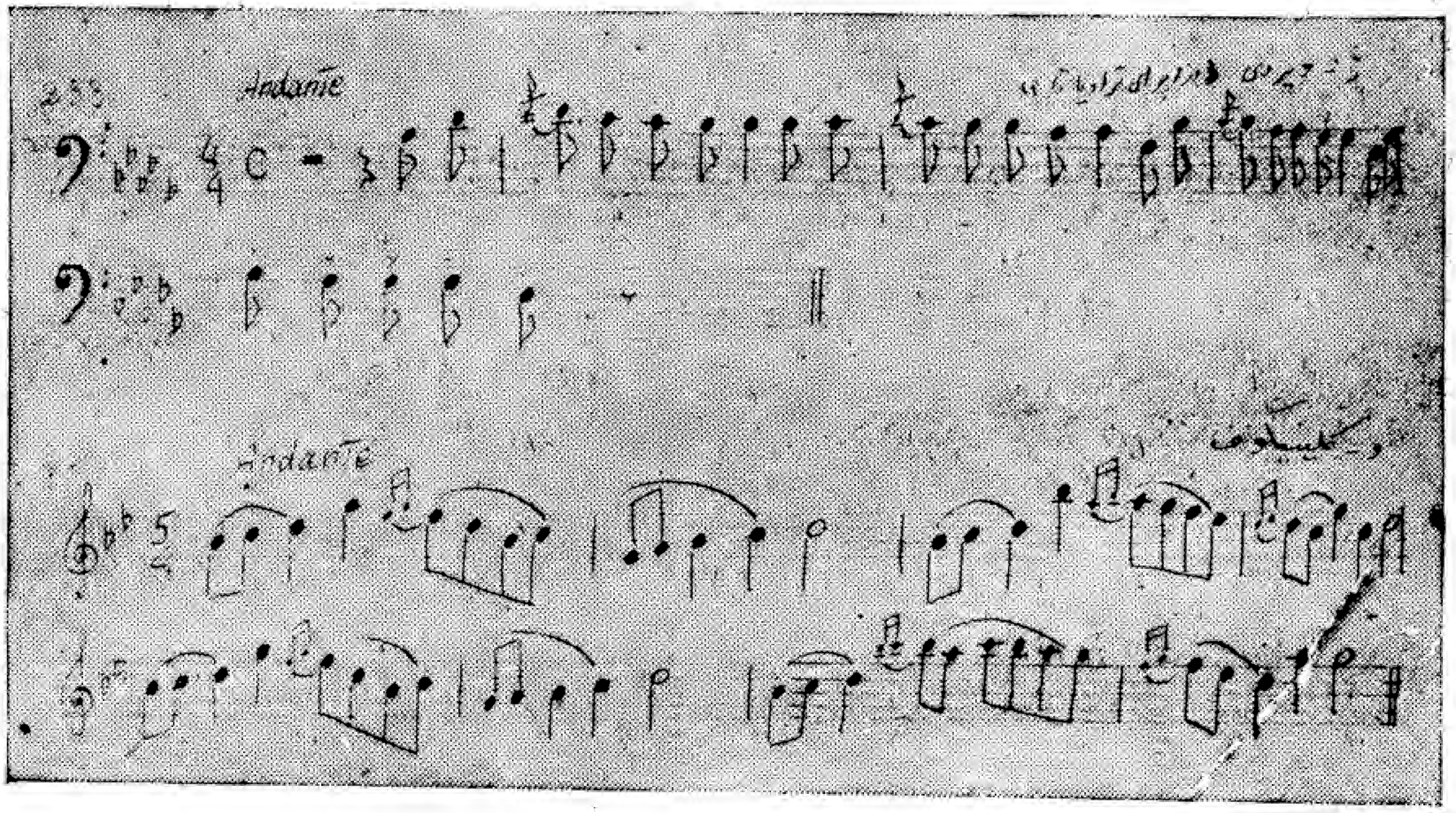

تریل :-

تناوب سریع ، صوت اصلی میلودی وصوت همسایهٔ بالائی یا پائین آن‌تریل را بوجود می‌آورد .

تریل توسط علامهٔ (Tr) نشان داده میشو د .

نمونهٔ استعمال تریل در آثار اپرائی :-

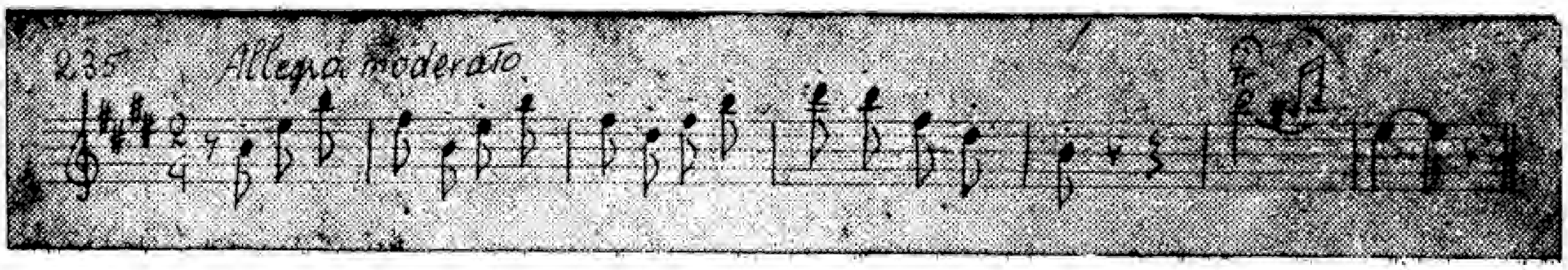

گروپیت :-

گروپیت صوت اصلی میلودی رابا اضافه نمودن اصوات همسایه، ازطرف پائین وبالا تزئین میکند ـ در نوت ها توسط علامه ( ) و یا توسط علامهٔ ( ) نشان داده میشود ـ در صورت علامه ( ) شروع گروپیت از نوت بالائی و در صورت علامهٔ ( ) شروع گروپت از طرف پائین خواهد بود. بقرار ذیل :-

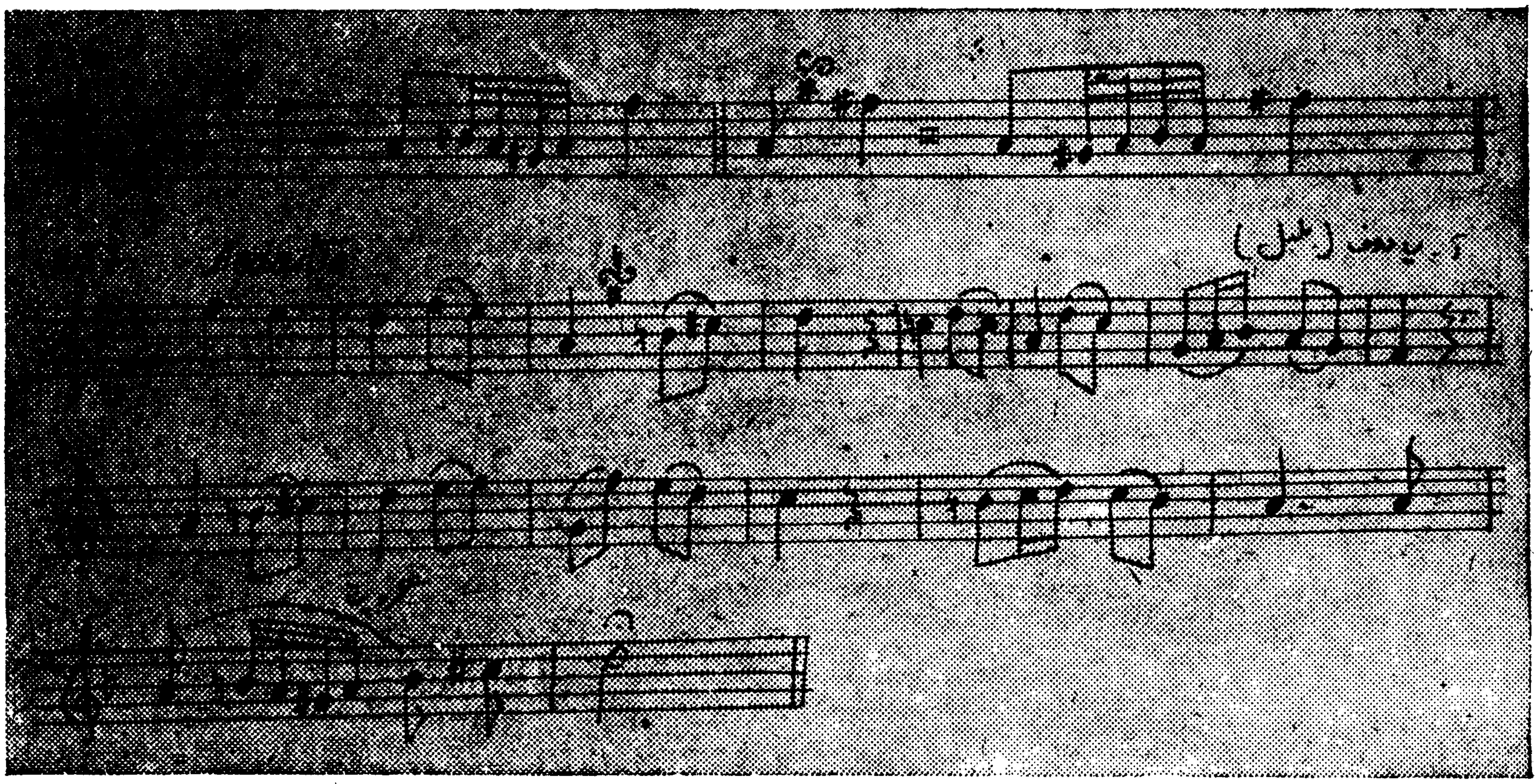

موردنت :-

عبارت است ازتزئین میلودی که از سه‌صوت‌تشکیل شده اند.

صوت اصلی ، صوت همسایه از بالا یاپائین ودوباره صوت‌اصلی.موردنت درموزیک توسط   نشان داده میشود. درصورت استعمال‌این علامه‌همسایه بالا ئی صوت اصلی واگر دارای خط باشد   درین‌صورت صوت همسایه زیر گرفته میشود.

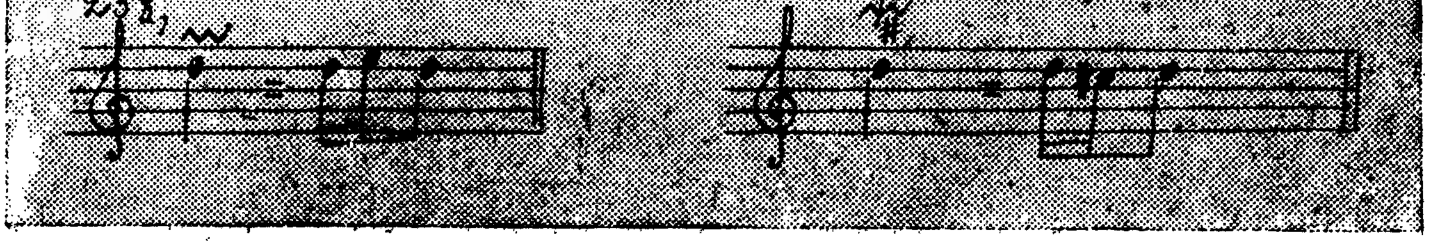

نمونهٔ استعمال موردنت درموزیک

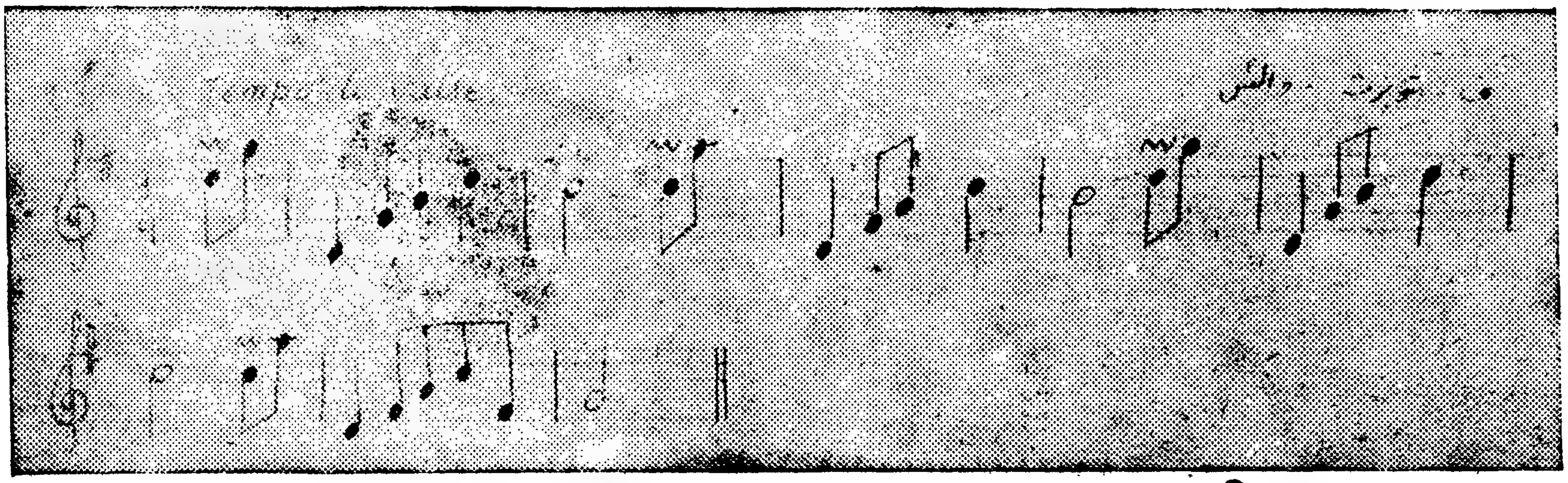

گوش نوازنده یااجرا کنندهٔ میلیزم همیشه ریتم‌اجرای آن را نقل‌میدهد چون اجرای آن همیشه به‌کرکتر اثر موزیک مربوط است .

فصل نهم

سیستم تونالیته

معلومات عمومی راجع به‌تونالیته .

به‌هرصوت سیستم موزیک ممکن است یک‌تون اساسی تعلق‌داشته باشد، که به ماژور یامینور بودن گام مربوط میباشد .

نظر به موقعیت ارتفاعی تون اساسی ، ارتفاع خودرا تمام اصوات ردیف صوت دمربوطه هم تغیر میدهند :-

تونالیته در موزیک :- عبارت از معرفی موقعیت ارتفاعی ردیف صوت وهمچنان قواعد تشکیل گام است معلومات عمومی تونالیته از یکطرف ارتفاع تون اساسی آن را مثلاً دو، ره ، می وغیره و ازطرف دیگر ردیف صوت میلودی را (دوماژور یا دو مینور ره ماژور یاره مینور ، می ماژور یا مینور) واضح می سازد .

اگر نقاش برای بوجود آوردن هم آهنگی منظره ، از رنگ های مختلف کار میگیرد که خلق کننده روح سرد و یا گرم ، روشن یا تاریک میباشد . موزیسین هم درهنر اصوات خود از وسیلهٔ مقتدری مانند تونالیته کار میگیرد که توسط هر تونالیته رنگ های مخصوصی به پخش اصوات داده میتواند .

اهمیت تونالیته در موزیک

چطور میتوانیم فرق تعداد زیاد تـونالیته را در موزیک تشریح کنیم ؟ چرا بعضی از موزیسین ها در یک تونالیته مخصوصی آثار خـود را مرتب نموده اند ؟ از همه‌پیشتر درواقعیت اصلی خود هنرموسیقی تغیر وتبدل دایمي

تونالیته را تقاضا میکند . اکثراً مفکورهٔ جدید موسیقی ، در تونالیته نوی بروز میکند و این طریقه جدید موزیک ، تونالیته دیگری را میخواهد . به این نسبت حتی در آثار کوچک هم ، همیشه تغیر تونالیته را مشاهده میکنیم غیر ازین در خود سرو آلات مختلف موسیقی تونالیته مناسب و غیر مناسب که بطور راحت و یا ناراحت نواخته میشود وجود دارد . مثلاً سر گیتار بالای اصوات صول (تون اساسی) - سی - ره قراردارد . واضح است که صول ماژور برای گیتار گام مناسبی است . پرده‌های سفید پیانو که به‌ردیف صوت دو ماژور سرشده است ، تار های بله لا یکه (یک نوع آله موسیقی روسی) که دارای اصوات (می ، می ، لا) هستند نشان میدهد که تونالیته هائیکه دارای تون اساسی (می) ویا (لا) هستند تونالیته مناسبی برای آله مذکور میباشد . در آخر ، آواز خوان نظر بتجربه میداند که‌عین تصنیف را در یک تونالیتهٔ دیگر مشکلتراجرا خواهدنمود . دریک‌تونالیته‌آواز او روشن وراحت بخش میشود ، ودر تونالیته دیگرنیم تون‌عقب‌می ماند ، و یا راحتی‌بخش بهتر صوت راگم میکند . به‌این ترتیب برای خواننده ها هم تونالیته آسان ویامشکل وجود دارد . راحت ترین تونالیته برای خوانندها ، عبارت از تونالیته ای است که تون اساسی آن در وسط ریگستر (مخصوص) خواننده واقع باشد و به همین نسبت اکثراً در آثار و ادبیات آواز خوان ها ، تونالیته های فا صول ، می در ماژور و یا مینور بملاحظه می رسد تعداد زیاد تونالیته که هنر اصوات از آنها کار میگیرد . تقاضا کرکتر خود موزیک است که دارای انواع لایناهی است و این انواع موزیک طبعاً تونالیته های مختلف را تقاضا دارد که رنگ های مختلف را دارا باشند .

ردیف صوت نیم تونی در اکتاو (حرکات خروماتیک)

غیرازهفت صوت اصلی گام ، ردیف صوت اکتاو دارای پنج مرتبه‌تولیدی دیگر هم است .

مرتبه های تولیدی رامیتوان از مرتبه های اصلی گام توسط بلند بردن آن ها به اندازهٔ نیم تون توسط علامه دیزویاپائین آوردن آن ها به‌اندازه نیم تون توسط علامهٔ بمیل بدست آورد .

به این ترتیب در ردیف صوتی اکتا و ۱۲ مرتبه وجود دارد . که از یکدیگر به‌اندازهٔ‌نیم تون فرق دارد :

مرتبه های اصلی وبلند برده شده .

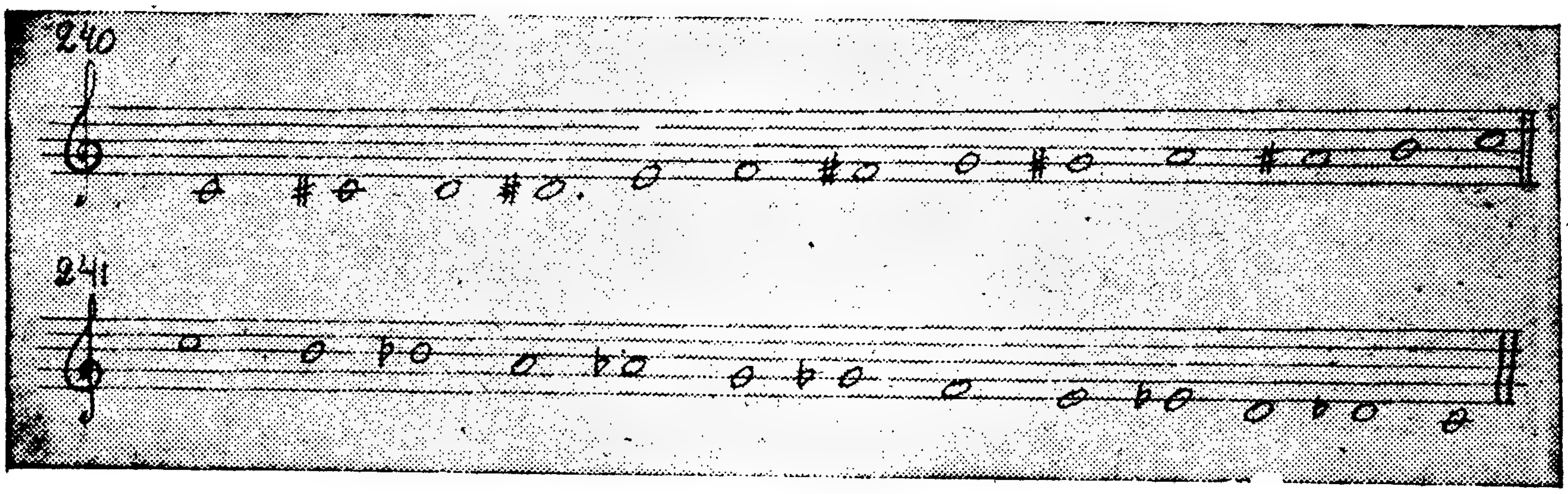

مرتبه های اصلی وپائین آورده شده :

هرمرتبه تولیدی دارای دواسم که مربوط به بلند بردن ویا پائین‌آوردن آن است میباشد .

اسمای دو گانۀ عین اصوات در بالای پرده های پیانو .

ره بمیل = دودیز
می بمیل = ره‌دیز
صول بمیل = فادیز
لا بمیل =صول‌دیز
سی بمیل = لا دیز

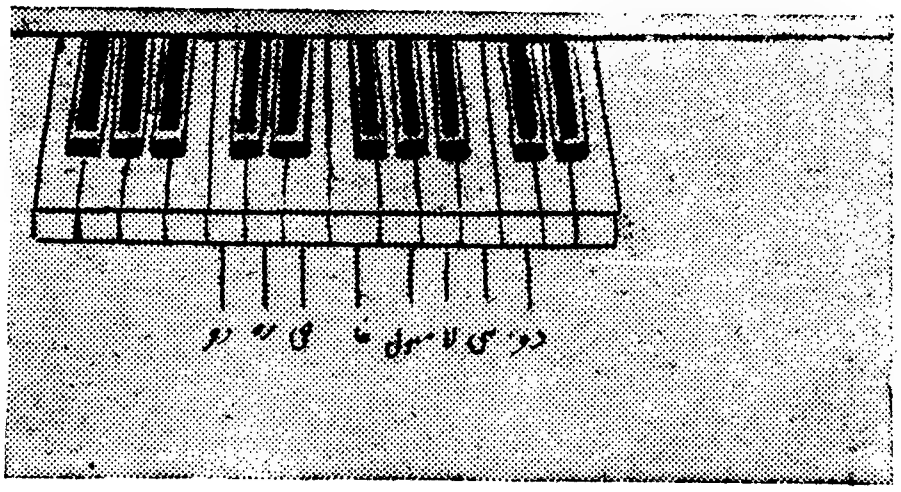

مرتبه هائیکه در فوق نشان داده شده دارای اسمای مختلف هستند. (یک پرده دارای دو اسم است) .

ولی‌دروقت شنیدن صدای آنها کدام فرقی‌احساس نمیشود، که این توافق صوت بنام (ان هار مونی) یاد میشود . (از نظر ان هار مونی باهم برابر هستند) .

برای معلوم نمودن تعداد تونالیته ها ، کفایت میکند که مرتبه های‌اصلی وتولیدی داخل یک اکتاورا بشماریم، به این‌صورت تعداد تونالیته ئیرا که در موزیک استعمال میشود ، بدست می آوریم — بقرار ذیل :

هفت مرتبه اصلی ، پنج تولیدی و سه آن هارمونی (*) که مجموعاً پانزده مرتبه میشود . هر یک ازین مرتبه ها می‌توانند بحیث تون اساسی استعمال شوند و نظر به اسم خود یک تونالیته جدید را معرفی کنند . به‌این ترتیب در موزیک (۱۵) گام ماژورو ۱۵ گام مینور و جود دارد

(*) سه تونالیته‌ان هارمونی، این ها عبارت از آن تونالیته هائی میباشند که دارای زیاد تر از هفت علامهٔ کلیدی هستند . تونالیته هائیکه دارای زیاد تر از هفت علامه کلیدی باشند درموزیک به ندرت استعمال میشود .

سیستم تونالیته

سیستم تونالیته ماژور و مینور از آن جا بوجود می آید ، که تونیک تونالیته ها از یکدیگر خود به اندازه کوینت صاف پس و پیش هستند . که بصورت دسته جمعی قوس کوینتی را تشکیل میدهند .

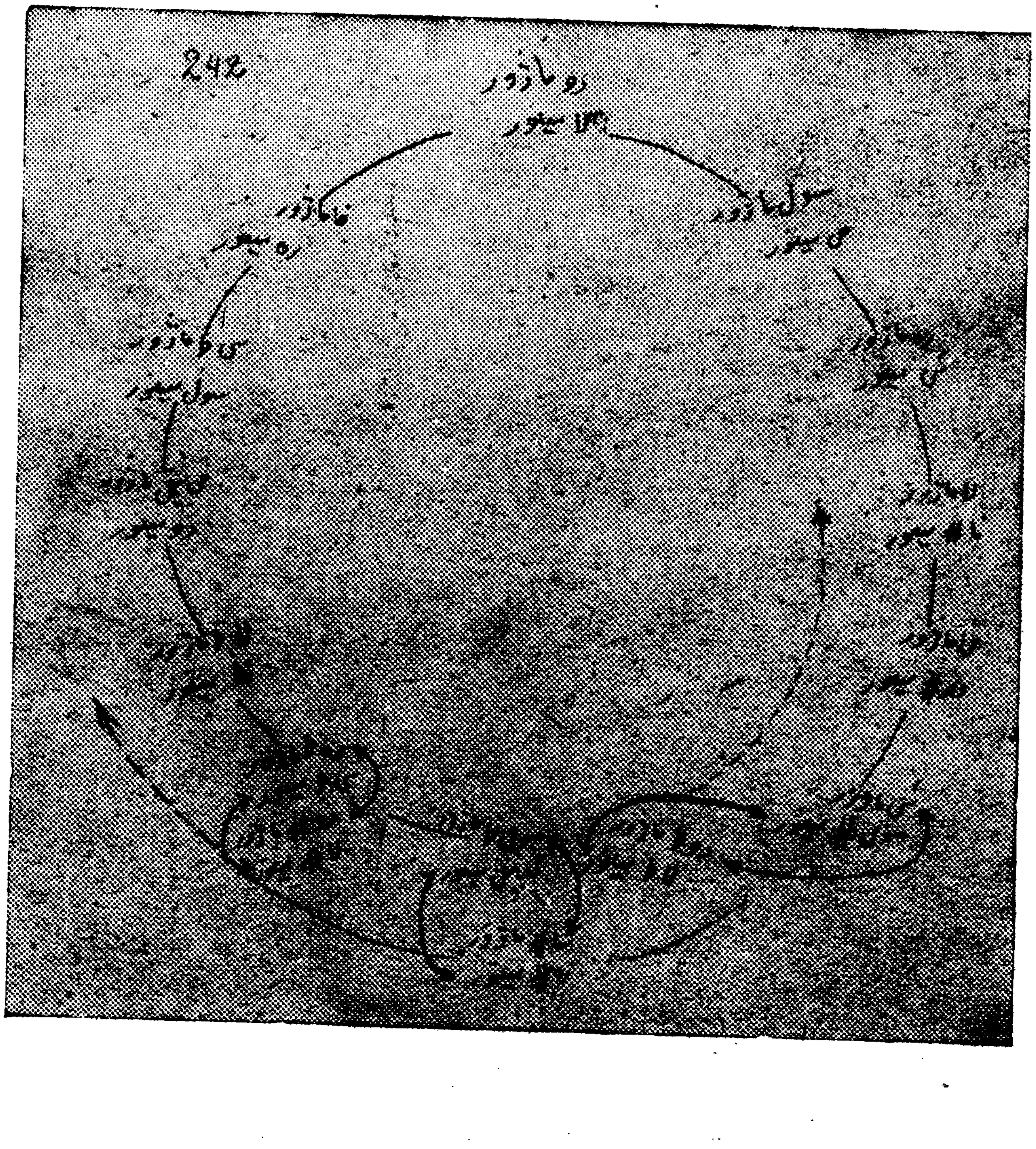

(تابلوی معرفی کنندهٔ تونالیته ها و اصوات توسط اعداد و حروف)

مرتبه های ردیف صوت اساسی

C / c — دو
D / d — ره
E / e — می
F / f — فا
G / g — صول
A / a — لا
H / h — سی

مرتبه های نیم تون کم شده	مرتبه های نیم‌تون زیادشده
Ces / ces — دو بمیل	Cis / cis — دودیز
Des / des — ره بمیل	Dis / dis — ره دیز
Es / es — می بمیل	Eis / eis — می دیز
Fes / fes — فا بمیل	Fis / fis — فا دیز
Ges / ges — صول بمیل	Gis / gis — صول‌دیز
As / as — لا بمیل	Ais / ais — لا دیز
B / b — سی بمیل	His / his — سی‌دیز

معنی تونالیته ها توسط حروف قرار ذیل است :

برای معرفی تونالیته های ماژور حروف بزرگ ، و برای مینور حروف خورد استعمال میگردد همچنان ، در مقابل حروف کلان ماژور کلمه ایطالیائی ماژور (dur) نیز اضافه میگردد . درمقابل حروف خورد (مینور) کلمه ایطالیائي (moll) استعمال میگردد .

مثلاً As ، dur - g ، moll - B ، dur - D، dur - h ، moll
E ، dur - Cis ، moll - f ، moll

وظیفه شصت ویکم

تونیک تونالیته های ماژور را که به ترتیب بعد از هر کوینت صاف میآیند اولاً به ترتیب بالا رونده و بعداً به ترتیب پائین رونده بوجود بیاورید و به تعقیب آن اسم آنها را ، وبعداً توسط حروف لاتین آنها را تلفظ کنید مثلاً - :

ره ماژور - D - dur لا ماژور A - dur ، می ما ژور E - dur

سی ماژور H - dur و غیره ویا فاماژور F - dur ، سی بمیل ماژور B-dur
می بمیل ماژور Es - dur لا بمیل ماژور As - dur و غیره و به همین
ترتیب درگام های مینور هم مشق گردد .

وظیفه شصت و دوم

اسمای تونالیته های ذیل را به اسمای لاتین آن تبدیل کنید .
لا ماژور ، فا دیز مینور ، می بمیل ماژور ، دو مینور ، سی بمیل مینور
ره بمیل ماژور ، صول دیز مینور ، سی‌ماژور - بعدازآن اسمای‌لاتین تونالیته
های ذیل را به اسمای دیگر آن تبدیل کنید .

h-moll. D-dur › B-dur, g·moll , Asdur‘f,moll
cis-moll ,E-dur

[سه‌آواز تونیکی بحیث نماینده‌ماژور ومینور]«اکورد»

سه صوت که به‌فاصلهٔ ترس هایکی‌بالای‌دیگر واقع شده‌اند ودرعین زمان
آواز میدهند ـ اکوردی‌را بوجود می‌آوردندکه عبارت‌ازسه‌صوت میباشد.
درنوت ذیل بطور واضح نشان داده شده‌است، که‌آنهابه‌ترتیب ازردیف
صوت جداشده اند .

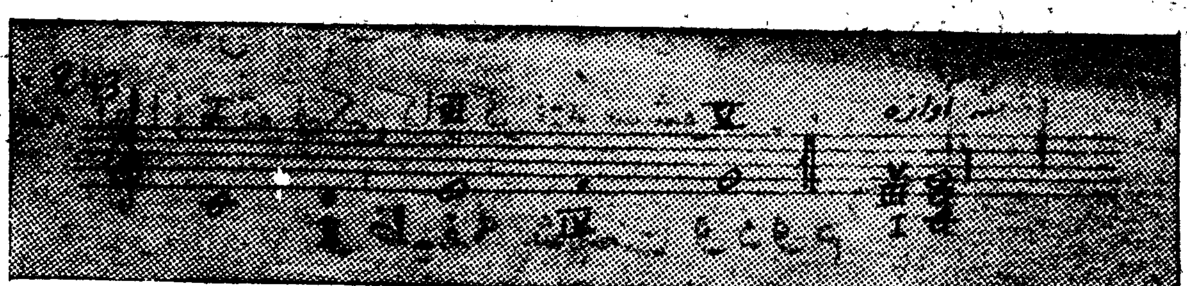

اساس ویاتهداب اکوردرا نوت پائین آن تشکیل میدهد. به این نسبت
اصوات اکوردرا همیشه‌لازم‌است ازطرف پائین بطرف بالانام ببریم ـ درصورت
فوق عبارت ازدو، می،صول خواهد بود .
اگر صوت تحتانی اکوردرا مرتبه اول‌گام تشکیل بدهد (یعنی‌تونیک‌آن)
اکوردآن هم بنام سه‌آوازهٔ تونیکی یاد میشود.
درسه آوازهٔ تونیکی مرتبه‌های I.III وV گام حصه‌میگیرند. برای پیدا
نمودن ماژور ویا مینور بودن گام معنی حل کننده را مرتبه سوم‌آن دارا
میباشد.

درسه‌آوازۀ تونیکی ماژور ـ مرتبه‌سوم (III) همرای مرتبه‌اول (تونیک) انتروال ترس بزرگ، همرای مرتبه‌پنجم انتروال ترس‌خورد را بوجود می‌آورد .

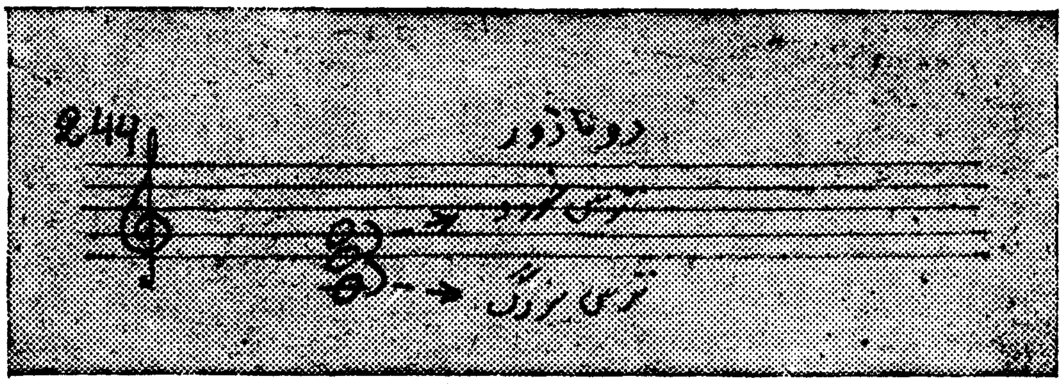

درسه آوازۀ مینور مرتبه سوم (III) همرای مرتبه‌اول (تونیک) (I) ترس خورد وهمرای مرتبه‌پنجم (V) انتروال ترس بزرگ را بوجود می‌آورد .

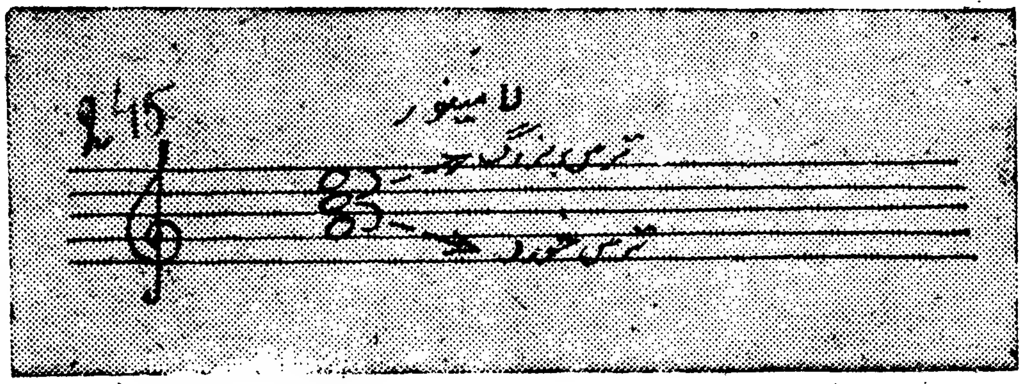

برای گوش موزیسین سه آوازۀ تونیکی، واضحترین نشان دهنده تونالیته است، مخصوصاً به همین نسبت است، که برای سر نمودن اساسی گوش آواز خوان‌ها، ازسه آوازۀ تونیکی کارگرفته میشود .

وظیفه شصت ودوم

درتمام‌تونالیته های ماژورومینور سه‌آوازۀ تونیکی ژابا رعایت فورمول ساختن سه‌آوازۀ ماژور (ترس‌بزرگ وبعدازآن ترس خورد) وبرای سه آوازۀ مینور ترس خورد و بعد ازآن ترس بزرگ بسازید این‌سه آوازه‌های ماژور ویامینور بدست آمده را بنوازید ویابخوانید .

تونالیته های همنام یا رابطه دار وموازی

از ۱۵ تونالیته ماژور تنها تونالیتۀ دو ماژور از دیگران بـه این وسیله فرق میشود، که ردیف صوت آن تنها از مرتبه های اصلی تشکیل شده است. وبه این نسبت تونالیتۀ‌د وماژور بعد از کلید کدام علامۀ (کلیدی) ندارد نه دیز ونه بمیل .

از ۱۵ تونالیته مینور، تنها تونالیتهٔ لامینور کدام علامهٔ کلیدی ندارد یعنی مرتبه های آن را نیز مرتبه های اصلی تشکیل داده است این دو تونالیته از نظر تشکیلات همجنس هستند . اما از نظر رنگ، حالت وتون اساسی از یکدیگر واضحاً فرق میشوند. به این ترتیب دوگام مذکور بنام موازی یاد میشود در هر جوره تونالیته موازیَ تون اساسی ماژور ، از تون اساسی مینور، به اندازه ترس خورد همیشه بالاتر واقع میباشد، ونظربه این توافق تون اساسی مینور، از تون اساسی ماژور به اندازهٔ ترس خورد پائین تر واقع خواهد بود .

نمونهٔ توافق تون های اساسی تونالیته های موازی :-

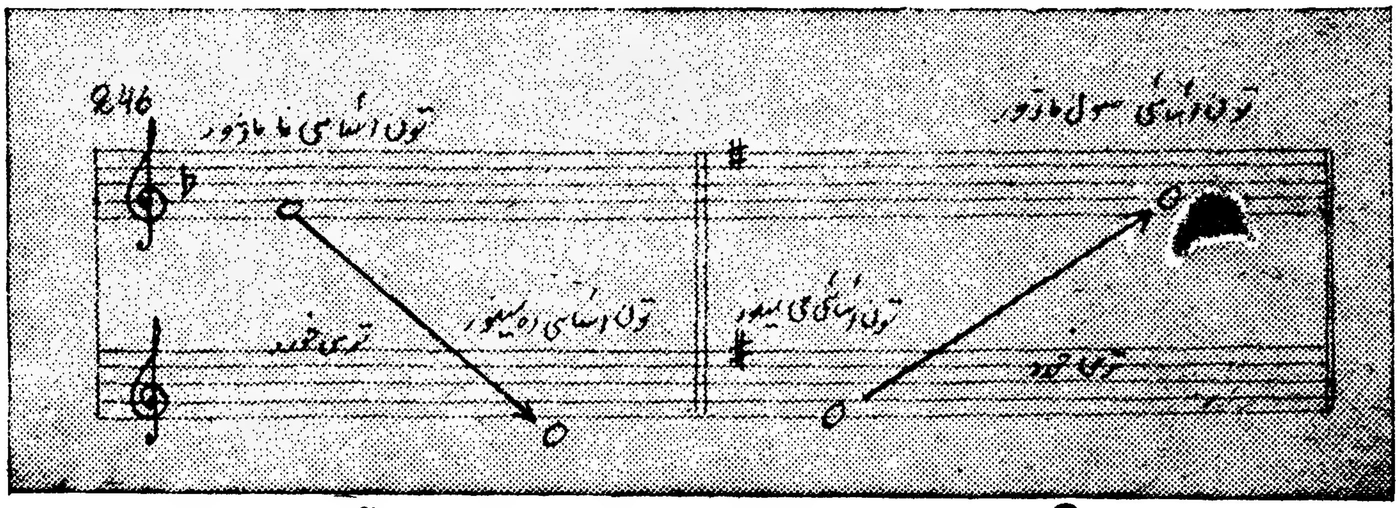

همجنس بودن این دو تونالیته تا اندازهٔ بهم نزدیک هستند، که آن ها به آسانی خود را به یکدیگر تبدیل نموده میتوانند. حتی دریک میلودی- نمونهٔ یک تصنیف را که در دو تونالیته موازی تحریر شده است تقدیم میکنیم .

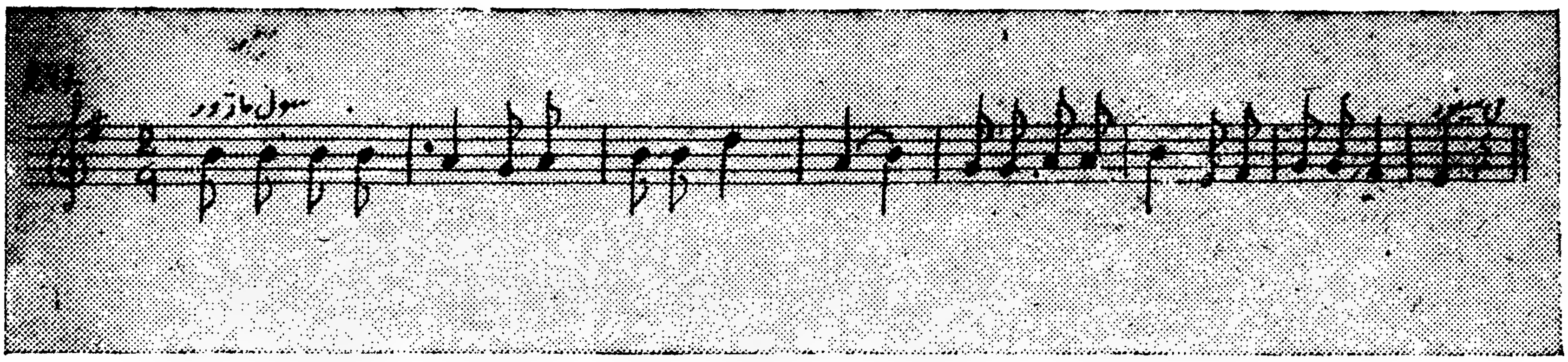

تونالیته های همنام - عبارت از آن تونالیته هائیست ، که تون اساسی آن ها همنام باشند, اما گام آن فرق داشته باشد مثلاً - می ماژور ومی مینور، سی بمیل مینوروسی بمیل ماژور - فادیز ماژور وفادیز مینور .

وظیفهٔ شصت و سوم

برای تونالیته های که در ذیل تذکار داده شده ، تونالیته های موازی آن ها را نام ببرید، لا مینور، ره ماژور، صول مینور،می بمیل ماژور-فادیز مینور ، لا بمیل ماژور .
سه آوازهٔ تونیکی‌تونالیته‌های موازی را یکی‌بعددیگر بخوانید و بنوازید.

معلومات عمومی راجع به تونالیته

غیر از دو ماژور ولا مینور، تمام تونالیته های متباقی در ردیف اصوات خود ها یک و یا چند مرتبهٔ تولیدی داشته میباشند .
اگر مرتبه های تولیدی‌در تونالیته، از بلند بردن مرتبه های اصلی بوجود آمده باشد درین صورت این نوع تونالیته هـا بنام تونالیته‌دیـز دار یـاد میشوند. اگر مرتبه های تولیدی در تونالیته توسط پائین آوردن مرتبه اصلی بوجود آمده باشند ـ این نوع تونالیته ها بنام تونالیته بمیل دار یاد میشوند.
معرفی کننده ویا نشان دهنده تونالیته های دیز دار یا بمیل دار عبارت از علامات دیز یا بمیل هستند که بعداز کلید قرار داده میشوند .
ترتیب علامات کلیدی دیز در تونالیته های دیز دار .

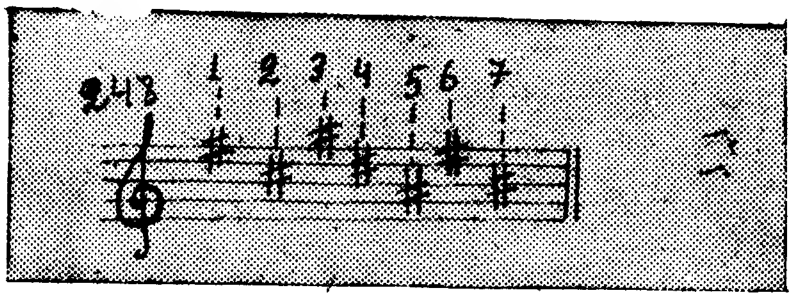

۱ـ فادیز ۲ ـ دو دیز
۳ ـ صول دیز ـ ٤ ـ ره دیز
۵ـ لادیز ـ ٦ ـ می‌دیز ـ ۷ ـ سی‌دیز .

ترتیب علامات کلیدی بیمل درتونالیته های بیمل دار

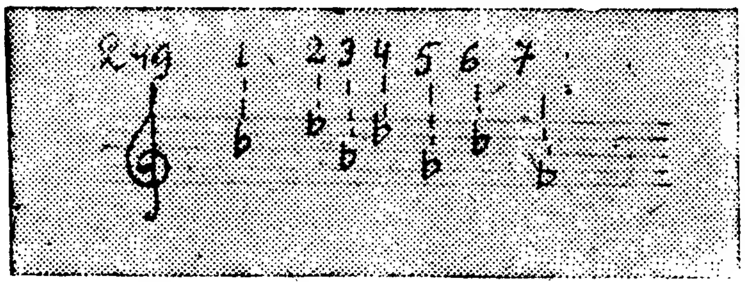

۱ـ سی بیمل-۲- می بیمل -۳- لا بیمل
٤ـ ره بیمل -۵- صول بیمل -٦-دو بیمل
۷ـ فا بیمل

هریک ازعلامات کلیدی دوتونالیته موازی‌رامعرفی‌میکنند(یک تونالیته ماژور ویک تونالیته مینور) اینک یک تضیف ماژور که دارای یک دیز بعد ازکلید است .

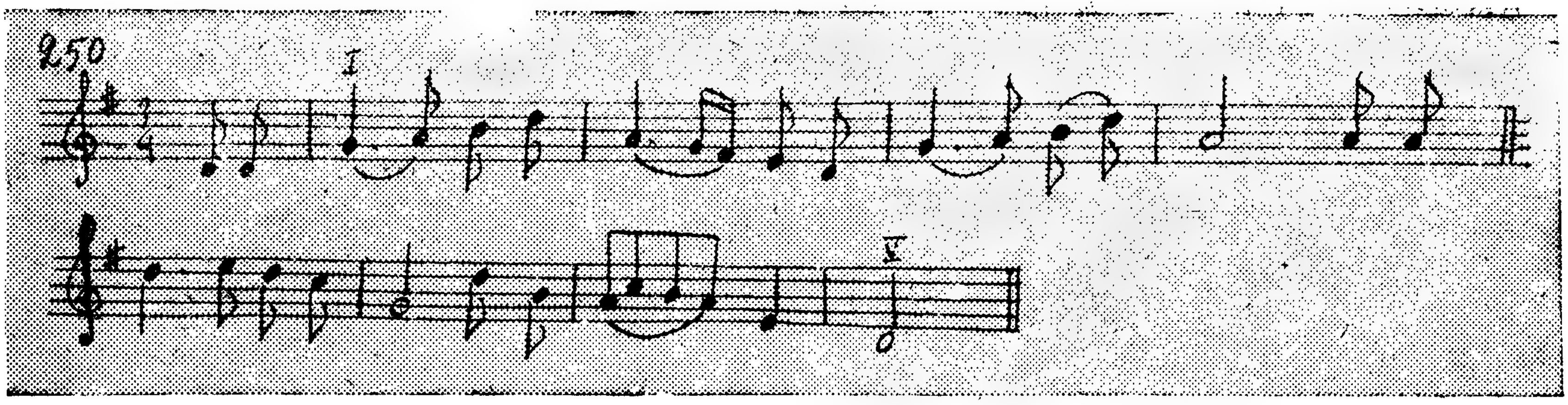

نمونه تصنیف مینور که همچنان دارای یک دیز بعد از کلید است .

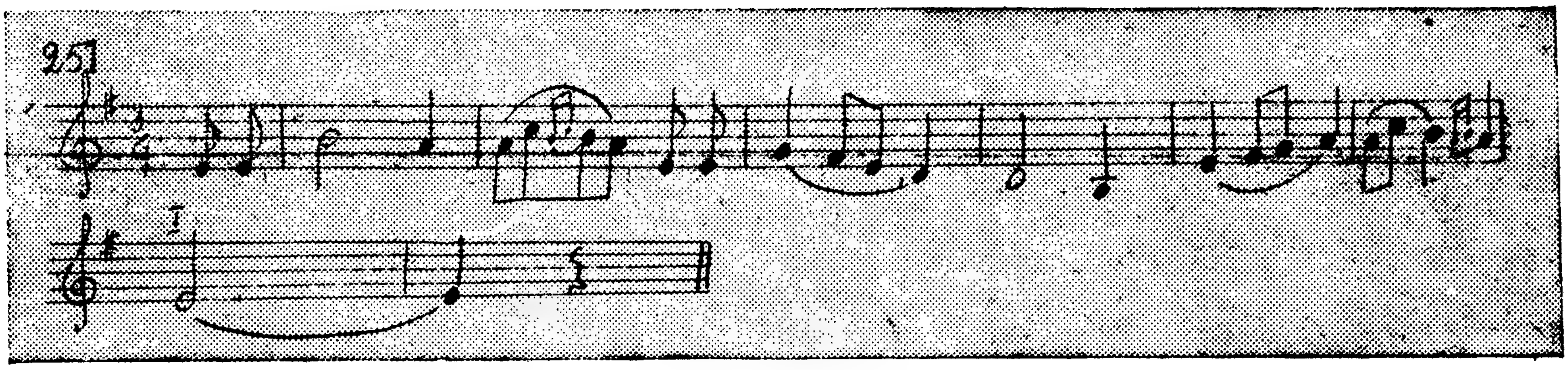

تون اساسی تصنیف اول صول و تون اساسی تصنیف دوم می میباشد در عین حال علامهٔ مشترك در هردو تصنیف عبارت از دیز است که درهردو مثال فوق بالای نوت فا تصادف میکند وآنرا فادیز می‌سازد .

ردیف صوت تصنیف ماژور باتون اساسی صول

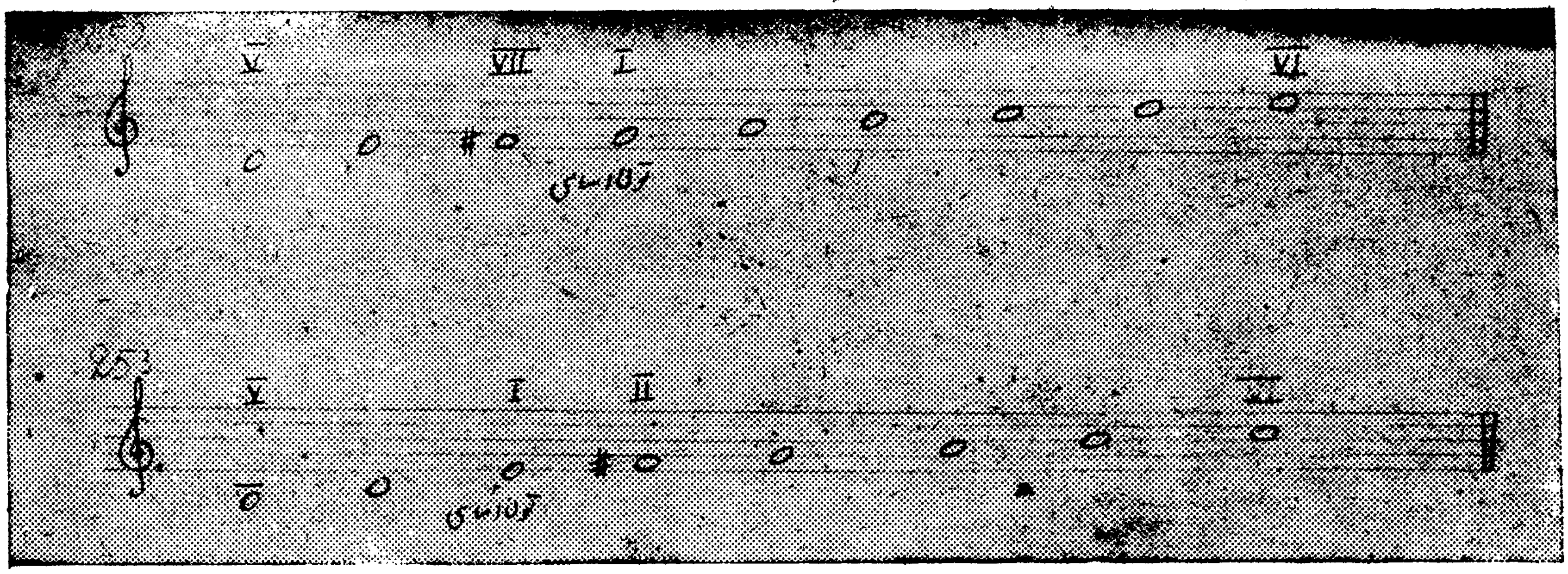

صوت اشاره شده توسط فادیز ، درردیف صوت ماژور (وسلسلتاً درتصنیف ماژور) مرتبه VII میباشد . ودرردیف صوت مینور (وهم درتصنیف مینور) مرتبه II بوده واین نوع تغیر مرتبهٔ عین صوت مربوط است به تغیر ردیف صوت گام وتصنیف .

مثال واضح کنندهٔ گفتار فوق

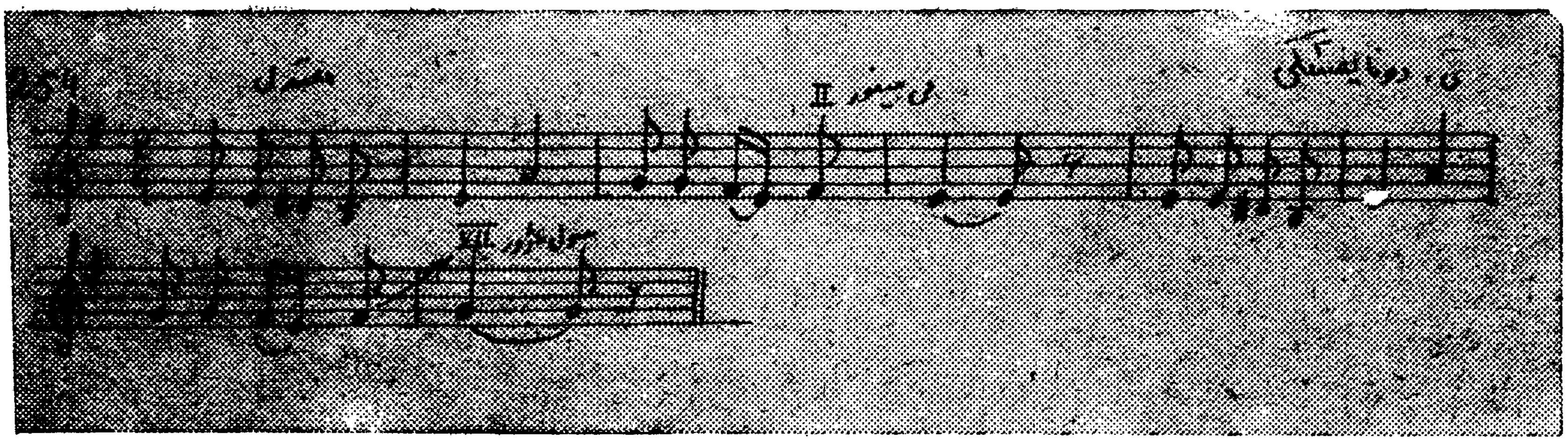

(تونالیته‌هائیکه دارای علامه کلیدی نیست)

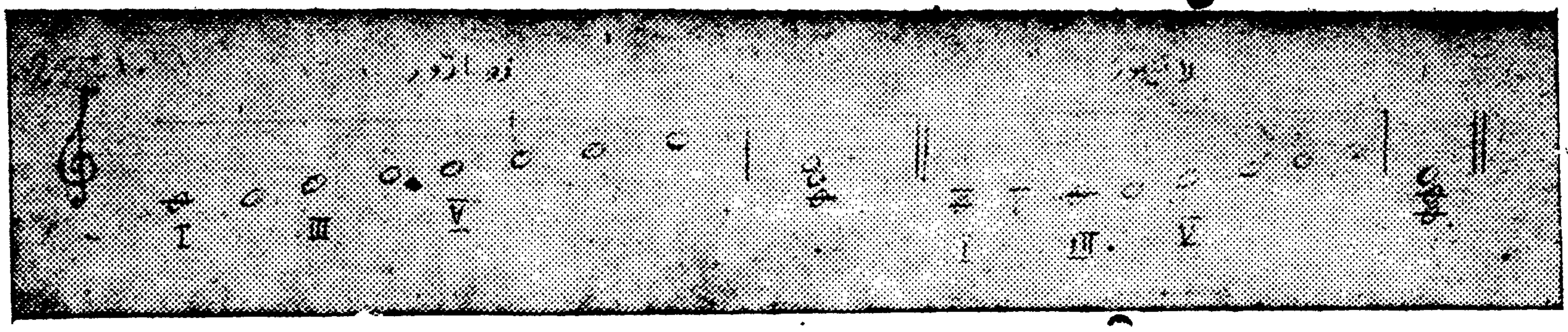

(تونالیته لری دیزه لر

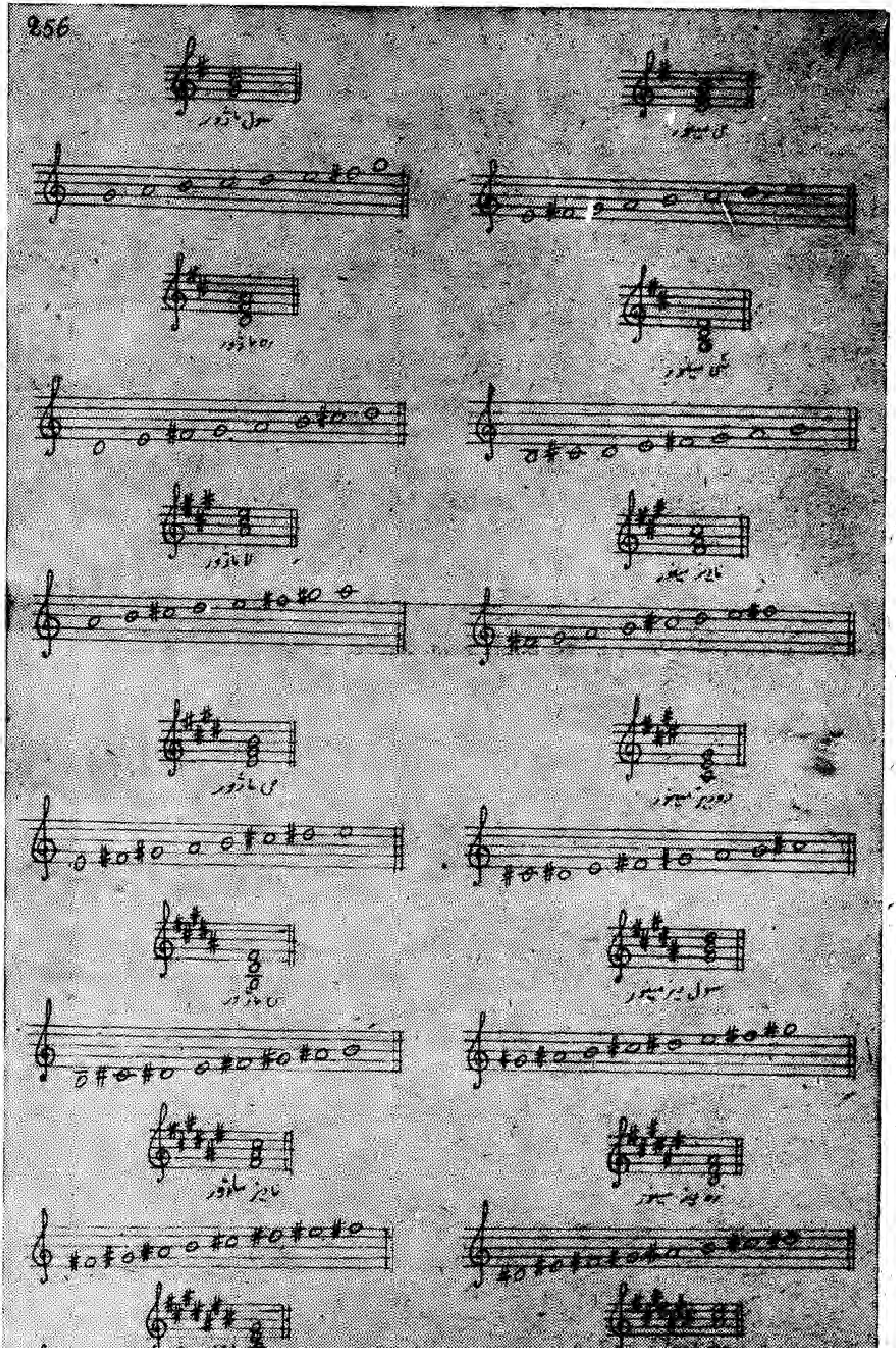

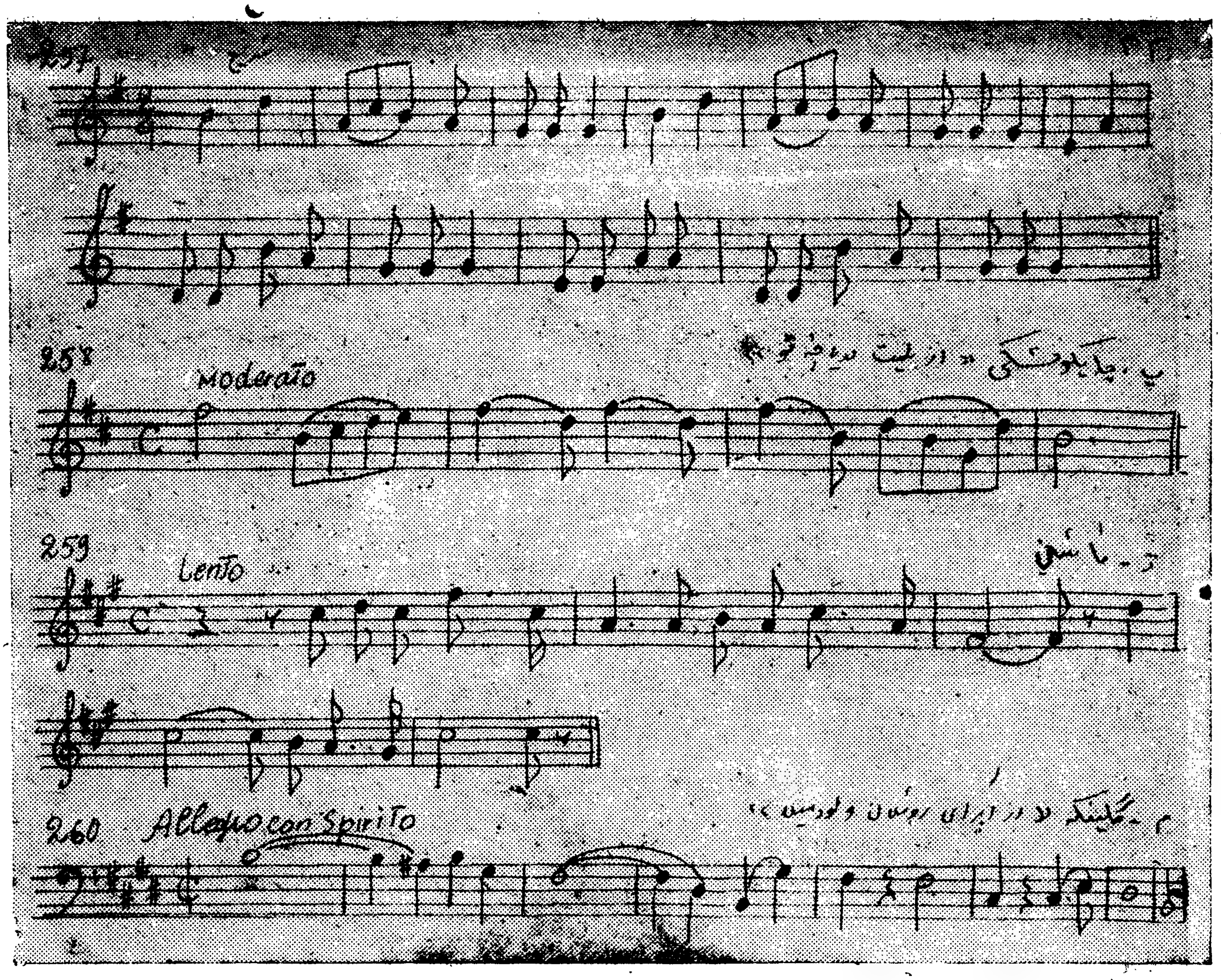
258
Moderato
259
Lento
260
Allegro con spirito

تونالیته های بمل دار

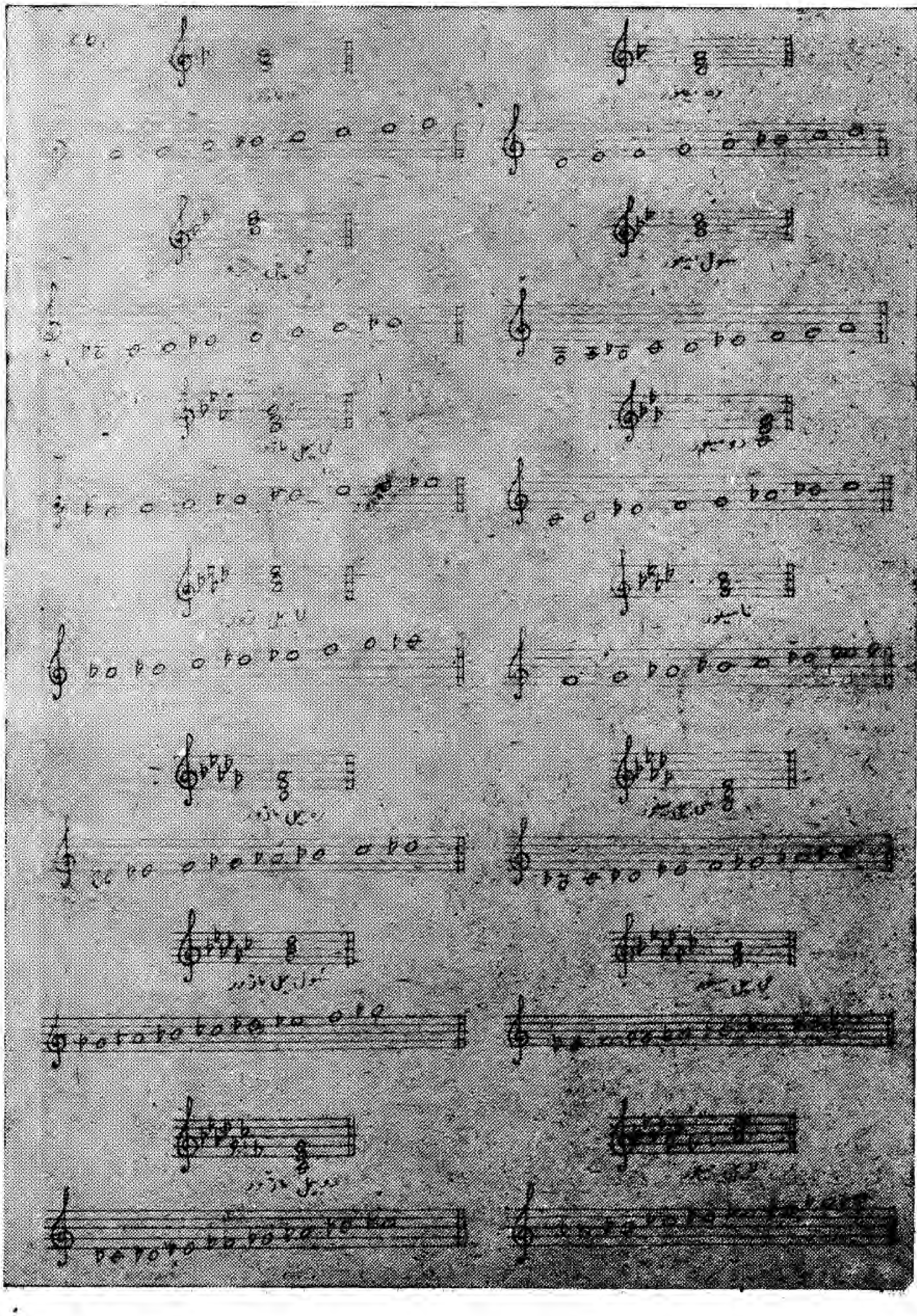

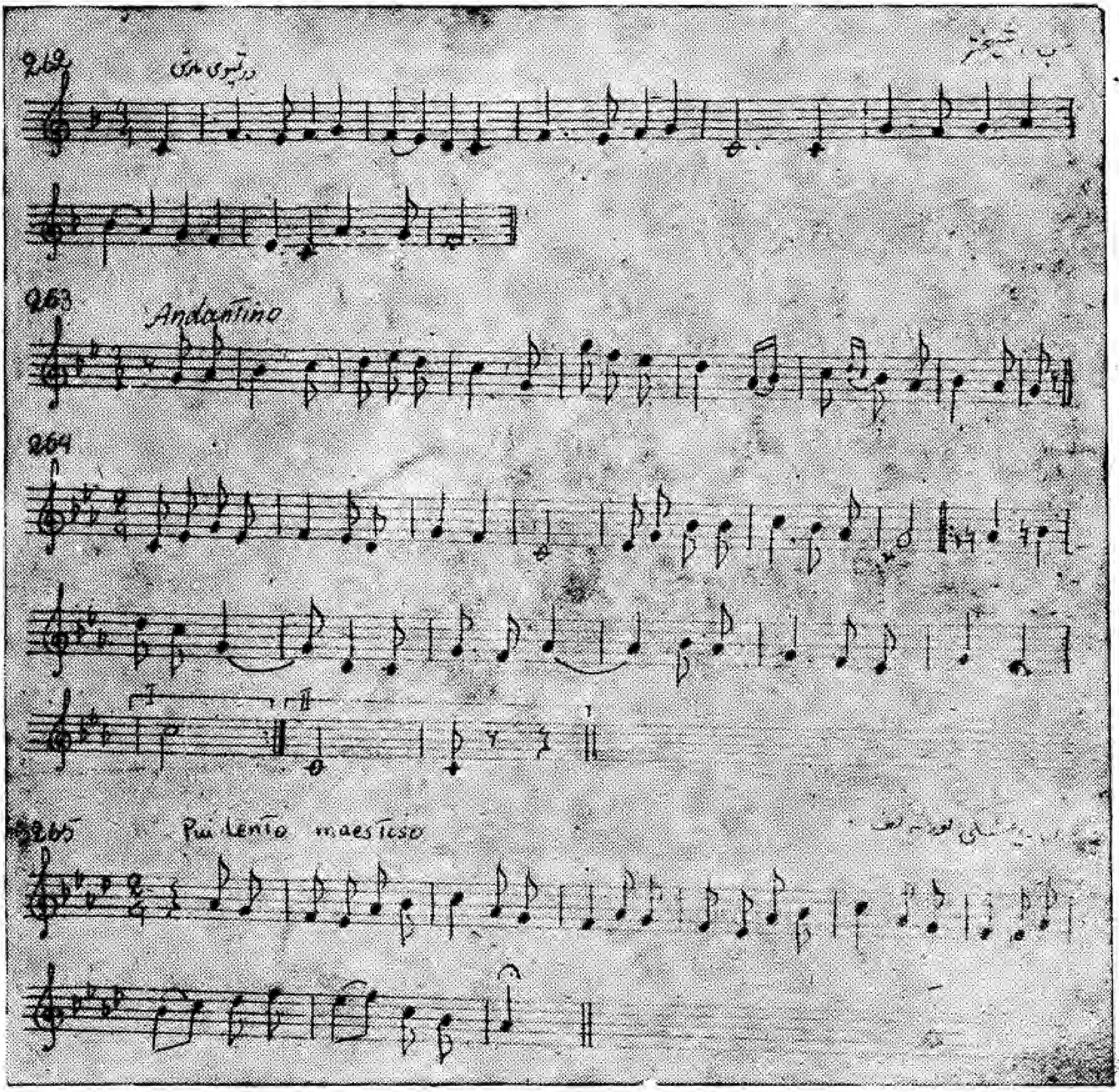

وظیفه شصت و چهارم

از مثالهای فوق ردیف صوت گام ،وسه آوازهٔ تونیکی تمام تصنیف های دیزدار وبمیل دار را پیدا نموده ، وبعداً آن هارا بنوازیـد و بخوانید. همچنان درآثار دیگریکه فراگرفته شده است هم عین وظیفه را انجام بدهید .

وظیفهٔ شصت و پنجم

تونالیته‌های ماژور ومینور را بطور بالا رونده وپائین رونده ، با تلفظ نمودن اسمای نوت بخوانید. (یعنی دروقت خواندن علامات کلیدی را در نظرگرفته ودقت مخصوص به آن قسمت ها که نیم‌تون را بوجود می آورند کرده شود) .

وظیفهٔ شصت و ششم

ردیف صوت گام های ماژور و مینور را نوشته ، و توسط اعداد رومی نیم تونی های آن را اشاره کنید .

وظیفهٔ شصت و هفتم

آن تونالیته را پیدا کنید که عین صوت به ترتیب مرتبه های :

$I \cdot II \cdot IV \cdot V \cdot VI \cdot VII$ واقع میگردد (البته در گام های ماژور و مینور) تونالیته های مذکور را به ترتیب از اصوات ذیل معلوم میکنند،

دو ، ره ، می ، فا، صول ، لا ، سی

ره بمیل = دودیز سی بمیل = ره دیز فادیز = صول بمیل

صول دیز = لا بمیل – لادیز = سی بمیل .

طریق حل . مثلا صوت دو .

صوت دو – مرتبهٔ اول (I) در گام دوماژور ودومینور .

« « – « دوم.(II) در تونالیته سی بمیل ماژور وسی بمیل مینور

« « – « سوم (III) در تونالیته لابمیل ماژور

به معنی مرتبهٔ III مینور همین صوت دو درتونالیته های دیگر که دارای تون اساسی دیگری هستند هم بملاحظه میرسد مخصوصاً در تونالیته لامینور.

صوت دو – مرتبهٔ چهارم (IV) در تونالیته صول ماژور وصول مینور .

» » – » پنجم (V) در تونالیتهٔ فاماژور وفامینور .

» » – » ششم (VI) » » می بمیل ماژور

به معنی مرتیهٔ (VI) در مینور همین صوت دو ، در تونالیته های دیگری که دارای تون اساسی دیگر هستند بملاحظه میرسد ، مخصوصاً در تونالیته می مینور .

صوت دو– پردهٔ (VII) درتونالیته ره بمیل ماژور و ره بمیل مینور. تونالیته اخیر قابل استعمال نیست چون (هشت بمیل دارد) به این سبب لازم می افتد صوت دو را توسط قانون ان هارمونی به صوت مساوی آن سی دیز تبدیل نمائیم . که این صوت مرتبهٔ هفتم VII را در تونالیته دو دیز مینور (از نظر ان هارمونی مساوی به ره بمیل مینور) تشکیل میدهد .

به این مشق دقت مخصوص باید بخرج داده شود . زیرا این تمرین برای فهمیدن معنی تغیر اسم عین صوت کمک میکند. و ساسلتا شخص را آمادهٔ فراگرفتن پیدایش خیلی پیچده ایکه بنام (مودولیاسیون) یاد میشود میسازد.

ترانسپوزیسیون

ترانسپوزیسیون عبارت از نقل یک اثر موزیک است ، از یک تونالیته به تونالیته دیگر بمقصد اجرا نمودن بهتر و راحت تر آن. اکثراً دو طریق ترانسپوزه مورد استعمال قرار میگیرد .

آ — طریقه پرده ئی (مرتبه) که بصورت ذیل عملی میشود .

مرتبه هر صوت میلودی را معلوم میکنند (در تونالیتهٔ موجوده) بعد از آن همان مرتبه ها را در تونالیته لازمه پیدا نموده می نوازند .

(برای ترانسپوزه ، موقعیت هر صوت نظر به تون اساسی باید پیدا گردد و بعداً همین مسافه ها در تونالیتهٔ جدید استعمال میگردد .)

اینک یک مثال خواندن خلقی که در اصل در صول مینور تحریر شده است.

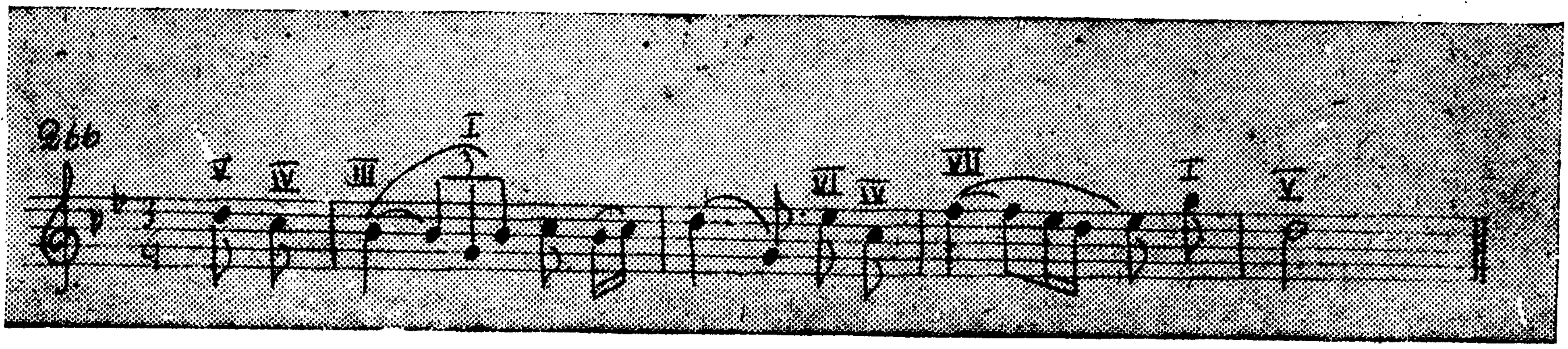

تحریر عین تصنیف که در تونالیته می مینور ترانسپوزه شده است.

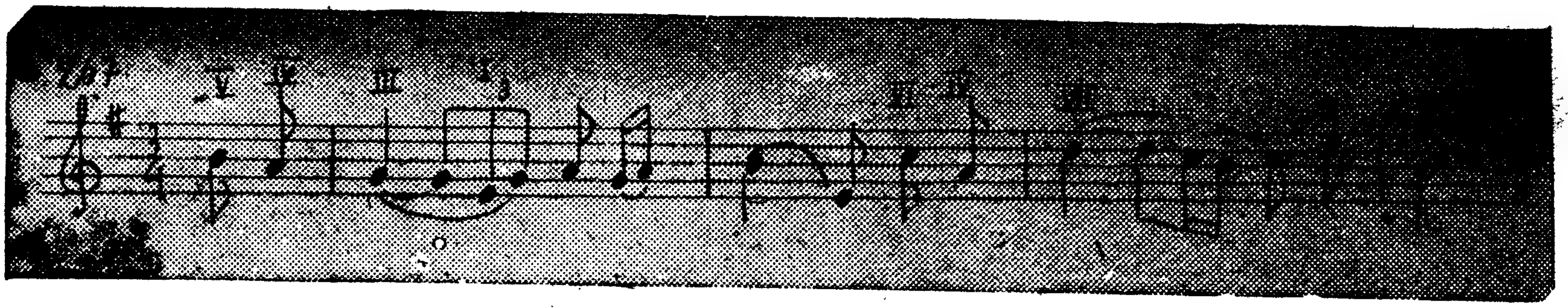

طریقهٔ انتروال ترانسپوزه : ـ بصورت ذیل اجرا میگردد .

هر مرتبهٔ میلودی را به انتروال لازمه بالا و پائین میبرند مثال ذیل در اصل خود در تونالیته صول مینور تحریر شدد است .

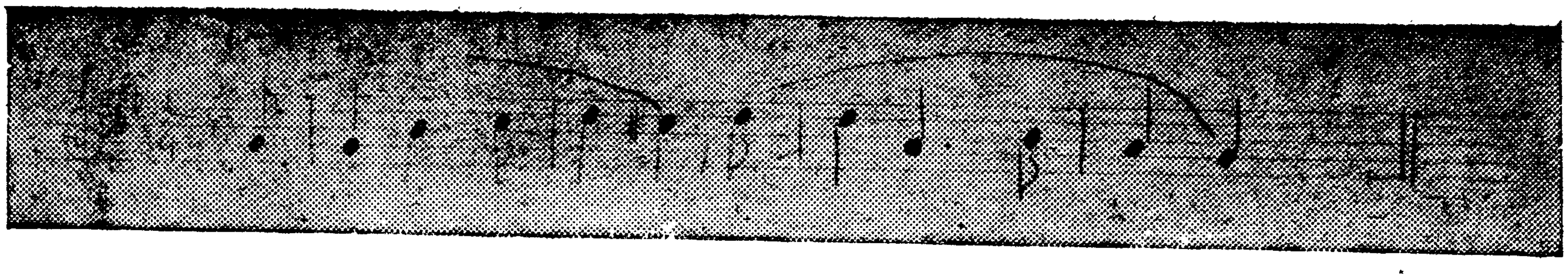

میلودی فوق به‌اندازه کوارت‌صاف پائین آورده میشود یعنی در تونالیته ره مینور .

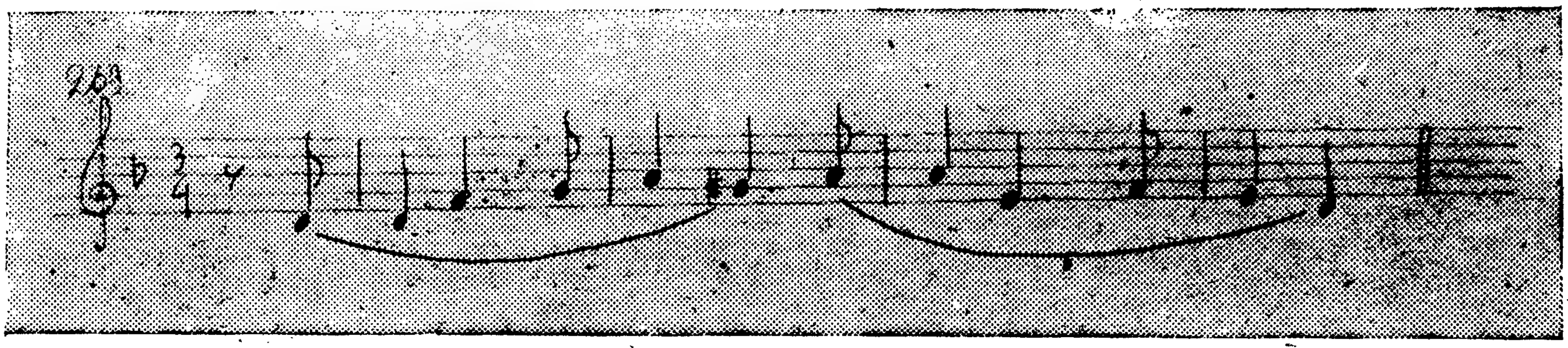

وظیفه شصت و هشتم

مثال ذیل رابه طریق مرتبه ئی ، درتونالیتهٔ ره ماژور ترانسپوزه کنید .

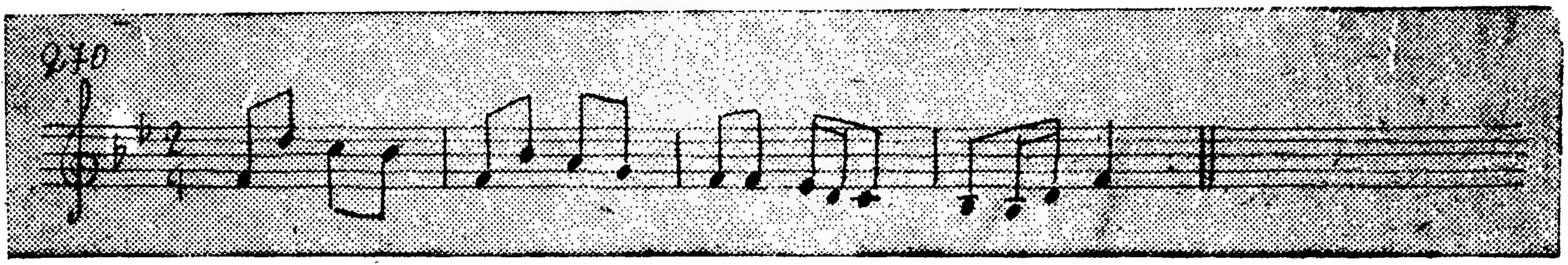

وظیفهٔ شصت و نهم

مثال ذیل را به‌طریقهٔ انتروال‌به اندازهٔ ترس خورد بطرف بالا ترانسپوزه کنید .

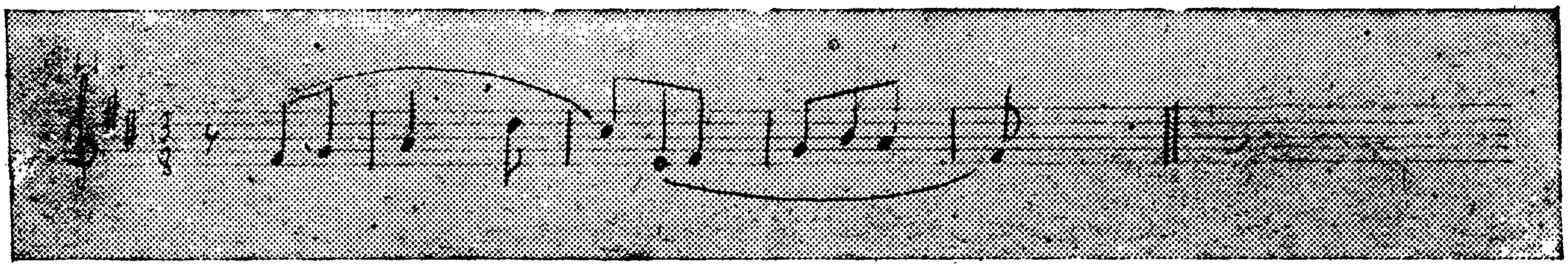

فصل دهم

میلودی و هارمونی

موجودیت هنر موسیقی ، اساس آن و قویترین وسیلهٔ تشریح و بیان آن عبارت از میلودی است .

اکثراً میلودی را بحیث بیان کنندهٔ مفکورهٔ موزیک ، که در یک سلسله نوت های یک آوازه تشریح گردیده می شناسند اگر میلودی تنها از پرده ها یا مرتبه های اصلی تشکیل گردیده باشد (یعنی در تونالیته داده شده نه بلند برده شده و نه پائین آورده شده) درین صورت میلودی مذکور بنام میلودی دیاتونیک یاد میشود .

نمونهٔ میلودی (دیاتونیک در ماژور) -

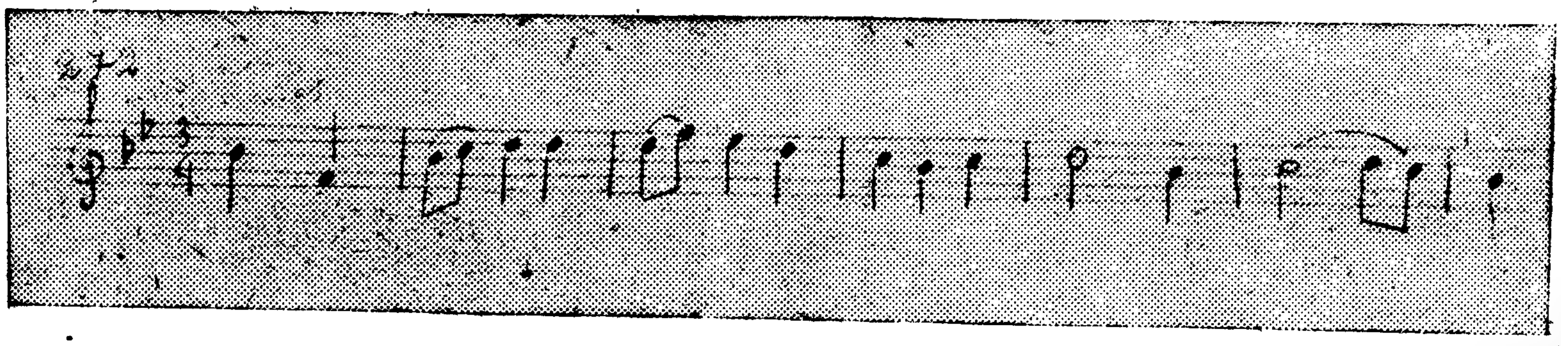

نمونه میلودی دیاتونیک درمینور

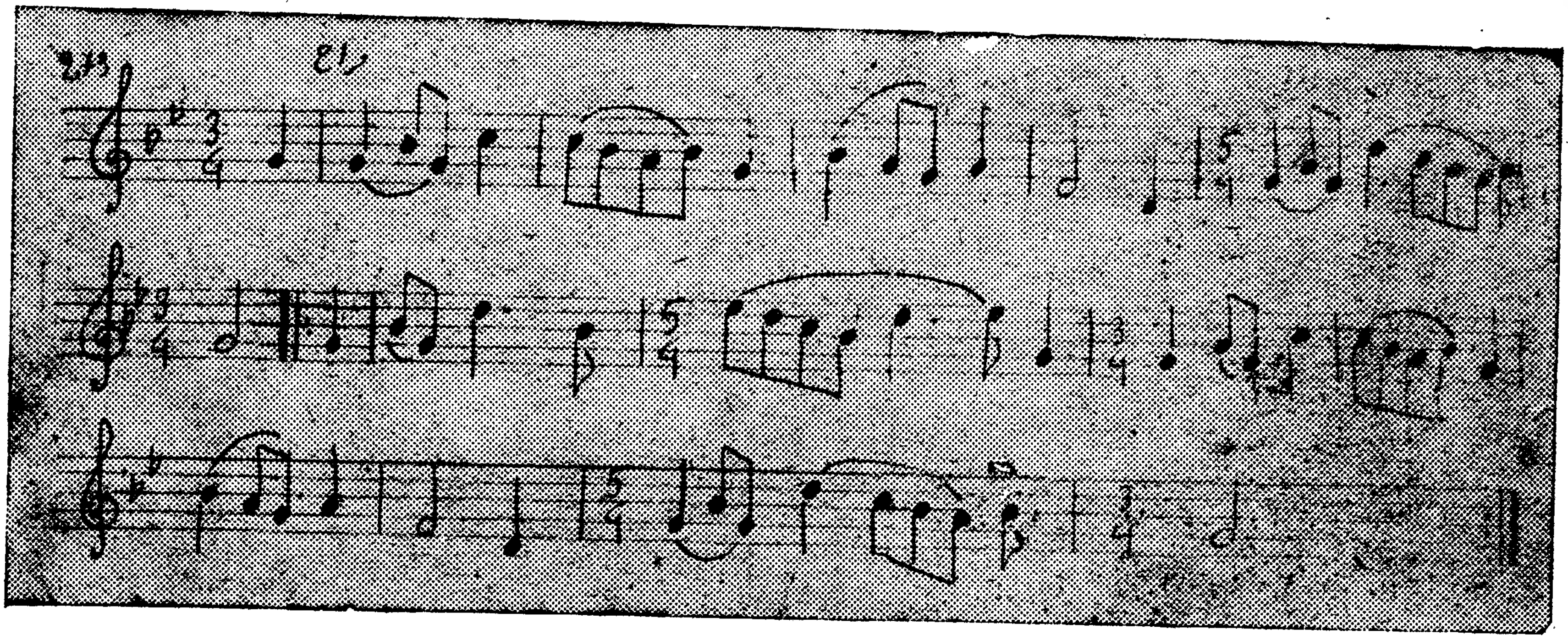

میلودی میتواند در سرحدات تونالیته انتخاب شده ، قرار داشته باشد .
در حالیکه در عین زمان توسط بلند بردن و یا پائین‌آوردن مرتبه های اصلی
آن جالب ترگردد . این طور تزئین کردن میلودی د یا تونیک ، که توسط
اصوات خروماتیک اجرا میشود حالت مخصوصی به میلودی میدهد .
نمونه یک میلودی که توسط اصوات خروماتیک تزئین شده است .

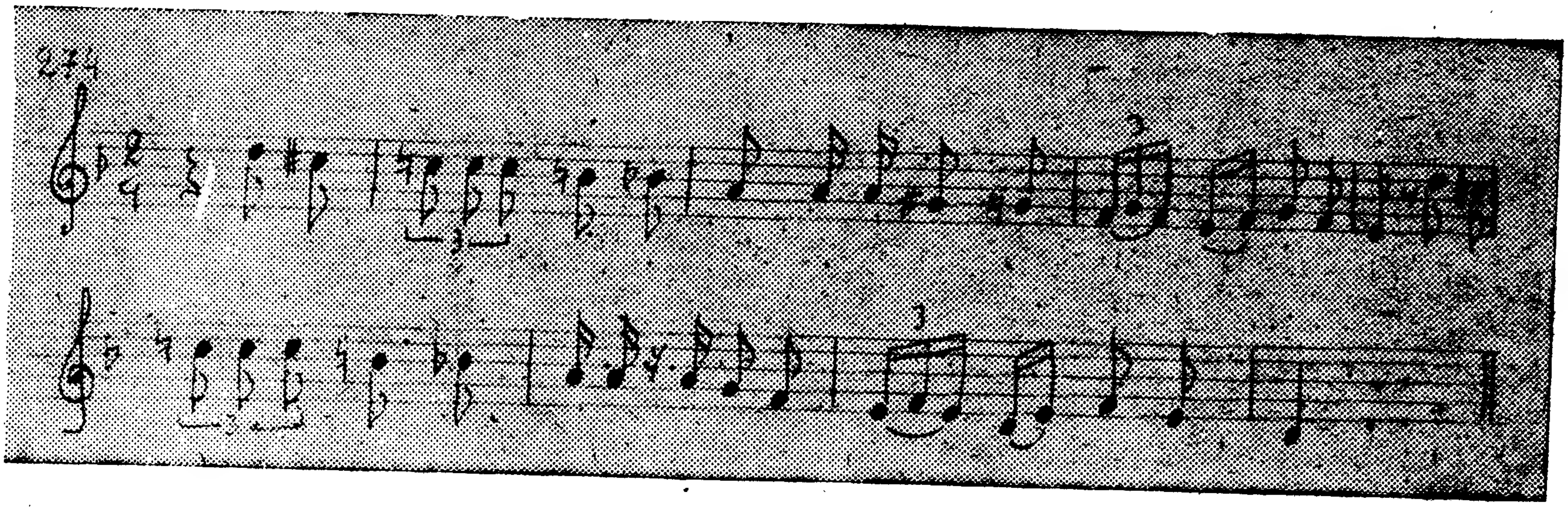

قابل تذکار است که مشکل ساختن میلودی توسط اصوات خروماتیک به
اندازهٔ زیاد وضاحت تونالیته آن را از بین می‌برد .

اهمیت هارمونی در موزیک

در پهلوی میلودی و همراهی کننده همیشگی آن ، یعنی ریتم - قدرت
یاواسطهٔ تشریح کنندهٔ دیگر موزیک عبارت از هارمونی است .
درموزیک هار مونی پیشتر ازهمه در پخش شدن چندین صوت ، درعین
زمان کشف میگردد . که اکورد را بوجود می آورد ، یا به عبارت واضحتر
هارمونی درموزیک عبارت ازارتباط یک سلسله‌اکورد ها میان همدیگراست
که تکیه گاه میلودی بوده ، وآن را از لحاظ کیفیت معتبر می‌سازد - وظیفه
هار مونی از نظرگلینکه کمپوزر مشهور روسی عبارت از ترسیم مکمل
مفکوره ایست که توسط موزیک بیان میگردد .
قدرت بیان موزیک نه آنقدر به قسمت های جدا گانهٔ آن ، بلکه قسمت
زیاد تر ، به توافق وتأثیر مشترک آ نها موبوط است . انتروال به تنهائی
خود آن کیفیتی‌راندارد که‌توافق‌چندین انتروال باهم دارند ، (یعنی حرکات
میلودیک چند انتروال) قیمت صوت ، آن قدر اهمیتی را ندارد که چندین
قیمت صوت باتوافق ریتمی باهم دارند . (یعنی حرکات ریتمی آ نها)

همچنان اکورد های تنها ، آنقدر کیفیت را ندارند ، که توافق چندین اکورد بوجود می‌آورد (یعنی حرکات هارمونی آن ها) .

اکورد های مهم یک گام

اکورد های مهم یک گام را سه آوازهٔ مرتبه I، IV و V وسپت اکورد ها ، بالای مرتبه های II ، VII و V تشکیل میدهند .

سه آوازه مرتبه های مهم

به پرده ها یا مرتبه های مهم یک گام مربوط میشوند : پرده یا مرتبهٔ اول گام (I) تونیک پردهٔ IV سوب دومی نانت ، وپردهٔ V دومینانت .
سه آوازه هائیکه بالای پرده های مهم گام ساخته شده اند ، بنام سه آوازه های مهم یاد میشوند .

تونالیتهٔ دوماژوره :

سه آوازه تونیک　　سه‌آوازه سوب‌دومینانت　　سه آوازه دومینانت

تمام سه آوازه های فوق ، به شکل اصلی آن آورده شده اند ، درشکل اصلی اکورد ، صوت اول آن بنام اساس یاپریم یاد میشود . اگر به عوض صوت اول اکورد (پریم) کدام صوت دیگری از اصوات اکورد ، اساس قرار میگیرد (ترس یا کوینت اساس قرار بگیرند) درین صورت این تغییر شکل را بنام دور خوردن آن یاد میکنند .

دور خوردن اول سه آوازهٔ های مهم گام

سکست اکورد دومینانت - سکست اکورد سوب دومینانت- سکست اکورد تونیکی

دورخوردن دوم سه آوازهٔ مهم

دومینانت کوارت سکست اکورد ، سوب دومینانت کوارد سکست ، کوارد سکست اکورد تونیکی .

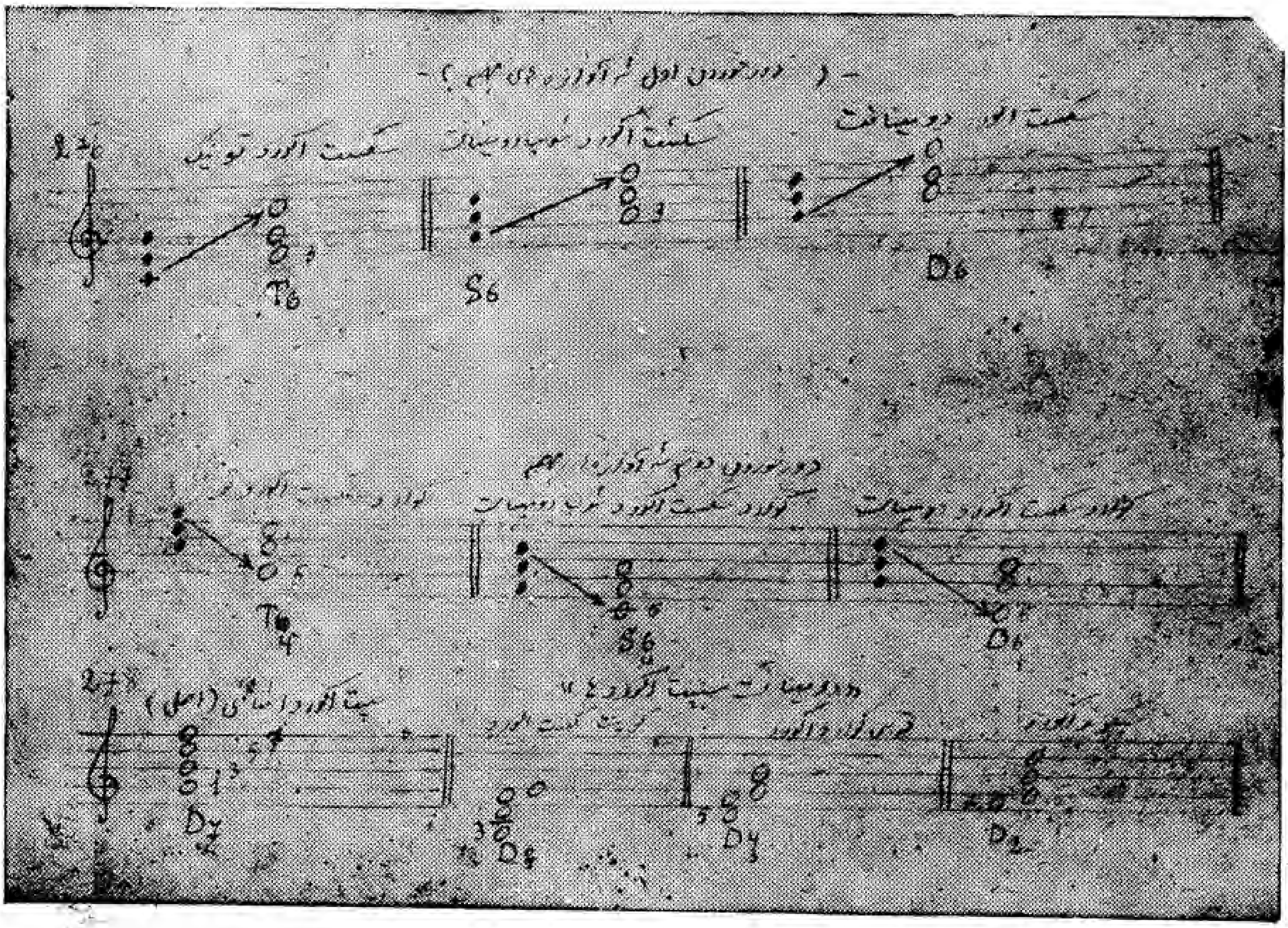

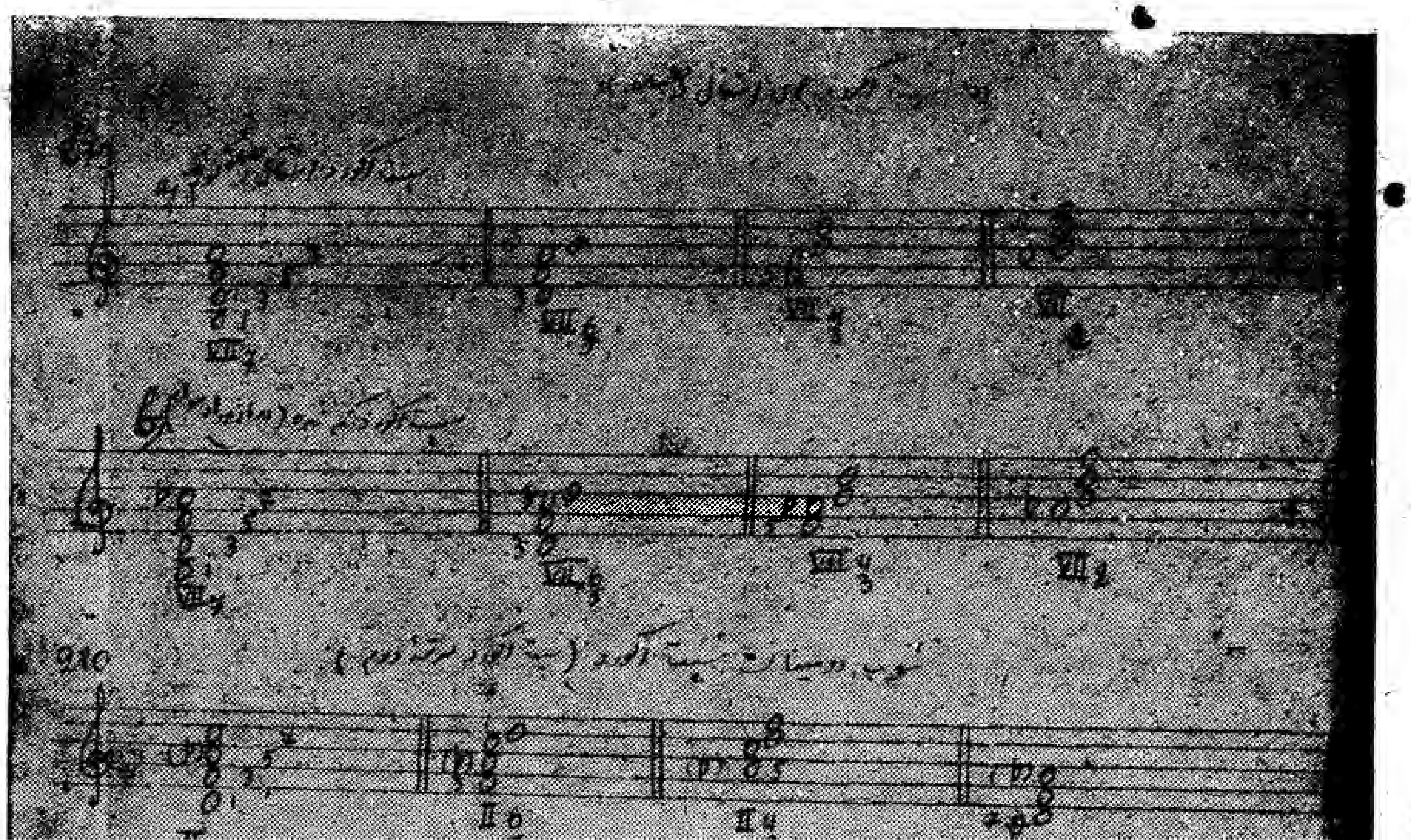

تابلوی مهمترین اکوردهای گام مینور

تونالیته لامینور .

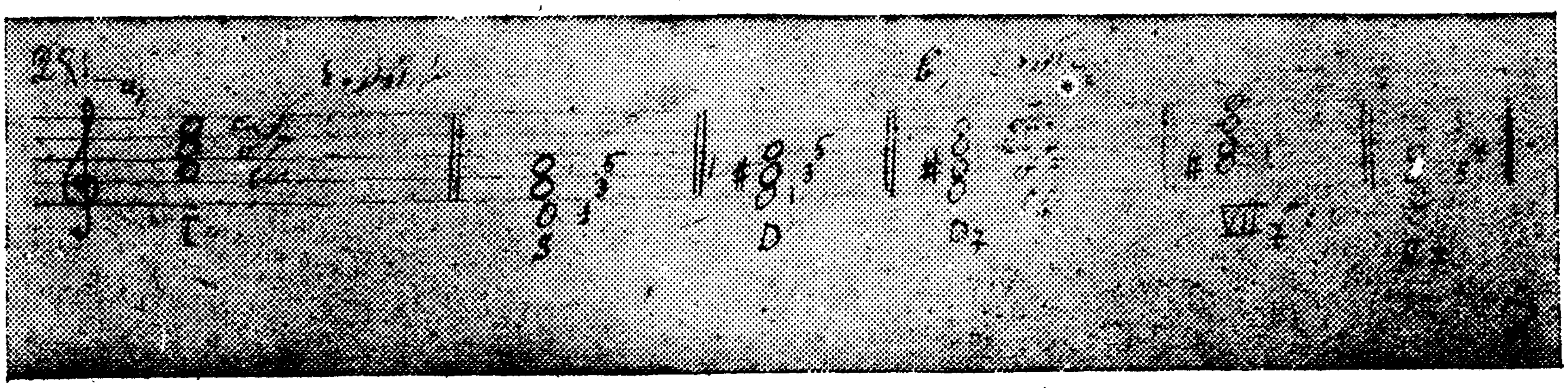

معرفی هارمونی

سه آوازه تونیکی : سرچشمه اصلی ، معرفی کنندهٔ آرامی و ختم مکمل هارمونیکی است . به این نسبت آثار موسیقی تقریباً همیشه بـه تونیک ختم میشود .

جملهٔ موزیک که به تونیک ختم میشود ازجملات دیگر یکه به اکوردهای دیگر وغیر از تونیک ختم میشوند آرامتر وختم شده ترپخش میگردد .

نمونهٔ جمله ختم‌شده .

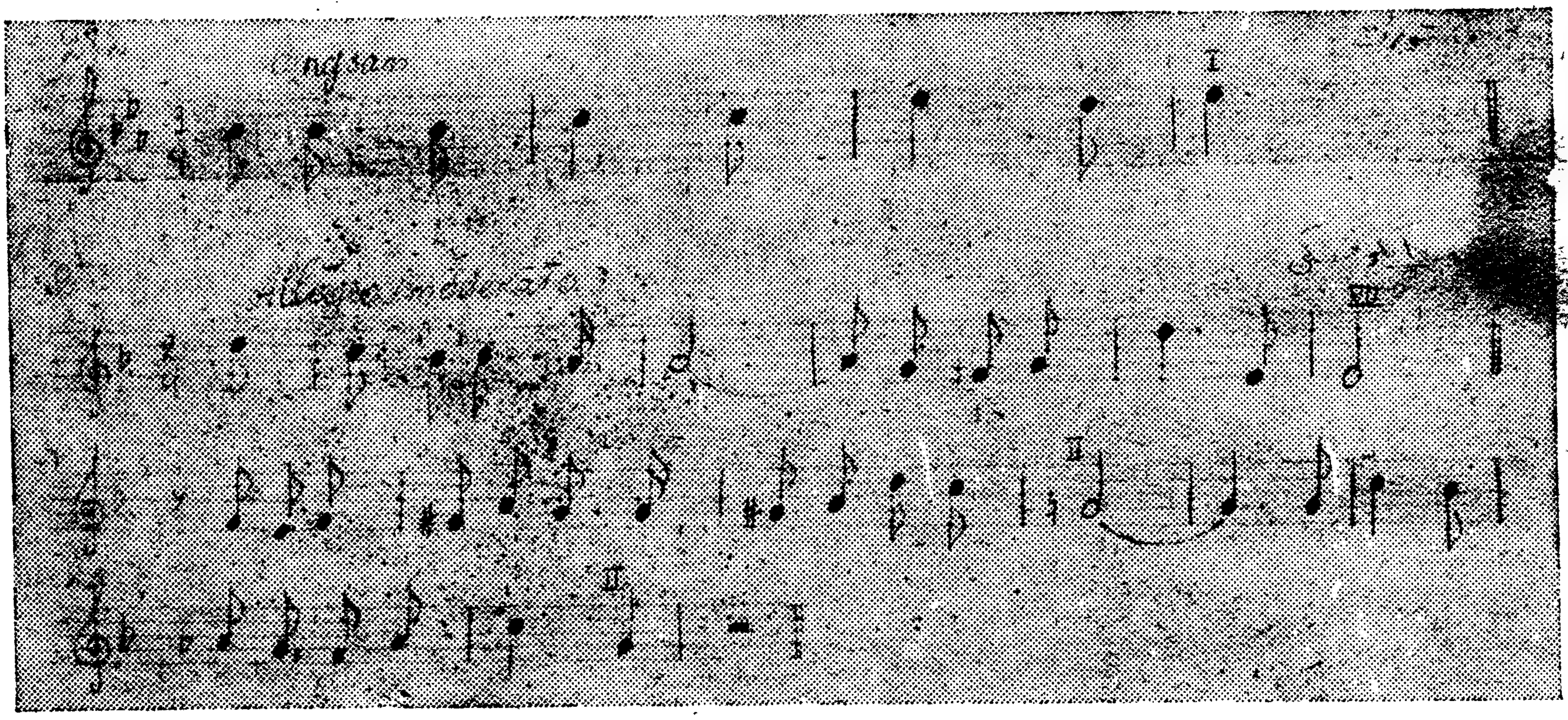

هارمونی دومینانتی* در حقیقت خود پر قدرت است . یعنی در داخل آن ، حرکات هارمونی آینده داخل بوده وتوسط گوش این حرکات تقاضا میگردد درهارمونی های دومینانت های مختلف ، صوت نقل دهنده گام وجود دارد. (سپتیم) یعنی آن قسمت موزیک که برای آن تبدیل هارمونی لازم می‌افتد.

دو مینانت ها باقدرت مخصوص دینامیزم در دومینانت سپت اکورد هاودرسپت اکورد هـای نقل دهنده ، به اثـر مـوجـودیت دیسیونـانس کنندهٔ روشن (سه‌تون) پیدا میشوند .

نمونه یک‌اثر یکه بالای‌هارمونی‌تونیک ودومینانت‌بوجود آورده میشود.

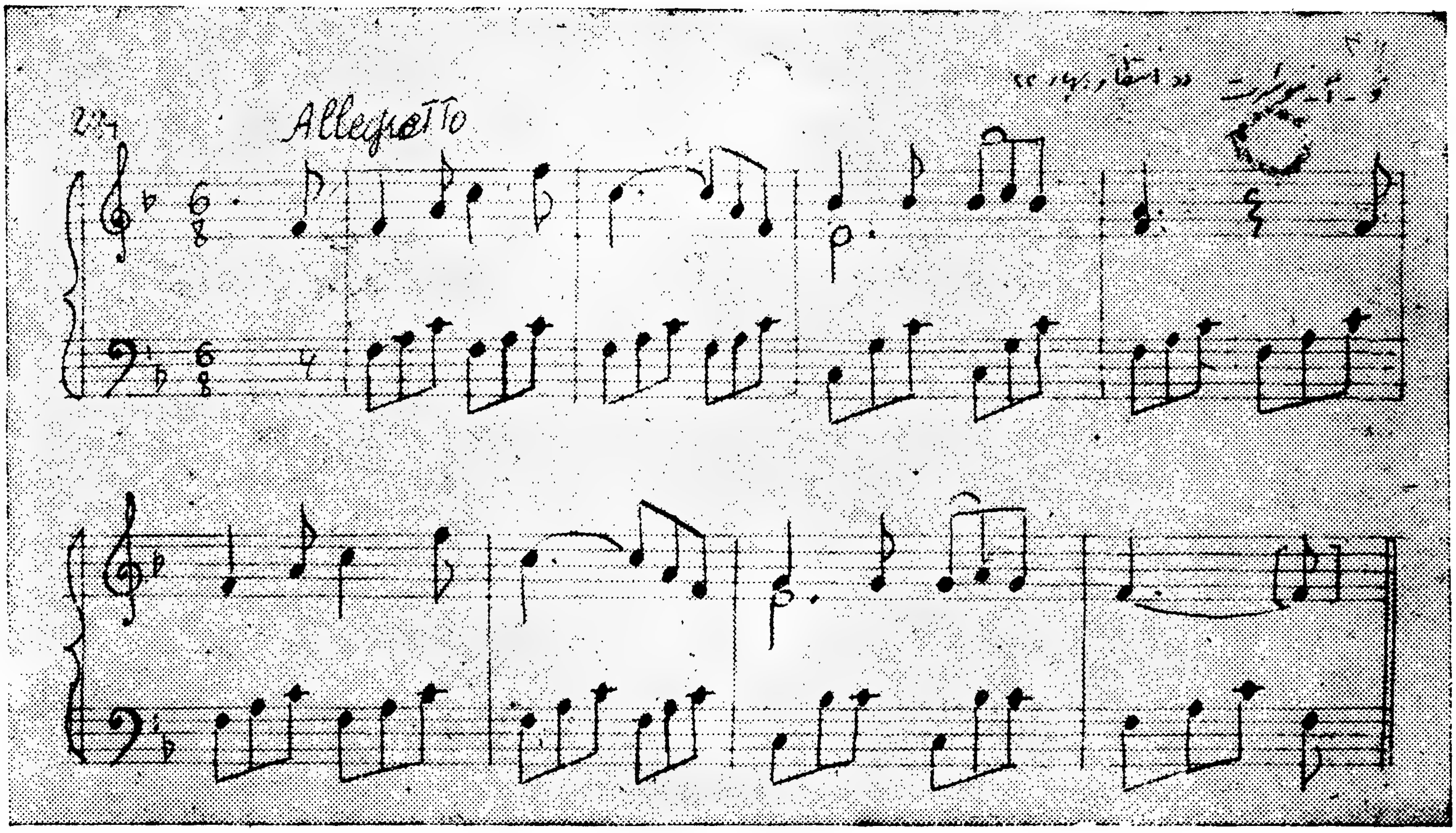

تبصره :ــ تجزیه هارمونی مثال فوق ، دقت متعلمین و آموزندگان را برای هردوخط حامل‌نوت می‌خواهد. اکوردهای فوق بطور هموارشده داده شده‌است یعنی بصورت سلسله‌حرکات اصوات ، که‌یکی بعد ازدیگری می‌آیند.

هارمونی سوب دو مینانت :ـ عبارت از هارمونی ایست که :

یکی از اصوات آن همرای تون اساسی گام (تونیک) توافق میکند . و مخصوصاً به همین نسبت از هارمونی دومینانت به نسبت قـدرت کمتر خود فرق میشود .

دور خوردن اساسی هارمونی

قدرت‌واعتبار هارمونی راقسمیکه درفوق تذکر یافته ، بصورت عمومی توافق اکورد هامیان هم دیگربوجود می‌آورد (یعنی سلسلهٔ حرکات‌آنها) دور خوردن اساسي هامورنی به قرار ذیل خدمت میکند .

دورخوردن تونیک ، دومینانت (T-D یا D-T)
دور خوردن تونیک ، سوپ دومینانت (T - S یا S - T)
دورخوردن مکمل هارمونی ، که در آن هرسه اکورد وجود دارد ـ که عبارت از اکورد های اساسی و مهم گام میباشد (S-D-T)
دورخوردن بریده شده شکل مخصوص سلسلهٔ هارمونی را تقدیم میکند . وآن عبارت است از هارمونی دو مینانت که اکثراً به تونیک اجازه داده میشود . ولی توسط اکورد غیر تونیک مقابله میشود و بقسم بریده شده جلوه میکند . (مثلا وقتیکه $D7$ به مرتبهٔ VI اجازه داده میشود)

نمونهٔ دورخوردن بریده شده ـ

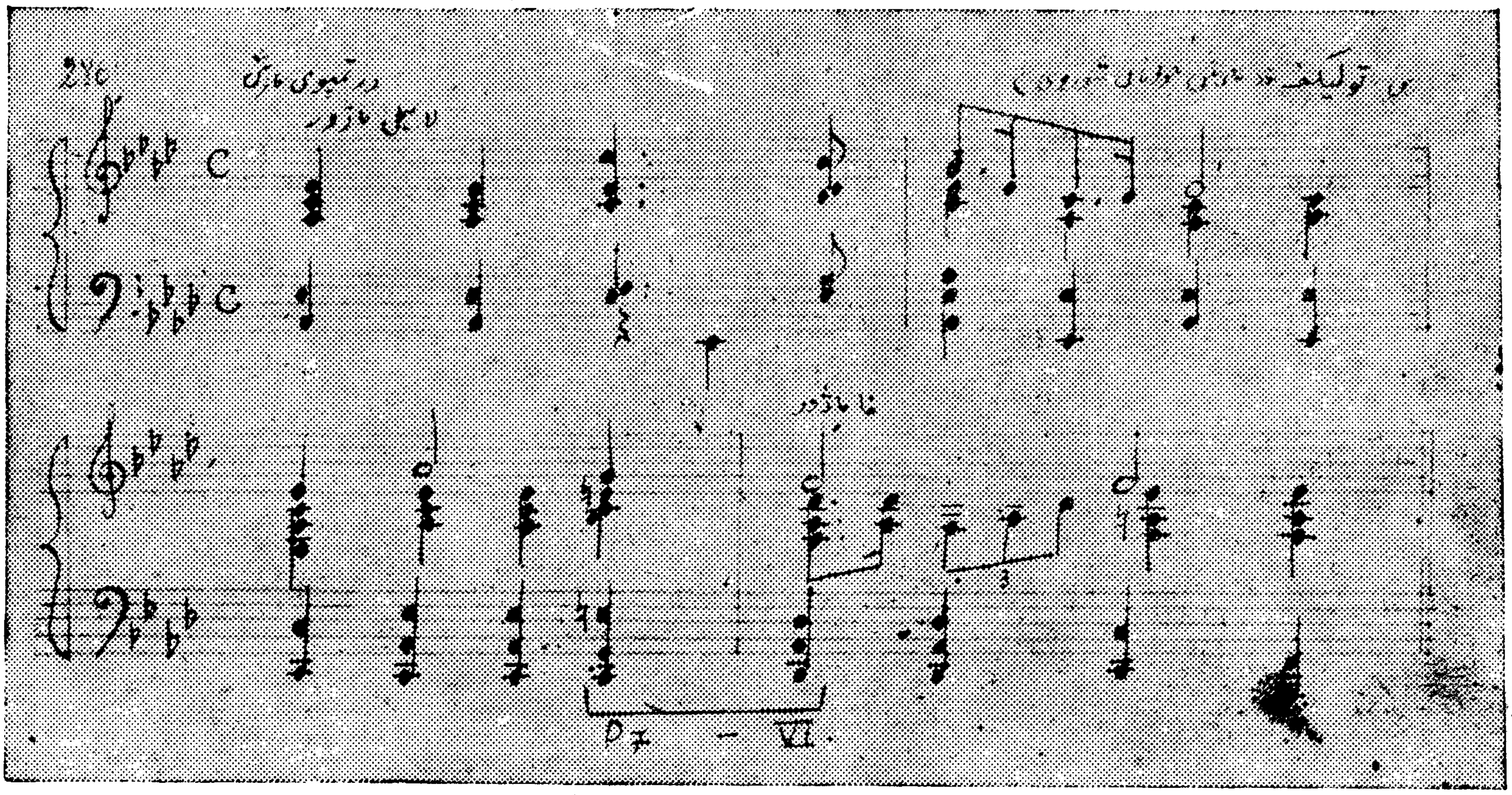

مودلیاسیون (انتقال از یک تونالیته به تونالیتهٔ دیگر)

توسعه میلودی اکثراً تبدیل تونالیتهٔ موجوده را به تونالیته جدید تقاضا میکند . که بعداز آن قانوناً میلودی دوباره به تونالیته اصلی مراجعت میکند.
تبدیل شدن تونالیته ، وهم باز گشت به تونالیته اصلی . بنام مودولیاسیون یاد میشود . به این صورت ممکن است که از تونالیته اصلی ، به تونالیته تابع شده و یا برعکس ازتونالیته تابع شده به‌تونالیته اصلي مراجعت صورت بگیرد .

توسعه طرق موزیک باهر تونالیته مخصوص رنگ صوتی مخصـوص را بخود میگیرد ، کمپوزرهای مشهوردنیا به تبدیل تونالیته دراثر موسیقی اهمیت زیادی را قایل اند .

دراثر نقل به تونالیته جدید میلودی امکان فصاحت بیشتری راپیدا میکند. مفهوم مود لیاسیون بی‌اندازه وسیع وبزرگ است . در آن (مودلیاسیون) تبدیل موقت تونالیته ویا تبدیل تونالیته و محکم شدن در تونالیته جدید ، داخل میشود . (انواع مخصوص مود لیاسـیون) سلسلهٔ تونالیته دراثر موسیقی (پلان تونالیته) مربوط است به تونالیته های تابع همرای تونالیته های اصلی ، که ازاشکال غیرقابل مجزا از موزیک میباشد . این تونالیته ها به نوبهٔ خود در اثر موزیک و درام موزیکال افکار معین را پخش میکنند .
تبدیل تون اساسی تونالیته اصلی به تون اساسی تونالیتهٔ موازی خاصیت عضوی اکثر خواندن های خلقی میباشد .
نمونه نقل از تونالیته اصلی به‌تونالیته موازی از آثار کلاسیک .

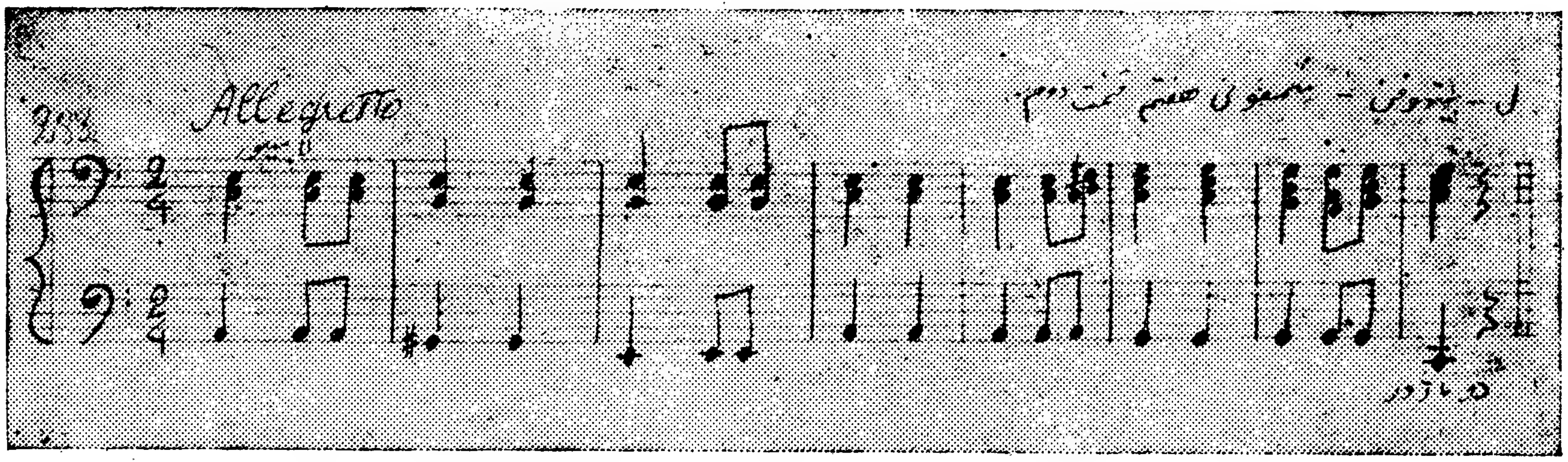

مودو لیاسیون در تونالیته دومینانت (یا در تونالیته های دومینانت های موازی) یکی از اشکال خیلی رایج است :-
نمونهٔ مودو لیاسیون به‌تونالیته دومینانت و موازی‌های‌آن .

تونالیته سوب‌دومینانت‌ها (مثل تونالیته های سوب دومینانت موازی) اکثراً بقسم تبدیل تونالیته بصورت مؤقتی عرض وجود میکند این نوع تمایل به‌تونالیته‌دیگر بصورت مؤقت ، اکثراً در قسمت های اخیر آثار موسیقی برای دوباره آمدن به‌تونالیتهٔ اصلی استعمال میشود . نمونهٔ مودولیا سیون به تونالیته سوب دومینانت ها

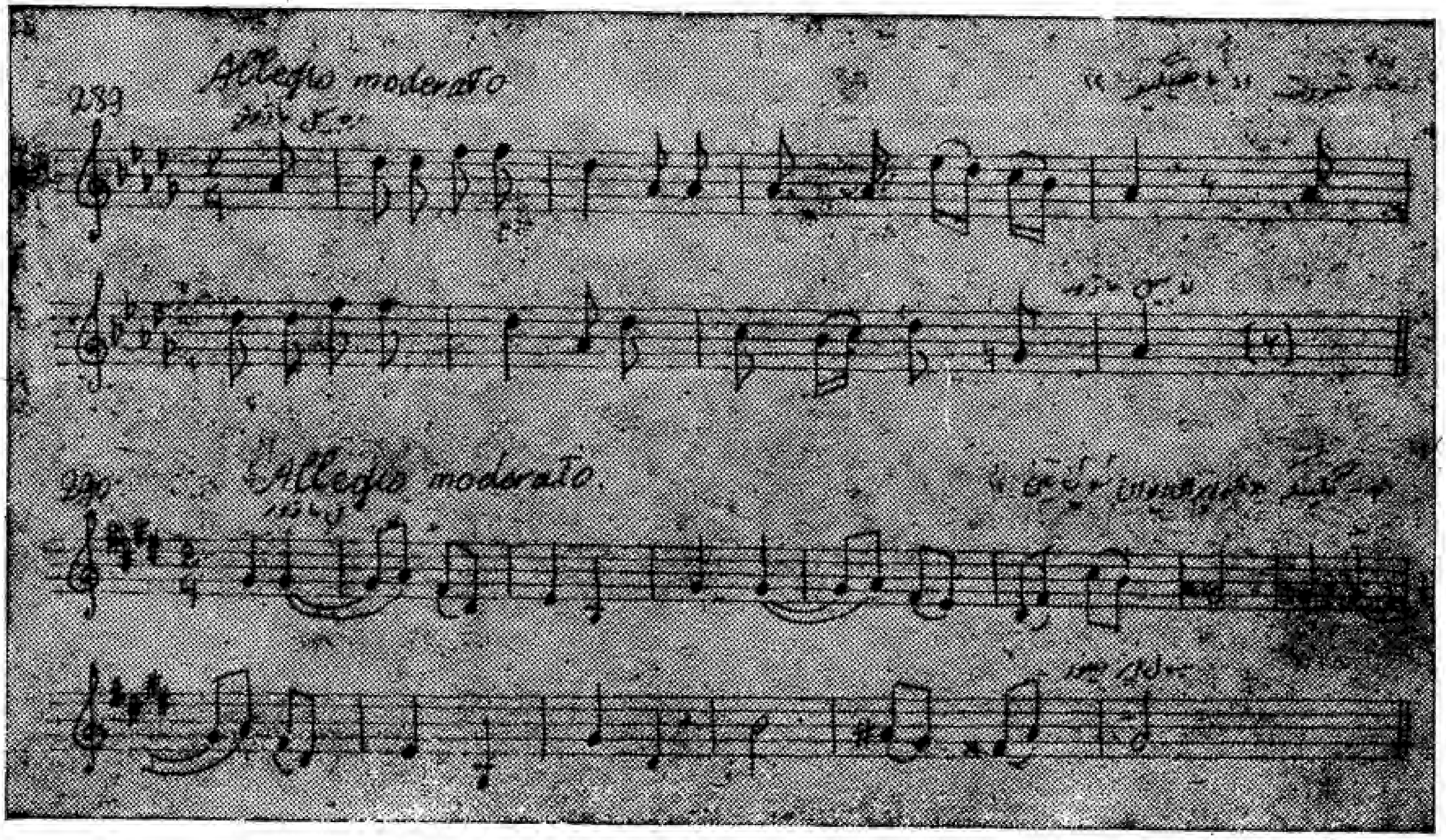

در صورتیکه مودولیاسیون به ترتیب اجرا شود بنام مودولیا سیون گذرنده یاد میگردد

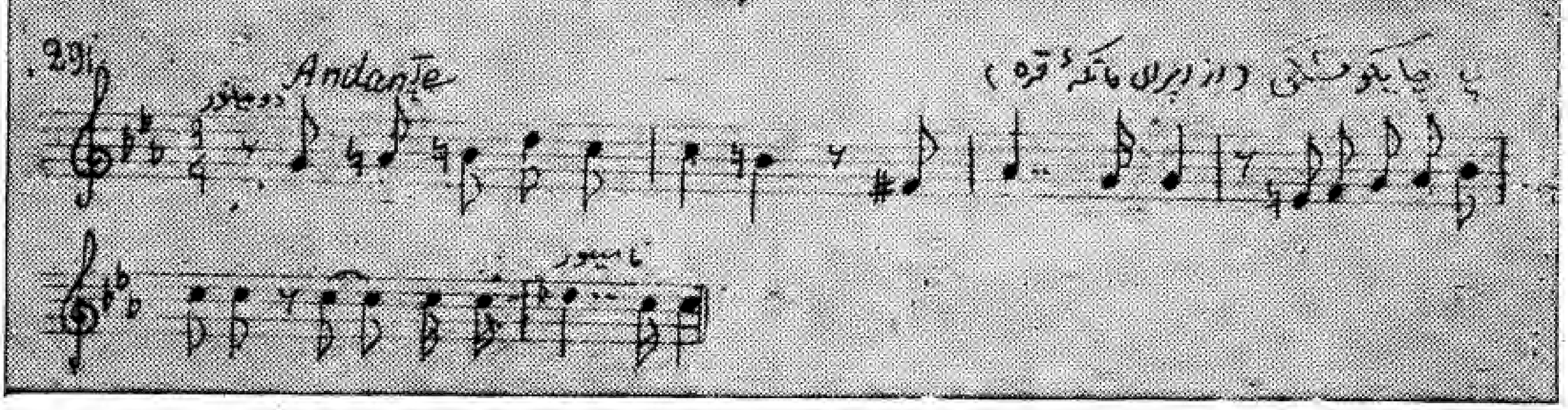

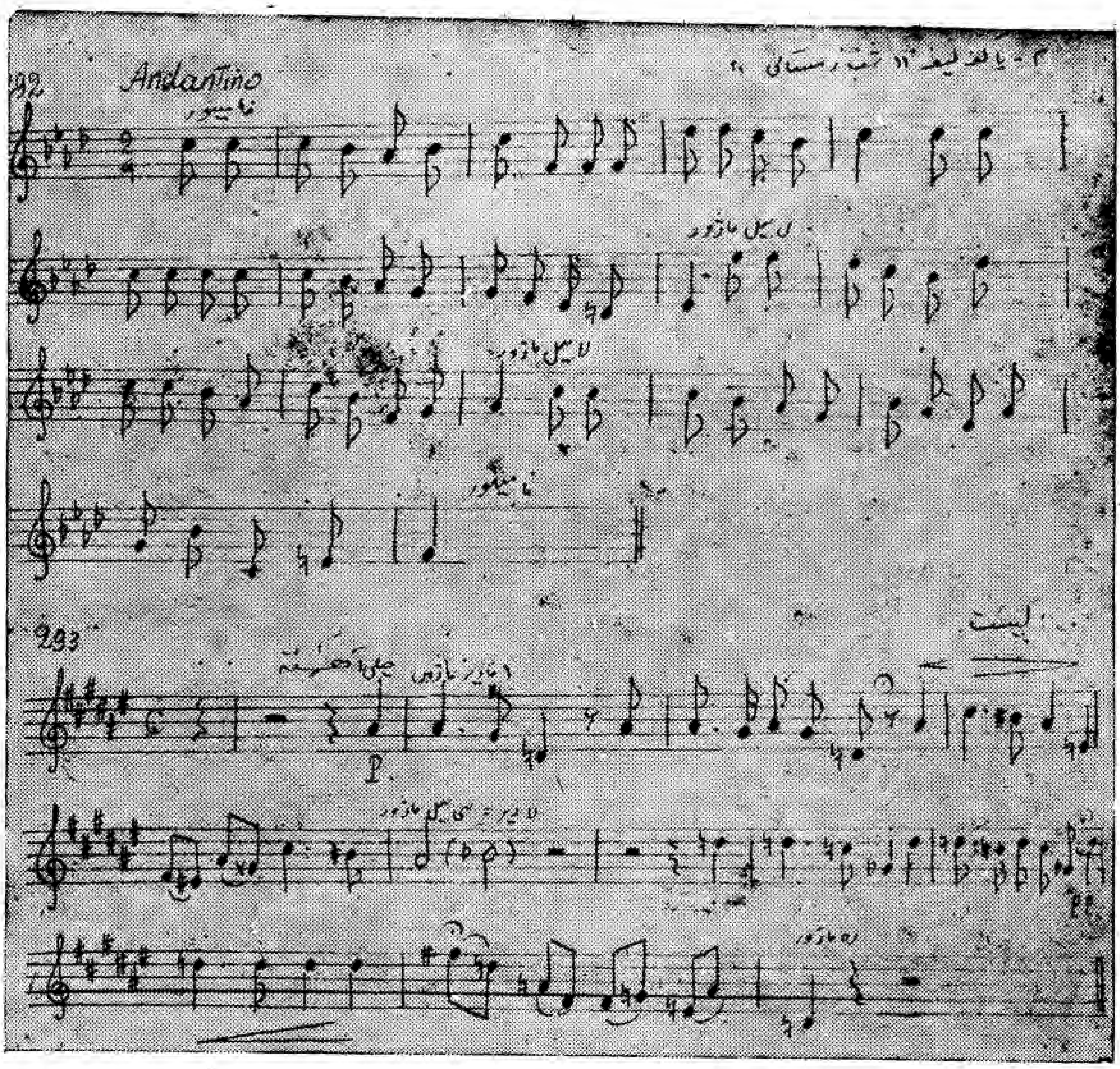

در کمپوز عمومی آثار موسیقی وسیله‌اساس هنری و فصاحت ،عبارت از میلودی ، ریتم، هارمونی همرای تبدیل تونالیته میباشد .

فصل یازده هم

اجرانمودن اشارموسیقی

کرکتر وطریق اجرا نمودن :-

در مقصد اصلی اثر مو سیقی ، کرکتراجرانمودن آن وجوددارد. برای آنست که اجرا کننده باید پیشتر از همه مقصد اثررا بفهمد درین قسمت گوش موزیک و تیوری موزیک ، به او کمک خواهد کرد - وظیفهٔ اساسی تیوری موزیک واهمیت آن در همین است :

شلیاپن (یکی از آواز خوان های مشهور روسی که‌در عین زمان شهرت جهانی دارد)

درین قسمت گفته است : (درالفبا حروف وجود داردوهم درموزیک علامات شما میتوانید توسط این حروف همه چیز را بنویسید ، و تمام کلمات را توسط آن ترسیم کنید ولی . آهنگ هوا نیزوجود داردکه ترسیم یا تحریر آن توسطحروف امکان‌ندارد، زیرا اینطورحروف وجود ندارد چطورمیتوانیم مفکورهٔ خوانندهٔ بزرگ را با ضرورت فراگرفتن موزیک بهم مربوط سازیم .

شلیاپن مثل یک نقاش بزرگ نشان میدهدکه : (قسمت دانسته شده کار اهمیت حل‌کننده دارد) دروقت فراگرفتن تیوری موزیک ، لازم است بخاطر سپرده شود که متن نوت را ، نه تنها لازم است بصورت درست خواند ، بلکه ماهیت و مفکورهٔ آن را نیز بصورت صحیح باید تشریح نمود .

بمقصد فهماندن به شخص اجرا کنندهٔ اثر بصورت صحیح ، توسط آواز یا آله موسیقی ، کمپوزیتور بالای نوت ها (اکثراً به لسان ایطالیائی) اصطلاحات مخصوص موزیک را علاوه می نماید . که معنی طریق اجرانمودن وکرکترحرکات ، دینامیک (آهسته یا بلند) هیجان وغیره را ارائه میدارد به این صورت گوش موزیسین را برای درست اجرا نمودن آهنگ و جملات موزیک آماده می سازد .

اصطلاحات موزیکی که کرکتر (نوعیت) یاحالت اجرای اثر را ارائه میدارد .

در اینجا اصطلاحات موزیک که زیادتر رایج هستند آورده شده است ، که ترجمه آن بفارسی تشریح مفکوره ، معنی و اهمیت آن را برای اجرا کننده واضح میسازد .

Agitato	(اژیتاتو)	تحریک شده
Allamarcia	(آله مارچیه)	شبیه مارش
Appassionato	(اپسیپا ناتو)	
Brillante	(بریپانته)	با تجللی
Cantabile	(کانته بیلی)	پر آواز
Commodo	(کومودو)	راحت
Con amoro	(کان اموری)	با محبت
Con anima	(کان انیمه)	بااحساس وعلاقهٔ روحی
Con brio	(کان بریو)	باعلاقهو حرارت
Con dolore	(کان دولوری)	با تأثیر ـ غمگین
Con espressione	(کان اسپریسیانی)	با افاده ـ با معنی
Con fuoco	(کان فیکو)	با حرارت
Con moto	(کان موتو)	با حرکت
Con passione	(کان پسیپانی)	
Animato -	(انیماتو)	با علاقهٔ روحی
Pesante	(پزانته)	پروزن

Risoluto	(ریزولیتو)	جدی و مردانه
Scherzando	(اسکر سانرو)	مزاح آمیز
Semplice	(سامپلیس)	ساده
Smorzando	(سمو رساندو)	صوت‌را آهسته‌آهسته‌خفه کردن
Tranquillo	(ترانکییو)	راحت ـ آرام
Dolce	(دولچه)	ملایم‌وشرین
Doloroso	(دولوروزو)	غمگین ـ متأثر
Energico	(انرژیکو)	انرژیک
Eroico	(ایروریکه)	قهرمانانه
Espressivo	(اسپر یسیوو)	با افاده
Festivo	(فستیو)	مسرور
Giocoso	(ژی او کوزو)	مزاح آمیز
Impetuoso	(ایمپو تو اوزو)	
Lamentoso	(لامنتوزو)	گله آمیز ـ شکایت آمیز
Leggievo	(لگژییرو)	آسان
Lugubve	(لیکو گوبره)	تاریک و غمگین
Maestoso	(میستوزو)	پر افتخار و جدی
Marcial	(مارسییل)	شبیه مارش
Mesto	(میستو)	غمگین ـ تحقیرشده
Morendo	(موروندو)	آهسته ، آهسته از بین رفته
Pastorale	(پستورالی)	
Patetico	(پتیتیکو)	

اصطلاحات ایطالیائی

معنی دهنده طریق اجرا کردن موزیک .

طریقه اجرا کردن موزیک را اصطلاحات مخصوصی ارائه میدارند . که اکثراً درشروع اثرتحریر میشوند. مثلاً (*Legato*) (لیگاتو) اجرا نمودن پیوسته . که توسط یک خط کمان یا دربالا و یا درپائین نه تنها ترسیم میشوند .

نمونه‌ومعنی لیگاتو در مثال نوت .

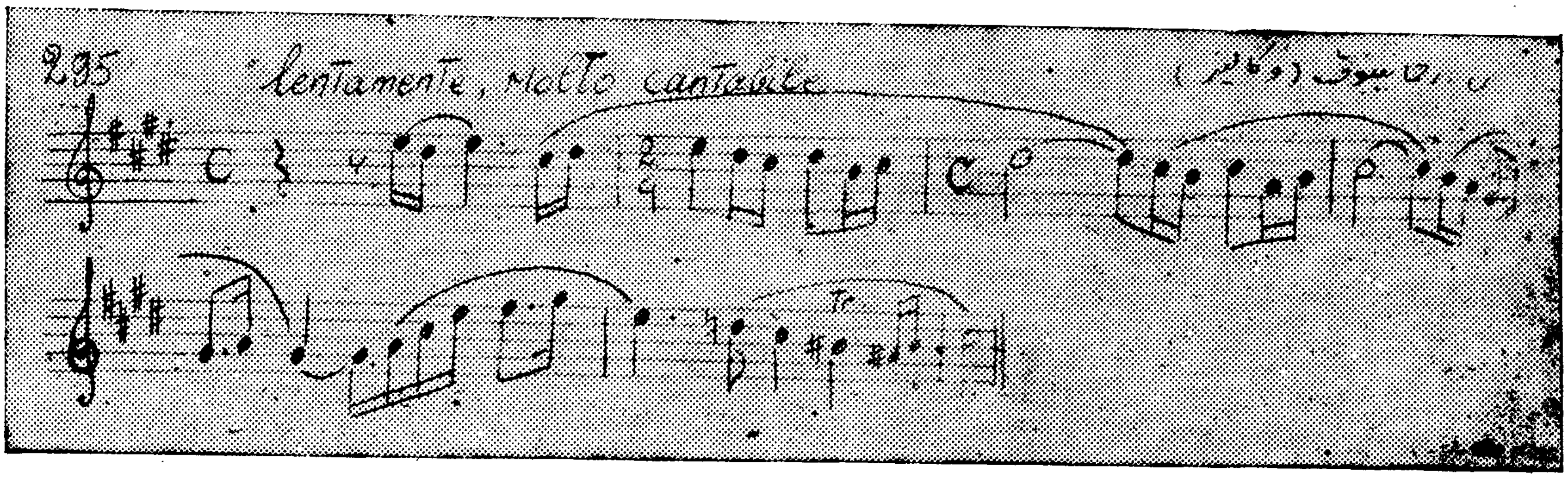

در ینجا مقصد کمپوزیتور اینست که : بایــد اثر بصورت لیگاتو اجرا شود . مثلیکه در یک نفس این تصنیف غمگین و متفکر را باید پخش نمود : ـ

ستـه کاتو ـ *Staccato*

اجرا نمودن جدا جدا که اکثراً توسط نقطه در بالا یا در پائین نوت تحریر میشود ، شکل اجرای اثر را بصورت قطع شده نشان میدهد : ـ

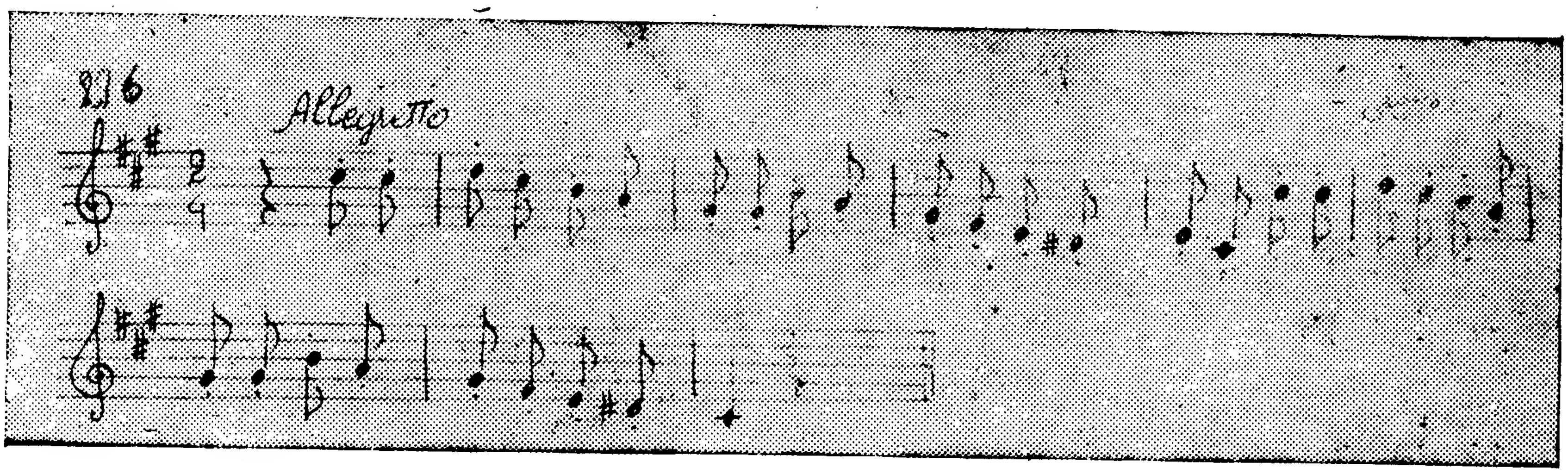

مثال فوق که توسط کمپوزیتور آن ، با نقاط نشان داده شده . طریق اجرای آن توسط اصوات مقطع و جدا جدا به آسانی به میلودی مینور ، حالت خنده دار میدهد .

اصطلاحات دیگر : ـ

Con Sordini	(کال سوردین)	همرای سوردین
Detache	(دیتشی)	مربوط نساخته
Glissando	(گلیساندو)	لغزیده
Martellato	(مرتیلاتو)	شدید ـ جدا شده
Non legato	(نان لیگاتو)	مربوط نشده
Senze Pedale	(سانزه پدالی)	بدون پدال
Tutti	(توتی)	همه

انواع دینامیک (قدرت)

عین جمله موزیک را میتوان آهسته و یا بلند اجرا نمود . واضح است که نوع دینامیک مربوط بگوش اجرا کننده است . هـر قدر گوش موزیک فصیح باشد ، همانقدر اجرا نمودن اثر باریک تر، دقیق‌تر ومعتبر تر ودرست تر خواهد بود .

انواع اساسی دینامیک

بطور اختصار توسط (*F*) نشان داده میشود ـ پر آواز ـ (بلند) ـ ***Forte***
» » » (*P*) » » » ـ کم‌آواز ـ (خفیف) ـ ***Piano***
به ترتیب به‌قوت آواز افزودن (کریشندو)
» » از قوت آواز کاستن (دیمی نوینده)

(تمپ ـ (*Tempo*) یا سرعت)

هر تصنیف موزیک توسط حرکت سریع و یا کم سرعت اجرا می شوند . که ذیلاً مهمترین اصطلاحات آن تذکار میگردد .

تمپو های آهسته

دامنه دار	(لارگو)	***Largo***
فراخ	(لنتو)	***Lento***
آهسته	(اداژیو)	***Adagio***
آهسته (ازادژیو کمی تیز تر)	(آندانته)	***Andante***

تمپو های متوسط

متوسط	(مودیراتو)	***Moderato***
نه زیاد سریع	(آندانتینو)	***Andantino***
سریع	(الگریتو)	***Allegretto***

تمپو های سریع

سریع	(الگرو)	***Allegro***
از الگرو سریعتر	(ویو)	***Vivo***
خیلی سریع	(پرستو)	***Presto***

اصطلاحات معنی دهندهٔ سریع ساختن و یا آهسته ساختن حرکات

درقسمت اجرای تمپوی

اثرموزیک مختار بودن	(تمپو ریوباتو)	*Tempo ، rubato*
سریع ساخته	(اچیلیراند و)	*Accelerando*
کم سرعت ساخته	(رولنتاندو)	*Rallentando*
کم سرعت ساخته	(ریتردا ندو)	*Ritardando*

سوالات امتحان صنف تیوری موزیک و نمونه‌های حل سوال

برای امتحان تیوری موزیک معلم تکت های امتحان را ترتیب میدهد که از سوالات امتحان تقدیم شده استفاده نموده و درجه امادگی صنف را معلوم میدارد :-

۱- از ادبیات موزیک ، تونالیته مثال ذیل را پیدا نمائید . گام تونالیتهٔ مذکور را درحال بالا رونده وپائین رونده در کلید باس وکلیدصول بنویسید بعداً گام مذکور را شروع از مرتبه *III* (ویا کدام مرتبه دیگر) بصورت بالارونده وشروع از مرتبهٔ *VI* ویا مرتبه دیگر بطور پائین رونده بخوانید.

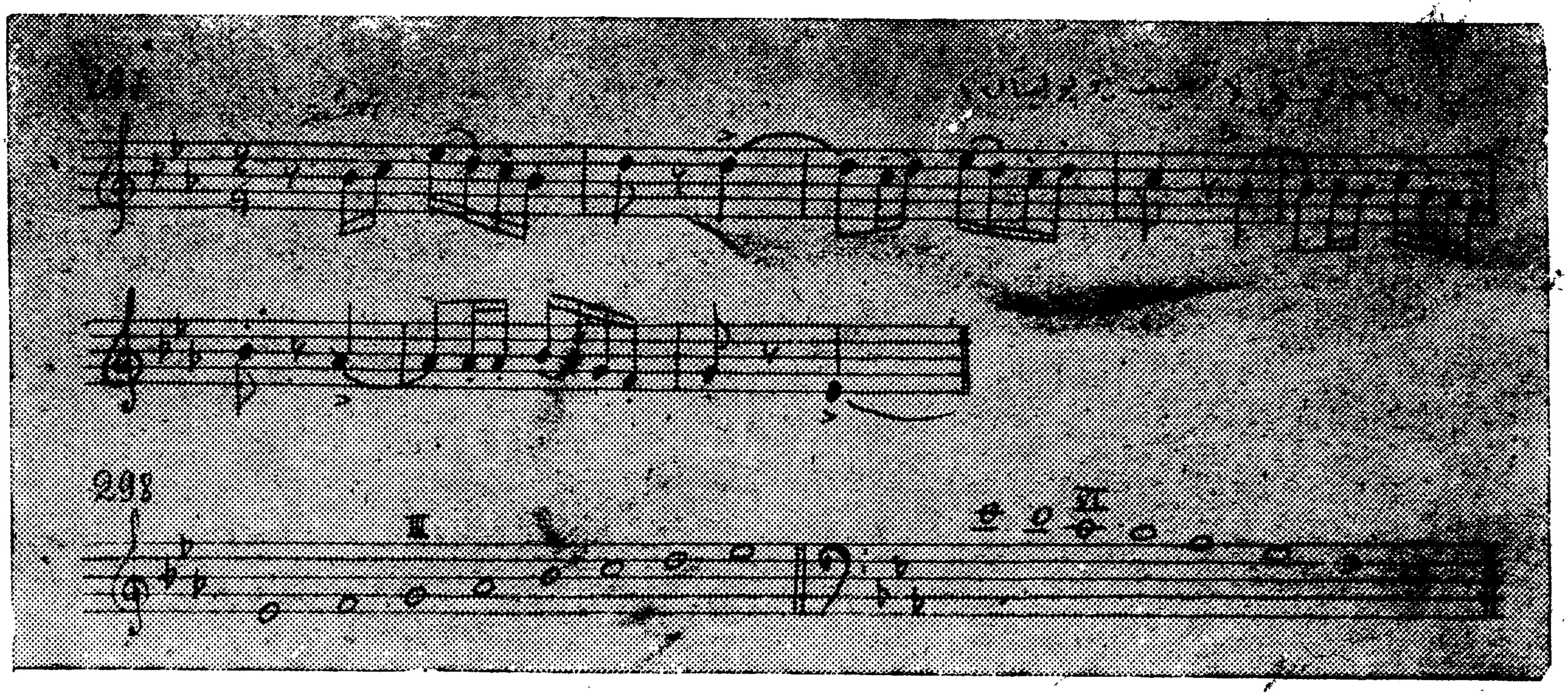

۲ ـ تونالیته مثال ذیل را پیدا نموده ، بعداً سه آوازه های مهم تونالیته یافت شده را تحریر و بعداً دومینانت سپت اکورد آن را یافته، و اکورد های مذکور را بخوانید و بنوازید .

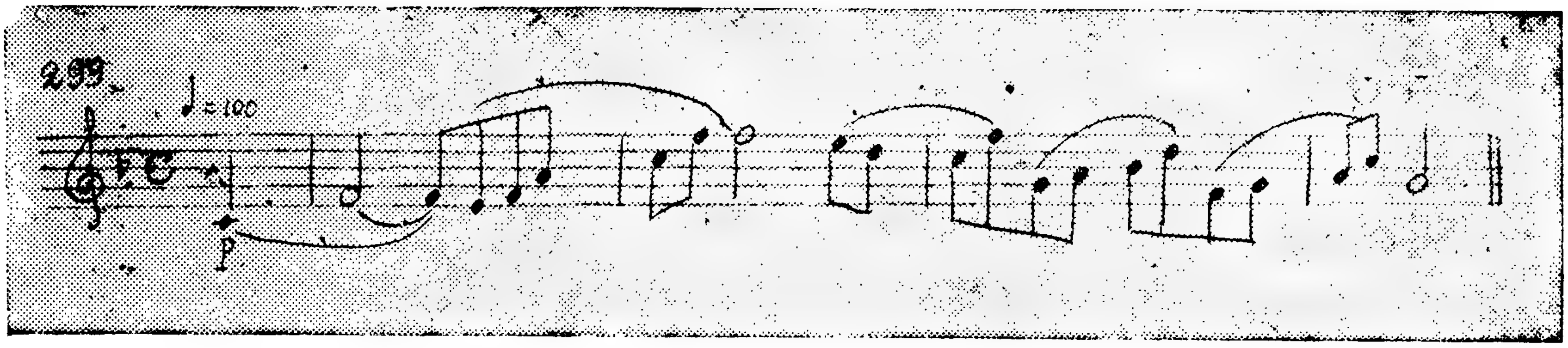

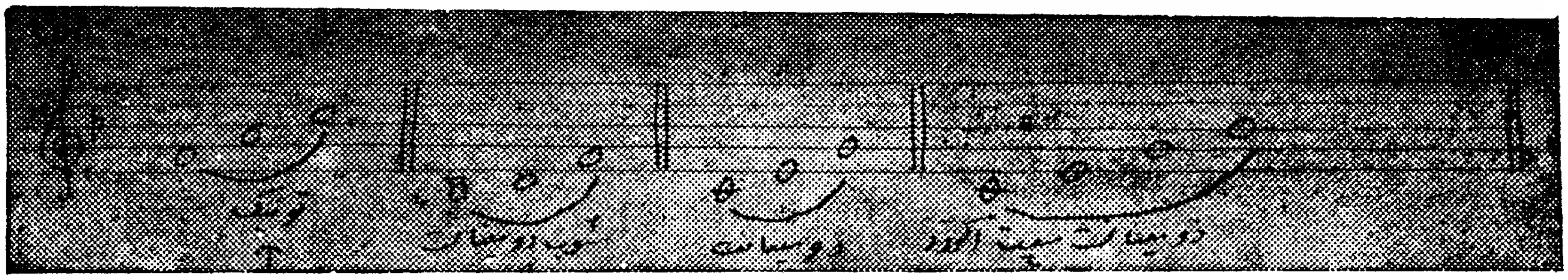

۳ ـ انتروال های فراخ ـ یکه در مثال ذیل وجود دارد . پیدا نمـودن و کانسونانس و یا دیسونانس بودن آن رامعلوم، وتوسط اعدادمرتبهٔ آنهای‌را که‌انتروال فراخ‌را بوجود می‌آورند ـ تعین بدارید . وبعد از آن که‌به‌تونیک مثال ذیل سر شدید آنها را بخوانید .

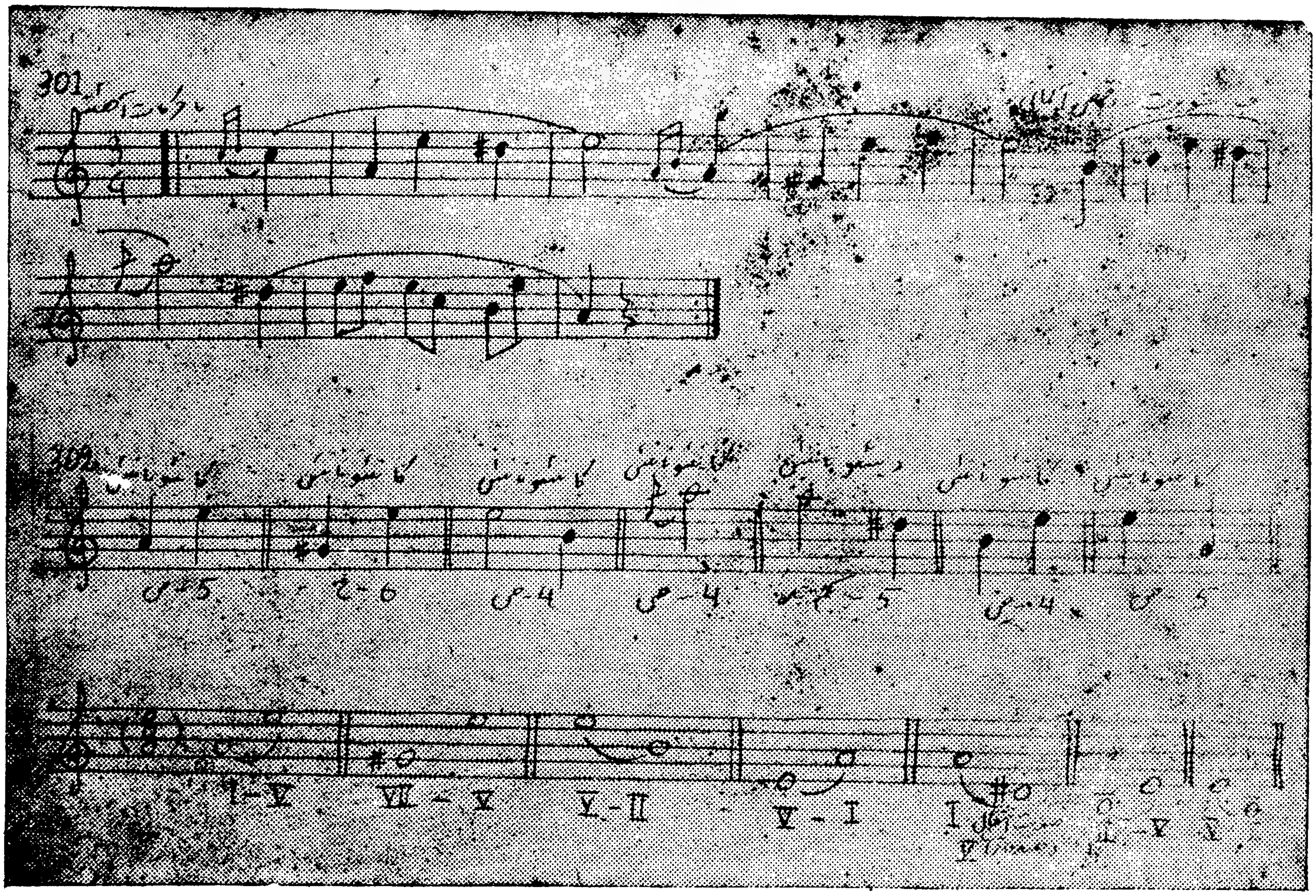

۴ ـ تونالیته اصلی ، وتونالیته ایکه در آن میلودی انتقال می‌یابد ، پیدا نموده وآن رابنوازید یا بخوانید ، سه‌آوازهٔ تونیکی تونالیته اصلی و تونالیته تابع شده را پیدا کنید وهم موقعیت تونالیته جدید را نسبت به تونالیته اصلی بیابید . (موازی و یاهمنام)

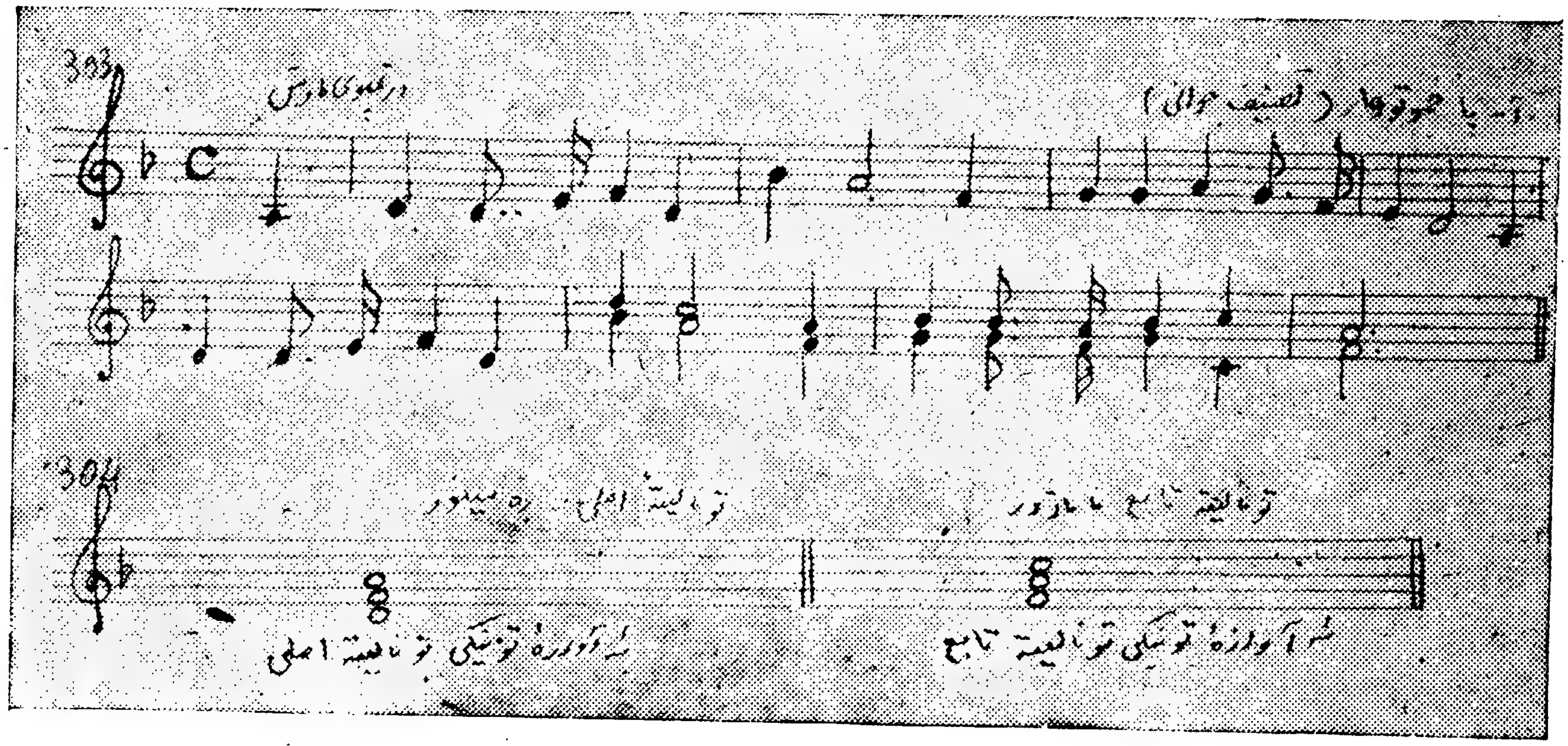

مثال ذیل را در دوماژور (یا تونالیته دیگر) ترانسپوزه نموده ، ومرتبه های مثال ذیل را در تونالیته جدید پیدا کرده ، بعداً تونالیته ترانسپوزه شده ، واصلی را بخوانید ویا بنوازید .

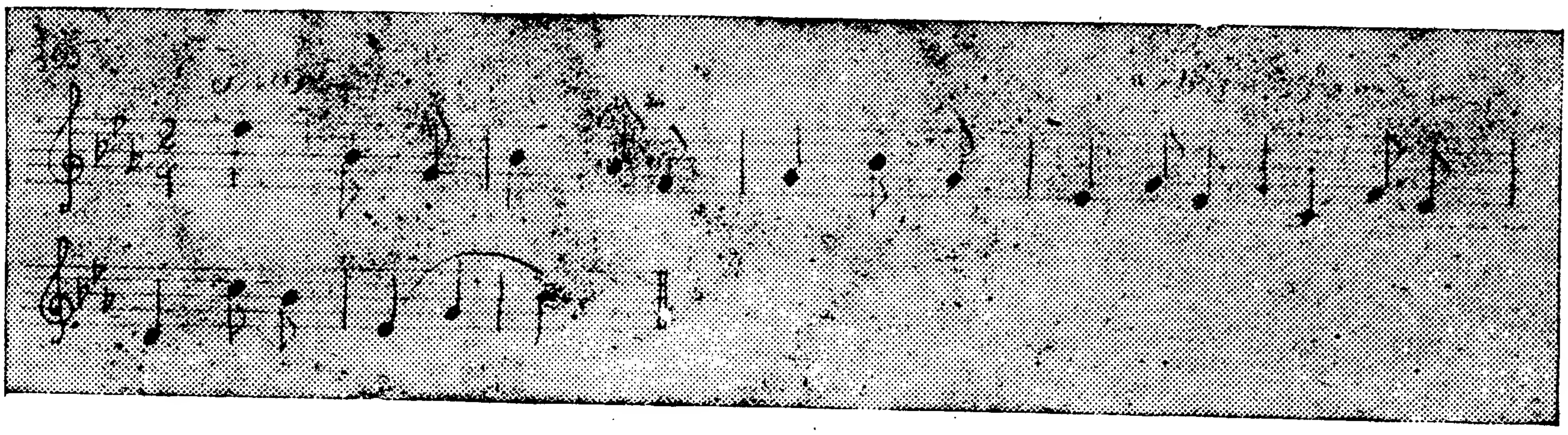

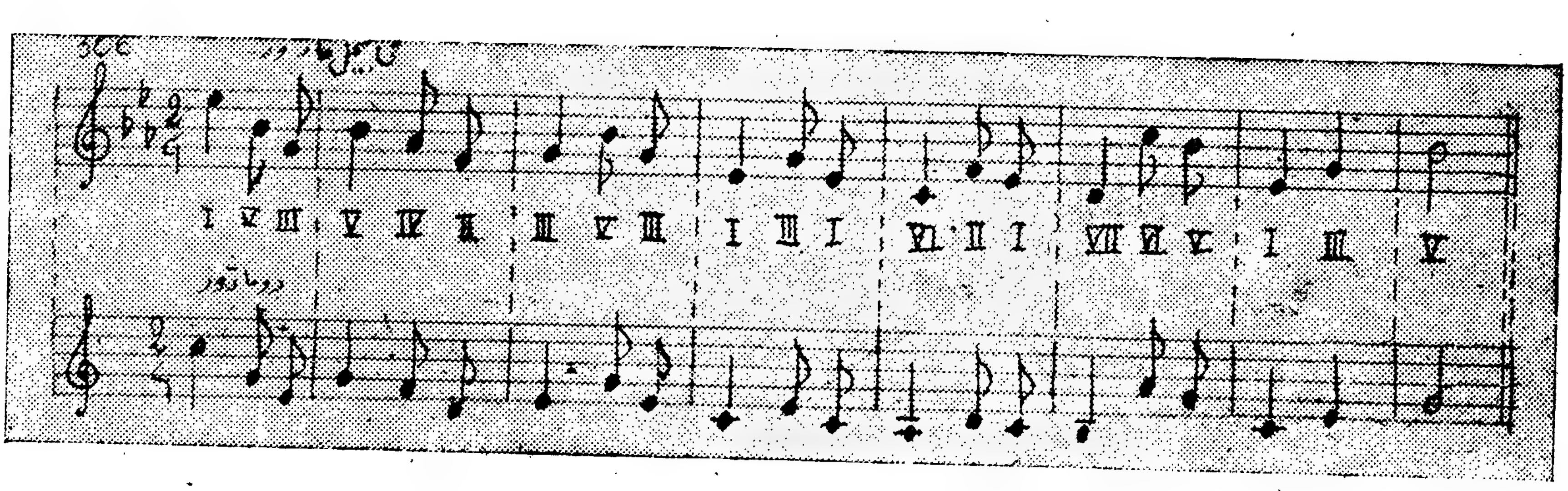

۵ ب :- مثال ذیل را به اندازه ترس خورد بطرف پائین ترانسپوزه کنید (یا بکدام تونالیته دیگر بطرف بالا یا پائین) واز طریق ترانسپوزه انتروال کار بگیرید . بعداً تونالیته ترانسپوزه شده را معلوم نموده وآنرا بخوانید

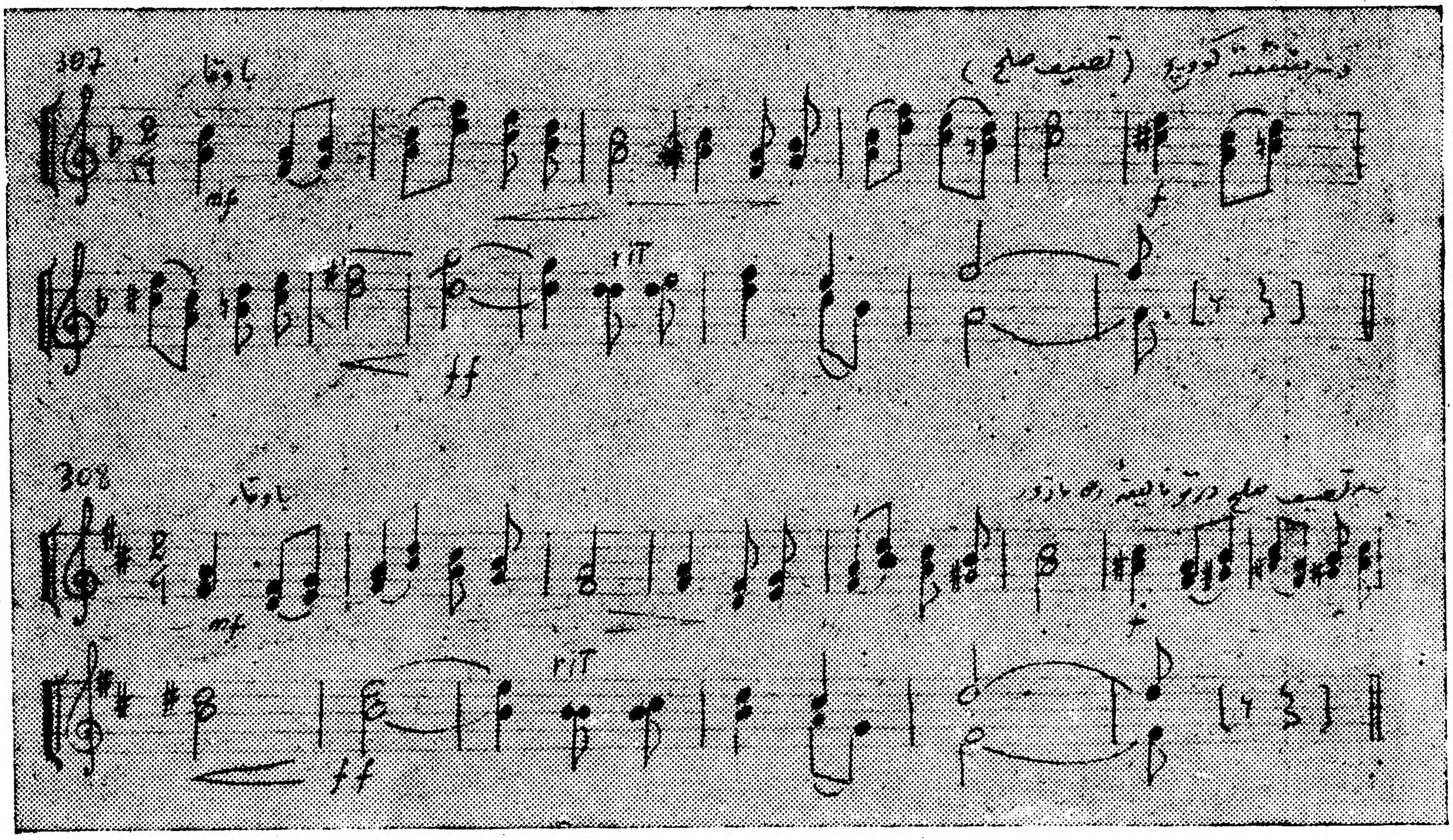

جواب ترانسپوزه تصنیف‌صلح درتونالیته ره‌ماژور

۶- معلوم کنید : کدام اصوات در کدام اکتاو وحدود(صوت پائین‌ترین و بالاترین) واقع اند- مثال ذیل را کــه (کورس یاپارچه آرکسترائی) تشکیل داده است ، یکی ازین پارتی های آن را بخوانید و یا بنوازید :-

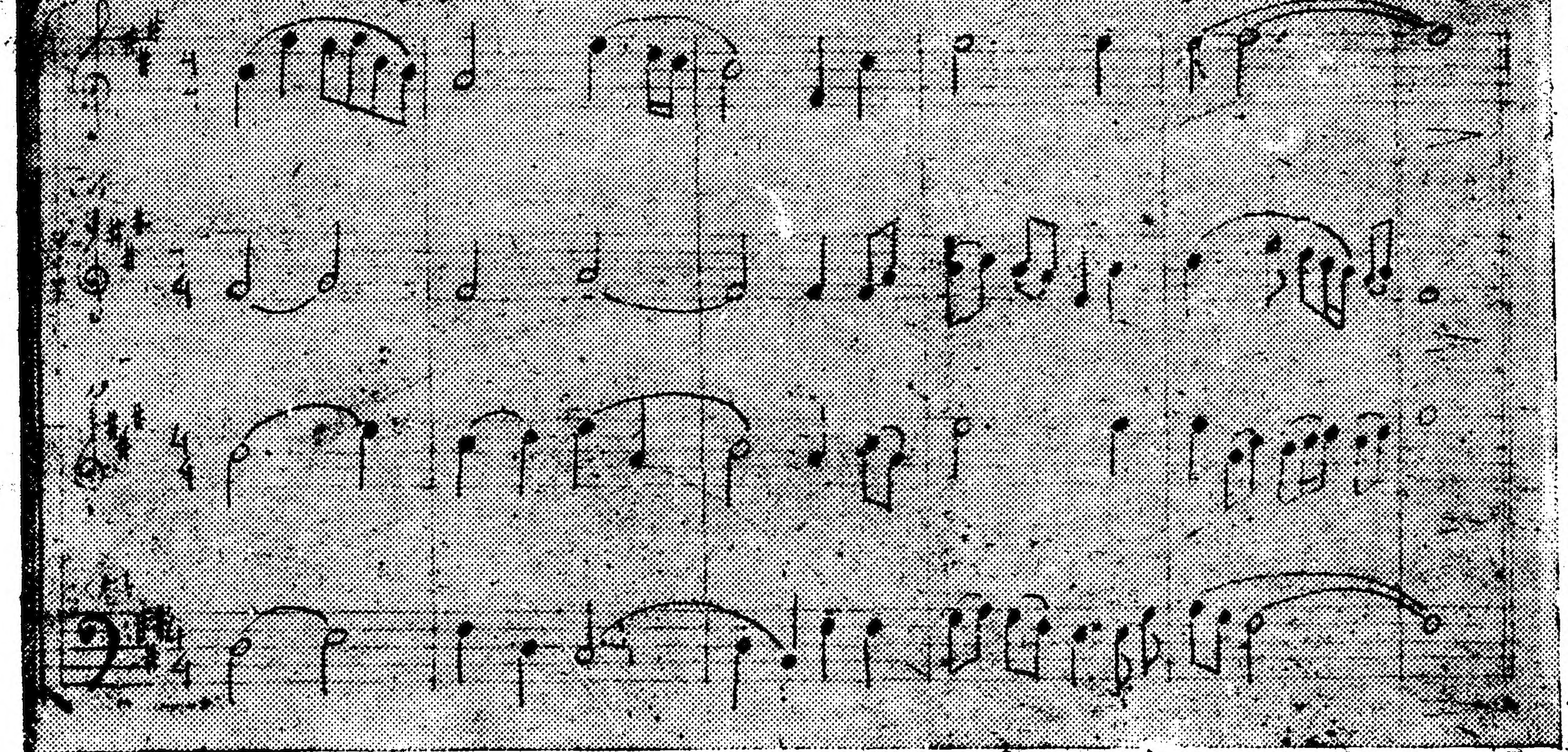

جواب :ـ در کورس مذکور هر پارتی کورس دارای اصوات وسرحدات ذیل هستند .

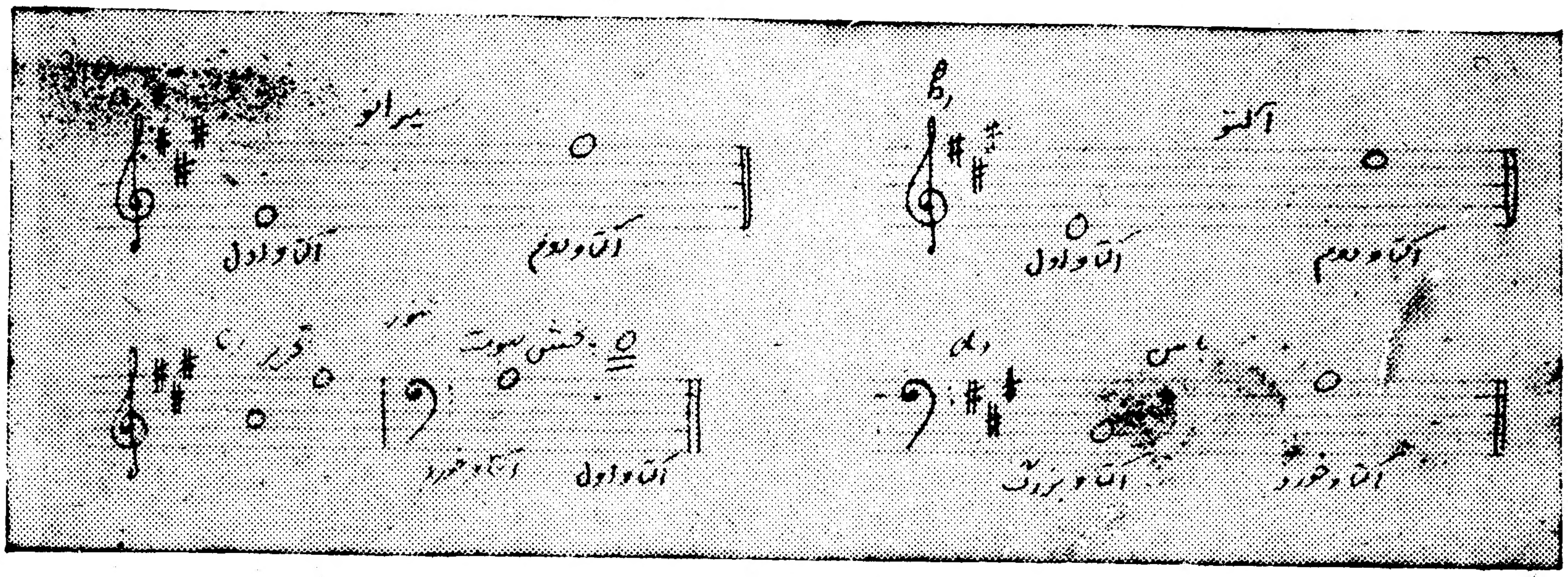

۷ ـ در مثال ذیل ردیف صوت ، و حـرکات نیم تونی را بیرون نویس نموده ، توسط اعداد رومی آن مرتبه های را تذکار بدهید ، کـه انتروال سیکوندخورد را تشکیل میدهند ۰
بعداً این حرکات نیم تونی را بخوانید : ـ

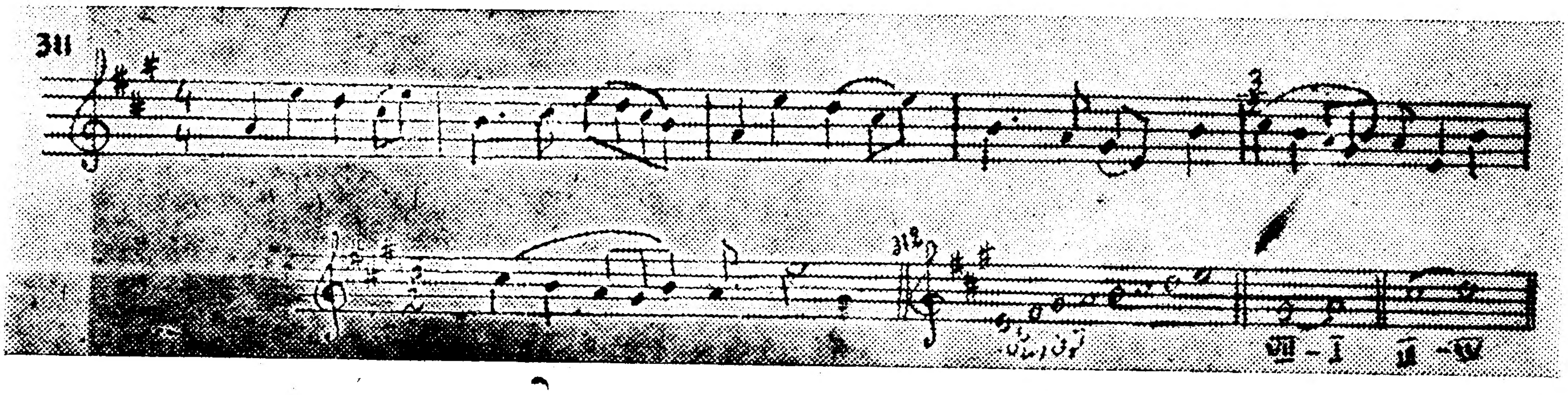

۸ـ جملات مثال ذیل ازکدام مرتبه شروع وبه کدام مرتبه ختم میشود. بعد از اینکه به‌سه آوازه تونیک خـود را سر ساختید . اولا جملات و بعداً تمام مثال را بخوانید.

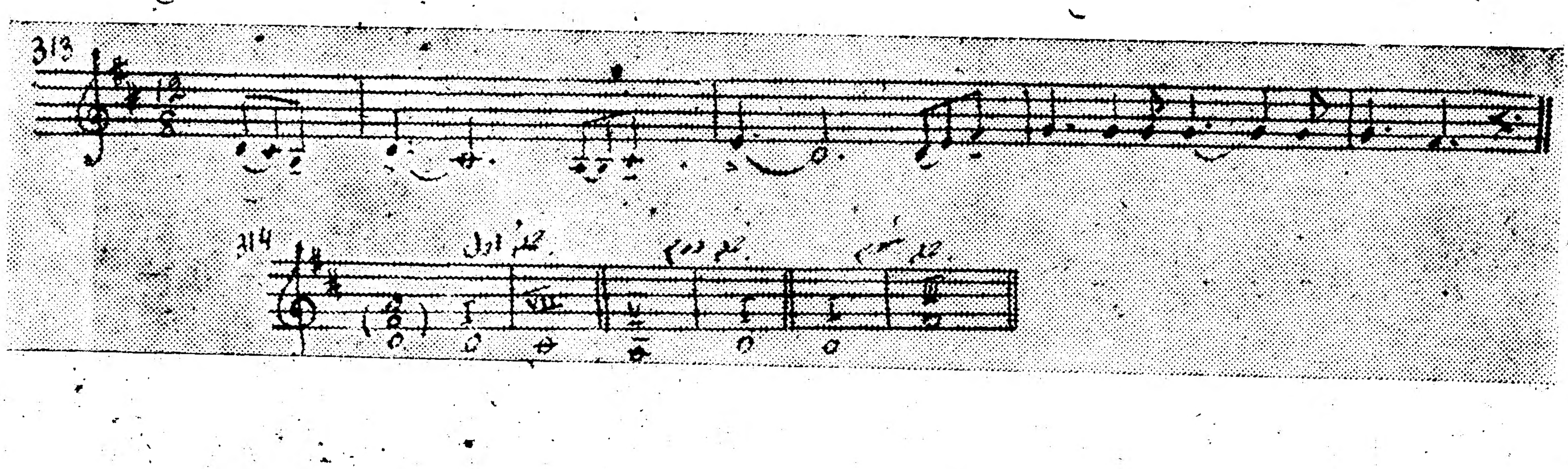

PROPER
ACKU
7386

۹- گام را (یا یک قسمت آن را) بصورت بالارونده و یا پائین رونده باستفاده از یک شکل ریتمی ذیل بخوانید مثلا .

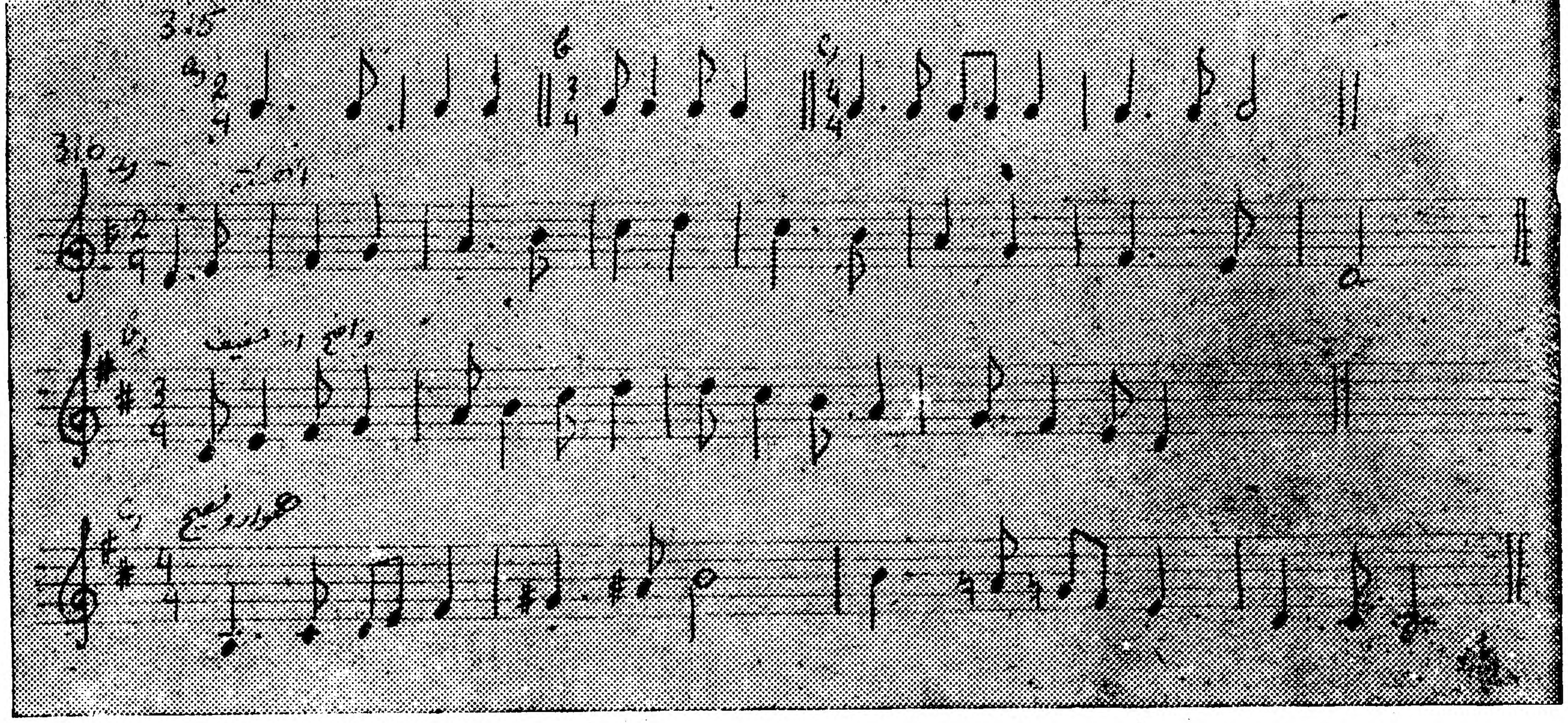

۱۰- در مثال داده شده ذیل تمپو، اشارات دینامیکی و کرکترا را نمودن آن را تشریح کنید.

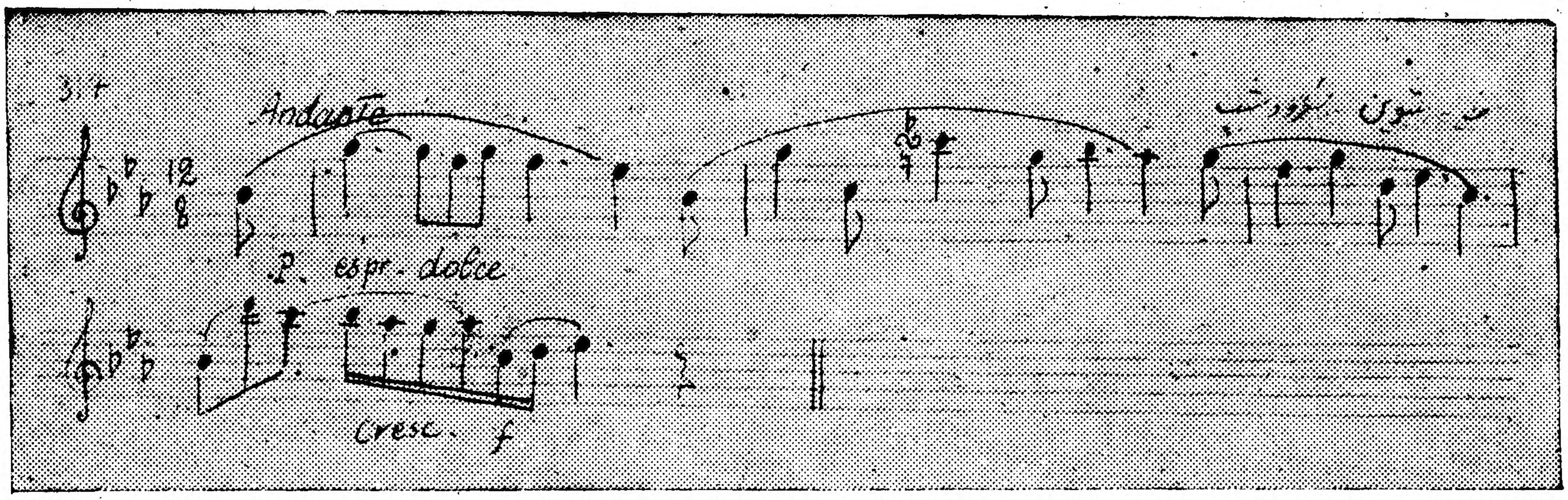

۱۰:- تمپوی اثر ، آهسته و آرام .

اشارات دینامیکی ، درشروع علامهٔ (*P*) پیانه یعنی آهسته گذاشته شده درشروع تکت دوم صوت به ترتیب بلندتر میشودودرتکت اخیر قوت صوت به *F* می‌رسد .

طریق یاکرکتر اجرا نمودن این اثر باید خیلی نرم فصیح ودلنواز باشد.

غلطنامه

در مقدمه ـ در سطر اول کلمهٔ اصوال به اصوات تصحیح شود.
در سطر دوازدهم کلمهٔ فراگرفته به فراگرفتن تصحیح شود.
در صفحهٔ ۳ ـ سطر دوم کلمهٔ چامل به حامل تصحیح شود.

« « ۱۱ـ « اول « می‌روند به می‌آورند « «
« « ۱۵ ـ بعد از مثال ۴۷ بعداز کلمهٔ شفره حرف ها زاید است.
« « ۲۰ ـ سطر سوم کلمهٔ کلیو به کلید تصحیح شود.
« « ۲۴ـ عنوان (وظیفهٔ چهارده دهم به وظیفه چهاردهم تصحیح شود.
« « ۲۵ ـ بعداز مثال ۸۵ کلمهٔ میدهد به بدهید تصحیح شود.
« « ۳۷ ـ سطر اخیر کلمهٔ گذشته به گذاشته « «
« « ۷۰ ـ « هفتم « انترال به انتروال « «
« « ۷۴ ـ « نهم میان قوس‌ها حروف (د) و(و) زاید است
« « ۷۵ ـ « اخیر مثال صوت به‌مثال ردیف صوت تصحیح شود.
« « ۸۱ مادهٔ سوم سطردوم کلمهٔ سپتیم خورد به سیتیم کم‌شده تصحیح‌شود
« « ۸۳ـ بعدازعنوان انتروالهای میلودی وهارمونی درسطر چهارم هردو صورت به‌هردوصوت تصحیح شود.
« « ۱۰۲ـ سطر پنجم بعداز کلمهٔ صوت‌حرف(د) زایداست.
« « ۱۰۳ـ سطر بیستم کلمهٔ لایناهی به‌لایتناهی‌تصحیح شود.
« « ۱۰۹ـ سطر اخیر کلمهٔ بمیل به بیمل تصحیح‌شود.
« « ۱۳۰ـ درعنوان کلمهٔ اشار به آثار تصحیح شود.
« « ۱۳۱ـ کلمهٔ باتجللی به باتجلی تصحیح شود (تحت عنوان اصطلاحات موزیکی).
« « ۱۳۶ـ مادهٔ سوم سطراول پیدا نمودن به‌پیدانموده تصحیح‌شود.